

بسم الله الرحمن الرحيم



## دوفصلنامه علمی پژوهشنامه رسانه بین الملل

سال پنجم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: دکتر پیمان جبلی

جانشین مدیر مسئول: دکتر احمد کاظمی

سرمدیر: دکتر محمدقلی میناوند

مدیر داخلی: محمود ترابی اقدم

ویراستار فارسی: بهنام خسروی

ویراستار انگلیسی: دکتر رحمت حاجی مینه

هماهنگی توزیع: سهیلا نعمتی

ناشر: پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی صداوسیما

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: قشقایی

به موجب ماده ۱۳ قانون مطبوعات، پروانه انتشار «پژوهشنامه رسانه بین الملل» با شماره ثبت ۸۱۹۰۹

در تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۷ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر گردیده است.

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از مسجد بلال، ساختمان اداری صداوسیما، طبقه پنجم

واحد پژوهش‌های کاربردی برون مرزی

کد پستی: ۱۹۹۹۷۱۳۱۱۳ تلفن: ۲۲۱۶۷۱۵۳

نشانی پایگاه اینترنتی نشریه پژوهشنامه رسانه بین الملل: <http://imrl.arc.irib.ir>

نشانی پایگاه اینترنتی واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی صداوسیما: <http://arc.irib.ir>

## دوفصلنامه علمی پژوهشنامه رسانه بین الملل

سال پنجم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

### اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

|                                |                                                                       |
|--------------------------------|-----------------------------------------------------------------------|
| دکتر محمدحسین رضائی قوام آبادی | دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (حقوق بین الملل)                           |
| دکتر طاهر روشندل اربطانی       | استاد دانشگاه تهران (مدیریت رسانه)                                    |
| دکتر اردشیر زابلی زاده         | دانشیار دانشگاه صداوسیما (ارتباطات)                                   |
| دکتر احمد ضابطی چهرمی          | استاد دانشگاه صداوسیما (مطالعات هنرهای نمایشی)                        |
| دکتر سیدمحمد مرندی             | استاد دانشگاه تهران (مطالعات آمریکای شمالی و ادبیات انگلیسی)          |
| دکتر رضا موسی زاده             | استاد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه (حقوق بین الملل عمومی) |
| دکتر داود نعمتی انارکی         | دانشیار دانشگاه صداوسیما (ارتباطات)                                   |

## دوفصلنامه علمی پژوهشنامه رسانه بین الملل

سال پنجم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

### اعضای هیئت مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا)

|                          |                                                             |
|--------------------------|-------------------------------------------------------------|
| دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی | دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (روابط بین الملل)                |
| دکتر توکل حبیبزاده       | دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) (حقوق بین الملل)              |
| دکتر حسن خجسته باقرزاده  | دانشیار دانشگاه صداوسیما (مدیریت راهبردی و رادیو)           |
| دکتر علی رجبزاده طهماسبی | دانشیار دانشگاه صداوسیما (پژوهش هنر و برنامه های تلویزیونی) |
| دکتر مجتبی رضوی طوسی     | دانشیار دانشگاه صداوسیما (معارف اسلامی و تبلیغات)           |
| دکتر سیاوش صلواتیان      | استادیار دانشگاه صداوسیما (مدیریت رسانه)                    |
| دکتر حاکم قاسمی          | دانشیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ع) (علوم سیاسی)      |

## راهنمای نگارش مقاله

**(۱) عنوان و موضوع مقاله:** باید مرتبط با حداقل یکی از حوزه‌های ارتباطات بین‌الملل، روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل باشد. توجه به رویکرد رسانه‌ای (دیپلماسی عمومی) و صبغه برون‌مرزی داشتن دو مؤلفه کانونی مقاله باشد و در نگارش تمام بخش‌های آن نمود داشته باشد.

**(۲) حجم مقاله:** با احتساب تمامی اجزاء آن باید حدود ۸۰۰۰ کلمه باشد. فاصله خطوط یک سانتی‌متر و قلم مورد استفاده BMitra با شماره ۱۳ باشد.

**(۳) صفحه اول:** باید شامل عنوان مقاله، چکیده، نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان) یا پژوهشگر (پژوهشگران)، به‌همراه مدرک تحصیلی، درجه علمی و نشانی پست الکترونیکی آنان (در پاورقی) باشد.

**(۴) چکیده:** چکیده باید به فراخور محتوای مقاله، بیانگر خلاصه‌ای از مسئله، اهمیت، هدف (یا پرسش) اصلی، نظریه مورد استفاده، روش، یافته‌ها، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش باشد. چکیده نباید از ۲۵۰ کلمه تجاوز کند. به‌همراه چکیده فارسی، چکیده انگلیسی نیز ارسال گردد. واژگان کلیدی در انتهای چکیده به تعداد ۳ تا ۵ واژه ذکر شود.

**(۵) مقدمه:** شامل بیان مسئله، اهمیت و ضرورت، پیشینه، مبانی نظری، اهداف، پرسش‌ها، فرضیه‌ها و روش پژوهش است. در صورتی که هر یک از بخش‌های فوق مانند پیشینه، مبانی نظری و روش پژوهش، نیازمند شرح بیشتری باشد، مستقل آورده شود.

**(۶) بدنه اصلی مقاله:** شامل سیر تاریخی موضوع، تحلیل راهبردی موضوع، تبیین شاخص‌های رویکردی و رفتاری بازیگران، سناریوهای محتمل درباره موضوع (با رویکرد آینده پژوهی) و ... است.

**(۷) بحث و نتیجه‌گیری:** در این بخش با توجه به سؤال‌ها یا فرضیه‌های مقاله، یافته‌های مهم دسته‌بندی و تبیین شود.

**(۸) پیشنهادها:** پیشنهادها مستخرج از پژوهش که به فراخور موضوع در دو قالب پیشنهادهای رسانه‌ای و غیررسانه‌ای می‌تواند صورت‌بندی شود.

**(۹) منابع:** متناسب با ماهیت موضوع مقاله، اغلب منابع باید از منابع دست اول و معتبر خارجی باشد. برای منابع فارسی نیز باید از کتب و مقالات علمی معتبر استفاده شود. از استناد به سایت‌های خبری و منابع غیرمعتبر جداً خودداری شود.

**شیوه منبع‌دهی:** منابع مقاله با توجه به الگوی استناد درون متنی معرفی گردد:

در متن مقاله، هنگام استفاده از نقل‌قول‌ها (خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم)، استناد به آراء و اقتباس از آثار دیگران حتماً نام مؤلف/ مؤلفان و سال انتشار و شماره صفحه اثر در متن داخل پرانتز آورده شود؛ مانند: (امیری، ۱۳۸۵: ۴۴).

منابع استفاده شده در متن مقاله، در پایان مقاله و براساس ترتیب حروف الفبایی نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان) به شرح زیر آورده شود:

– **کتاب:** نام خانوادگی، نام (نویسنده یا نویسندگان) (تاریخ انتشار)، نام کتاب، نام مترجم، محل نشر: نام ناشر. مثال:

**یک نویسنده.** امیری، حسین (۱۳۹۲)، **دیپلماسی رسانه‌ای**، تهران: نشر نی.

**دو نویسنده.** سورین، ورنر جی و تانکارد، جیمز دبلیو (۱۳۹۰)، **نظریه‌های ارتباطات** (ترجمه علیرضا دهقان)، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

– **مقاله:** نام خانوادگی، نام (نویسنده یا نویسندگان) (تاریخ انتشار داخل پرانتز)، «عنوان مقاله در داخل گیومه»، نام نشریه، دوره / سال، شماره، شماره صفحات مقاله.

– **کنفرانس‌ها و همایش‌ها:** نام خانوادگی، نام (نویسنده / نویسندگان) (تاریخ انتشار داخل پرانتز)، «عنوان مقاله در داخل گیومه»، عنوان کنفرانس یا همایش، زمان همایش، مکان همایش، شماره صفحات مقاله.

– **سایت‌های اینترنتی:** نام خانوادگی، نام (نویسنده / نویسندگان) (تاریخ انتشار مطلب)، «عنوان مقاله»، تاریخ مشاهده، آدرس دسترسی آن به صورت ایتالیک. در صورتی که نویسنده نامشخص باشد به جای آن عنوان سایت نوشته شود.

– **رساله‌های تحصیلی:** نام خانوادگی، نام (نویسنده) (تاریخ نگارش داخل پرانتز)، «عنوان پایان‌نامه داخل گیومه»، نام و نام خانوادگی استاد راهنما، مقطع پایان‌نامه. نام دانشگاه

– در منابع مربوط به کتاب‌ها، عنوان کتاب و در منابع مربوط به مقالات، عنوان نشریه پررنگ شود.

۱۰) تمامی اسامی و اصطلاحات لاتین، در متن، به زبان فارسی و در زیرنویس، به صورت لاتین آورده شود.

۱۱) در صورتی که اصطلاح، مفهوم یا مطلبی نیاز به توضیح دارد، در پایان مقاله به عنوان پی‌نوشت آورده شود.

۱۲) رعایت آیین نگارش فارسی در مقاله الزامی است. از به کار بردن واژه‌های مبهم، ترکیب‌های واژگانی نامعمول و جملات طولانی و پیچیده خودداری گردد.

۱۳) در کنار تاریخ هجری شمسی، ذکر تاریخ میلادی رویدادها و تحولات مورد بررسی در مقاله ضرورت دارد.

## سخن مدیر مسئول

معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با توسعه کمی و کیفی در چهار دهه، تبدیل به یکی از عظیم‌ترین و تأثیرگذارترین نظام‌های رسانه‌ای در عرصه بین‌المللی شده است. با گذشت چهار دهه از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، این جبهه از رسانه ملی مفتخر است که جایگاه بی‌بدیلی در انعکاس صدای اکثریت مظلوم و خاموش جهان، شکستن انحصار خبری نظام سلطه، انعکاس دستاوردهای انقلاب اسلامی، ترویج گفتمان انقلاب اسلامی، مقابله با اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی و پیشبرد و پشتیبانی اهداف محور مقاومت کسب کرده است. معاونت برون مرزی، مشتمل بر ۳۴ رادیو و شبکه‌های تلویزیونی پرس تی‌وی، العالم، العالم سوریه، هیسپان تی‌وی، آی فیلم (فارسی، انگلیسی، عربی و آی فیلم ۲)، سحر (آذری، کردی، اردو و بالکان)، الکوثر، تلویزیون‌های اینترنتی هوسا تی‌وی و پرس تی‌وی به زبان فرانسه، پایگاه خبری ۲۶ زبانه «پارس تودی»، خبرگزاری تصویری بین‌المللی ایران پرس و یور مدیوم به همراه واحدهای پژوهشی، معارفی و خبری می‌باشد.

فعالیت رسانه‌های متنوع تلویزیونی، رادیویی و سایت‌های اینترنتی معاونت برون مرزی به‌عنوان خطوط مقدم جنگ نرم در مقابله با نظام رسانه‌ای سلطه، حسب رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در گام دوم انقلاب اسلامی و از طریق ارزیابی، تکمیل و توسعه آرایش رسانه‌ای با قدرت، تداوم دارد. در این راستا علاوه بر تقویت و تکمیل فرایند حضور قدرتمند رادیوهای برون مرزی در فضای مجازی، فرایند اجرایی راه‌اندازی سامانه مرکزی نظرسنجی در برون مرزی که در بند ۵-۲ سند پیوست حکم ابلاغی مقام معظم رهبری به ریاست محترم سازمان، بر ضرورت ایجاد آن تأکید شده، آغاز شده است. سامانه مرکزی نظرسنجی ویژه برون مرزی با طراحی جامع و متشکل از اجزاء و بخش‌های بهم‌پیوسته، زیرساخت‌های لازم برای انجام نظرسنجی درباره شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی در قالب یک سامانه مرکزی را فراهم می‌سازد و با داده‌کاوی از طریق عامل‌های هوشمند، بستری مناسب برای ذائقه‌سنجی مخاطبان و تقویت ضریب نفوذ برون مرزی در جوامع هدف ایجاد می‌کند.

همچنین به‌منظور تقویت مرجعیت خبری و فکری رسانه برون مرزی و براساس تکالیف موضوعه در اسناد بالادستی، مطالعات پژوهشی طرح‌های دیگری منطبق بر راهبردهای کلان رسانه‌ای نظام ازجمله توسعه زبان‌های سایت شبکه‌های پرس تی‌وی، العالم، امکان‌سنجی راه‌اندازی تلویزیون‌های کودک و نوجوان به زبان عربی، ترکی استانبولی، روسی، دری و پشتو، معارف انگلیسی، اینترنتی ژاپنی و... در دستور کار قرار دارند که چشم‌اندازی نویدبخش از حرکت قدرتمند برون مرزی در مصاف با امپراتوری رسانه‌ای نظام سلطه در آوردگاه جنگ نرم را نشان می‌دهند.

مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «عنصر تحقیق و پژوهش در همه جا به صورت یک اصل در مجموعه کارها باید مورد توجه قرار گیرد». بر این اساس، از آغاز توسعه رسانه برون مرزی، پژوهش دارای نقش و جایگاه ویژه‌ای بوده است. طبیعتاً برای فعالیت مؤثر رسانه‌ای در حوزه بین‌الملل، نیاز به پژوهش‌های میان‌رشته‌ای کاربردی و رسانه‌ای است و این مهم همواره از سوی رؤسای محترم سازمان مورد تأکید قرار گرفته است.

واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی که مسئولیت انتشار دوفصلنامه «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» را به عهده دارد، با هدف پشتیبانی علمی و سیاست‌گذاری محتوایی و ساختاری شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون مرزی با شعار «رسانه پژوهش‌مدار: رسانه تأثیرگذار» در بیش از دو دهه فعالیت، علاوه بر پژوهش‌های مربوط به توسعه و تکمیل آرایش رسانه‌ای برون مرزی، توانسته است با انجام بیش از سیصد و پنجاه پژوهش برنامه‌ای، محتوای بسیاری از برنامه‌های رسانه برون مرزی را تأمین نماید. علاوه بر حفظ چارچوب‌های علمی و پژوهشی که ویژگی ذاتی فعالیت‌های تحقیقاتی است، مهم‌ترین خصیصه این پژوهش‌ها، داشتن صبغه برون مرزی، میان‌رشته‌ای بودن، کاربردی بودن در رسانه برون مرزی و بهره‌مندی از نشست‌های اندیشه‌ورزی می‌باشد. به منظور کاهش فاصله پژوهش و برنامه‌سازی، طی چهار سال اخیر، آندسته از پژوهش‌هایی که برای برنامه‌سازی نگاشته شده‌اند، بلافاصله در این واحد به مجموعه «متون برنامه‌ای چندرسانه‌ای» تبدیل شده و از طریق سامانه اینترنت در اختیار برنامه‌سازان برون مرزی و از طریق سایت اینترنتی این واحد ([arc.irib.ir](http://arc.irib.ir)) در اختیار عموم قرار گرفته‌اند.

پژوهش‌ها در واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی در دو قالب علمی «پژوهش‌های کاربردی» با محوریت تحقیقات میان‌مدت و «مجموعه راهبردهای پژوهشی رسانه‌ای و کاربردی» با محوریت تحقیقات کوتاه‌مدت تهیه می‌شوند. پژوهش‌های تولیدی در هر دو قالب، صرفاً معطوف به پژوهش‌های منجر به برنامه‌سازی نیست، بلکه همسو با رهنمودهای مقام معظم رهبری در حکم ابلاغی به ریاست محترم سازمان برای ارزیابی، تکمیل و توسعه آرایش رسانه‌ای برون مرزی، این پژوهش‌ها شامل: آسیب‌شناسی، روندسنجی، تدوین سیاست‌ها و راهبردهای اجرایی، تحلیل محتوای برنامه‌های شبکه‌های برون مرزی، پیشنهادهای رسانه‌ای، ایده‌های برنامه‌سازی، امکان‌سنجی تأسیس شبکه‌های جدید، مخاطب‌شناسی، شناخت نقاط ضعف و قوت رقبای رسانه‌ای، آینده‌پژوهی رسانه‌های برون مرزی و ... می‌شوند.

در این روند به منظور کمک به تقویت تولید فکر در زمینه دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای؛ ترویج مطالعات راهبردی در عرصه‌های ارتباطات، روابط و حقوق بین‌الملل به‌ویژه با محوریت قدرت نرم؛

بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی؛ انتشار «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» از سال ۱۳۹۵ در دستور کار معاونت برون‌مرزی صداوسیما قرار گرفته است.

بخشی از مقالات علمی و پژوهشی منتشر شده در این پژوهشنامه برگرفته از تحقیقاتی است که در موضوعات مرتبط و در دو قالب پژوهشی مورد اشاره در واحد پژوهش‌های کاربردی برون‌مرزی تهیه شده‌اند. بخشی دیگر نیز مستخرج از پایان‌نامه‌های دانشگاهی و طرح‌های تحقیقاتی سایر مراکز آموزشی و پژوهشی کشور است.

ضمن سپاس از حمایت‌های دکتر علی‌عسکری ریاست محترم سازمان در حمایت از انتشار پژوهشنامه رسانه بین‌الملل و همچنین قدردانی از تلاش‌های دکتر احمد کاظمی مدیر پژوهش‌های کاربردی و دیگر دست‌اندرکاران این پژوهشنامه، امید است با همکاری مسئولان ذیربط در دستگاه‌های فرهنگی، آموزشی و علمی و همراهی اساتید دانشگاهی، «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» برای بالندگی رسانه برون‌مرزی، بسط مرزهای کاربردی دانش‌های مرتبط با دیپلماسی عمومی از رهگذر کاربست مباحث رسانه‌ای و تکمیل خلاء ناشی از فقدان نشریه علمی با رویکرد ارتباطاتی - رسانه‌ای به تحولات، روابط و حقوق بین‌الملل، گام‌های علمی مؤثری بردارد.

در این راستا، اقدامات انجام شده از جمله راه‌اندازی سامانه علمی ویژه پژوهشنامه رسانه بین‌الملل به نشانی [imrl.arc.irib.ir](http://imrl.arc.irib.ir)، نمایه‌سازی آن در پایگاه‌های اطلاعاتی نورمگز، پرتال جامع علوم انسانی، سیویلیکا و مگیران، تبدیل نشریه از سالنامه به دوفصلنامه، تعامل با دانشگاه صداوسیما برای چاپ مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌های برتر و ... نشان از تلاش و اهتمام عوامل این پژوهشنامه برای غلبه بر چالش‌های مالی و نیروی انسانی به‌منظور تبدیل شدن به نشریه علمی مرجع می‌باشد.

### پیمان جبلی

مدیر مسئول پژوهشنامه رسانه بین‌الملل



## پژوهشنامه رسانه بین الملل

سال پنجم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

داوران و ارزیابان این شماره

|                                   |                          |                        |
|-----------------------------------|--------------------------|------------------------|
| دکتر هادی آجیلی                   | دکتر طاهر روشندل اربطانی | دکتر محمدقلی میناوند   |
| دکتر احمد بخشی                    | دکتر سیداحمد سادات       | دکتر داود نعمتی انارکی |
| حسن بهشتی پور                     | دکتر حکیمه سقای بی ریا   | دکتر رضا واعظی         |
| دکتر شعیب بهمن                    | دکتر نوذر شفیعی          | دکتر کیومرث یزدان پناه |
| دکتر علیرضا پویا                  | دکتر احمد کاظمی          |                        |
| محمود ترابی اقدم                  | دکتر جهانگیر کرمی        |                        |
| دکتر ماندانا تیشه یار             | دکتر حسن مجیدی           |                        |
| دکتر امید جهانشاهی فرد            | دکتر مسعود مطلبی         |                        |
| دکتر محمدحسین رضانی<br>قوام آبادی | دکتر سیدرضا میرطاهر      |                        |

## فهرست

- علل و عوامل افول آمریکا؛ بر مبنای الگوی تعامل چندجانبه پویا (به همراه پیشنهاد رویکردهای رسانه‌ای)..... ۱۱
- هادی خسروشاهین
- مقاومت و همه‌پرسی؛ شاخص‌های حل مسئله فلسطین بر اساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (با ارائه رویکردهای رسانه‌ای)..... ۳۷
- بهنام خسروی، شهره پیرانی
- دیپلماسی حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۲۰ میلادی..... ۶۵
- داریوش صفرنژاد
- راهبردهای ارتقای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران برای برون‌مرزی صداوسیما..... ۸۹
- احمد امین‌فرد
- بایسته‌های محتوایی دیپلماسی رسانه‌ای ایران در مناطق روس‌زبان..... ۱۱۱
- محمدامیر حق‌شناسی، کمال اکبری
- تهدیدات امنیتی - نظامی کرونا و ویروس و راه‌های مقابله با آن با رویکرد پدافند غیرعامل و قدرت رسانه..... ۱۳۷
- کیومرث یزدان‌پناه، غلامرضا قادی، رقیه عباسی
- مسئولیت کیفری فردی مقامات عالی‌رتبه نظامی برای تجاوز سایبری و اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری بر آن (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)..... ۱۵۹
- مریم استوار، محمد پارس‌زاده
- رویکردهای گفتگومانی شبکه‌های تلویزیونی آمریکا در مصاحبه با هفتمین رئیس‌جمهور ایران..... ۱۸۱
- ابراهیم سلیمانی، محمدعلی هرمزی‌زاده
- چشم‌انداز و سناریوهای جایگاه طالبان در عرصه حکمرانی آینده افغانستان (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)..... ۲۰۳
- زهرا محمودی
- ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی در ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: منطقه خلیج فارس)..... ۲۲۷
- مسعود نیک‌روش، علیرضا پویا
- جایگاه افغانستان در طرح چینی ابتکار کمربند - راه (با تأکید بر راهکارهای رسانه‌ای)..... ۲۴۷
- نوروز هاشم‌زهی، محمد آتش‌دست
- فرم ارزیابی مقاله..... ۲۶۹
- چکیده انگلیسی..... ۲۷۰

## علل و عوامل افول آمریکا؛ بر مبنای الگوی تعامل چندجانبه پویا (به‌همراه پیشنهاد رویکردهای رسانه‌ای)

هادی خسروشاهین<sup>۱</sup>

### چکیده

تشدید تنش‌های سیاسی در ایالات متحده در دهه ابتدایی قرن بیست و یکم و مواردی مانند ظهور ترامپ در سال ۲۰۱۶ و حمله مرگبار ۶ ژانویه ۲۰۲۱ به کاپیتول هیل، موجب طرح این مسئله شده است که ریشه‌ها و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی خیابانی شدن سیاست و رادیکالیزه شدن گروه‌های نخبگی و توده‌ای در جامعه آمریکایی چیست؟ بر این اساس در این مقاله تلاش شده است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که منابع اصلی و کانونی افول آمریکا چیست و چگونه می‌توان آنها را تبیین کرد؟ این پرسش از طریق چارچوب نظری الگوی تعامل چندجانبه پویا به بحث گذاشته شد تا مشخص شود در یک درهم‌کنش میان افول هنجارها و الگوهای رفتاری، زوال نهادهای سیاسی، پولی شدن سیاست، مؤلفه‌های اقتصادی و ستیزهای اجتماعی، فرآیند افول در آمریکا شکل گرفته است. درواقع این مؤلفه‌ها در این درهم‌کنش، یکدیگر را تقویت و تکمیل می‌کنند و از تعامل پویای میان آنها، افول آمریکا ظهور می‌یابد. در چنین بستری امکان بازتنظیم دستورکارها و کارکردهای نظام سیاسی به امری دشوار تبدیل می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** افول آمریکا، الگوی تعامل چندجانبه‌ی پویا، قطبی شدن، رویکردهای رسانه‌ای  
**برون مرزی.**



## ۱. مقدمه

ساموئل هانتینگتون<sup>۱</sup> در سال ۱۹۶۸ ایالات متحده آمریکا را یکی از مصادیق آشکار یک نظام سیاسی به خوبی تحول یافته و دارای یکپارچگی تلقی کرد و شدت و حدت این یکپارچگی آن چنان در نظر گرفته می شد که آمریکایی ها را به این باور می رساند که وحدت امر «خیر ممکن» است یا همه چیزهای خوب می تواند الزاماً با هم اتفاق بیفتد؛ چراکه ایالات متحده در سراسر تاریخ خود از فراوانی اقتصادی، کامیابی اجتماعی و استواری سیاسی دائمی برخوردار بوده است (Huntington, 1968: 5-20). بنابراین با مفروض گرفتن و بدیهی دانستن این واقعیت، مطالعه نظم سیاسی در جوامع دستخوش تغییرات در دستور کار قرار گرفت و در چنین بستری نیز بسیار طبیعی بود که زوال<sup>۲</sup> نیز در جوامع سنتی ای که در معرض امواج مدرنیزاسیون قرار گرفته اند، موضوعیت بیابد. اما با تشدید رقابت های سیاسی و دوقطبی شدن فزاینده در جامعه آمریکا، مؤلفه زوال در ارتباط با جوامع توسعه یافته و لیبرال دموکراسی هایی نظیر ایالات متحده نیز مدنظر قرار گرفت. آنچنان که دو پژوهشگر برجسته دانشگاه هاروارد یکی از آثار خودشان را با این جملات آغاز می کند: «آیا دموکراسی در خطر است؟ ما هیچ گاه تصور نمی کردیم روزی چنین پرسشی را مطرح کنیم. ما دو نفر ۱۵ سال است که در مورد ناکامی های دموکراسی در نقاط جغرافیایی و مقاطع زمانی مختلف مطلب نوشته ایم... برای ما چگونگی و چرایی مرگ دموکراسی ها نوعی دلمشغولی حرفه ای محسوب می شود، اما اکنون توجه ما به سمت کشور خودمان معطوف شده است» (Levitsky & Ziblatt, 2018: 7-8).

به همین دلیل به تدریج و از اواخر دهه ۱۹۹۰ شاهد طرح این پرسش کلیدی در میان اندیشمندان علوم سیاسی و جامعه شناسان در ایالات متحده هستیم که آیا شاهد انحطاط و سقوط یکی از قدیمی ترین دموکراسی های جهان خواهیم بود؟ اما آنچه باعث چنین تغییر پارادایمیک در مطالعات در ارتباط با مسئله افول و زوال نظم سیاسی شده است، حوادثی است که حداقل از دهه ۱۹۷۰ به این سو در ساختار سیاسی و اجتماعی آمریکا قابل رصد و ارزیابی است. یکی از این تحولات، ورود نسل جدیدی از سیاستمداران به عرصه سیاسی بود که دیگر موضوع قدرت و انتخابات را به مثابه یک رقابت بر سر برنامه ها و دستور کارهای سیاسی تلقی نمی کردند؛ بلکه نگاه آنها به این حوزه،

1. Samuel Huntington

2. Decay



سیاست به مثابه جنگ<sup>۱</sup> بود. از همین رو تقریباً از دهه ۱۹۷۰ به این سو شاهد افول رویکرد نرم به سیاست در آمریکا و استقرار تدریجی سیاست سخت هستیم. این مسئله منجر به تشدید رقابت‌ها و نزاع‌های سیاسی و سرانجام دوقطبی شدن دوچندان در آمریکا شد. اوج این قطبیت سیاسی در دوره باراک اوباما بود و در این مقطع زمانی ناشکیبایی سیاسی، افراط‌گرایی فزاینده و نزاع‌های حزبی به حد نهایت خود رسید. در چنین فضایی بسیار طبیعی می‌نمود که جامعه آمریکا از این زد و خوردهای سیاسی خسته شود و به سمت غیرخودی‌های رادیکال سوق یابد و این اتفاق سرانجام در نوامبر ۲۰۱۶ رخ داد.

ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در واقع ناشی از یک جنبش توده‌ای علیه انعطاف‌ناپذیری فکری و قدرت نخبگان حاکم بود (Fukuyama, 2021). در واقع مردم به پا خاسته بودند تا ساختار سیاسی را از نخبگان فاسد و زد و بندهای سیاسی برهانند، اما امید آنها به اصلاحات واهی بود؛ چراکه راهکارهای رادیکال و افراطی پوپولیست‌های ستیزه‌جو رشد را خفه، بیماری را تشدید و وضعیت را به جای بهتر کردن، وخیم‌تر کرد (Ibid). به همین دلیل نیز توسل جستن به پوپولیسم جدید در عمل منجر به راه افتادن کمپین تقلب در انتخابات نوامبر ۲۰۲۰ از سوی دونالد ترامپ و سرانجام حمله مرگبار در ۶ ژانویه ۲۰۲۱ به کاپیتال هیل<sup>۲</sup> برای تغییر در نتایج انتخابات شد.

با این همه در میان اندیشمندان آمریکایی در ارتباط با منابع و عوامل این زوال سیاسی اختلاف‌نظرهایی دیده می‌شود و آثاری که در یک دهه اخیر منتشر شده‌اند اغلب از معضل تقلیل‌گرایی<sup>۳</sup> رنج می‌برند. به عبارت دیگر اغلب نظریه‌های ارائه‌شده در تلاش بودند که مسئله زوال را در قالب یک فرآیند تک‌متغیره بررسی و تبیین کنند. در این میان برخی با رویکرد نهادگرایی<sup>۴</sup> به این موضوع پرداختند و در مقابل، نویسندگان دیگر به موضوعات متفاوتی همچون افول هنجارهای دموکراتیک، پولی شدن سیاست و مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی مورد توجه کردند. اما به نظر می‌رسد این رویکردهای تک‌متغیره ناتوان از تبیین کامل و جامع منابع افول و زوال در آمریکا باشد. بر این اساس این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای و با هدف تبیین زوال نظم سیاسی در آمریکا و شناخت علل و عواملی که منجر به تشدید این روند شده است، این پرسش اصلی را مطرح می‌کند که منابع اصلی و قانونی زوال در آمریکا چیست و چگونه می‌توان

1. Politics as Warfare

2. Capitol Hill

3. Reductionism

4. Institutionalism



آن را تبیین کرد؟ علاوه بر این، پرسش‌های فرعی نیز مطرح می‌شوند؛ از جمله اینکه چشم‌انداز زوال آمریکا چه خواهد بود؟ آیا دولت بایدن قادر است این زوال را مدیریت کند و پیامدهای آن در عرصه داخلی برای ایالات متحده چه خواهد بود؟

بر اساس روش توصیفی-تحلیلی تلاش شده است چیستی، چگونگی و چرایی پدیده زوال نظم سیاسی توضیح داده شود؛ به عبارت دیگر با در نظر گرفتن وضع موجود به توصیف و تحلیل نظام‌مند وضع موجود پرداخته می‌شود تا ویژگی‌ها و مؤلفه‌های موثر در زوال و ارتباط میان متغیرها مشخص و روشن شود. همچنین در موقعیت، وضعیت و نقش متغیرها کنترل و دستکاری انجام نشده است و صرفاً آنچه موجود بوده، مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است تا امر کشف قوانین در موضوع مورد مطالعه امکان‌پذیر شود. از همین رو مسئله روندها و نه گسست‌ها و همچنین تکرارها در کانون توجه بوده است.

برای پاسخ به پرسش اصلی تلاش می‌شود که از یک رویکرد چندمتغیره استفاده شود و منابع مختلف نهادی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شناسایی و تبیین شوند. در این میان نمی‌توان بی‌توجه به ریشه‌های تاریخی افول، معضلات و مسائل امروزه جامعه آمریکا را مورد بررسی قرار داد. از همین رو تلاش می‌شود ریشه‌های این سستی و افول از بدو پیدایش ایالات متحده تا به امروز مدنظر قرار گیرد. از طرف دیگر با توجه به مشکلات جاری در سیاست و جامعه آمریکا همچون نبردهای دائمی حزبی، قطبی شدن اجتماعی و شکاف‌های دموگرافیک و جغرافیایی، نابرابری اقتصادی و انعطاف‌ناپذیری نهادی و فکری برای انجام اصلاحات سخت بتوان چشم‌انداز روشنی برای نظم سیاسی در ایالات متحده پیش‌بینی کرد و بایدن نیز برای پشت‌سر گذاشتن این مشکلات از مشروعیت، نفوذ و تأثیرگذاری لازم برخوردار نیست. این مقاله در تلاش است با در نظر گرفتن رهیافت الگوی تعامل چندجانبه پویا به شناسایی و تبیین منابع زوال در آمریکا بپردازد و پیامدهای آن را در آینده مورد ارزیابی قرار دهد و همین‌طور راهکارهایی را برای رسانه برون‌مرزی در راستای تبیین بهتر مسئله زوال برای افکار عمومی جهان ارائه دهد.

در این پژوهش مفهوم زوال (افول) سیاسی در معنای عقب‌ماندگی پروسه نوسازی نهادهای سیاسی از روند بسیج و مشارکت بازیگران سیاسی استفاده شده است. در این معنا شاهد شکل‌گیری یک جنبش توده‌ای علیه انعطاف‌ناپذیری فکری و قدرت نخبگان حاکم هستیم که در نتیجه نهادینه‌سازی، عرصه قدرت و سیاست را با اختلال‌هایی مواجه می‌کند و حتی به هرج و مرج و بی‌نظمی منجر می‌شود. نهادهای حکومتی در چنین بستری به تسخیر منافع خصوصی نخبگان در



می‌آیند و اکثریت جامعه نمی‌تواند بر این نهادها براساس بنیان‌ها و اصول دموکراتیک نظارت کند. از پیامدهای فوری زوال نظم سیاسی در این معنا و چارچوب تشدید رقابت‌ها و نزاع‌های سیاسی و سرانجام دوقطبی شدن ساخت قدرت و ساخت اجتماعی است. ناشکیبایی سیاسی، افراط‌گرایی فزاینده و نزاع‌های حزبی از دیگر مصادیق زوال نظم سیاسی است.

## ۲. پیشینه پژوهش

فرانسیس فوکویاما<sup>۱</sup> در کتاب «نظم سیاسی و زوال سیاسی؛ از انقلاب صنعتی تا جهانی شدن دموکراسی»<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) صرفاً از منظر نهادی به مسئله افول در آمریکا پرداخته است. وی معتقد است که نهادهای سیاسی ظهور کرده، کامل می‌شوند و در نهایت رو به زوال می‌روند. به همین دلیل آمریکا پس از مرحله ظهور و تکامل اکنون در سراشیبی زوال قرار گرفته است. به اعتقاد فوکویاما نهادهای حکومتی در این دوره به تسخیر منافع خصوصی نخبگان درآمده‌اند و اکثریت جامعه نمی‌تواند بر این نهادها براساس بنیان‌ها و اصول دموکراتیک نظارت کند.

استیون لویتسکی<sup>۳</sup> و دانیل زیبال<sup>۴</sup> در کتاب «چگونه دموکراسی‌ها می‌میرند»<sup>۵</sup> (۲۰۱۸) از منظر هنجارهای دموکراتیک نشان می‌دهند که چگونه افول دو هنجار مدارای متقابل و خویش‌داری به‌عنوان حفاظ‌های دموکراسی منجر به سست شدن سیاست و حکومت در ایالات‌متحده شده‌اند. آنها عوامل تضعیف‌کننده هنجارهای دموکراتیک را دو دستگی افراطی و حزبی در این کشور می‌دانند.

ایزابیل ساهیل<sup>۶</sup> در کتاب «آمریکایی‌های فراموش‌شده؛ یک دستورکار اقتصادی برای ملت تقسیم‌شده»<sup>۷</sup> (۲۰۱۸) برای رفع شکاف اقتصادی به‌عنوان عامل پیش‌برنده زوال در آمریکا دستورکار مهمی در این زمینه ارائه می‌دهد. این دستورکار بر اهمیت جایگاه شغل متمرکز است و خواستار سرمایه‌گذاری بیشتری در زمینه مهارت‌آموزی، چگونگی ایجاد شغل‌های جدید و افزایش دستمزد

1. Francis Fukuyama

2. Political Order and Political Decay: From the Industrial Revolution to the Globalization of Democracy

3. Steven Levitsky

4. Daniel Ziblatt

5. How Democracy's die

6. Isabel Sawhill

7. The Forgotten Americans: An Economic Agenda for a Divided Nation



و مزایا می‌شود. او در بخش دیگری از این کتاب از ضرورت ارائه انگیزش‌های مالیاتی به بخش خصوصی جهت آموزش و تقسیم سود با کارگران سخن می‌گوید.

- یاشچا مونک<sup>۱</sup> در کتاب «مردم علیه دموکراسی؛ چرا آزادی ما در خطر است و چگونه می‌توان آن را نجات داد؟»<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) علت افول دموکراسی آمریکایی را مسئله حقوق بدون دموکراسی که بر اثر پولی شدن سیاست ایجاد شده است، می‌داند. در این رهیافت مردم طبق قانون از حقوقی برخوردارند، ولی پولی شدن سیاست مانع از انعکاس آن به عرصه ساختار قدرت می‌شود. از همین رو بی‌اعتمادی بزرگ مردم به سیاستمداران باعث رشد نفوذ و تأثیرگذاری احزاب یا سیاستمداران پوپولیست می‌شود و این مسئله خود به زوال در آمریکا شتاب بیشتری می‌بخشد.

- پاتریشیا اینگراهام<sup>۳</sup> و دیوید روزن بلوم<sup>۴</sup> در مقاله «بنیان‌های سیاسی خدمات فدرال آمریکا: بازسازی یک پایه زوال‌یافته»<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) از منظر بوروکراتیک و مسائل اداری به مسئله افول در آمریکا پرداخته‌اند. این دو معتقدند که خدمات کشوری فدرال از دهه ۱۹۷۰ به این سو در مسیر فروپاشی قرار گرفته است و این موجب بدتر شدن کیفیت و ظرفیت حکومت در آمریکا طی دهه‌های گذشته شده است و از این حیث آمریکا نوعی بازگشت به عصر نامطلوب در قرن نوزدهم را تجربه می‌کند.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که بررسی مسئله افول در آمریکا تاکنون صرفاً به صورت تک‌متغیره انجام شده است و تبیین این موضوع در چارچوب یک رهیافت کلان و چندمتغیره به همراه ارائه پیشنهادها و راهبردهای رسانه‌ای نوآوری این مقاله محسوب می‌شود.

1. Yascha Mounk

2. The People vs Democracy; Why our Freedom are in Danger and How to Save It

3. Patricia Ingraham

4. David Rosen Bloom

5. Political Foundations of the America Federal Service: Rebuilding a Crumbling Base





### ۳. ادبیات و مبانی نظری

مسئله افول و زوال ازجمله موضوعات مهم در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی است. اگرچه این موضوع در آثار اندیشمندانی چون اسپنگلر اسوالد<sup>۱</sup>، آرنولد توین بی<sup>۲</sup>، پاول کندی<sup>۳</sup> و جارد دایموند<sup>۴</sup> قابل ردیابی و رصد است؛ ولی همه این اندیشمندان مسئله افول را در ابعاد تمدنی و فرآیندهای عمومی در کلیه جوامع مطرح کرده‌اند به عبارت دیگر درصدد بودند با بررسی برخی نمونه‌ها به یک قاعده عام تمدنی، سیستمی و گسترده دست یابند. اما شاید برای نخستین بار این ساموئل هانتینگتون بود که به مسئله افول و زوال از منظر جامعه‌شناسی سیاسی پرداخت. در این رویکرد تلاش شده است، با تمرکز بر عملکرد و کارکردهای نهادهای خاص این موضوع مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد، اما با این حال هانتینگتون در کتاب «نظم سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی»<sup>۵</sup> (۱۹۶۷) تمرکز عمده خود را بر جوامعی گذاشت که به دلیل زوال نهادهای سنتی در معرض تغییرات منبعث از مدرنیزاسیون قرار گرفته‌اند. در این رویکرد به طور طبیعی جامعه‌ای همانند ایالات متحده مبرا از مسئله افول دیده می‌شود.

با این حال تعریف هانتینگتون از نهاد به مثابه الگوهای رفتاری پایدار، ارزشمند و تکرارشونده (Huntington, 1968: 1- 12)، بعدها در ادبیات مرتبط به زوال در حوزه نهادی در آمریکا به عنوان پایه‌ای نظری در نظر گرفته شد؛ ازجمله فوکویاما در دو کتاب «ریشه‌های نظم سیاسی از دوران پیشانسانی تا انقلاب فرانسه»<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) و «نظم سیاسی و افول سیاسی» و همچنین در مقاله «آمریکا در افول: منابع کج کارکردی سیاسی»<sup>۷</sup> (۲۰۱۴)، «افول یا حیات دوباره آمریکا: معنای انتخابات ۲۰۱۶»<sup>۸</sup> (۲۰۱۶) و «تا مغز استخوان فاسد شده؟»<sup>۹</sup> (۲۰۲۱) در مجله فارن افرز از همین چارچوب نظری برای بررسی و تبیین مسئله افول در ایالات متحده استفاده کرد.

- 
1. Swald Spengler
  2. Arnold Toynbee
  3. Paul Kennedy
  4. Jared Diamond
  5. Political Order In Changing Societies
  6. The Origins of Political Order: From Pre Human Times to the French Revolution
  7. America In Decay: The Sources of Political Dysfunction
  8. American Political Decay or Renewal: The Meaning of the 2016 Election
  9. Rotten to the Core



با این حال نظریات دیگر هانتینگتون در این حوزه مورد استفاده قرار گرفت؛ چراکه وی بر این اعتقاد بود که نهادها در مقام الگوهای رفتاری تکرارشونده می‌توانند انعطاف‌ناپذیر شده و قدرت تطبیق خود را با شرایطی که در ابتدا باعث ظهور آنها شده بود، از دست بدهند (Ibid: 14). اگرچه هانتینگتون از این نظریه خود برای جوامع دستخوش دگرگونی استفاده می‌کرد، اما همین دیدگاه بعدها به پایه‌ای برای تعیین فرایندهای مبتنی بر زوال در آمریکا و سایر لیبرال دموکراسی‌ها در جهان غرب انجامید. «محافظة کاری نهادها باعث می‌شود انجام اصلاحات در آنها اغلب با مشکلات زیادی همراه باشد. این نوع افول یا منجر به افزایش تدریجی و آرام فساد می‌شود یا کارآمدی حکومت را تضعیف می‌کند و یا به واکنش پوپولیستی خشن نسبت به دخل و تصرف‌هایی که به نخبگان نسبت داده می‌شود، منجر خواهد شد» (Fukuyama, 2014: 52).

اما در مقابل این رویکرد نهادگرایی به مسئله افول، برخی اندیشمندان علوم سیاسی بر این باورند که نهادها امری پیشینی محسوب نمی‌شوند، بلکه به مثابه امر پسینی ماحصل ثبات فوق‌العاده زیاد رفتار هنجاری هستند. درواقع این هنجارها هستند که به اجتماعات امکان می‌دهند که سطحی از همکاری اجتماعی را تجربه کنند و همین مسئله به مرور زمان به ایجاد نهادها منجر می‌شود. بنابراین بهتر است به جای بررسی امر پسینی به امر پیشینی افول پرداخته شود. تحت چنین ملاحظه‌ای است که استیون لویتسکی و دانیل زیبلات این نظر را بیان می‌کنند که نهادها فی‌نفسه ارزش ذاتی ندارند؛ بلکه آن چیزی که ارزشمندی یا کارایی آنها را مشخص می‌کند، هنجارهای دموکراتیک<sup>۱</sup> هستند و در صورت فقدان هنجارهای قوی نظام نظارت و توازن قوا قادر نخواهند بود به عنوان محافظان دموکراسی عمل کنند؛ چراکه در چنین شرایطی نهادها به سلاح سیاسی تبدیل می‌شوند و توسط کسانی که کنترل آنها را بر عهده دارند، به شدت علیه کسانی که در اداره این نهادها نقش ندارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند (Levitsky & Ziblatt, 2018: 16). این دو پژوهشگر دانشگاه هاروارد دو مؤلفه مدارای متقابل<sup>۲</sup> و خویشن‌داری<sup>۳</sup> را به عنوان دو مؤلفه کانونی و محوری در میان هنجارهای دموکراتیک مورد شناسایی قرار می‌دهند. اما با سست شدن این دو مؤلفه در عمل روندهای مبتنی بر زوال آغاز می‌شود؛ چراکه این هنجارها به مثابه حفاظ‌های دموکراسی عمل می‌کنند که در صورت فقدان آنها هر آن ممکن است که قدرت از طریق

1. Democratic Norms

2. Mutual Toleration

3. Forbearance



سازوکارهای دموکراتیک توسط خودکامگان منتخب<sup>۱</sup> قبضه شود و در مرحله‌ی بعدی با تسلط آنها بر نهادهای برآمده از این هنجارها، اصل و ماهیت دموکراسی به مثابه یک الگوی ایده‌آل از نظم سیاسی نابود شود.

اما یاشچا مونک در کتاب «مردم علیه دموکراسی» نگاه نهادی یا هنجاری به مسئله افول را ناکافی می‌داند. او به جای این دو متغیر بر حقوق بدون دموکراسی<sup>۲</sup> و پولی شدن سیاست<sup>۳</sup> تأکید می‌کند. درواقع این دو مؤلفه در تعامل با یکدیگر موجبات قیام مردم علیه دموکراسی (هنجارها و نهادهای برآمده یا پیش‌برنده آنها) را موجب می‌شود؛ چراکه در این شرایط مردم احساس می‌کنند تأثیرگذاری خود در نهادهای سیاسی را از دست داده‌اند و نخبگان و سیاستمداران در مورد مشکلات و منافع آنها بی‌تفاوت هستند. بنابراین مونک در سطحی دیگر مسئله زوال را مورد بررسی می‌کند. در این میان، پژوهشگران حوزه مدیریت دولتی مسئله زوال را از منظر بوروکراسی<sup>۴</sup> و دولتی اداری مورد توجه قرار می‌دهند. از این منظر کیفیت خدمات‌دهی حکومت فدرال در آمریکا طی چند دهه گذشته به‌طور مداوم در حال افت و کاهش بوده است. در این چارچوب روش تبیین زوال از طریق اندازه‌گیری کیفیت یا قدرتمندی دولت و ارزیابی ظرفیت یک حکومت در اتخاذ سیاست‌ها و اجرای آنها میسر می‌شود.

جو میگ‌دال<sup>۵</sup> ظرفیت یک حکومت برای اتخاذ سیاست‌ها و اجرای آنها را قابلیت یک دولت برای نفوذ در جامعه می‌داند. در این چارچوب ظرفیت دولت را عواملی چون اندازه بوروکراسی، منابع در اختیار، سطح آموزش و تخصص کارگزاران حکومت تعریف می‌کند (Migdal, 1988: 4). هرگونه خدشه به این متغیرها می‌تواند اسباب و شرایط لازم را برای زوال نظم سیاسی فراهم کند. تحقیقات اینگراهام و دیوید روزن بلوم در این زمینه نیز قابل توجه است. پژوهش این دو نشان می‌دهد که خدمات کشوری فدرال طی سالیان اخیر در مسیر فروپاشی<sup>۶</sup> قرار گرفته است. اما در گام آخر باید به نظریاتی توجه کرد که مؤلفه اقتصادی را در کانون بررسی‌های خود قرار می‌دهند. در این چارچوب مؤلفه‌هایی نظیر بیکاری به‌خصوص بیکاری یقه‌آبی‌ها (کارگران یدی) بر اثر موج

- 
1. Elected Autocrat
  2. Law Without Democracy
  3. Monetization of Politics
  4. Bureaucracy
  5. Joe Migdal
  6. Decomposing



اتوماسیون در صنایع، شکاف اقتصادی و نابرابری‌ها در این زمینه و همچنین ناعدالتی در دستمزدها و مزایا مورد توجه قرار می‌گیرد.

ایزابیل ساهیل در کتاب «آمریکایی‌های فراموش شده» دقیقاً بر این مؤلفه‌ها تأکید می‌کند، ضمن اینکه در پژوهشی در اندیشکده بروکینگز<sup>۱</sup> با عنوان «کانتی‌های رأی‌دهنده به بایدن ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی آمریکا را تشکیل می‌دهند» (Muro, 2020)، بر این مسئله گواهی داده می‌شود که جامعه آمریکا از بُعد اقتصادی کاملاً به یک کشور دو پاره تقسیم شده است و همین عامل به مثابه موتور محرک ستیزهای اجتماعی در هنگامه رقابت‌های انتخاباتی عمل می‌کند. با این همه به دلیل تقلیل‌گرایی‌های موجود در نظریات مطرح شده در مورد زوال آمریکا در این پژوهش تلاش می‌شود از چارچوب نظری «تعامل چندجانبه پویا»<sup>۲</sup> استفاده شود. در این چارچوب نظری ضمن دوری جستن از تقلیل‌گرایی‌های موجود امکان یک تبیین جامع و کامل از مسئله زوال در آمریکا به وجود می‌آید. ضمن اینکه به تعامل و کنش و واکنش مؤلفه‌های دخیل در این موضوع نیز نظری افکنده می‌شود.

#### ۴. تاریخ افول در آمریکا

اگر رفتارها یا هنجارهای تکرارشونده را به مثابه سنگ بنای نهادها در نظر بگیریم، تاریخ آمریکا در بدو پیدایشش عملکرد قابل‌قبولی را از خود در این زمینه به نمایش نمی‌گذارد. در مناظره میان دو بنیانگذار ایالات متحده یعنی توماس جفرسون<sup>۳</sup> و الکساندر همیلتون<sup>۴</sup>، این جفرسون و نظریه‌اش در مورد اولویت قرار دادن دموکراسی بر دولت بود که به پیروزی رسید، ولی همین مناظره در روزهای ابتدایی شکل‌گیری این کشور نشان‌دهنده سست بودن اجماع نخبگی بر سر هنجارهای دموکراتیک و رفتارهای تکرارشونده بود. همین عدم اجماع بعدها در تاریخ معاصر آمریکا محل ستیزها و جدال‌های عمیق‌تر میان نخبگان سیاسی را فراهم کرد. در این مجادله جفرسون تابع نظرات جان لاک<sup>۵</sup> در کتاب «رساله دوم در باب حکومت»<sup>۶</sup> بود. این نظرات منادی دو اصل مهم عدم‌پرداخت

- 
1. Brookings Institution
  2. Dynamic Multilateral Interaction
  3. Thomas Jefferson
  4. Alexander Hamilton
  5. John Locke
  6. Second Treatise on Government



مالیات در صورت فقدان نمایندگی و رضایت حکومت‌شوندگان یعنی حکومت محدود بود. در مقابل، همیلتون از استقرار یک حکومت متمرکز و مقتدر حمایت می‌کرد. درواقع او از ایده تقویت حکومت به‌جای مهار آن پشتیبانی به‌عمل می‌آورد (Wilson, 1887: 280). همیلتون تنها فرد در میان پدران بنیانگذار آمریکا محسوب می‌شد که به سیاست دولت قوی و کارآمد علاقه نشان داد و در مقالات فدرالیست ۷۷-۷۰ خواستار قدرتمند کردن قوه مجریه شد. او در مقام اولین وزیر خزانه‌داری یک بوروکراسی بزرگ به‌وجود آورد. اما در پایان این مناظره، این نظرات جفرسون بود که در بیانیه استقلال<sup>۱</sup> گنجانده شد. او به بوروکراسی و حکومت بزرگ بی‌اعتماد بود (Riper, 1958: 24). پس به تبع آن، قانون اساسی، حاکمیت را نه به دولت که به صورت برابر به «ما مردم»<sup>۲</sup> واگذار کرد. از همین رو در آمریکا به جای اینکه قدرت نامحدود حکومت از طریق بوروکراسی و دولت اداری مقید شود، از طریق دموکراسی و پاسخگویی دموکراتیک<sup>۳</sup> محدود شد. از همین رو در ایالات‌متحده تا اواخر قرن نوزدهم هیچگاه دولت کارآمد و موثر<sup>۴</sup> یا آنچنان که آلمان‌ها دولت قانونی یا رشت اشتات<sup>۵</sup> می‌خوانند، تشکیل نشد (Fukuyama 2014: 38). همین مسئله در سراسر قرن نوزدهم منجر به ظهور دو پدیده ویژه‌پروری جدید<sup>۶</sup> و حامی‌پروری<sup>۷</sup> شد. درواقع به‌دلیل حکومت ضعیف و بوروکراسی نحیف آن در عمل حکومت به خدمت منافع شخصی درآمد؛ به‌عبارت دیگر به‌نوعی «نظم مبتنی بر دسترسی محدود»<sup>۸</sup> شکل گرفت که طی آن ائتلافی از نخبگان رانت‌خوار از قدرت سیاسی خود برای جلوگیری از رقابت آزاد در نظام اقتصادی و سیاسی استفاده می‌کردند (North & Others, 2009: 65). البته فوکویاما به شرایطی که نخبگان دولت را قبضه کرده‌اند که به کاهش مشروعیت دولت و همین‌طور اصول پاسخگویی آن در قبال اکثریت منجر می‌شود،

1. Declaration of Independence

2. We, the People

3. Democratic accountability

4. Competent state

5. Rechtsstaat

<sup>۶</sup> - Neopatrimonialism: ماکس وبر در ادبیات جامعه‌شناسی خود پاتریمونیالیسم را برای نظام‌های پدرسالاری به

کار می‌برد؛ نظام‌های سیاسی که اختصاص به دوران پیشامدرن دارند، اما با توجه به کاربرد این واژه در عصر مدرن، رحمان قهرمان‌پور در ترجمه کتاب نظم و زوال سیاسی ترجیح داده است این واژه را به ویژه‌پروری ترجمه کند که در این مقاله نیز عیناً از همین اصطلاح استفاده شده است.

7. Clientism

8. Climated access Order



عنوان «ویژه‌پرور شدن مجدد»<sup>۱</sup> می‌دهد (Fukoyama, 2014: 51). این متغیر به وضوح در سال ۱۸۲۸ باعث انقلاب جکسونی و پیدایش اولین پوپولیست در تاریخ آمریکا به نام اندرو جکسون<sup>۲</sup> شد. وقتی جکسون به قدرت رسید، ویژه‌پروری و حامی‌پروری را وارد ابعاد جدید خود کرد. او براساس «دکترین ساده بودن کار»<sup>۳</sup> همه انسان‌های دارای هوش معمولی را شایسته ورود به ساختار بوروکراتیک دانست. جکسون مرتباً متصدی پست‌ها و سمت‌ها را تغییر می‌داد و این رفتار او باعث شد فرصت‌های بیشماری برای ورود وفاداران حزبی به موقعیت‌های اداری فراهم آید. بعدها این پست‌های بوروکراتیک ابزار بسیج وفاداران سیاسی در هنگامه مبارزه انتخاباتی قرار گرفت. درواقع جکسون نظام ویژه‌پرور و نخبه‌گرا را به یک نظام حامی‌پرور توده‌ای<sup>۴</sup> تبدیل کرد (Crenson, 1975: 55). این نوع نظام بعدها «دولت دادگاه‌ها و احزاب»<sup>۵</sup> خوانده شد. درواقع احزاب و دادگاه‌ها با کنترل شدید عملکرد حکومت در عمل جانشین دولت شدند (Skowronek, 1982: 24-25). این نظام در دهه‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰ از نظر حامی‌پروری به‌مراتب پیچیده‌تر از گذشته شد؛ چراکه به‌دلیل پیچیدگی روزافزون اجتماعی به‌جای روابط چهره به چهره، یک ساختار سازماندهی‌شده و سلسله‌مراتبی در سطح ملی ایجاد شد که احزاب با استفاده از آن پُست‌ها را میان خود تقسیم می‌کردند (Henretta, 2006: 40). این چنین بود که به‌دلیل میزان سازماندهی و تشکیل شبکه حامی‌پرور در قرن نوزدهم از اصطلاح ماشین سیاسی<sup>۶</sup> استفاده شد (Fukoyama, 2014: 263). از این حیث آمریکا در دهه ۱۸۸۰ شباهت زیادی به کشورهای در حال توسعه در زمان خود پیدا کرد. با وجود نهادهای دموکراتیک و انتخابات رقابتی، آرای مردم در ازای توزیع مقامات دولتی خریده می‌شد و به همین دلیل کیفیت حکومت عموماً پایین بود (Ibid: 273).

اما با ظهور وودرو ویلسون<sup>۷</sup> ایالات‌متحده دوباره به فضای مجادلات میان جفرسون و همیلتون بازگشت. او در مقاله‌ای در سال ۱۸۸۷ به این نکته اشاره کرد که علم اداره دولت در اروپا رشد کرد، ولی در آمریکا چنین علمی وجود ندارد، جایی که «بر رفتارهای اداری آن بی‌طرفی علمی حاکم

- 
1. Repatrimonialization
  2. Andrew Jackson
  3. Doctrine of the simplicity of Work
  4. Mass Clientalistic system
  5. State of Courts & Parties
  6. Political Machine
  7. Woodrow Wilson



نیست. فضای مسموم فرمانداری‌ها، اسرار عیان‌شده از ضعف اداره دولتی، سرگشتگی، جیره‌خواری و فساد که همیشه بوده و اخیراً در ادارات واشنگتن هم کشف شده، همگی مانع از آن می‌شوند که بپذیریم در ایالات‌متحده فهم روشنی از اداره خوب و اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن وجود دارد» (Wilson, 1887: 198-199).

او در بخش دیگری از این مقاله تأکید کرد: «نژاد انگلیسی هنر مهار قوه مجریه را به قیمت نادیده گرفتن دائمی هنر تکمیل روش‌های اجرایی یاد گرفته و با موفقیت به اجرا گذاشته است. نژاد انگلیسی بیشتر از آنکه در صدد تقویت حکومت باشد، به دنبال مهار آن بوده و به جای روان‌سازی و منظم کردن و کارآمد نمودن حکومت در صدد است آن را به عدالت و اعتدال مزین کند» (Ibid: 206). با این رهنمودها بود که آمریکا در حد فاصل دهه ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۰ به تدریج نظام حامی‌پرور را به یک بوروکراسی حرفه‌ای تبدیل کرد. این روند با آغاز ریاست‌جمهوری روزولت نیز تکمیل شد. اما از اواخر دهه ۱۹۶۰ ایالات‌متحده بار دیگر به عصر «ماشین سیاسی» بازگشت. علت عمده آن نیز سر باز کردن دوباره منازعات درباره امور پیشینی یا همان الگوهای رفتاری و هنجاری تکرارشونده اما سست بود. در واقع دو مؤلفه نهاد و هنجار در یک درهم‌گشس مداوم، جامعه آمریکا را با افت و خیزهای شدید سیاسی مواجه می‌کردند. در دهه ۱۹۷۰ دو دستگی افراطی میان احزاب آمریکایی عامل افول هنجارهای دموکراتیک را فراهم کرد و نظام نظارت و موازنه نیز در عمل موجبات ضعیف شدن دوباره نهاد دولت در آمریکا را فراهم کرد. به عبارت دیگر آمریکا بار دیگر به «دولت دادگاه‌ها و احزاب» بازگشت. با افول الگوهای رفتاری تکرارشونده، نسل جدیدی از سیاستمداران به رهبری نیوت گینگریج<sup>۱</sup> پا به عرصه گذاشتند که تصویری خشن از سیاست را ارائه می‌کردند و عرصه رقابت‌های انتخاباتی را به مثابه میدان جنگ می‌دیدند. به کمک وی، حزب جمهوری‌خواه راهبرد «سیاست به منزله جنگ» را در پیش گرفت.

بارنی فرانک<sup>۲</sup>، از اعضای دموکرات مجلس نمایندگان در این باره می‌گوید: «گینگریج صحنه سیاست آمریکا را متحول کرد. پیش‌تر، مردم فرض را بر این می‌گذاشتند که رقبایشان حُسن نیت دارند، ولی وی کاری کرد که مردم کسانی را که مخالفشان بودند، عناصر نامطلوب و غیراخلاقی فرض کنند» (Levitsky & Ziblatt, 2018: 215). این روند در دهه ۹۰ نیز ادامه پیدا کرد، اما پس از ریاست‌جمهوری اوباما و ورود ترامپ به کاخ سفید با شدت و حدت خیره‌کننده‌ای به مسیر

1. Newt Gingrich

2. Barney Frank



خود ادامه داد. این رقابت‌های حزبی باعث شد که سطح رضایت عمومی از نهادهای فدرال به طرز خیره‌کننده‌ای افت کند. به طور مثال؛ سطح اعتماد به کنگره آمریکا در این سال‌ها به ندرت بالاتر از ۱۰ درصد بوده است (Fukuyama, 2014: 865). بنابراین در یک الگوی تعامل چندجانبه پویا میان نهادها و الگوهای رفتاری شاهد رشد روزافزون زوال آمریکا در یک بستر تاریخی بوده‌ایم.

## ۵. تحلیل زوال آمریکا بر اساس الگوی تعامل چندجانبه پویا

در این بخش نشان داده می‌شود که چگونه افول هنجارها و الگوهای رفتاری به زوال نهادها منجر می‌شود و سپس مؤلفه‌های پولی شدن سیاست و اقتصاد به این روند شتاب می‌بخشند و سرانجام ستیزهای اجتماعی افول آمریکایی را تکمیل می‌کند.

### ۵-۱. افول هنجارها و الگوهای رفتاری

همان‌طور که پیش از این اشاره شد با توجه به تعریفی که هانتینگتون از نهاد ارائه می‌دهد، نمی‌توان برای نهادها ارزش ذاتی قائل شد؛ چراکه حیات و ممات آنها به امر بنیادین و پیشینی الگوهای پایدار رفتاری و هنجارهای تکرارشونده بستگی کامل دارد. از زمان پایان هژمونی دموکرات‌ها بر کنگره در دهه ۱۹۸۰ دو حزب اصلی آمریکا به تناوب، ریاست‌جمهوری و کنگره را در اختیار گرفته‌اند. این مسئله باعث تشدید رقابت حزبی و کاهش احترام و نزاکت سیاسی متقابل میان آنها شده است. درواقع در این بستر عامل تضعیف‌کننده الگوهای تکرارشونده و هنجاری را باید در دوقطبی شدن افراطی جستجو کرد. این قطبیت باعث شده که اختلافات از حوزه خط مشی و سیاست‌گذاری فراتر رود و به‌نوعی شاهد نزاع بر سر موجودیت در حوزه‌های نژاد و فرهنگ باشیم. درواقع این قطبیت است که موجبات زوال نهادی را از طریق فروپاشی هنجارهای دموکراتیک فراهم می‌کند. در این میان با افول رواداری سیاسی و خویشن‌داری به‌عنوان دو مؤلفه کانونی در فرهنگ سیاسی آمریکا، امروزه شاهد آن هستیم که بنیان حفاظت‌های دموکراسی آمریکا در حال سست شدن است. درواقع سنت‌هایی که زیربنای نهادهای دموکراتیک را تشکیل می‌دادند در حال فروپاشی‌اند و این مسئله شکاف نگران‌کننده‌ای میان عملکرد سیستم و انتظارات دیرینه در این حوزه ایجاد کرده است و این روند فرسایشی هنجارها چندین دهه قبل از به قدرت رسیدن ترامپ در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ آغاز شده بود (Leviskt & Zibblatt, 2018: 18,195- 196). اما وقتی





این قطبی شدن با نظام سیاسی مبتنی بر نظارت و موازنه تلاقی می‌کند، نتیجه بسیار ویرانگرتر خواهد بود (galston, 2010).

## ۵-۲. زوال نهادهای سیاسی

آمریکا از دل یک انقلاب علیه تمرکز قدرت زاده شد؛ بنابراین آزادی در نسبت با دولت‌ستیزی و بی‌اعتمادی شدید به حکومت فهمیده شد: «آمریکا، عُرف را از سنت انگلیسی تتودور به ارث برد و بعد از انقلاب شکوهمند هم اساس حکومت‌های پاسخگو این اصل بود که بدون نمایندگی نباید مالیات داد؛ اما در همان حال دولت قوی را که از همان ابتدا و از زمان فتح انگلیس توسط نورمن‌ها شکل گرفت و در آغاز قرن هجدهم به یک حاکمیت یکپارچه تبدیل شد، اخذ نکرد. نبرد برای کسب استقلال از بریتانیا، دولت‌ستیزی آمریکایی را تقویت کرد و باعث شد قانون اساسی مجموعه‌ای از محدودیت‌ها در قالب نظارت و موازنه‌های متعدد بر حکومت اعمال کند» (Lipset, 1996: 113-116).

همین مسئله باعث شد بی‌اعتمادی به حکومت در آمریکا در قیاس با دیگر ممالک توسعه یافته افزون‌تر شود و موانع نهادی بسیار جدی در برابر اصلاح حکومت به وجود آید. در چنین چارچوبی کیفیت خدماتی که حکومت آمریکا ارائه می‌دهد، معمولاً پایین‌تر از خدمات ارائه شده در سایر کشورهای توسعه یافته است و استقرار دموکراسی پیش از تبدیل شدن دولت به یک نهاد مستقل و باثبات و مستحکم باعث شد در آمریکا حامی‌پروری به شکل گسترده‌ای رواج بیابد. با این رویداد، احزاب سیاسی بوروکراسی را به منبع تأمین منافع حامیان سیاسی خود تبدیل کرده‌اند؛ امری که پیامدهای فاجعه‌باری برای ظرفیت و قدرت دولت داشت. اساس حکومت کارآمد، شایسته‌سالاری است حال آنکه دموکراسی بر مشارکت توده‌ای متمرکز است. این دو اصل می‌توانند در کنار هم تعریف شوند، ولی همیشه میان این دو تنش دیده می‌شود. همین مسئله بارها و بارها در ایالات متحده در عرصه عمل و اجرا ظهور و بروز یافته است (Fukuyama, 2014: 370).

مطابق اعلام کمیسیون خدمات دولتی در سال ۲۰۰۳ اغلب آنهایی که وارد نظام اداری می‌شدند، خود را گرفتار پیچ و خم قواعد و مقرراتی می‌دیدند که مانع پیشرفت شخصی آنها شده، خلاقیتشان را نابود کرده و در عین حال شاهد آن بودند که بهترین‌ها کمتر از استحقاق و بدترین‌ها



بیشتر از استحقاقشان دریافت می کنند<sup>۱</sup>. تحقیقات دیگر نیز نشان می دهد نسل جوانی که می خواهد به مصالح عمومی خدمت کند بیشتر مایل به کار در بخش غیرانتفاعی است تا دولت. وقتی در یکی از همایش ها از شرکت کنندگان پرسیده شد که سازمان آنها تا چه حد در منضبط کردن عملکردهای بد موفق بوده است، تنها ۹ درصد جواب «خیلی خوب» دادند و جواب ۶۷ درصد «نه خیلی خوب» یا «اصلا خوب نیست» بود (Light, 2008: 115).

اما با وجود این وضعیت وخیم نهادی، نهادهای آمریکا قادر به تطبیق خودبا شرایط جدید و انجام اصلاحات لازم نیستند؛ چراکه در صورت وقوع اصلاحات نهادی موفق، قواعد سیستم تغییر می کند و غیرخودی ها به خودی ها تبدیل می شوند. این در حالی است که نهادهای مدرن در برابر گرفتار شدن در دست خودی ها آسیب پذیرند و در غیاب انگیزه های نهادی قوی، گروه هایی که در قدرت حضور دارند از این موقعیت به نفع خود و حامیان شان استفاده می کنند (Fukuyama, 2014: 885). در این میان قضایی شدن امور اداری و افزایش تأثیرگذاری و نفوذ گروه های ذی نفع<sup>۲</sup> نیز زوال نهادی را تشدید می کند چراکه منجر به بحران نمایندگی<sup>۳</sup> می شود. در شرایطی که نهادهای آمریکایی با تصلب فکری و نفوذ گروه های نخبه مواجهند، سیستم «توکراسی»<sup>۴</sup> به معنای تعدد بازیگران وتوکننده در تصمیم گیری ها منجر به وضعیت قفل شدگی در مجموعه های نهادی شده است (Ibid: 888).

### ۳-۵. پولی شدن سیاست

برآوردهای یاشچا مونک نشان می دهد درحالی که هزینه پیروزی برای هر کرسی مجلس نمایندگان در سال ۱۹۸۶ حدود ۶۰۰ هزار دلار بود، این رقم در سال ۲۰۱۲ به حدود ۱٫۶ میلیون دلار افزایش پیدا کرد. در عین حال هزینه های پیروزی در سنا نیز از ۷ میلیون دلار در سال ۱۹۸۶ به ۱۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۲ رسید. در همین سال کل هزینه انتخابات به حدود ۶٫۳ میلیارد دلار افزایش یافت (Mounk, 2018: 92-93). در همین حال آمار و ارقام نشان می دهد که در ۱۵ سال ابتدایی قرن بیست و یکم هزینه لابی از ۱٫۶ میلیارد دلار به ۳٫۲ میلیارد دلار رسیده است. همچنین

1. Revitalizing the Federal Government for the 21st, P1

2. Interest Groups

3. Crisis in Representativeness

4. Vetocracy



تعداد شرکت‌های ثبت‌شده لابیگر در سال ۱۹۷۱ بالغ بر ۱۷۵ مؤسسه بود، اما ۱۰ سال بعد به ۲۵۰۰ عدد رسید و در سال ۲۰۱۳ نیز بیش از ۱۲ هزار لابی‌کننده ثبت‌شده رسمی وجود داشت که سالیانه بیشتر از ۳,۲ میلیارد دلار هزینه می‌کنند (Hacker & Pierson, 2011: 118). همین مسئله منجر به این شد که پیامدهای سیاسی به ندرت همخوان و مطابق با ترجیحات مردم باشد. درحالی‌که سطح مشارکت و آگاهی سیاسی بسیار پایین است، تصمیم‌های واقعی را گروه‌های بسیار کوچکی از صاحبان منافع اتخاذ می‌کنند (Schattschneider, 1975: 130).

همین مؤلفه‌ها است که باعث شکل‌گیری حقوق بدون دموکراسی می‌شود و صدای مطالبات مردم اغلب به گوش نخبگان سیاسی یا همان خودی‌های متعلق به جریان اصلی نمی‌رسد. این شرایط موجب ظهور پوپولیست‌های ستیزه‌جو می‌شود؛ آنچنان که آمریکا در نوامبر ۲۰۱۶ با آن مواجه شد. در واقع مردم در شرایطی که نخبگان سیاسی تنها به فکر پرکردن جیب‌های خود هستند تا تحقق مطالبات آنها، ترجیح می‌دهند علیه دموکراسی و نهادهای دموکراتیک اقدام کنند و شرایط را برای ورود یک غیرخودی برای انجام اصلاحات رادیکال حتی از نوع غیردموکراتیک آن مهیا سازند. به‌همین دلیل شاهد رشد احزاب توده‌ای در سراسر دنیای غرب هستیم؛ درحالی‌که این احزاب در سال ۲۰۰۰ تنها سهم ۹,۶ درصدی از آرای مردم را در اختیار داشتند، این رقم در سال ۲۰۰۸ به ۱۷,۲ درصد و در سال‌های بعد به ۲۴,۴ درصد افزایش یافت (Mounk, 2018: 61 & 62). اما ترامپ به‌تنهایی این رقم را در سال ۲۰۲۰ به حدود ۴۸ درصد افزایش داد.

#### ۴-۵. مؤلفه‌های اقتصادی

آمریکا اکنون در شرایط زوال نهادهای سیاسی و افول هنجارهای دموکراتیک قرار دارد؛ پس به‌طور طبیعی ناکارآمدی و ظرفیت و کیفیت پایین دولت در ارائه خدمات و عدم اجماع در سطح نخبگی تأثیرات بلافصل خود را در عرصه اقتصادی نیز به نمایش می‌گذارد. براساس گزارشی که در وبسایت شخصی برنی سندرز به تاریخ ۱۴ فوریه ۲۰۲۱ منتشر شده است، در آمریکای امروز درحالی‌که ۶۵۰ میلیارد، یک تریلیون دلار به ثروت خود افزوده‌اند، ۱۴۰ میلیون نفر کم‌درآمد زندگی می‌کنند، ۹۲ میلیون نفر نیز قادر به پرداخت هزینه‌های درمانی خود نیستند، ۵۰ میلیون نفر دیگر در تأمین غذای موردنیاز خود ناتوانند و ۴ میلیون نفر نیز با خطر از دست دادن سرپناه مواجهند. در چنین شرایطی یکی از دلایل تقسیم آمریکا براساس دو مؤلفه دموگرافیک و جغرافیایی به همین سطح نابرابری شدید اقتصادی بازمی‌گردد.



جانانان رودن، اندیشمند علوم سیاسی در پژوهشی پیامد این مسئله را به خوبی در آمریکای متفرق نشان می‌دهد. این کشور در این چارچوب به شهرها و حومه‌های آبی و مناطق روستایی و نیمه‌روستایی قرمز تقسیم شده است (Fukuyama, 2021). همین‌طور پژوهش اندیشکده بروکینگز این شکاف اقتصادی و تأثیرگذاری آن بر الگوهای رأی‌دهی در انتخابات را به نمایش می‌گذارد؛ درحالی که در سال ۲۰۱۶ میلادی، ۲۵۸۴ کانتی که به ترامپ رأی داده بودند، سهم ۳۶ درصدی از تولید ناخالص داخلی آمریکا داشتند، ۴۷۲ کانتی بزرگ حامی کلینتون تقریباً از دو سوم جی‌دی‌پی بهره‌مند بودند. این تقریباً مشابه الگوی رأی‌دهی در سال ۲۰۲۰ است؛ یعنی ۵۰۹ کانتی که در سبد آرای بایدن قرار گرفت، ۷۱ درصد تولید ناخالص داخلی و ۵۴۷ کانتی پشتیبان ترامپ سهم ۲۸ درصدی از جی‌دی‌پی را در اختیار داشتند (Muro, 2020). بنابراین بسیاری از افرادی که به ترامپ در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ رأی دادند ساکن مناطقی بودند که از نظر اقتصادی رو به زوال هستند. آنها کار می‌خواهند و نه سابقه سیاسی. آنها بر این باورند که دولت، فاسد یا حداکثر یک شوخی است. درواقع این الگوی رأی‌دهی در مناطق روستایی و شهرهای کوچکی اتفاق افتاده است که از صنعتی شدن آسیب دیده‌اند. در عین حال بیکاری، توقف رشد دستمزدها و تأثیرات فوری آن بر ساختار اجتماعی نیز مزید بر علت شده‌اند که دواپارگی از حوزه‌های سیاسی به حوزه‌های اجتماعی سرایت پیدا کرد (Sawhill, 2018).

## ۵-۵. ستیزهای اجتماعی

اما برون‌ریز افول هنجارها و زوال نهادها به اقتصاد محدود نمی‌شود و حوزه‌های وسیعی از مسائل اجتماعی را در بر می‌گیرد. با توجه به اینکه به‌مرور دو حزب سیاسی آمریکا تمایزات در حوزه ختم‌شده‌ها را نمایندگی نمی‌کنند و حوزه‌های هویتی را تحت پوشش قرار می‌دهند، این مسئله باعث شده است که پایگاه رأی این دو حزب نیز بر مبنای اولویت‌های نژادی، باورهای مذهبی، محل سکونت و حتی شیوه زندگی به شدت با یکدیگر اختلاف نظر بیابند. در سال ۱۹۶۰، دانشمندان علوم سیاسی از مردم آمریکا پرسیدند که اگر فرزندشان با کسی که خود را طرفدار حزب رقیب معرفی می‌کند، ازدواج کند، چه حسی به آنها دست خواهد داد؟ ۴ درصد دموکرات‌ها و ۵ درصد جمهوری خواهان پاسخ دادند که «دلخور» می‌شوند. در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۳۳ درصد دموکرات‌ها و ۴۹ درصد جمهوری خواهان معتقد بودند ازدواج فرزندشان با شخص طرفدار حزب رقیب، آنها را «تا حدودی یا خیلی زیاد ناراحت» خواهد کرد. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که دموکرات یا



جمهوری خواه دیگر صرفاً نشانه‌ای از شمایل حزبی افراد نیست؛ بلکه به بخشی از هویت آنها تبدیل شده است.

در نظرسنجی دیگری که در سال ۲۰۱۶ از سوی مؤسسه نظرسنجی پیو<sup>۱</sup> انجام شد، ۴۹ درصد جمهوری خواهان و ۵۵ درصد دموکرات‌ها از حزب رقیب «هراس» داشتند. این ارقام در میان کسانی که در عرصه سیاسی فعال بودند، حتی بیشتر هم بود. ۷۰ درصد دموکرات‌ها و ۶۲ درصد جمهوری خواهان می‌گفتند از حزب رقیب می‌هراسند (Levitsky & Ziblatt, 2018: 240-241). در چنین چارچوبی حزب دموکرات تبدیل به حزب اقلیت‌های قومی شده است و حزب جمهوری خواه تقریباً به‌طور کامل سفیدپوست و به حزب مسیحی‌های انجیلی تبدیل شده است. در همین حال حزب دموکرات به‌طور فزاینده‌ای به‌سمت سکولار شدن در حال حرکت است. تعداد دموکرات‌های سفیدپوستی که به‌طور مرتب به کلیسا می‌رفتند از حدود ۵۰ درصد در دهه ۱۹۶۰ به کمتر از ۳۰ درصد در دهه اول قرن ۲۱ کاهش پیدا کرده‌اند (Ibid: 244 & 245). درواقع گروه‌های اجتماعی امروز در حال تجربه کردن یک نبرد متفاوت با گذشته‌اند. حق به رسمیت شناختن و به کسب جایگاهی برابر و همسان با مردمان دیگر رسیدن و همچنین به رسمیت شناخته شدن جایگاه برتر یک فرد در مقابل دیگران. درواقع لیبرال دموکراسی‌های مدرن با حقوق فردی، حاکمیت قانون و حق رأی همگانی فقط توانسته‌اند حداقلی از احترام برابر و یکسانی را که وعده داده بودند، تأمین کنند، اما این تضمین‌کننده این مسئله نیست که در عمل برای همه مردم و به‌خصوص اعضای گروه‌های حاشیه‌نشین شده احترام یکسانی به‌دست آمده باشد و بر این اساس مسئله هویت در کانون نزاع‌های سیاسی و حزبی آمریکا قرار می‌گیرد (Fukuyama, 2018: 11).

## ۶. چشم‌انداز افول آمریکا و نقش بایدن

واقعیت این است که آمریکا امروز به‌شدت تقسیم شده است و نتایج انتخابات ۲۰۲۰، کمپین تقلب در انتخابات، حمله ۶ ژانویه ۲۰۲۱ و سرانجام محاکمه و تبرئه ترامپ در سنا بر شدت خصومت میان نیروهای سیاسی و اجتماعی افزوده است. درست است که بایدن در نوامبر سال گذشته توانست در انتخابات به پیروزی برسد، اما همه منابع به‌وجود آورنده‌ی زوال سر جای خود قرار دارد. در شرایط امروز حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد کسانی که به ترامپ رأی داده‌اند، روایت وی در مورد تقلب در



انتخابات را پذیرفته‌اند. امتناع وی از پذیرش شکست نیز، مشروعیت پیروزی بایدن را حداقل برای نیمی از جمعیت آمریکا تضعیف می‌کند. تا زمانی که سیاستمداران و نخبگان سیاسی به این پرسش نپردازند که چرا ایالات متحده این چنین تقسیم شده است، آمریکا را همچنان زوال تهدید می‌کند و این، تأثیر فوری بر افول قدرت نرم این کشور در صحنه بین‌المللی نیز خواهد گذاشت. در این شرایط به شدت قطبی‌شده، فضا به راحتی می‌تواند به ناگهان از کنترل خارج شود (Sawhill, 2021). همان‌طور که یک نمونه آن در ۶ ژانویه ۲۰۲۱ رخ داد. این تقسیم‌بندی‌های فزاینده میان احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی دیگر در این دسته‌بندی قرار نمی‌گیرد که دولت چه باید انجام بدهد؛ بلکه بیشتر معطوف به معنای آمریکایی بودن است. این یک نوع بحران هویت محسوب می‌شود و می‌تواند در آینده‌ی نزدیک هم بدتر شود (Ibid). بنابراین کار بایدن برای ترمیم آمریکا تقسیم‌شده و پایان دادن به فرآیند زوال بسیار دشوار است؛ چراکه نیاز به اقدامات همزمان در حوزه بازسازی هنجارهای سیاسی، اصلاحات بروکراتیک و بازبینی ساختاری در مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی دارد؛ امری که به دلیل انعطاف‌ناپذیری فکری و نهادی و حضور بازیگران قدرتمند سیاسی که از اصلاح نهادها جلوگیری می‌کنند، تقریباً غیرممکن است و این وضعیت احتمالاً بدون یک شوک بزرگ سیاسی تحقق‌پذیر نخواهد بود (Fukuyama, 2021).

اما آنچه خروج از بن‌بست کنونی برای واشنگتن را دشوارتر می‌کند، بروز دو پدیده تقریباً نوظهور است؛ یکی فناوری‌های جدید ارتباطی که باعث از میان رفتن ژرف‌نگری و رایزنی‌های دموکراتیک شده است و دیگری اختلافات آشتی‌ناپذیر سیاسی و اجتماعی است که بر محور هویت در حال حرکت رو به جلو است (Ibid).

## ۷. نتیجه‌گیری

دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی تا دهه ۱۹۹۰ مسئله افول را در چارچوب جوامع دستخوش دگرگونی مورد بررسی قرار می‌دادند. ثبات و استمرار نظم سیاسی در لیبرال دموکراسی‌ها به عنوان امری مفروض، قطعی و مسلم در نظر گرفته می‌شد. اما با تشدید رقابت‌های سیاسی و قطبی شدن فضای سیاسی جامعه آمریکا مفروضه قبلی به سطح فرضیه تنزل یافت و علل و عوامل افول در ایالات متحده به تدریج مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این مباحث پس از آغاز ریاست‌جمهوری اوباما و همچنین ظهور پوپولیسم در نوامبر ۲۰۱۶ با شدت بیشتری مورد پیگیری قرار گرفت. با این



حال اکثریت نظریات مطروحه در این زمینه با تقلیل گرایی مواجهند؛ چراکه در تحلیل‌ها تنها یک متغیر مورد توجه قرار گرفته است.

اما در این مقاله تلاش شد با رهیافت تعامل چندجانبه پویا متغیرهای گوناگون در ظهور و بروز زوال مورد شناسایی و تبیین قرار گیرد. بر این اساس افول هنجارهای دموکراتیک و الگوهای رفتاری تکرارشونده به مثابه یک امر پیشینی و سپس زوال نهادها در مقام یک امر پسینی، پولی شدن سیاست در آمریکا، شکاف و گسل‌های اقتصادی و همچنین ستیزهای اجتماعی به عنوان علل و عوامل پیش‌برنده زوال در ایالات متحده مورد بحث قرار گرفت. این عوامل در چارچوب رویکرد تعامل چندجانبه پویا با یکدیگر در وضعیت درهم‌کنش قرار می‌گیرند و بدین گونه یکدیگر را تقویت و تکمیل می‌کنند. از همین رو بی‌توجهی به یکی از این متغیرها موجب می‌شود منابع زوال در یک چارچوب بسیط و کلان در نظر گرفته نشود و یا منابع با پیامدها و نتایج در هم آمیخته شوند و امکان تفکیک و تمایز میان این دو به وجود نیاید.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که افول هنجارها و الگوهای رفتاری، زوال نهادی، پولی شدن سیاست و مؤلفه‌های اقتصادی و ستیز اجتماعی را می‌توان به عنوان علل و عوامل اصلی در افول آمریکا مورد شناسایی قرار داد. در چنین بستری امکان بازتنظیم دستورکارها و کارکردهای نظام سیاسی به امری دشوار تبدیل می‌شود.

در بخش پیامدها مشخص شد که به دلیل ترکیب انعطاف‌ناپذیری فکری و حضور بازیگران قدرتمند در ساختار قدرت و مخالف اصلاح نهادی در عمل بایدن کار چندانی در این مسیر نمی‌تواند انجام دهد؛ به عبارت دیگر آمریکایی‌ها پس از ترامپ رئیس‌جمهور دارند، ولی کشور جدید ندارند؛ چراکه منابع زوال کماکان در جای خود باقی مانده است. به نظر نمی‌رسد بدون یک شوک بزرگ به ساختار سیاسی تصمیم‌گیری در آمریکا همچون حادثه ۶ ژانویه البته با دامنه و دربرگیری گسترده‌تر، گشایشی در این حوزه به وقوع بپیوندد.

## ۸. پیشنهادهای رسانه‌ای

– از نگاه اروین پانوفسکی<sup>۱</sup> آثار گذشته هیچگاه کهنه نمی‌شوند و باید در این چارچوب به جریان زاینده زمان باور داشت. اما لازمه این کار این است که از طریق تصویر، آشفستگی و تنوع رویدادهای



گذشته را به یک نظم رسانه‌ای تبدیل کرد. از همین رو با توجه به ریشه‌دار بودن مجادلات کنونی در آمریکا پیشنهاد می‌شود فیلم‌های مستندی در مورد مناظره‌های مهم میان بنیانگذاران ایالات متحده یعنی توماس جفرسون و الکساندر همیلتون؛ استفان داگلاس<sup>۱</sup> و آبراهام لینکلن<sup>۲</sup> و همین‌طور مناظره‌های انتخاباتی در سال‌های ۱۸۲۴ و ۱۸۲۸ میان آندرو جکسون با جان کوئینسی آدامز<sup>۳</sup> تهیه و پخش شود.

- مناظره میان جکسون و آدامز به‌نوعی بازگوکننده نزاع‌های کنونی در ساختار قدرت در آمریکاست. درواقع آدامز سنت بریتانیایی در ساختار سیاسی آمریکا را نمایندگی می‌کرد که به نوعی در چارچوب گفتمان جفرسونی تعریف می‌شد. این دسته از سیاستمداران آمریکا از اعضای اصلی نخبگان شمال شرق محسوب می‌شوند، به‌طور معمول به چند زبان صحبت می‌کنند و از بهترین دانشگاه‌های ایالات متحده فارغ‌التحصیل شده‌اند. در مقابل، جکسون نماینده سنت اسکاتلندی-ایرلندی‌ها در آمریکای شمالی است. این گروه از مناطقی به آمریکا مهاجرت کردند که جزو عقب‌مانده‌ترین و فقیرترین مناطق بریتانیا محسوب می‌شد. همین خاستگاه باعث می‌شد که این دسته از نخبگان آمریکایی به‌لحاظ فرهنگ سیاسی تفاوت محسوسی با نخبگان انگلیسی‌تبار پیدا کنند. این دسته از سیاستمداران آمریکایی اکثراً از مناطق مرزی (خط مقدم تنسی) برخاسته بودند، تحصیلات کم و بیش معمولی داشتند و اهل جنگ و جدل بودند. درواقع پوپولیسم جدید آمریکا نیز ریشه در این سنت جکسونی دارد. از همین رو پخش مستندهایی در این حوزه و سازگار کردن آن با شرایط کنونی به‌طور مثال بایدن به جای آدامز و ترامپ به جای جکسون می‌تواند جذابیت این آثار را بیشتر کند. حتی افرادی مانند فوکویاما تضاد میان آدامز-جکسون را با تقابل جان کری فارغ‌التحصیل دانشگاه ییل و سارا پیلین ضدنخبه‌گرا مقایسه می‌کنند. عنوان این مستند می‌تواند «خط مقدم تنسی» باشد.

- پوپولیست‌ها از تاریخ به‌ویژه تاریخ دور استفاده می‌کنند تا به گذشته ماهیت اسطوره‌ای بدهند؛ بنابراین نوع خوانش پوپولیست‌ها از تصاویر تاریخی نیز می‌تواند حائز اهمیت باشد. به‌نظر می‌رسد پخش گفتگوها یا مستندهایی در مورد چهره‌های راست افراطی همچون استیو بنن<sup>۴</sup> به‌خصوص

- 
1. Stephen Dauglas
  2. Abraham Linkoln
  3. John Quincy Adams
  4. Steve Benen





گفتگوهای سیاسی وی با لاری کینگ در سی‌ان‌ان در دهه ۱۹۹۰ حائز اهمیت است. او در این گفتگوها از تمایلات سفیدبرتریندانه خود رونمایی می‌کند.

- تجربه وودرو ویلسون و انقلاب همیلتونی وی در آمریکا و تغییر از یک دولت نامؤثر به یک دولت مؤثر و کارآمد به سبک اروپایی و وبری می‌تواند از برش‌های جالب تاریخ تحولات ایالات متحده باشد. به نظر می‌رسد ترتیب دادن یک میزگرد با حضور چند جامعه‌شناس سیاسی برای بررسی این دوره می‌تواند برای مخاطبان خارجی و حتی داخلی جالب توجه باشد.

با توجه به افول و فروپاشی هنجارهای دموکراتیک و زوال نهادها در ایالات متحده، ظهور گروه‌های افراطی نظیر کیو آن<sup>۱</sup>، اتم وافن<sup>۲</sup>، جنبش بوگالو<sup>۳</sup> و نگهبانان ولوریند<sup>۴</sup> آمریکا احتمالاً طی ماه‌ها و سال‌های آینده با پدیده تروریسم داخلی مواجه خواهد شد. بنابراین پیشنهاد می‌شود سلسله مستندهایی در معرفی هر یک از این جریان‌ها شبه‌نظامی، راست افراطی و سفیدبرتریندانه پخش شود.

- از طریق تحلیل محتوای رسانه‌های رقیب در آمریکا می‌توان علل اصلی افول و خطوط تمایزات فرهنگی و هویتی را استخراج کرد. در اینجا بهتر است به‌جای تکیه صرف بر غول‌های رسانه‌ای آمریکا نظیر سی‌ان‌ان و فاکس نیوز از رسانه‌های کمترشناخته‌شده که در سطوح میانی تعریف می‌شوند همانند سایت «The Federalist» بهره جست. پیشنهاد می‌شود مفاد استخراج‌شده از این تحلیل محتوای رسانه‌ای، به زبان تصویر ترجمه شود و در اختیار مخاطبان برون‌مرزی قرار گیرد.

- تهیه فیلم‌های مستند و گزارش‌های میدانی درباره دیدگاه نخبگان آمریکایی درباره افول این کشور و چشم‌انداز آن.

1. QAnon

2. Atomwaffen

3. Boogaloo movement

4. Wolverind watchmen



## منابع و مأخذ

- Schattschneider, Elmer E Adamamy David (1975), "**The Semisovereign people**", Boston: Boston cengage
- Crenson, Matthew a (1975), "**The Federal Machine: Beginning of Bureaucracy in Jacksonian America**", Baltimore: Johns Hopkins University Press
- Fukuyama, Francis (2014), "America in Decay: The sources of Political Dysfunction", **Foreign Affairs**, vol. 93, No.5 September/October PP 5/26
- Fukuyama, Francis (2016), "American Political Decay Renewal? The meaning of the 2016 Election. **Foreign Affairs**, vol. 95, No.4 July/August
- Fukuyama, Francis (2021), "Rotten to the Core?" Available at: <http://www.foreingnaffairs.com/articles/united-states/2021-01-18/rotten-core>
- Fukuyama, Francis (2018), "**Identity: The Demand for Dignity and the Politics of resentment**", New York: Farrar, Straus & Giroux
- Fukuyama, Francis (2014), "**Political Order & Political Decay: From the Industrial Revolutions to the Globalization of Democracy**", New York: Farrar, Straus & Giroux
- Fukuyama, Francis (2011), "**The Origins of Political Order: From Pre humankinds to the French Revolutions**", New York: Farrar, Straus & Grioux
- Galston, William A (2010), "Can a Polarized American Party System B "healthy" Washington DC: **Brookings Institution**
- Hacker, Jacob s, Pearson and Paul (2011), "**Win-take-our politics**", New York: Simon and Schuster
- Huntington, samuel P, (1968), "**Political Order in Changing Societies**", New Haven: Yale University
- Henretta, James A, (2006), "**America History To 1877**", Vol.1, New York: Bedford
- Ingraham, Patricia w, Resn Bloom David (1990), "Political Foundation of the America Federal Service: Rebuilding a Crumbling Base, **Public Administration Review** 50"
- Levitsky, Steven, Ziblatt, Daniel (2018), "**How Democracy Die**", New York: Crown
- Light, Paul (2008), "**A Government Executed: The Decline of the Federal Service and How to Reserve it**", Cambridge, MA: Harvard University Press
- Lipset, Seymour Martin (1996), "**American Exceptionalism: A double-edged Sword**", New York: Norton
- Migdal, Joe (1988), "**Strong Societies and Weak States: State Society Relations and State Capabilities in the Third World**", Princeton: Princeton University Press
- Mounk, Yascha (2018), "**The People vs Democracy: Why Our Freedom Is in Danger and How to Save It?**", Cambridge: Harvard University Press
- Muro Mark and others (2020), Biden Voting-Counties Equal seventy percent America's Economy Available at: <http://www.brookings.edu/blog/avenue-the->

avenue/2020/11/09/Biden-voting-counties-equal-70-percent-america's-economy-what-does-this-mean-for-the-nations-political-economic-devided/amp/

North, Douglass c Wallis, John & Barry r. Weingast (2009), "**Violence and Social Orders: A conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History**", New York: Cambridge University Press

Riper, Paul P. van (1958), "**History of the United State: Civil Service**", Evanston, IL: row-peterson

Sawhill, Izabel (2021), "How Biden Can Rebuild a Divided and Distrustful Nation (American must get to know one another again)", Available at: <http://www.foregnaffairs.com.artivle/how-biden-can-rebuild-devided-and-Distrustful-Nation>

Sawhill, Izabel (2018), "**The Forgotten Americans: An Economic Agenda for a Divided Nation**", New haven: Yale University Press.

Skowronek, Stephen (1982), "**Building New America State: The expansion of National Administrative Capacities**", New York: Cambridge University Press.

Wilson, Woodrow (1887), "The Study of Administration", **Political Quarterly** to, No.2, 197-222.





## مقاومت و همه‌پرسی؛ شاخص‌های حل مسئله فلسطین بر اساس دیدگاه‌های

### مقام معظم رهبری (با ارائه رویکردهای رسانه‌ای)

بهنام خسروی<sup>۱</sup>، شهره پیرانی<sup>۲</sup>

#### چکیده

مسئله فلسطین از مهمترین مسائل جهان اسلام محسوب می‌شود. مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که «حل مسئله فلسطین و پایان اشغالگری رژیم صهیونیستی از دیدگاه رهبر جمهوری اسلامی ایران بر چه شاخص‌هایی استوار است؟» نوشتار، این فرضیه را به آزمون گذاشته است که «مقاومت و جهاد در کنار پیگیری برگزاری همه‌پرسی، از منظر ایران، راهکار حل مسئله فلسطین و مکمل یکدیگر هستند». روش پژوهش توصیفی-تحلیلی با استفاده از ابزار فیش‌برداری برای جمع‌آوری داده از سخنرانی‌های مقام معظم رهبری و مصاحبه عمیق با ۱۵ کارشناس در حوزه مسائل فلسطین بوده است. یافته‌های مقاله حکایت از آن دارند که جمهوری اسلامی ایران برای حل مسئله فلسطین بر اجرای دو راهکار تأکید کرده است: «مقاومت و همه‌پرسی». ایران علاوه بر راهکار نظامی، طرحی حقوقی-سیاسی نیز ارائه کرده است. پیشنهاد برگزاری همه‌پرسی در فلسطین برای تعیین ماهیت حقوقی-سیاسی دولت حاکم، طرح دموکراتیک ایران است که توسط مقام معظم رهبری مطرح و در سازمان ملل نیز ثبت شده است. در منظومه فکری رهبر انقلاب اسلامی برگزاری همه‌پرسی، ناشی از مقاومت است و ایشان راه‌حل بحران فلسطین را جهاد می‌دانند که در نهایت به تأسیس دولت مستقل فلسطین منجر خواهد شد.

**واژه‌های کلیدی:** فلسطین، دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، مقاومت، طرح همه‌پرسی، رسانه برون‌مرزی.

---

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۳

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، گروه مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
kh\_behnam\_69@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، گروه مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.  
sh\_p202@yahoo.com



## ۱. مقدمه

حمایت از مردم فلسطین و گروه‌های مقاومت، مخالفت با موجودیت رژیم صهیونیستی، پوشش رسانه‌ای مظلومیت مردم فلسطین و جنایات رژیم اسرائیل، نشان از اهمیت مسئله فلسطین در گفتمان انقلاب اسلامی، سیاست خارجی و قانون اساسی ایران دارد. به‌عنوان مثال اصل ۱۵۲ قانون اساسی اشعار می‌دارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است». اصل ۱۵۴ نیز ذکر کرده که ایران «در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

رهبر معظم انقلاب نیز در مورد فلسطین و طرح همه‌پرسی اعتقاد دارند که سرزمین‌های اسلامی، اشغال شده و تنها راه‌حل بحران فلسطین، مقاومت و مبارزه است. زیرا رژیم صهیونیستی، فقط با قدرت طرف فلسطینی، حاضر به عقب‌نشینی و ارائه امتیاز است. لذا در گام‌های اولیه نمی‌توان با این رژیم از مبنای حقوقی و انسانی رایزنی کرد و مقاومت مسلحانه تنها زبانی است که این رژیم درک می‌کند. ایران ضمن اعتقاد به جهاد، به رای مردم اهمیت می‌دهد و اعتقاد دارد که در گام آخر این مردم فلسطین - از ادیان مختلف - خواهند بود که سرنوشت خودشان را تعیین خواهند کرد. لذا منافاتی میان رویکرد راهبردی مقاومت با پیگیری طرح همه‌پرسی وجود ندارد. دقت در سیاست خارجی ایران نیز نشان می‌دهد که ایران برای پایان اشغالگری، باید همزمان هم بر راهکار نظامی و هم راه‌حل سیاسی - حقوقی تأکید کند. بدین ترتیب، مردم فلسطین، نظام حکومتی حاکم بر کشورشان را تعیین خواهند کرد. برگزاری همه‌پرسی، منطبق با اصول حقوق بین‌الملل از جمله حق تعیین سرنوشت است که نشان از رویکرد حقوقی طرح ایران دارد.

هدف از طرح پیشنهاد همه‌پرسی که از دیدگاه کارشناسان، وجهه کاربردی، سیاسی و رسانه‌ای دارد، مواجه کردن مدعیان حقوق بشر و دموکراسی غرب با ادعاهای خودشان و در نتیجه افشای چهره واقعی آنان است. شاخص همه‌پرسی در سال‌های متمادی در بیانات رهبر انقلاب تکرار و در نهایت در زمستان ۱۳۹۸ (۲۰۱۹م) در سازمان ملل ثبت شد (UN, 2019). ثبت طرح پیشنهادی ایران در سازمان ملل تقریباً در سکوت رسانه‌ای حامیان رژیم صهیونیستی رخ داد. زیرا طرح ایران، مطابق منافع آنها نبوده و ماهیت استانداردهای دوگانه این قدرت‌ها پیرامون حقوق بشر و حق تعیین سرنوشت را آشکار می‌سازد. زیرا این طرح بر اساس قواعد بین‌المللی، بر تعیین سرنوشت فلسطین



از طریق همه‌پرسی از همه ساکنان اصلی آن تاکید دارد. درواقع، ستون فقرات طرح ایران، تاکید بر مسئله حق تعیین سرنوشت توسط مردم فلسطین است (مصدق‌پور، ۱۷ دی ۱۳۹۹).

بر این اساس، مسئله نوشتار پیش‌رو احصای شاخص‌های حل مسئله فلسطین با تمرکز بر طرح همه‌پرسی از دیدگاه رهبر جمهوری اسلامی ایران است. درواقع، این مقاله درصدد است ضمن معرفی طرح همه‌پرسی برای حل مسئله فلسطین، دیدگاه مقام معظم رهبری و نخبگان داخلی و خارجی را برای پایان اشغالگری و ارتباط راهکار مقاومت با طرح دموکراتیک همه‌پرسی بررسی و این نکته را تبیین نماید که طرح همه‌پرسی، نافی مقاومت مسلحانه نیست و در اندیشه رهبر انقلاب، به‌عنوان طرحی سیاسی - حقوقی برای حمایت از جهاد مطرح شده است. این مقاله به‌دلیل اولویت مسائل مرتبط با فلسطین در سیاست خارجی ایران و ضرورت توجه رسانه‌های برون‌مرزی به آن، اهمیت دارد. همچنین با توجه به تلاش آمریکا برای عادی‌سازی و آشکارسازی روابط برخی کشورهای عربی با رژیم اسرائیل، طرح معامله قرن و الحاق کرانه باختری، پوشش رسانه‌ای طرح ایران و معرفی صحیح آن حائز اهمیت است. بر این اساس، پرسش محوری مقاله را می‌توان به این شکل ساماندهی و صورت‌بندی کرد: حل مسئله فلسطین و پایان اشغالگری رژیم صهیونیستی از دیدگاه رهبر جمهوری اسلامی ایران بر چه شاخص‌هایی استوار است؟ فرضیه مقاله این است که «مقاومت و جهاد در کنار پیگیری برگزاری همه‌پرسی، از منظر ایران، راهکار حل مسئله فلسطین و مکمل یکدیگر هستند. درواقع از دید ایران، پیروزی سیاسی (برگزاری همه‌پرسی) نتیجه ادامه مقاومت و جهاد مسلحانه است».

روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی، با استفاده از ابزار فیش‌برداری برای جمع‌آوری داده‌ها از بیانات مقام معظم رهبری است. همچنین از روش مصاحبه عمیق با کارشناسان و صاحب‌نظران سیاسی، امنیتی، اقتصادی و رسانه‌ای حوزه فلسطین نیز برای تشریح، تصریح و تبیین دیدگاه‌های رهبر انقلاب استفاده خواهد شد. روش دست‌یابی به حجم نمونه کارشناسان، «گلوله برفی» به‌معنای رجوع به یک کارشناس خبره و معرفی سایر کارشناسان توسط وی است. بر این اساس، تعداد کارشناسان بر اساس اشباع نظری داده‌ها، ۱۵ نفر است. نقطه تمرکز این مقاله معرفی راهکار دموکراتیک ایران، ارتباط آن با ایده مقاومت و جهاد و فرصت‌های و چالش‌های این طرح است.



## ۲. پیشینه پژوهش

امیرعبداللهیان (۱۳۹۹) ضمن بیان تاریخچه‌ای از طرح‌های غربی به رهبری آمریکا برای مشروعیت‌بخشی به رژیم صهیونیستی، آن طرح‌ها را یک‌جانبه توصیف و تأکید کرده که طرح ایران، سیاسی و دموکراتیک و متمرکز بر حقوق مردم فلسطین است. شریفی‌جلی (۱۳۹۷) در مقاله خود «همه‌پرسی؛ حقیقت بین‌المللی برای واقعیت فلسطین» تأکید کرده که راهکار پیشنهادی ایران، ارتباط تنگاتنگی با مفاهیمی مانند «حق تعیین سرنوشت» و «حق بازگشت» دارد. حبیب‌زاده (۱۳۹۵) در مقاله خود «ابتنای مقاومت مردم فلسطین بر حق تعیین سرنوشت و تعهدات جامعه بین‌المللی در قبال آن»، ضمن تأکید بر این نکته که «مردم فلسطین طی بیش از نیم قرن از حق تعیین سرنوشت خود محروم بوده‌اند»، معتقد است «هیچ‌یک از تلاش‌های به‌عمل‌آمده در جهت استقلال و آزادی مردم فلسطین نتیجه نداشته و اسناد مختلف بین‌المللی، اعم از اسناد حقوق بشری و قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد، حق تعیین سرنوشت را در بعد خارجی آن، یعنی حق استقلال و تشکیل دولت در مورد ملل تحت استعمار و سلطه بیگانه، به‌ویژه ملت فلسطین، به رسمیت شناخته‌اند». موسوی و موسوی (۱۳۹۲) در کتاب «حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین»، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها را به‌عنوان یکی از اصول بسیار مهم حقوق بین‌الملل دارای کاربردی سه‌گانه می‌دانند که در سه وضعیت مختلف اعمال شده است: استعمارزدایی، اعمال علیه حکومت نژادپرست و اعمال علیه اشغال سرزمین توسط بیگانه. نویسندگان اعتقاد دارند که بارزترین مصداق تسلط بیگانگان بر یک سرزمین، قضیه فلسطین است و مردم فلسطین به‌عنوان ساکنین اصلی سرزمین، دارای حقوقی هستند که از جمله آن حق تعیین سرنوشت ملی است. نویسندگان تأکید کرده‌اند تأسیس گروه‌های مختلف مقاومت گواه آشکار تلاش فلسطینیان در زمینه نیل به حق تعیین سرنوشت است.

طباطبایی و محبی (۱۳۹۳) «در مقاله حقوق بین‌الملل و تشکیل کشور مستقل فلسطینی» نوشته‌اند که حق تعیین سرنوشت و تشکیل کشور مستقل فلسطین جزء حقوق مردم فلسطین بوده که توسط قطعنامه‌های سازمان ملل مورد تأکید قرار گرفته است. نویسندگان اعتقاد دارند هر چند سه عنصر سرزمین، جمعیت و حاکمیت در رابطه با فلسطین با استانداردهای اولیه حقوقی وجود دارد، اما این عناصر ناقص و با چالش‌های جدی از جمله اشغال بخش‌هایی از سرزمین فلسطین توسط رژیم صهیونیستی روبه‌رو هستند. از نگاه سیاسی نیز، مانع اصلی عدم تمایل واقعی اسرائیل و پایبند نبودن آن به ملزومات تشکیل کشور مستقل فلسطین است.





همچنین با توجه به تاکید مقام معظم رهبری بر شرکت «فلسطینی‌های اصیل که قبل از سال ۱۹۴۸ در فلسطین ساکن بوده‌اند» و نتیجه طبیعی آن، یعنی تأسیس دولت ملی فلسطین و نابودی رژیم صهیونیستی، منابع غربی و پژوهشگران ضد محور مقاومت، اعتقاد دارند «پیشنهاد ایران به وضوح اکثریت یهودیان اسرائیلی را نادیده می‌گیرد. از دید آنها نتیجه این همه‌پرسی قبل از برگزاری کاملاً واضح است. آنها همه‌پرسی پیشنهادی ایران را چیزی جز نسخه‌ای مؤدبانه از ایده «نابودی اسرائیل» توصیف نمی‌کنند (Ahouie, 2004). به نظر می‌رسد به دلیل اختلافات سیاسی کشورهای غربی و عربی با جمهوری اسلامی ایران و راهبرد مقاومت، توجه به این موضوع توسط رسانه‌ها، اندیشکده‌ها و پژوهشگران غربی به حاشیه رانده شده است. رسانه‌های غربی، طرح ایران را بایکوت یا به معنای تلاش ایران برای نابودی یهودیان تفسیر کرده‌اند. با توجه به پیشینه مذکور، نوآوری نوشتار حاضر احصاء، تبیین و تشریح شاخص‌های حل مسئله فلسطین از طریق طرح همه‌پرسی بر اساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و صاحب‌نظران این حوزه است. نتایج این پژوهش می‌تواند مکمل نتایج پژوهش‌های قبلی در این زمینه باشد.

### ۳. چارچوب نظری: حق تعیین سرنوشت

تضاد سلطه با طبیعت آزادی‌خواهانه بشر، در طول تاریخ، انسان‌ها را به‌سوی استقلال‌طلبی و آزادی‌خواهی سوق داده که بازتاب آن در انقلاب‌ها مشهود است. مفهوم آزادی و استقلال، در حقوق بین‌الملل نیز به‌صورت مفهوم حق تعیین سرنوشت بیان شده است (اکبری‌لالیمی، ۱۳۹۵: ۶۱). البته تعریف واحدی از حق تعیین سرنوشت وجود ندارد. دیوان بین‌المللی دادگستری، در نظر مشورتی در مورد مشروعیت اعلامیه استقلال کوزوو، ذکر کرده که در مورد حق تعیین سرنوشت در رویه و عملکرد دولت‌ها اختلاف نظر وجود دارد (ICJ, 2010). با توجه به تحولات بین‌المللی، آزادی مردم از سلطه خارجی و آزادی در انتخاب سیستم‌های سیاسی بر اساس ادعاهای ملی و سرزمینی، در چارچوب این حق تعریف می‌شوند (Crivelente, 2019). حق تعیین سرنوشت به‌عنوان حق تخطی‌ناپذیر، یعنی مردم سیستم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را تعیین کرده و موقعیتی بین‌المللی برای خود کسب کنند (اخوان‌خرازیان، ۱۳۸۶: ۱۲۳) و بعد خارجی آن در حق خودمختاری و یا استقلال متجلی شده است (قاری‌سیدفاطمی، ۱۳۸۲: ۱۳۰). این حق به شکل جمعی، به حق مردم برای تصمیم‌گیری آزادانه درباره زندگی ملی و تقسیم قدرت به‌طور عادلانه اشاره دارد (Mancini, 2008: 554).



این حق در اعلامیه چهارده ماده‌ای ویلسون بعد از جنگ اول جهانی و همچنین میثاق جامعه ملل به صورت حمایت از اقلیت‌های قومی جایگاه برجسته‌ای پیدا کرد و در منشور ملل متحد نیز وارد شده است. در ماده ۲۲ میثاق، حق تعیین سرنوشت برای ایجاد سازش میان ایده تعیین سرنوشت از یک طرف و منافع قدرت‌های بزرگ از طرف دیگر، به حالت نظام قیمومت و با اعطای حق خودمختاری به مستعمرات مطرح شد تا اهالی مناطق تحت قیمومت در آینده حق خودمختاری پیدا کنند. اما علیرغم این اقدام و همچنین تاکید بر حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود در پیش‌نویس اعلامیه استقلال آمریکا (۱۷۷۶)، اعلامیه حقوق انسان و شهروند فرانسه (۱۷۸۹) و قانون اساسی فرانسه و سپس میثاق، حق تعیین سرنوشت در دوران جامعه ملل، به‌عنوان یک ابزار سیاسی در اختیار دولت‌های فاتح و برای تصاحب سرزمین کشورهای مغلوب، باقی ماند (اکبری‌لالیمی، ۱۳۹۵: ۶۴). لذا حق تعیین سرنوشت، مهمترین دستاورد حقوق بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم است (Bowring, 2008: 9).

منشور سازمان ملل، در بند ۲ ماده ۱ (فصل اول) و در بند ۳ ماده ۵۵ (فصل نهم)، احترام به حق تعیین سرنوشت را برای تقویت صلح جهانی ضروری می‌داند. ماده ۱ مشترک میثاق حقوق مدنی و سیاسی<sup>۱</sup> و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>۲</sup> نیز اشعار داشته است که کلیه ملل حق خودمختاری دارند.

تحول در حق تعیین سرنوشت، هم معنای آن و هم معنای مردم را شامل شده است. ابتدا، مللی که تحت استعمار بودند (کسب استقلال) و اکنون همه ملت‌ها، و به نظر برخی از حقوقدانان، حتی اقلیت‌ها (مشارکت در حکومت)، حق تعیین سرنوشت دارند. در سال ۱۹۶۰، و همزمان با روند تشدید مبارزه با استعمار، قطعنامه ۱۵۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل با «اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردمان مستعمرات» گام مهمی در روند استعمارزدایی و رسمیت بخشیدن به آن در سازمان ملل بود. لذا با توجه به موارد فوق حق تعیین سرنوشت به یک اصل حقوقی الزام‌آور تبدیل شده و با توجه به آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای مختلف، حق تعیین سرنوشت، بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی و یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل معاصر است (اکبری‌لالیمی، ۱۳۹۵: ۶۴). در مورد مسئله فلسطین، به تصریح دیوان بین‌المللی دادگستری، سیاست‌های رژیم صهیونیستی، از جمله افزایش ساخت شهرک‌های صهیونیستی و ساخت دیوار

1. The International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)

2. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR)



حائل، هم موجودیت فلسطین را به‌عنوان یک کشور و هم توانایی مردم فلسطین در استفاده از حق تعیین سرنوشت خود را مختل کرده است (Daniele, 2020). این در حالی است که دولت فلسطین در سال ۲۰۱۲ توسط بیش از ۱۳۰ کشور و مجمع عمومی به‌عنوان یک کشور ناظر غیرعضو به‌رسمیت شناخته شد که قلمرو و مردم آن تحت اشغال هستند.

همچنین در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۲۰، اکثریت آرا (۱۵۳ رأی مثبت، ۶ رأی منفی و ۱۷ رأی ممتنع) در مجمع عمومی به نفع «قطعه‌نامه حاکمیت دائمی مردم فلسطین در سرزمین اشغالی فلسطین از جمله قدس شرقی»<sup>۱</sup> رأی دادند. رأی مثبت به این قطعه‌نامه، یعنی تأیید حق مردم فلسطین را بر منابع طبیعی خود و حق غرامت آنها در نتیجه سوء استفاده رژیم اشغالگر اسرائیل از منابع طبیعی آنها (UN, 2020). کمیته سوم کمیسیون امور اجتماعی، انسانی و فرهنگی سازمان ملل نیز در ۲۳ نوامبر ۲۰۲۰ قطعه‌نامه حمایت از حق مردم فلسطین برای تعیین سرنوشت را با اکثریت آراء (۱۶۸ رأی مثبت، ۵ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع) به تصویب رساند. این قطعه‌نامه بر حق مردم فلسطین برای برخورداری از یک کشور مستقل تأکید دارد (UN, 2020b). دو قطعه‌نامه مذکور واجد برخی ویژگی‌های طرح ایران نیز هستند. از جمله حق تعیین سرنوشت؛ لذا طرح دولت ایران در سازمان ملل، مبتنی بر اصول حقوق بین‌الملل و قطعه‌نامه‌های سازمان ملل است.

بعد خارجی حق تعیین سرنوشت به این معنا است که جمعیت یک سرزمین در مورد دولت حاکم، آزادانه تصمیم بگیرد. درواقع با توجه به قطعه‌نامه‌های سازمان ملل و مشایقین حقوق بشر، جنبه خارجی حق تعیین سرنوشت، علاوه بر مستعمرات و سرزمین‌های غیرخودمختار، به مردم سرزمین‌های اشغالی و تحت سلطه بیگانگان نیز تسری یافته است. یکی از مهمترین راهکار اعمال این حق، برگزاری همه‌پرسی است که دولت‌ها باید زمینه برگزاری، مشارکت مردم کشور تحت اشغال در آن و در نتیجه، تعیین نظام سیاسی دلخواه را فراهم کنند (اکبری‌لالیمی، ۱۳۹۵: ۶۷). درواقع، برای اجرای حق تعیین سرنوشت، احترام به آرای عمومی و دموکراسی در وجوه بیرونی و درونی، لازم است (امیدی، ۱۳۸۷). چنانچه ذکر شد به دلیل اهمیت حق تعیین سرنوشت در عرصه حقوق بین‌الملل، تخطی از آن مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را موجب می‌شود. علاوه بر آمره بودن اصل حق تعیین سرنوشت، می‌توان این اصل را از تعهدات عام‌الشمول<sup>۲</sup> یا دانست که به موجب آن

1. Permanent sovereignty of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem

2. Erga omnes



سایر کشورها متعهد به رعایت و تایید آن در برابر کل جامعه بین‌المللی می‌شوند. علاوه بر آن، باید به این نکته نیز اشاره کرد که حق تعیین سرنوشت با مسائلی چون دموکراسی و حقوق بشر پیوندی ناگسستنی دارد و یکی از علل توجه این حق به مسئله دموکراسی و حقوق بشر در آن است که فقدان دموکراسی در هر کشوری با نقض حقوق بشر در آن همراه است (آرش‌پور و شیرانی، ۱۳۹۳: ۱۶۵).

اما مردم فلسطین، با تاسیس رژیم اشغالگر قدس، از حق تعیین سرنوشت محروم شده‌اند و کشورشان اشغال و حقوق اولیه آنها نقض شده است. آنها به‌عنوان یک ملت، حق دارند نظام سیاسی حاکم بر کشورشان را تعیین کنند و به‌رغم آنکه کشورهای غربی مقاومت این مردم را اقدامات تروریستی تلقی می‌کنند، اسناد مختلف بین‌المللی، اعم از اسناد حقوق بشری و قطعنامه‌های مجمع عمومی، حق تعیین سرنوشت را در بعد خارجی آن، یعنی حق استقلال و تشکیل دولت در مورد ملل تحت استعمار و سلطه بیگانه، به‌ویژه ملت فلسطین، به‌رسمیت شناخته‌اند (حبیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۲۵). دیوان در نظر مشورتی ۹ ژوئیه ۲۰۰۴م، درخصوص «پیامدهای حقوقی ساخت دیوار در سرزمین فلسطین اشغالی» بر لزوم رعایت حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین و تعهدات رژیم صهیونیستی برای رعایت آن تأکید می‌کند. براساس نظر مشورتی دیوان در مورد اجرای حق تعیین سرنوشت توسط مردم بومی یک سرزمین در پرونده «جداسازی مجمع‌الجزایر چاگوس از موریس توسط بریتانیا» (۲۵ فوریه ۲۰۱۹م)، کشوری که قیمومیت یک منطقه غیرخودمختار را بر عهده دارد، نمی‌تواند بدون رعایت حق تعیین سرنوشت مردم، اقدام به جداسازی یک سرزمین نماید. همچنین با توجه به قطعنامه ۱۹۴ (۱۹۴۸م) مجمع عمومی در رابطه با حق بازگشت آوارگان فلسطینی به وطن خود، این طرح شامل تمامی فلسطینیان اصیل می‌شود (UN, 2019). به‌همین دلیل، حل مشکل پناهندگان و بازگشت تمامی آنها به سرزمین خود، مقدمه اجرای حق تعیین سرنوشت و تأسیس دولت مستقل است (طباطبایی و محبی، ۱۳۹۳: ۱۴۹). براساس ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل، بریتانیا حاکمیتی بر فلسطین نداشت و باید حق تعیین سرنوشت را در آن منطقه اجرا می‌کرد که به معنای برگزاری انتخاباتی آزاد و با مشارکت تمامی ساکنان فلسطین بود. حتی پس از تشکیل سازمان ملل متحد، در حالی که منشور ملل متحد (فصل یازدهم، مواد ۷۳-۷۴) از قواعد کاملاً مشخصی برای سرزمین‌هایی مانند فلسطین برخوردار بود، این قوانین مورد توجه قرار نگرفت. حتی قطعنامه اول ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل در نوامبر ۱۹۴۷م، نیز درخصوص برنامه تقسیم‌بندی فلسطین اجرایی نشد، زیرا اعراب فلسطین با آن مخالف بودند. به این ترتیب، در زمان



تشکیل رژیم صهیونیستی و بعد از آن، حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین کاملاً نادیده گرفته شد (UN, 2019). ایران ضمن تأکید بر جنبه‌های حقوقی حمایت از مردم فلسطین، به دلیل ماهیت رژیم صهیونیستی و خوی اشغالگری آن، بر ادامه مقاومت و مبارزه تأکید دارد. در ادامه مقاله، ضمن معرفی طرح مذکور، فرصت‌ها و چالش‌های این طرح و همچنین ارتباط آن با اندیشه مقاومت بررسی و تحلیل خواهد شد.

#### ۴. معرفی طرح همه‌پرسی دموکراتیک و ملی در فلسطین

طرح ایران برای حل مسئله فلسطین، مبتنی بر حق تعیین سرنوشت این ملت است که قواعد حقوق بین‌الملل نیز آن را تأیید می‌کنند. مقام معظم رهبری در ۲۹ مهر ۱۳۷۹ (۲۰ اکتبر ۲۰۰۰م) برای اولین بار طرح همه‌پرسی را وارد ادبیات سیاسی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران کردند. در بیانات ایشان چند عبارت و گزاره راهبردی وجود داشت: «تأکید بر مقاومت در عین پیگیری دیپلماتیک و سیاسی مسئله، لزوم حمایت کشورهای مسلمان از مردم فلسطین و حضور مردم برای آزادی قدس، لزوم توجه به شعارهای اصیل اسلامی، بیهوده بودن انتظار عدالت و انصاف از رژیم صهیونیستی و نقش این رژیم در انشقاق جهان اسلام و بیهوده بودن مذاکره با آن، مخالفت ایران با روند صلح تحمیلی مد نظر آمریکا، عدم توجه رژیم صهیونیستی به تاریخ مردم و سرزمین فلسطین، توصیف نابودی رژیم صهیونیستی به عنوان راه حل فلسطین و تأکید بر بازگشت آوارگان و شرکت آنها در همه‌پرسی به عنوان مرحله نهایی، موثر نبودن صلح کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، لزوم هوشیاری سران عرب و اتحاد در صفوف ملت فلسطین و تأکید بر حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین» (وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری، ۲۹ مهر ۱۳۷۹). در ۱ نوامبر ۲۰۱۹م، طرح ایران طی نامه مجید تخت‌روانچی، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل، به ثبت رسید. تخت‌روانچی لاینحل باقی ماندن مسئله فلسطین و ناکامی جامعه بین‌المللی در حل و فصل این بحران پیچیده و قدیمی را مایه نگرانی خوانده بود. او هدف این طرح را فراهم آوردن زمینه‌هایی برای مردم فلسطین جهت اعمال حق تعیین سرنوشت توصیف کرد. نکات مهم طرح ایران به شرح زیر است:

ایران، مسئله فلسطین را پیچیده‌ترین بحران جهانی می‌داند و معتقد است در نتیجه استمرار سیاست‌های توسعه‌طلبانه و همچنین اقدامات غیرقانونی و غیرانسانی رژیم صهیونیستی، مردم فلسطین از حقوق خویش محروم هستند.



از نظر ایران، سیاست‌ها و اقدامات رژیم صهیونیستی ناقض اهداف و اصول منشور ملل متحد و قوانین حقوق بین‌الملل است که به دلیل ناکامی جامعه بین‌المللی در اتخاذ اقدامات عملی جدی برای حل مسئله فلسطین، روند فزاینده نظام‌مندی داشته است.

مردم فلسطین در راستای احقاق حقوق اساسی خود در مقابل اشغال‌گری مقاومت کرده‌اند. با این حال، به دلیل عدم وجود یک ابتکار جامع و عملی با طرحی متناسب با واقعیت‌ها و ریشه‌های تاریخی، مسئله فلسطین لاینحل باقی‌مانده است.

طرح همه‌پرسی ملی با مشارکت تمامی فلسطینیان باید با رعایت معیارهای اصولی منطبق با واقعیت‌های تاریخی و منطبق با اصول مردم‌سالارانه و حقوق اساسی و خدشه‌ناپذیر مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های حقوق بشری برگزار تا حق بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین تاریخی خود اعمال شود.

برگزاری یک همه‌پرسی ملی در میان مردمان فلسطین<sup>۱</sup> که قبل از بیانیه بالفور در فلسطین ساکن بوده‌اند، شامل پیروان همه ادیان برای تعیین سرنوشت و تعیین و تشکیل نوع نظام سیاسی و تصمیم‌گیری درخصوص وضعیت ساکنان غیربومی فلسطین توسط نظام سیاسی منتخب اکثریت (UN, 2019).

در ادامه مقاله، بیانات رهبر انقلاب به مناسبت‌های مختلف، بررسی شده و نکات مشترک و مهم آنها در مورد راه‌حل مسئله فلسطین و طرح همه‌پرسی و ارتباط آن با مقاومت و جهاد استخراج شده است.

جدول شماره ۱- عبارات مهم رهبر معظم انقلاب در مورد فلسطین

| عبارات کلیدی، مهم و مشترک                                                                                           | تاریخ بیانات                                                                      | توضیحات                                                                                     |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------|
| راه علاج و نهایی: «ایستادگی و مقاومت شجاعانه»/ تشکیل دولت فلسطین از بحر تا نهر و بازگشت همه فلسطینی‌ها به کشور خود/ | ۱۶ بهمن ۱۳۹۸، ۲ خرداد ۱۳۹۹، ۱۵ فروردین ۱۳۹۷، ۳ اسفند ۱۳۹۵، ۱ مرداد ۱۳۹۳، ۹ شهریور | لزوم تلفیق مقاومت مسلحانه و ادامه پیگیری طرح همه‌پرسی در سازمان ملل/ موجودیت اسرائیل در گرو |

۱. با هدف تسهیل مشارکت تمامی فلسطینیان، به‌ویژه آوارگان فلسطینی در این همه‌پرسی، پروژه جهانی شناسایی، سرشماری و ثبت هویت جامع کلیه شهروندان فلسطینی در فلسطین و سایر کشورها اجرا خواهد شد. یک نهاد بین‌المللی با حضور نمایندگان مردم فلسطین وظیفه اجرای این پروژه را برعهده خواهد گرفت.



|                                                                                                                                                                                                                                                     |                                                                                           |                                                                                                                                                                                                                                                                          |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سختن گفتن با زبان اقتدار/ ضرورت تسلیح کرانه باختری/ هر طرح عملیاتی باید بر مبنای اصل «همه‌ی فلسطین برای همه‌ی مردم فلسطین» باشد/ مشروعیت بین‌المللی مقاومت شجاعانه مردم فلسطین                                                                      | ۱۳۹۱، ۹ مهر ۱۳۹۰، ۳۱ خرداد ۱۳۷۹.                                                          | نابودی تدریجی هویت و موجودیت فلسطین است.                                                                                                                                                                                                                                 |
| بیهوده بودن طرح معامله قرن/ مطرح شدن معامله قرن توسط زورگویان و مستکبران، نشانه خباثت و حماقت طرف آمریکایی و صهیونیستی است/ مجرم اصلی فاجعه فلسطین، دولت‌های غربی بودند.                                                                            | ۱۶ بهمن ۱۳۹۸، ۲ خرداد ۱۳۹۹، ۹ شهریور ۱۳۹۱، ۹ مهر ۱۳۹۰.                                    | آمریکا به پیشنهاد ایران درباره‌ی همه‌پرسی توجه کند/ سند صداقت دولت‌های مسلمان در جانبداری از ملت فلسطین، قطع روابط آشکار و پنهان سیاسی و اقتصادی با رژیم است/ دولت‌هایی که میزبان سفارتخانه‌ها یا دفاتر اقتصادی صهیونیست‌ها هستند، نمی‌توانند مدعی دفاع از فلسطین باشند. |
| لزوم توجه به نظر مردم فلسطین/ انتقاد از توافق طرفین آمریکایی و صهیونیستی بدون توجه به نظر مردم فلسطین/ تاکید بر تعلق فلسطین به مردم این کشور و الزام به برگزاری انتخابات برای مردم و ساکنان واقعی فلسطین/ تضمین صلح از طریق همه‌پرسی پیشنهادی ایران | ۱۶ بهمن ۱۳۹۸، ۲ خرداد ۱۳۹۹، ۱۵ خرداد ۱۳۹۸، ۲۰ خرداد ۱۳۹۷، ۹ شهریور ۱۳۹۱، ۴ آبان ۱۳۷۹.     | دموکراسی و مراجعه‌ی به آراء عمومی و عدم طرح شعارهایی مانند ریختن یهودیان به دریا؛ سخن ایران آن است که فلسطین متعلق به فلسطینی‌ها است و ادامه اشغال آن، ظلمی بزرگ و خطری عمده برای صلح جهانی است.                                                                         |
| غلط بودن راه‌های طرف غربی برای حل مسئله/ تاکید بر طرح همه‌پرسی برای مشخص کردن تکلیف مسئله فلسطین.                                                                                                                                                   | ۱۶ بهمن ۱۳۹۸، ۲ خرداد ۱۳۹۹، ۲۵ خرداد ۱۳۹۷، ۱۴ خرداد ۱۳۹۰، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۲، ۶ اسفند ۱۳۷۲. | عدم توجه به انتقادهای ریاکارانه اروپا، آمریکا و رژیم اشغالگر قدس در مورد ایران‌هراسی مرتبط با رژیم صهیونیستی/ طرح ایران، به معنای دشمنی با یهودیان نیست/ ایران نه جنگ کلاسیک ارتش‌های کشورهای اسلامی را پیشنهاد می‌کند                                                   |



|                                                                                                                                                                                                               |                                                                                        |                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| دهند، و نه به دریا ریختن یهودیان مهاجر را، و نه البته حکمیت سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی را؛ فقط همه‌پرسی باید انجام شود.                                                                          |                                                                                        |                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |
| آنانی که رژیم صهیونیستی را در این منطقه به وجود آوردند در پس فتنه‌های موجود قرار دارند. فتنه‌هایی که موجب شده است تا توانمندی‌های ملت‌های منطقه در درگیری‌های عبث و بیهوده به خنثی کردن یکدیگر مصروف شود.     | ۱۶ بهمن ۱۳۹۸، ۲ خرداد ۱۳۹۹، ۳ اسفند ۱۳۹۵، ۹ مهر ۱۳۹۰.                                  | معامله قرن باعث زنده شدن مسئله فلسطین شد و جهان نسبت به مظلومیت و محق بودن مردم فلسطین، آگاه است/ تاکید بر حفظ هوشیاری در قبال دشمن و عدم تقلیل مسئله به یک بحران عربی/ مهمترین رکن حمایت از ملت فلسطین، قطع پشتیبانی از دشمن غاصب است؛ و این، وظیفه بزرگ دولت‌های اسلامی است.                   |
| «مقاومت» و «فلسطین»، ارزشمندتر و والاتر از آن است که در اختلافات میان کشورهای اسلامی و عربی درگیر شود. فلسطینیان، به‌خصوص گروه‌های مقاومت باید قدر جایگاه ارزشمند خود را بدانند و به این اختلافات ورود نکنند/ | ۱۶ بهمن ۱۳۹۸، ۲ خرداد ۱۳۹۹، ۱۵ خرداد ۱۳۹۸، ۱۵ فروردین ۱۳۹۷، ۳ اسفند ۱۳۹۵، ۲۸ آذر ۱۳۷۶. | انتقاد از سران کشورهای عربی و انفعال آنها/ کمرنگ کردن مسئله فلسطین در ذهنیت جوامع مسلمان خیانت است (یادآوری واقعه تلخ کمپ‌دیوید)/ لزوم تمرکز بر دشمن واحد در کشورهای عربی و پرهیز از تنش و جنگ در جوامع مسلمان/ دولت‌های مسلمان، در راه نجات فلسطین باید به کشورهای خط مقدم، کمک‌های واقعی بکنند |
| ایران، از همان ابتدا بر نادرستی روش‌های سازش‌کارانه تأکید کرد و آثار زبان‌بار و خسارت‌های سنگین آن را گوشزد نمود/                                                                                             | ۱۶ بهمن ۱۳۹۸، ۲ خرداد ۱۳۹۹، ۱۵ فروردین ۱۳۹۷، ۳ اسفند ۱۳۹۵، ۲۸ آذر ۱۳۷۶.                | تاکید بر تهدید و تطمیع به‌عنوان ابزارهای طرف غربی/ لزوم مبارزه با خیانت به آرمان قدس که به دست مزدوران انجام می‌شود/ انتقاد جدی از دل بستن به مذاکره با اسرائیل و فراموشی جهاد در برخی گروه‌های فلسطینی.                                                                                         |





|                                                                                                                                                                                        |                                                                                                                                                       |                                                                                                                                                                                                                                                                                            |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>علاج مسئله فلسطین تقویت جناح مبارز و تشدید مبارزه با رژیم غاصب و پشتیبانان آن است، تأمین نیازهای مقاومت فلسطین، وظیفه‌ای حیاتی است.</p>                                             | <p>۱۶ بهمن ۱۳۹۸، ۲ خرداد ۱۳۹۹، ۱۵ خرداد ۱۳۹۸، ۱۵ فروردین ۱۳۹۷، ۳ اسفند ۱۳۹۵، ۲۹ بهمن ۱۳۷۲.</p>                                                        | <p>لزوم کمک جهان اسلام به مردم و سازمان‌های فلسطینی؛ تاکید بر استفاده از ظرفیت‌های مختلف در عین بی‌اعتمادی به دولت‌های غربی و نهادهای جهانی/ تاکید بر اولویت مسئله فلسطین/ لزوم فعالیت علمای جهان اسلام، تاکید بر توجه به کرانه باختری/</p>                                                |
| <p>فلسطین محور وحدت است. ملت بزرگ فلسطین به‌تنهایی، بار سنگین مقابله با صهیونیسم جهانی و حامیان آن را به دوش می‌کشد/ اتحاد ملی بر اساس برنامه‌ی جهادی، ضرورتی ملی برای فلسطین است.</p> | <p>۲ خرداد ۱۳۹۹، ۳ اسفند ۱۳۹۵، ۱ مرداد ۱۳۹۳، ۹ شهریور ۱۳۹۱، ۹ مهر ۱۳۹۰.</p>                                                                           | <p>یادآوری بزرگی فاجعه‌ی غصب فلسطین و تشکیل غده سرطانی صهیونیستی به‌عنوان جنایت/ اولویت نخست جهان اسلام و آزادی‌خواهان جهان، موضوع فلسطین است/ انتقاد از دنیای استکبار و در رأس آنها آمریکا از حمایت از فاجعه‌آفرینی و جنایت اسرائیل/ تاکید بر نقش انگلستان در ایجاد رژیم جعلی اسرائیل</p> |
| <p>عمق رابطه ایران با گروه‌های مقاومت اسلامی فقط به میزان پابندی آنان به اصل مقاومت مرتبط است.</p>                                                                                     | <p>۱۶ بهمن ۱۳۹۸، ۲ خرداد ۱۳۹۹، ۱۵ خرداد ۱۳۹۸، ۱۵ فروردین ۱۳۹۷، ۳ اسفند ۱۳۹۵، ۱ مرداد ۱۳۹۳، ۸ اسفند ۱۳۸۸، ۳۱ خرداد ۱۳۷۹، ۱۳ مهر ۱۳۷۹، ۴ آبان ۱۳۷۹.</p> | <p>تاکید بر ادامه حمایت ایران از گروه‌های مبارز (علیرغم هزینه‌های مادی) و وسیع شدن دایره مقاومت در منطقه/ آغاز فرایند مقاومت با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و لزوم مبارزه مسلمانان با ویروس صهیونیسم/ تاکید بر افزایش روحیه مقاومت مردم غزه/</p>                                         |
| <p>با پدیدار شدن نشانه‌های افول رژیم صهیونیستی و ضعفی که بر متحدان اصلی آن حاکم شده است، فضای جهانی نیز به سمت مقابله با اقدامات خصمانه رژیم میل می‌کند.</p>                           | <p>۲ خرداد ۱۳۹۹، ۲۵ خرداد ۱۳۹۷، ۳ اسفند ۱۳۹۵، ۹ مهر ۱۳۹۰.</p>                                                                                         | <p>حتمی بودن نابودی نظام صهیونیستی و شکست هیمنه پوشالی ارتش اشغالگر؛ عدم مشروعیت این رژیم جعلی/ مشکل اسرائیل و آمریکا با انتقال سفارت هم حل شدنی نیست/</p>                                                                                                                                 |



|                                                                                                                                                                                                                                                         |                                                                           |                                                                                                                                                                                 |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مسئله فلسطین                                                                                                                                                                                                               | ۹ شهریور ۱۳۹۱.                                                            | اگرچه فلسطین، مربوط به منطقه ما است، ولی ابعاد گسترده آن سیاست‌های جهانی را تحت تأثیر قرار داده است.                                                                            |
| انتقاد از واکنش دوگانه و سکوت رسانه‌ها و انفعال نهادهای حقوق بشری و اتهام تروریسم به جنبش‌های مقاومت/ انتقاد از واکنش منفی غرب به دفاع مردم فلسطین از خود و کشورشان،                                                                                    | ۹ شهریور ۱۳۹۱، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۲، ۲۹ بهمن ۱۳۷۲، ۶ اسفند ۱۳۷۲، ۱۳ مهر ۱۳۷۹. | رژیم صهیونیستی و حامیان آن ملت فلسطین را تروریست می‌نامد. سردمداران سیاسی مدعی حقوق بشر نیز چشم بر این همه جنایت بسته و بدون شرم و پروا، از آن رژیم فاجعه‌آفرین حمایت کرده‌اند. |
| تاکید بر اهانت به نمادهای مسلمانان و انقطاع تاریخ یک کانون مهم تمدنی در جهان اسلام به دلیل تاسیس اسرائیل/ توصیف فلسطین به عنوان مهمترین و واقعی‌ترین مشکل جهان اسلام                                                                                    | ۹ مهر ۱۳۹۰، ۴ آبان ۱۳۷۹.                                                  | قبله اول مسلمانان و بسیاری از مراکز محترم دینی که در این کشور قرار دارد، به تخریب و توهین و زوال تهدید شده است                                                                  |
| تاکید بر نقش اسرائیل در منطقه به عنوان عامل نظامی و امنیتی و سیاسی غرب و نظام سلطه/ دنیای استکباری، به سرزمین فلسطین به عنوان قلب جغرافیایی جهان اسلام احتیاج دارد، تا اسلام را بکوبد، ملت‌های اسلامی را زیر فشار قرار بدهد و از حرکت اسلامی مانع بشود. | ۹ مهر ۱۳۹۰، ۲۹ بهمن ۱۳۷۲.                                                 | دولت و جامعه جعلی اسرائیل در حساس‌ترین نقطه جهان اسلام، نقش یک پایگاه نظامی و امنیتی و سیاسی را برای دولت‌های استکباری بازی کرده است/                                           |
| خطرناک بودن صهیونیسم برای کل جهان و بشریت/ صهیونیست‌ها علیرغم اظهارات نزاکت‌آمیز بعضی از سرانشان همان وحشی‌های نژادپرست و متعصب پنجاه سال قبل هستند/                                                                                                    | ۹ مهر ۱۳۹۰، ۶ اسفند ۱۳۷۲.                                                 | صهیونیسم خطر اخلاقی و سیاسی و اقتصادی بزرگی برای جامعه بشری است.                                                                                                                |



|                                                                                                                                      |                                          |                                                                                                                        |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| بیداری اسلامی، بخش مهمی از نیرو و حماسه خود را از قضیه فلسطین گرفته است/ عامل تهدید رژیم صهیونیستی عزم راسخ مردم کشورهای اسلامی است. | ۹ مهر ۱۳۹۰.                              | برای دستیابی به هدف والای آزادی فلسطین، کار عملی لازم است.                                                             |
| اهمیت مصر در قضیه فلسطین/ لزوم دخالت مصر در قضیه محاصره نوار غزه                                                                     | ۱۴ خرداد ۱۳۹۰، ۱۹ اسفند ۱۳۸۶.            | ملت و دولت مصر در زمینه محاصره غزه وظیفه بزرگی برعهده دارند.                                                           |
| لزوم ورود فعالانه و مبتکرانه کشورها، نخبگان و سازمان‌های اسلامی برای حل مسئله فلسطین که کاملاً زنده است.                             | ۱۸ آذر ۱۳۷۶، ۳۱ خرداد ۱۳۷۹، ۴ آبان ۱۳۷۹. | گذشت زمان نمی‌تواند حقی مثل مسئله فلسطین را از طومار عالم محو کند. فلسطین و ملت فلسطین، زنده و آینده فلسطین، روشن است. |
| عدم‌امید به سازمان ملل و قدرت‌های بزرگ برای نجات فلسطین/ گره مسئله فلسطین با دخالت آمریکائی‌ها کورتر می‌شود.                         | ۱۴ اسفند ۱۳۸۷، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۷.         | راه نجات فقط ایستادگی و مقاومت است/ تاکید بر حمایت از دولت منتخب در نوار غزه.                                          |

#### ۴-۱. ماهیت و اهداف طرح همه‌پرسی

پس از مرور بیانات رهبر انقلاب، باید گفت این طرح، واجد ابعاد متعدد سیاسی، حقوقی و رسانه‌ای است. در ادامه، وجوه حائز اهمیت این طرح در سه بعد مذکور بر اساس نظرات کارشناسان مصاحبه شده بررسی می‌شود.

#### جدول شماره ۲- ماهیت و اهداف طرح همه‌پرسی فلسطین بر اساس دیدگاه کارشناسان

| زمینه | نظرات کارشناسان                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |
|-------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سیاسی | <p>حق تعیین سرنوشت زمانی می‌تواند به مرحله عملیاتی برسد که «اراده سیاسی دولت‌ها» حاکم باشد (مصاحبه با کارشناس شماره ۱ وزارت امور خارجه، ۲ آذر ۱۳۹۹).</p> <p>مسئله فلسطین و طرح ایران سیاسی است (مصاحبه با قدومی، ۵ دی ۱۳۹۹).</p> <p>این طرح یک راه‌حل سیاسی است و در چارچوب مدیریت بحران می‌گنجد» (مصاحبه با رویوران، ۴ آذر ۱۳۹۹).</p> <p>از نظر حقوقی مقابله با هر رژیم اشغالگر به اشکال مختلف پذیرفته شده است. اما تاکنون ویژگی سیاسی طرح ایران بیش از ویژگی رسانه‌ای و حقوقی آن برجسته شده است» (مصاحبه با کارشناس شماره ۳ وزارت امور خارجه، ۸ آذر ۱۳۹۹).</p> |



|                        |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |
|------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p><b>حقوقی</b></p>    | <p>طرح ایران به دو نکته اشاره کرده است: ۱- بازگشت آوارگان و ۲- حق تعیین سرنوشت. ایران باید جنبه‌های حقوقی طرح را که جهان‌شمول نیز هستند از منظر رسانه‌ای پررنگ کند (مصاحبه با فایضی، ۳ آذر ۱۳۹۹). طرح همه‌پرسی مبتنی بر حقوق بین‌الملل است. اما نیازمند نوعی اجماع و اقبال سیاسی از سوی دولت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی است» (مصاحبه با شکیبایی، ۲۰ آذر ۱۳۹۹). این موضوع یک طراحی حقوقی است و صرفاً دیدگاه رسانه‌ای و سیاسی نداشته، بلکه یک طرح عملیاتی قابل اجرا است (مصاحبه با رضوی، ۱۰ آذر ۱۳۹۹). طرح ایران، قابلیت اجرا دارد و مطابق با موازینی است که غرب آنها را ایجاد کرده است (مصاحبه با مصدق‌پور، ۱۷ دی ۱۳۹۹).</p>                                                                                                                |
| <p><b>رسانه‌ای</b></p> | <p>با وجود محذورات فراوانی که ایران با آن مواجه است نمی‌تواند طرحی جامع را ارائه دهد که مورد قبول همه کشورها باشد؛ لذا این طرح، ابعاد رسانه‌ای مهمتری دارد (مصاحبه با کارشناس شماره ۲ وزارت امور خارجه، ۷ آذر ۱۳۹۹). ماهیت این طرح، بیشتر رسانه‌ای است (مصاحبه با سروش‌نژاد، ۱۳ آذر ۱۳۹۹). ماهیت طرح به‌گونه‌ای است که جنبه‌های اسلامی آن در کنار اصول عامه‌پسند دموکراتیک لحاظ شده است. سال‌ها سیاست ایران صرفاً جنبه سلبی داشت، اما در طرح همه‌پرسی ابعاد ایجابی نیز در نظر گرفته شده و جنبه سیاسی و رسانه‌ای آن قوی‌تر از ابعاد حقوقی است (مصاحبه با کارشناس شماره ۴ وزارت امور خارجه، ۲۰ آبان ۱۳۹۹). این طرح منجر به افزایش قدرت نرم تهران در مجامع بین‌المللی شده و قابل ارائه با زبان جهانی و براساس اصول مورد احترام ملت‌ها است.</p> |

شکل شماره ۱- ویژگی‌های طرح همه‌پرسی



منبع: ترسیمی نگارندگان بر اساس نظرات کارشناسان



## ۴-۲. ارتباط طرح همه‌پرسی با راهبرد مقاومت

طرح ایران هیچگونه تضعیفی در چارچوب راهبردهای مقاومت را نمی‌پذیرد. به‌همین دلیل نیز رهبر انقلاب اسلامی، راه علاج بحران فلسطین را مقاومت اعلام کرده‌اند. در ادامه، اهم نظرات کارشناسان در مورد ارتباط طرح همه‌پرسی با مقاومت و جهاد بررسی شده است.

### جدول شماره ۳- ارتباط طرح همه‌پرسی با راهبرد مقاومت بر اساس دیدگاه کارشناسان

| زمینه              | نظرات کارشناسان                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |
|--------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| نقش<br>تکمیل‌کننده | <p>برای آزادی قدس شریف، نیاز به راهبردی جامع و کامل است. طرح همه‌پرسی، مبتنی بر مقاومت است و مقاومت دو جنبه دارد. جنبه جهادی و مبارزه مسلحانه و جنبه مقاومت در برابر صلح و سازش که عمدتاً توسط مثلث عربی - عبری - غربی مطرح می‌شود (مصاحبه با مصدق‌پور، ۱۷ دی ۱۳۹۹).</p> <p>همه‌پرسی به مقاومت مسلحانه ربطی ندارد و مقاومت مسلحانه امری دائمی و همیشگی است و تا زمانی که اشغالگران تمام ابعاد زندگی فلسطینی‌ها را تحت الشعاع قرار داده‌اند، مقاومت مسلحانه ادامه دارد (مصاحبه با ابوشریف، نماینده جنبش جهاد اسلامی در ایران، ۲۰ آذر ۱۳۹۹).</p> <p>این طرح، تکمیل‌کننده ادامه مقاومت است. دشمن ظالم زبانی جز زبان اسلحه و زور نمی‌فهمد. لذا مقاومت تنها راهکار برای عقب نشاندن این دشمن است. در حقیقت، ایران برای فلسطین هیچ راهکار غیرانسانی ندارد؛ بلکه پس از نابودی رژیم اسرائیل، باید مردم فلسطین برای فلسطین تصمیم بگیرند؛ بدون نقض حقوق دیگران و جنایت؛ حتی علیه صهیونیست‌ها (مصاحبه با رضوی، ۱۰ آذر ۱۳۹۹).</p> <p>واقعیت میدانی در حال حاضر به این صورت است که دشمن مسلح یک سرزمین را اشغال کرده و به هیچ اصول و مبنایی احترام نمی‌گذارد. لذا هدف نهایی آزادی قدس با مقاومت به‌دست می‌آید. چون رژیم غاصب قدس و آمریکا حاضر نمی‌شوند که طرح همه‌پرسی را بدون پشتوانه میدانی و عملیاتی، بپذیرند. طرح ایران، یعنی آزادسازی فلسطین و لذا منافاتی با مقاومت مسلحانه و مقاومت مردمی ندارد (مصاحبه با کارشناس شماره ۱ وزارت امور خارجه، ۲ آذر ۱۳۹۹).</p> <p>ایران اعتقاد دارد فلسطین با مقاومت آزاد می‌شود و نه با طرح‌های سیاسی. مقام معظم رهبری نیز معتقد به مقاومت هستند (مصاحبه با رویوران، ۴ آذر ۱۳۹۹).</p> <p>طرح ایران، از لحاظ اخلاقی و حقوق‌بشری نیز مورد تایید حماس قرار دارد. اما باید بدانیم که دموکراسی و حقوق بشر، صرفاً در لفظ، مورد تاکید سران غربی قرار دارد. به همین خاطر، مردم فلسطین تا آزادی کامل، بر گزینه جنگ اصرار دارند. البته</p> |



|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |                                         |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------|
| <p>مقاومت مردم فلسطین و گروه‌های مسلح فلسطینی، ناظر بر ابعاد سیاسی، دیپلماتیک و رسانه‌ای نیز است» (مصاحبه با قدومی، ۵ دی ۱۳۹۹).</p> <p>راهبرد اصلی ایران در ارتباط با فلسطین، مقاومت است. اما با توجه به تلاش رسانه‌ای دشمن صهیونیستی و حامیان آن برای تحریف مقاومت، طرح همه‌پرسی با هدف خنثی کردن القائنات دشمن و یک تاکتیک و مقوم راهبرد مقاومت است (مصاحبه با شکیبایی، ۲۰ آذر ۱۳۹۹).</p> <p>مقاومت، یک کلان‌گفتمان است و زیرگفتمان‌های متعددی از آن منشعب می‌شود. لذا می‌توان مسئله همه‌پرسی را به‌عنوان یکی از زیر گفتمان‌های مقاومت در حوزه سیاسی قلمداد نمود که هیچ تضادی با گفتمان مقاومت در آن وجود ندارد (مصاحبه با کارشناس شماره ۴ وزارت امور خارجه، ۲۰ آبان ۱۳۹۹).</p> <p>همه‌پرسی و دموکراسی، با رویکرد جهاد و مقاومت مسلحانه علیه اشغالگری هیچ منافاتی ندارد. دلیل این امر نیز به رویکرد وحشیانه طرف مقابل باز می‌گردد (مصاحبه با صدرالحسینی، ۱ دی ۱۳۹۹).</p> |                                         |
| <p>منظومه ادبیاتی رهبر انقلاب، نه مقاومت و نه همه‌پرسی را نفی نکرده است. رهبر انقلاب به صراحت هرگونه خشونت و طرح‌هایی مانند به دریا ریختن یهودیان را رد کرده‌اند. لذا شاخص همه‌پرسی فضای رسمی، حقوقی و دیپلماتیک دارد و نشان می‌دهد که ایران می‌خواهد مردم یک جامعه به حق خود برسند. از سوی دیگر، در فضای واقع‌گرایی و خشونت صهیونیست‌ها، رهبری بر مقاومت تاکید می‌کنند (مصاحبه با فایضی، ۳ آذر ۱۳۹۹).</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 | <p><b>نقش<br/>دیپلماتیک</b></p>         |
| <p>این طرح در زمانی تهیه شد که مقاومت فلسطین به مرحله‌ای بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی رسیده بود. یعنی این طرح از موضع قدرت مطرح شد (تلفیق قدرت سیاسی و نظامی، هم‌پوشانی شاخص همه‌پرسی و مقاومت) (مصاحبه با کنعانی‌مقدم، ۱ آذر ۱۳۹۹).</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             | <p><b>پیشنهاد طرح<br/>در زمان</b></p>   |
| <p>رهبر انقلاب بر پرهیز از تنش میان گروه‌های فلسطینی و تمرکز بر هدف واحد یعنی آزادی قدس تاکید دارند (مصاحبه با کنعانی‌مقدم، ۱ آذر ۱۳۹۹).</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               | <p><b>اتحاد گروه‌های<br/>مقاومت</b></p> |



### ۳-۴. فرصت‌های طرح همه‌پرسی

طرح همه‌پرسی واجد فرصت‌های سیاسی، حقوقی و میدانی (اجرایی) فراوانی است که در ادامه، نظرات کارشناسان در این حوزه نیز بررسی و دسته‌بندی شده است.

#### جدول شماره ۴- فرصت‌های طرح همه‌پرسی بر اساس دیدگاه کارشناسان

| نظرات کارشناسان                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       | زمینه                            |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------|
| ایجاد چالش حقوقی، سیاسی و رسانه‌ای برای پروژه عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم اسرائیل (مصاحبه با کنعانی‌مقدم، ۱ آذر ۱۳۹۹).                                                                                                                                                                                                                                                                                               | ایجاد چالش برای دشمن             |
| ایجاد امکان خیزش‌های مردمی در کشورهای عربی - اسلامی، و فشار مردمی بر دولت‌ها برای حمایت از آرمان فلسطین (مصاحبه با کنعانی‌مقدم، ۱ آذر ۱۳۹۹)                                                                                                                                                                                                                                                                           | ایجاد امکان خیزش‌های مردمی       |
| افزایش توان اجماع‌سازی ایران در سازمان همکاری اسلامی، جنبش عدم تعهد و گروه ۷۷ (مصاحبه با کارشناس شماره ۱ وزارت امور خارجه، ۲ آذر ۱۳۹۹).<br>ارائه و ثبت طرح در سازمان ملل و معرفی آن به کشورها، افزایش اهمیت حقوقی طرح در مجمع عمومی، فرصت طرح دیدگاه ایران در محافل سیاسی، آکادمیک و محیط‌های نخبگانی مانند اندیشکده‌ها و افزایش قدرت چانه‌زنی جریان مقاومت (مصاحبه با کارشناس شماره ۲ وزارت امور خارجه، ۷ آذر ۱۳۹۹). | افزایش توان دیپلماتیک ایران      |
| ترسیم مجدد و بهبود چهره مقاومت در رسانه‌ها (مصاحبه با کارشناس شماره ۱ وزارت امور خارجه، ۲ آذر ۱۳۹۹).<br>معرفی صحیح مقاومت به جهان و خنثی کردن تبلیغات جریان صهیونیستی و اجبار آنها به برگزاری همه‌پرسی و احترام به خواست ملت فلسطین (مصاحبه با رضوی، ۱۰ آذر ۱۳۹۹).                                                                                                                                                    | بهبود چهره مقاومت                |
| ایجاد اتحاد میان طیف‌های مختلف فلسطینی و غیر فلسطینی (مصاحبه با صدرالحسینی، ۱ دی ۱۳۹۹).<br>تعیین یک هدف جدی و راهبردی برای جریان مقاومت و جهاد به‌معنای لزوم شکست سیاسی دشمن، الزام وی به برگزاری همه‌پرسی و پذیرش نتایج آن (مصاحبه با مصدق‌پور، ۱۷ دی ۱۳۹۹).                                                                                                                                                         | ایجاد اتحاد میان گروه‌های مقاومت |



شکل شماره ۲- ماهیت، فرصت‌ها و اهداف طرح



منبع: ترسیمی نگارندگان بر اساس نظرات کارشناسان

#### ۴-۴. چالش‌های طرح همه‌پرسی

اجرای موفق طرح همه‌پرسی، با چالش‌های جدی روبرو است که در ادامه، نظرات کارشناسان در این حوزه نیز بررسی و دسته‌بندی شده است.

#### جدول شماره ۵- چالش‌های طرح همه‌پرسی بر اساس دیدگاه کارشناسان

| نظرات کارشناسان                                                                                                                                                                                 | زمینه                      |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------|
| عدم همراهی کشورهای عربی (مصاحبه با کارشناس شماره ۲ وزارت امور خارجه، ۷ آذر ۱۳۹۹) و انفعال افکار عمومی نسبت به موضوع فلسطین (مصاحبه با شکیبایی، ۲۰ آذر ۱۳۹۹)                                     | عدم همراهی کشورهای عربی    |
| تلاش دائمی نظام سلطه برای از بین بردن نگاه اسلامی و رویکرد مقاومت، مبتنی بر دو ابزار اصلی تفرقه‌افکنی بین کشورها و اعضای مقاومت و دوم تحریف اصول مقاومت بوده است (مصاحبه با رضوی، ۱۰ آذر ۱۳۹۹). | ایجاد اختلاف               |
| توانایی محدود ایران در سازمان‌های بین‌المللی و سازمان همکاری اسلامی با توجه به نقش‌آفرینی عربستان سعودی                                                                                         | قدرت دیپلماتیک ایران       |
| عدم پشتیبانی مستمر رسانه‌ای از طرح در رسانه‌های مطرح منطقه‌ای و جهانی، عدم استمرار معرفی و تبلیغ طرح در رسانه‌های مختلف.                                                                        | عدم توجه به پیوست رسانه‌ای |



## بایکوت و تحریف طرح

عدم توجه به طرح در رسانه‌ها و اندیشه‌های مختلف نظام سلطه و کشورهای عربی-اسلامی و تلاش جبهه رسانه‌ای عبری-غربی برای تحریف طرح ایران به معنای قتل عام یهودیان

شکل شماره ۳- چالش‌های طرح



منبع: ترسیمی نگارندگان بر اساس نظرات کارشناسان

## ۵. بازتاب‌های رسانه‌ای نظرات رهبر انقلاب اسلامی

به‌طور کلی چنانچه ذکر شد به‌دلیل ماهیت طرح ایران، سابقه موضوع فلسطین در سیاست خارجی کشور و سلطه‌گری رژیم اسرائیل، طبعاً نظرات رهبر انقلاب و نکات طرح ایران، بازتاب رسانه‌ای گسترده در رسانه‌های مهم منطقه و جهان نداشته است. با این حال، با توجه به اهمیت ایران در حل بحران فلسطین، برخی منابع غربی ضمن بیان کلیاتی در مورد طرح ایران، به‌ناچار به نظرات رهبر انقلاب نیز پرداخته‌اند. در مقاله تأکید شد که رهبر انقلاب با طرح‌هایی مانند قتل عام یهودیان و به دریا ریختن آنها مخالف‌اند و طرح ایران را یک طرح انسانی و حقوقی، می‌دانند. به‌همین دلیل، منابع غربی اعتقاد دارند که ایران، «طرح همه‌پرسی را برای بی‌اساس نشان دادن اتهامات یهودستیزی ارائه کرده است» (national post, 2020). تأکید بر ادامه مبارزه و جهاد و اصرار بر شرکت فلسطینیان اصیل در همه‌پرسی، از نکات کلیدی بیانات رهبر انقلاب است که در رسانه‌های یهودی بازتاب داشته است. منابع صهیونیستی طرح همه‌پرسی را دارای ویژگی‌های زیر می‌دانند:



«مخالفت با تشکیل دو دولت مستقل، تایید مقاومت و انتفاضه، شرکت همه آوارگان در همه‌پرسی». این منابع اعتقاد دارند از دید تهران، بعد از همه‌پرسی، یهودیان مهاجر جایی در فلسطین نخواهند داشت (ynetnews, 2011).

مسئله دیگر، توجه رهبر انقلاب به تسلیح کرانه باختری در چارچوب راهبرد اصلی ایشان یعنی مقاومت و جهاد است. این موضوع، یعنی نظامی نشان دادن رویکرد ایران و ادعای حمایت ایران از گروه‌های تروریستی توسط رسانه‌های غربی- عبری؛ نشان از احساس تهدید رژیم اسرائیل از قدرت و جدیت ایران دارد. این امر در رسانه‌های مختلف تحت عنوان «تهدید ایران برای نابودی اسرائیل» (Hafezi, 2020) و «افزایش درگیری در مرزهای رژیم صهیونیستی و تلاش برای گسترش محور مقاومت در کرانه باختری» (Yaari, 2015) بازتاب داشته است.

## ۶. نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بررسی شاخص‌های حل مسئله فلسطین از منظر مقام معظم رهبری و تحلیل و تبیین الزامات برگزاری همه‌پرسی در فلسطین پرداخت. در این راستا، مقاله به‌طور مبسوط به همه‌پرسی پیشنهادی ایران در اندیشه رهبر انقلاب، جایگاه فلسطین در منظومه فکری معظم‌له و اقدامات انجام شده در این خصوص، پرداخت و استدلال کرد طرح ایران، مبتنی بر اصول و قواعد حقوق بین‌الملل و حق تعیین سرنوشت است. زیرا اشغال فلسطین و همچنین سیاست‌های ساخت شهرک‌های صهیونیستی و دیوار حائل، توانایی مردم فلسطین در استفاده از حق تعیین سرنوشت خود را مختل کرده است. درواقع، مردم فلسطین به‌عنوان سرزمین اشغال شده از داشتن حاکمیت ملی محروم شده‌اند. لذا برای استفاده از حق تعیین سرنوشت، شیوه دموکراتیکی به نام همه‌پرسی توسط ایران پیشنهاد شده است که اسناد مختلف بین‌المللی، اعم از اسناد حقوق بشری و قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد، آن را در مورد ملل تحت اشغال، به‌ویژه ملت فلسطین، به رسمیت شناخته‌اند.

همچنین تاکید شد که اجرایی شدن طرح همه‌پرسی، توجیه سیاسی و حقوقی مناسبی برای مقاومت فلسطین، و فروپاشی این رژیم از طریق راهبرد مقاومت فراهم می‌کند. زیرا راهبرد ایران در این طرح، نافی مقاومت و جهاد نیست. قابل پیش‌بینی است که با اعلام نتایج طرح همه‌پرسی، دولتی با اکثریت جامعه فلسطینی تشکیل خواهد شد که دولتمردان آن همگی از فلسطینی‌ها خواهند بود و رژیم صهیونیستی با در اقلیت قرار گرفتن به خودی خود نابود می‌شود. همچنین تاکید شد



که مقام معظم رهبری اعتقاد دارند که فقط افرادی در همه‌پرسی پیشنهادی ایران، حق رای دارند که بومیان فلسطین (اعم از مسلمان، یهودی و مسیحی) باشند نه مهاجر از دیگر کشورها. بخش عمده‌ای از طرح ایران که امروز به‌عنوان سند سازمان ملل متحد نیز مطرح شده، انسانی است. زیرا دموکراتیک‌ترین شیوه حل بحران فلسطین، بحث «هر فلسطینی؛ یک رای» است و هر فلسطینی که ساکن این سرزمین بوده و سابقه سکونت قبل از آغاز اشغالگری را داشته می‌تواند رای دهد و حتی در طرح جمهوری اسلامی ایران نیز این مسئله وجود دارد. درواقع، این روش، یک شیوه مردم‌سالارانه است که تا به حال چنین شیوه دموکراتیکی در هیچ یک از طرح‌های گذشته و بعد از آن وجود نداشته و این طرح شامل همه مسلمانان، فلسطینیان، یهودیان و همه ساکنانی است که با توجه به سوابقشان در آن سرزمین ساکن بوده‌اند و امروز هم علاقه‌مند به بازگشت به این سرزمین هستند.

همچنین مشخص شد که رسانه‌ها و اندیشکده‌های مختلف غربی-عبری و وابستگان منطقه‌ای آنها، اساساً طرح ایران برای برگزاری همه‌پرسی را بایکوت کرده و استدلال‌های حقوقی-تاریخی آن و همچنین انطباق طرح با اصول حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های مختلف سازمان ملل را بازتاب نمی‌دهند. همچنین، رسانه‌های مخالف مقاومت و سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران؛ بر ابعاد نظامی و امنیتی سیاست ایران در مورد فلسطین تأکید کرده و برگزاری همه‌پرسی با حضور ساکنان اصیل فلسطین را به‌معنای تلاش ایران برای نابودی یهودیان-و نه رژیم جعلی اسرائیل-تفسیر می‌کنند. واقعیت آن است که در ابعاد سیاسی و دیپلماتیک؛ طرح ایران ارائه و عملاً توسط قطعنامه‌های سازمان ملل تأیید شده است. اما در ابعاد رسانه‌ای برای معرفی و تبلیغ آن همچنان به تلاش‌های هماهنگ داخلی و منطقه‌ای احتیاج است.

## ۷. پیشنهادهای رسانه‌ای

- انطباق طرح مقام معظم رهبری برای فلسطین با منشور سازمان ملل و قواعد حقوق بین‌الملل از زبان کارشناسان در برنامه‌های مختلف برون‌مرزی تبیین شود.
- بر این موضوع تأکید مستمر شود که جمهوری اسلامی ایران راه‌حل مسالمت‌آمیز برای پایان دادن به قضیه فلسطین و اشغالگری رژیم صهیونیستی ارائه کرده است.



- شبکه‌های برون مرزی برای تبیین ابعاد این طرح در برنامه‌های گفتگو محور خود با سازمان‌های مطرح و مستقل حقوق بشری و همچنین دانشگاه‌های مختلف جهان و نخبگان مستقل ارتباط بگیرند.
- پوشش رسانه‌ای و ادامه پیگیری سیاسی و حقوقی طرح همه‌پرسی، استمرار یابد.
- بر حمایت مردم فلسطین از جمله یهودیان ضدصهیونیسم از این طرح تأکید شود.
- پیشنهاد می‌شود شبکه پرس تی‌وی مستندی درباره راهکار مقام معظم رهبری برای حل مسئله فلسطین، تهیه و در آن به ابعاد حقوقی، انسانی و تاریخی طرح اشاره شود. ضرورت دارد در این مستند از صاحب‌نظران مورد استفاده در این پژوهش و همچنین صاحب‌نظران بین‌المللی استفاده و بر اهمیت حمایت کشورها از این طرح که به‌عنوان سند در سازمان ملل ثبت شده است، در روند مقابله با جنایات رژیم صهیونیستی تأکید گردد.
- از ظرفیت‌های جنبش جهانی تحریم علیه رژیم صهیونیستی (BDS) برای شناساندن طرح ایران استفاده شود.
- کنش‌گری بیشتر شبکه‌های برون مرزی و مطالبه حقوقی و حقوق بشری از نهادهای رسانه‌ای و آکادمیک در مورد حق بازگشت آوارگان به سرزمین اصلی خود، در دستور کار قرار بگیرد.
- به فعالیت جدی شبکه‌های برون مرزی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی از طریق تولید عکس‌نوشته، فیلم‌های کوتاه و طوفان‌های توییتری، توجه مضاعف شود.
- تولید برنامه‌های تاریخی و مستند در مورد توجه سازمان ملل به حقوق فلسطینیان در قطعه‌نامه‌های متعدد و عدم توجه رژیم اسرائیل به مصوبات شورای امنیت و همچنین حقوق خدشه‌ناپذیر مردم فلسطین برای حق تعیین سرنوشت و بازگشت به کشور خود، استمرار یابد.

### منابع و مأخذ

- اخوان‌خرازیان، مهناز (۱۳۸۶)، «تحول حق تعیین سرنوشت در چارچوب ملل متحد»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، دوره ۲۴، شماره ۳۶، بهار و تابستان، صص ۱۴۲-۹۵.
- اکبری‌لالیمی، مرتضی (۱۳۹۵)، «اجرای حق تعیین سرنوشت؛ تقابل حقوق بشر با حاکمیت دولت‌ها»، **مجله حقوقی دادگستری**، سال ۸۰، شماره ۹۶، زمستان، صص ۷۱-۵۹.
- امیرعبداللهیان، حسین (۱۳۹۹)، «سخن مدیر مسئول»، **فصلنامه گفت‌وگو راهبردی فلسطین**، سال دوم، شماره ۳، بهار، صص ۲۰-۱.
- امیدی، علی (۱۳۸۷)، «گسترش مفهومی حق تعیین سرنوشت: از استقلال ملل تحت سلطه تا حق دمکراسی برای همه»، **مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)**، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان، صص ۲۳-۱.



آرش‌پور، علیرضا و شیرانی، فرناز (۱۳۹۳)، «ارتباط حق تعیین سرنوشت با تجزیه‌طلبی و خودمختاری»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره اول، شماره ۱۱، بهار، صص ۱۹۵-۱۶۳.

حبیب‌زاده، توکل (۱۳۹۵)، «ایستای مقاومت مردم فلسطین بر حق تعیین سرنوشت و تعهدات جامعه بین‌المللی در قبال آن»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۶، شماره ۴، زمستان، صص ۸۵۴-۸۲۵.

شریف‌جلی، الهام (۱۳۹۷)، «همه‌پرسی؛ حقیقت بین‌المللی برای حل مسئله فلسطین»، **فصلنامه گفت‌وگو راهبردی فلسطین**، سال اول، شماره ۱، تابستان، صص ۹۸-۷۶.

قاری‌سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، «حق تعیین سرنوشت و مسئله نظارت بر انتخابات: نظارت تضمینی در مقابل نظارت تحدیدی»، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۷، شماره ۴، صص ۱۴۰-۱۲۳.

طباطبایی سیداحمد، محبی‌انجذانی داوود (۱۳۹۳)، «حقوق بین‌الملل و تشکیل کشور مستقل فلسطینی»، **پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره ۴، شماره ۱۱، بهار، صص ۱۶۲-۱۲۹.

موسوی، سیدمهدی و موسوی، سیدفضل‌الله (۱۳۹۲)، **حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین**، تهران: خرسندی. وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۲۴ مهر ۱۳۹۳)، «بیانات در دیدار با رمضان عبدالله»، قابل دسترسی در:

<https://b2n.ir/h12607>

وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۹ اسفند ۱۳۸۶)، «بیانات در فرماندهان نیروی هوایی ارتش»، قابل دسترسی در:

<https://b2n.ir/r97270>

وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۷)، «بیانات در دیدار مردم لار»، قابل دسترسی در:

<https://b2n.ir/r97270>

وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۴ اسفند ۱۳۸۷)، «بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از فلسطین»، قابل دسترسی در:

<https://b2n.ir/r97270>

وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۸ اسفند ۱۳۸۸)، «بیانات در همایش غزه»، قابل دسترسی در:

<https://b2n.ir/r97270>

وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۰ آبان ۱۳۹۴)، «بیانات در دیدار با کارکنان وزارت خارجه»، قابل دسترسی در:

<https://b2n.ir/r97270>

وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۶ فروردین ۱۳۸۱)، «خطبه‌های نماز جمعه»، قابل دسترسی در:

<https://b2n.ir/r97270>

وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۴ آبان ۱۳۷۹)، «بیانات در دیدار سفرا و مسئولان نظام»، قابل دسترسی در:

<https://b2n.ir/r39083>

وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۳ مهر ۱۳۷۹)، «پیام در پی جنایات صهیونیست‌ها»، قابل دسترسی در:

<https://b2n.ir/r09662>

وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۳۱ خرداد ۱۳۷۹)، «بیانات در دیدار سفرا و مسئولان نظام»، قابل دسترسی در:

<https://b2n.ir/483367>

وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۲۷ آذر ۱۳۷۶)، «بیانات در کنفرانس کشورهای اسلامی»، قابل دسترسی در:

<https://b2n.ir/s73131>

وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۶ اسفند ۱۳۷۲)، «پیام در پی جنایات صهیونیست‌ها»، قابل دسترسی در:

<https://b2n.ir/a24748>

وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۲۹ بهمن ۱۳۷۲)، «بیانات در نماز جمعه»، قابل دسترسی در:

<https://b2n.ir/x42756>



- وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۴ خرداد ۱۳۹۰)، «بیانات در سالگرد رحلت امام خمینی»، قابل دسترسی در:  
<https://b2n.ir/s52161>
- وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۲)، «پیام به کنگره عظیم حج»، قابل دسترسی در:  
<https://b2n.ir/j83527>
- وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۹ مهر ۱۳۹۰)، «بیانات در کنفرانس حمایت از فلسطین»، قابل دسترسی در:  
<https://b2n.ir/n75253>
- وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۹ شهریور ۱۳۹۱)، «بیانات در کنفرانس سران عدم تعهد»، قابل دسترسی در:  
<https://b2n.ir/f09452>
- وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۳ اسفند ۱۳۹۵)، «بیانات در کنفرانس حمایت از فلسطین»، قابل دسترسی در:  
<https://b2n.ir/y29705>
- وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۵ فروردین ۱۳۹۷)، «پاسخ به نامه اسماعیل هینه»، قابل دسترسی در:  
<https://b2n.ir/d68825>
- وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۱ مرداد ۱۳۹۳)، «سخنرانی در جمع دانشجویان»، قابل دسترسی در:  
<https://b2n.ir/927087>
- وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۲۰ خرداد ۱۳۹۷)، «دیدار با نخبگان و استادان»، قابل دسترسی در:  
<https://b2n.ir/p32659>
- وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۲۵ خرداد ۱۳۹۷)، «دیدار با مسئولان و سفرای خارجی»، قابل دسترسی در:  
<https://b2n.ir/y24383>
- وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۵ خرداد ۱۳۹۸)، «دیدار با مسئولان و سفرای خارجی»، قابل دسترسی در:  
<https://b2n.ir/w37757>
- وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۲ خرداد ۱۳۹۹)، «سخنرانی روز قدس»، قابل دسترسی در:  
<https://b2n.ir/f56387>
- وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۶ بهمن ۱۳۹۸)، «دیدار با اقشار مختلف مردم»، قابل دسترسی در:  
<https://b2n.ir/m06548>
- وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۲۹ مهر ۱۳۷۹)، «دیدار با بسیجیان»، قابل دسترسی در:  
<https://b2n.ir/y51576>
- وبگاه نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۲۷۹)، «بیانات در جمع بسیجیان حاضر در اردوی فرهنگی رزمی یاران امام علی(ع)»، قابل دسترسی در:  
<https://b2n.ir/y51576>

### مصاحبه توسط نگارنده این مقاله

- ابوشریف، ناصر (۲۰ آذر ۱۳۹۹)، «مقاومت، راهبردی همیشگی است»، تهران.
- رضوی، سلمان (۱۰ آذر ۱۳۹۹)، «طرح ایران، کاملاً عملیاتی است»، تهران.
- رویوران، حسن (۴ آذر ۱۳۹۹)، «راهبرد ایران برای فلسطین، مقاومت است»، تهران.
- سروش‌نژاد، احمد (۱۳ آذر ۱۳۹۹)، «بررسی ماهیت طرح پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران برای حل مسئله فلسطین»، تهران.
- شکیبایی، مهدی (۲۰ آذر ۱۳۹۹)، «راهبرد اصلی ایران، مقاومت است»، تهران.
- صدرالحسینی، سیدرضا (۱ دی ۱۳۹۹)، «همه‌پرسی، مکمل جهاد است»، تهران.
- فایضی، محسن (۳ آذر ۱۳۹۹)، «لزوم جذب افکار عمومی در مورد فلسطین»، تهران.
- قدومی، خالد (۵ دی ۱۳۹۹)، «ایران، مهم‌ترین حامی مقاومت»، تهران.

مقاومت و همه‌پرسی؛ شاخص‌های حل مسئله فلسطین ... ۶۳

کارشناس شماره ۱ وزارت امور خارجه، اداره فلسطین (۲ آذر ۱۳۹۹)، «بررسی ماهیت طرح همه‌پرسی و الزامات و چالش‌های آن»، تهران.

کارشناس شماره ۲ وزارت امور خارجه، اداره فلسطین (۷ آذر ۱۳۹۹)، «بررسی ماهیت طرح همه‌پرسی و الزامات و چالش‌های آن»، تهران.

کارشناس شماره ۳ وزارت امور خارجه، سفارت ایران در قاهره (۸ آذر ۱۳۹۹)، «بررسی طرح همه‌پرسی و فرصت‌های آن»، تهران.

کارشناس شماره ۴ وزارت امور خارجه، اداره سوریه (۲۰ آبان ۱۳۹۹)، «طرح همه‌پرسی، ایجابی - سیاسی است»، تهران. کنعانی‌مقدم، حسین (۱ آذر ۱۳۹۹)، «مقاومت فلسطین به بازدارندگی رسیده است»، تهران.

مصدق‌پور، مصدق (۱۷ دی ۱۳۹۹)، «طرح همه‌پرسی، یعنی حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین»، تهران.

Ahouie, Mahdi (2004), "the middle east peace process from the perspective of revolutionary iran: will tehran ever take part?" **Iran Analysis Quarterly**, Volume 1 No. 4 – fall (September-November).

Bowring, Bill (2008), **the Degradation of the International Legal Order? The Rehabilitation of Law and the Possibility of Politics**, New York: Routledge-Cavendish.

Daniele, Luigi (2020), "ICC and Palestine Symposium: 'Imprisoning' Self-Determination-The Israeli Military Law Enforcement System in the West Bank and Its Relevance for the ICC", Available at: <http://opiniojuris.org/2020/02/07/icc-and-palestine-symposium-imprisoning-self-determination-the-israeli-military-law-enforcement-system-in-the-west-bank-and-its-relevance-for-the-icc/>

Crivellente, Moara Assis (2020), "Self-Determination as Resistance: Sahrawi and Palestinian Struggle for the UN", Available at: <https://www.e-ir.info/2020/03/19/self-determination-as-resistance-sahrawi-and-palestinian-struggle-for-the-un/>

Hafezi, Parisa (2020), "Iran lauds arms supply to Palestinians against 'tumor' Israel", **Reuters**, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-iran-israel-khamenei-idUSKBN22Y10L>

Mancini, Susanna (2008), "Rethinking the boundaries of democratic secession: Liberalism, nationalism, and the right of minorities to self-determination", **International Law Journal**, Vol.6, Number 3 & 4.

**National post** (2020), "Iran applauds weapons supply to Palestinians against 'tumor' Israel", Available at: <https://www.pmn/health-pmn/iran-applauds-weapons-supply-to-palestinians-against-tumor-israel>

international court of justice (2020), "accordance with international law of the unilateral declaration of independence in respect of kosovo", Available at: <https://www.webcitation.org/5rRB9e3bz?url=http://www.icj-cij.org/docket/files/141/15987.pdf>

UN (2019), "Letter dated 1 November 2019 from the Permanent Representative of the Islamic Republic of Iran to the United Nations addressed to the Secretary-General", S/2019/862, available at: <https://undocs.org/en/S/2019/862>



UN (2020), "Taking Up Second Committee Reports, General Assembly Adopts Resolution Permanent Sovereignty of the Palestinian People in the oPt – Press Release (GA/12306) (Excerpts)", Available at: [https://www.un.org/unispal/wpcontent/uploads/2020/12/A.75.465\\_031220.pdf](https://www.un.org/unispal/wpcontent/uploads/2020/12/A.75.465_031220.pdf)

UN (2020b), "General Assembly Adopts Third Committee Resolution "The right of the Palestinian People to Self-determination" – Press Release (GA/12304) (Excerpts)", available at: <https://undocs.org/en/A/75/477>

YAARI, EHUD (2015), "How Iran Plans to Destroy Israel", **The American Interest**, Available at: <https://www.the-american-interest.com/2015/08/01/how-iran-plans-to-destroy-israel/>

**Ynetnews** (2011), "Iran proposes referendum about Palestine", Available at: <https://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-4129406,00.html>





## دیپلماسی حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۲۰ میلادی

داریوش صفرنژاد<sup>۱</sup>

### چکیده

اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی جمهوری آذربایجان با ایران باعث شده است که این همسایه شمالی همواره در کانون دیپلماسی حمایتی ایران قرار گیرد. بر این اساس این مقاله درصدد تبیین کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان و پاسخگویی به این دو پرسش اصلی است: گستره کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۲۰ میلادی چه ابعادی را شامل می‌شود؟ دلایل تلاش دولت و رسانه‌های جمهوری آذربایجان برای کتمان یا تقلیل سطوح کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان چیست؟ برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش از چارچوب نظری دیپلماسی حمایتی و روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایران حداقل در ۲۱ حوزه مختلف ملی، دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، دفاعی، انرژی، توسعه‌ای و... به باکو کمک کرده است. کمک‌های مستقیم نظامی در مناقشه قراباغ و تأمین منابع انرژی مورد نیاز جمهوری خودمختار نخجوان از نمونه‌های این حمایت‌ها محسوب می‌شوند. اما علیرغم کمک‌های ایران، دولتمردان جمهوری آذربایجان تلاش کرده‌اند با ایجاد روایت‌های ساختگی و کتمان کمک‌های جمهوری اسلامی ایران، ایران را به‌عنوان تهدید امنیتی برای افکار عمومی در داخل و خارج از کشور آذربایجان نشان دهند.

**واژه‌های کلیدی:** دیپلماسی حمایتی، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان، قراباغ، قفقاز، رسانه برون‌مرزی.



## ۱. مقدمه

منطقه قفقاز جنوبی همواره از اهمیت راهبردی و ژئوپلیتیکی ویژه‌ای در چارچوب سیاست بین الملل برخوردار بوده است به طوری که قدرت‌های بزرگ همواره درصدد نفوذ در این منطقه بوده‌اند. یکی از کشورهای مهم این منطقه جمهوری آذربایجان است که علاوه بر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، به دلیل وجود اشتراکات تاریخی، تمدنی، فرهنگی و مذهبی از اهمیت فزاینده‌ای در معادلات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. کارشناسان بر این باورند که ۹۶ تا ۹۸ درصد از مردم جمهوری آذربایجان را مسلمانان تشکیل می‌دهند که بخش اعظمی از آن‌ها نیز شیعیان هستند. پس از ایران، کشور جمهوری آذربایجان به لحاظ درصد جمعیتی، دومین جامعه بزرگ شیعه در جهان را داراست و در واقع عامل مذهب، عنصر اصلی پیوند دو کشور است. علاوه بر آن ایران و جمهوری آذربایجان در تاریخی به قدمت هزار سال در چارچوب یک هویت واحد زیسته‌اند و حتی تجاوز روس‌ها و جداسازی این بخش از خاک ایران نیز، با وجود گذشت نزدیک به دو قرن و روی کار آمدن حکومت‌هایی که در سیاست‌های خود اسلام‌ستیزی و ایرانی‌ستیزی را به منظور شکل دهی به هویتی جدا از ریشه‌های تاریخی و مذهبی مردم این منطقه در دستور کار قرار داده‌اند، نتوانسته میراث تاریخی و فرهنگی مشترک مردم دو کشور را به حاشیه براند. برگزاری جشن‌ها و آئین‌های نوروزی و وجود شاعران و بزرگانی نظیر نظامی گنجوی و خاقانی شیروانی و اندیشمندان مسلمانی نظیر لنکرانی و نخجوانی و صدها نمونه دیگر شاهدی بر این مدعاست. وجود ریشه‌های تاریخی و فرهنگی میان ایران و جمهوری آذربایجان در مقایسه با دیگر زمینه‌ها بستر مساعدتری برای توسعه روابط دو طرف فراهم می‌کند. با توجه به وجود همین ریشه‌های مشترک، جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش کرده است به ایجاد رابطه‌ای بر پایه حسن همجواری و اعتماد متقابل در قبال جمهوری آذربایجان مبادرت ورزد.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نقطه عطفی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه قفقاز از جمله جمهوری آذربایجان به حساب می‌آید. جمهوری آذربایجان در ۳۰ آگوست ۱۹۹۱ میلادی (۸ شهریور ۱۳۷۰ هجری شمسی) اعلام استقلال کرد. همزمان در راستای پشتیبانی از استقلال این کشور، جمهوری اسلامی ایران در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی (آذر ۱۳۷۰ هجری شمسی) جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت و برقراری روابط رسمی میان دو کشور در مارس ۱۹۹۲ میلادی (اسفند ۱۳۷۰ هجری شمسی) آغاز شد و سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران که از قبل و در زمان اتحاد جماهیر شوروی در باکو برقرار بود، به سفارت ارتقاء یافت. اشتراکات



تاریخی، تمدنی و فرهنگی، برخورداری از دین و مذهب مشترک و همجواری از جمله مواردی است که بی‌تردید نزدیکی و گرایش دو ملت را در پی دارد. از همان ابتدا جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ دیپلماسی حمایتی، از طرق گوناگون سعی در گسترش روابط و همکاری‌های نزدیک با این کشور در حوزه‌های مختلف داشت. جمهوری اسلامی ایران و ایرانی‌ها از ابتدای استقلال آذربایجان تا به امروز یار و یاور روزهای سخت در این کشور بوده و در ابعاد و انجای مختلف از هیچ کمکی به این جمهوری دریغ نورزیده است. این پژوهش قصد دارد در قالب رویکردی رسانه‌ای به دیپلماسی حمایتی و ابعاد کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان از آغاز استقلال این کشور تا سال ۲۰۲۰ میلادی پرداخته و در ادامه با بررسی دلایل رویکرد غیر دوستانه حاکمان جمهوری آذربایجان در قبال ایران، توصیه‌ها و راهکارهایی را برای رسانه‌های برون مرزی صداوسیما برای مقابله با تبلیغات منفی در جمهوری آذربایجان که بخش عمده‌ای از آن از طریق رسانه‌های این کشور صورت می‌پذیرد، ارائه نماید.

با وجود تمامی این تلاش‌ها دولت جمهوری آذربایجان از زمان استقلال خود در ۱۹۹۱ میلادی تاکنون غالباً سیاست‌ها و رویکردهای غیر دوستانه‌ای در قبال ایران اتخاذ کرده است. از نظر مقامات این کشور، مهم‌ترین چالش امنیتی آذربایجان، تجاوز ارمنستان به خاک این کشور است. لذا در جریان مناقشه قراباغ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان، علی‌رغم کوشش‌های ایران در جهت حمایت از آن کشور، مقامات آذربایجان با بزرگنمایی واکنش ترکیه که به قطع رابطه با ارمنستان مبادرت ورزیده بود - بدون در نظر گرفتن روابط خصمانه دیرینه دو کشور در مسئله قتل عام ارامنه توسط ترک‌ها - عدم قطع روابط بین تهران و ایروان را به‌عنوان نشانه‌ای از حمایت ایران از ارمنستان برای افکار عمومی ترسیم کردند. در حقیقت این مسئله صرفاً بهانه‌ای بود تا مقامات باکو بدان وسیله با ترسیم تصویری جانبدار و متخاصم از جمهوری اسلامی ایران به طرح ادعاهایی نظیر مالکیت بر آذربایجان ایران و حمایت از تحرکاتی از این دست پرداخته و برای امنیت خود به توسعه هرچه بیشتر روابط با غرب به‌خصوص رژیم اسرائیل و آمریکا بپردازد. اسرائیل نیز تلاش کرده است با استفاده از بستر فراهم شده ضمن افزایش نفوذ خود در آذربایجان از امکانات آن برای اقدام علیه ایران استفاده نماید. از سوی دیگر حاکمان جمهوری آذربایجان که گسترش روابط با آمریکا را به‌عنوان راهگشای حل تمام مشکلات این کشور قلمداد می‌کنند، زمینه حضور مستقیم نیروهای آمریکا را در منطقه و در نزدیکی خاک ایران فراهم کرده‌اند. روشن است مهم‌ترین سیاست آمریکا در این منطقه مهار ایران و جلوگیری از نفوذ آن است. با توجه به این که بخش عظیمی از



سیاست‌های مقامات جمهوری آذربایجان بر پایه اتهام‌زنی‌ها و بیان مطالب غیر واقع از مجرای رسانه‌های آن کشور صورت گرفته، فلذا لازم است رسانه‌های برون مرزی صداوسیما با آشکار ساختن دیپلماسی حمایت و ابعاد کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان از زمان استقلال تاکنون، زمینه آگاه‌سازی افکار عمومی را فراهم نمایند و از این طریق به تغییر رویکرد مخرب و غیردوستانه دولت جمهوری آذربایجان منجر شود.

بی‌تردید ریشه‌های مشترک تاریخی، تمدنی، فرهنگی و مذهبی مردم ایران و آذربایجان بستری است که نزدیکی و گرایش دو ملت را در پی دارد. به نظر می‌رسد این مسئله مانع از پیشبرد سیاست‌های ضداسلامی و ضدایرانی مقامات آذربایجان است. فلذا کوشش دارند با استفاده از ابزارهای گوناگون از جمله رسانه با ترسیم تصویری نادرست از جمهوری اسلامی ایران به ایجاد دشمنی و تفرقه بین دو ملت مسلمان مبادرت ورزند. در این راستا هدف اصلی این پژوهش آن است ضمن آشکار ساختن دیپلماسی حمایت و ابعاد کمک‌های جمهوری اسلامی ایران و ایرانی‌ها به ملت و دولت جمهوری آذربایجان بستری را برای رسانه‌های برون مرزی صداوسیما فراهم آورد که از آن طریق به روشن ساختن افکار عمومی این کشور اقدام نمایند.

بر اساس مقدمه ذکر شده، سؤالات زیر مطرح می‌شود:

۱. گستره کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۲۰ میلادی چه ابعادی را شامل می‌شود؟ ۲. دلایل تلاش دولت و رسانه‌های جمهوری آذربایجان برای کتمان یا تقلیل سطوح کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان چیست؟ بر اساس پرسش‌های مذکور، فرضیه‌های زیر مطرح شده‌اند:

۱. جمهوری آذربایجان از بدو استقلال در سال ۱۹۹۱ میلادی تا سال ۲۰۲۰ میلادی همواره از حمایت‌ها و کمک‌های جمهوری اسلامی ایران بهره‌مند بوده است. این حمایت‌ها و کمک‌ها ابعاد سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و انرژی و ارتباطی، فرهنگی، آموزشی، علمی و حوزه سلامت و پزشکی را دربر گرفته است. ۲. گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان همواره با موانعی همراه بوده است که به نظر می‌رسد دلایل آن اتخاذ سیاست‌های ضد ایرانی و ضداسلامی از سوی جمهوری آذربایجان در راستای تلاش برای نزدیکی هرچه بیشتر به غرب بوده است. روش پژوهش در این مقاله تحلیلی - توصیفی و روش گردآوری داده‌ها نیز مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه عمیق با برخی کارشناسان خبره موضوع و تدوین تجارب آن‌ها است.

## ۲. پیشینه پژوهش

به دلیل اهمیت قفقاز جنوبی و به خصوص جمهوری آذربایجان برای جمهوری اسلامی ایران، این منطقه موضوع پژوهش‌های بسیاری بوده و مطالعات زیادی در این حوزه صورت گرفته است. در ادامه به بخش اندکی از آن‌ها اشاره خواهد شد. کتاب «جمهوری آذربایجان؛ ۲۳ سال تکاپو برای دولت-ملت‌سازی» (۱۳۹۳) که به کوشش حسین احمدی گردآوری شده است حاوی مجموعه مقالاتی از پژوهشگران پیرامون جمهوری آذربایجان و رفتارهای این کشور در حوزه سیاست خارجی و داخلی، مسائل فرهنگی و دیگر مسائل است که با محوریت روابط و مناسبات جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. محمود واعظی (۱۳۸۸) در کتابی با عنوان «میانجیگری در آسیای مرکزی و قفقاز: تجربه جمهوری اسلامی ایران» کوشیده با تکیه به تجربیات شخصی و بر اساس دست آوردها و رویدادها به فعالیت‌های میانجیگرانه جمهوری اسلامی ایران بپردازد. بهرام امیراحمدیان (۱۳۸۴) در کتاب «روابط ایران و جمهوری آذربایجان: نگاه آذری‌ها به ایران» در ابتدا کوشیده به بررسی روابط تاریخی ایران و کشور آذربایجان پرداخته و سپس سیاست‌های خارجی و دیدگاه‌های امنیتی جمهوری آذربایجان را تشریح نماید. احمد کاظمی در کتاب «پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم» (مبانی، اهداف و نتایج)، به ریشه‌یابی سیاست‌های قوم‌گرایانه در جمهوری آذربایجان و ترکیه و تأثیر آن بر روابط باکو-تهران پرداخته است. کتاب «مجموعه اسناد سازمان ملل در رابطه با مناقشه قراباغ» شامل مجموعه‌ای از اسناد سازمان ملل متحد درباره مناقشه ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر منطقه قراباغ است که توسط سعید باقری به فارسی ترجمه شده است.

علاوه بر کتاب‌ها، مقالات بسیاری نیز تاکنون در این حوزه به چاپ رسیده است که در ادامه به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود. مقاله «چالش‌های روابط ایران و جمهوری آذربایجان» نوشته ام‌البنین چابکی (۱۳۸۸)، مقاله «ارزیابی روابط ایران و جمهوری آذربایجان در قرن بیستم» نوشته مهدی امیری (۱۳۸۵)، مقاله «بررسی علت‌های سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان» نوشته محمدجعفر جوادی‌ارجمند و حبیب رضازاده (۱۳۹۳)، مقاله «مناقشه قراباغ و امکان نقش‌آفرینی منطقه‌ای ایران» نوشته الیاس واحدی، مقاله «حضور نظامی آمریکا در جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران» به قلم افشین متقی و عارف بیژن (۱۳۹۴)، مقاله «جایگاه ایران در رسانه،





فرهنگ و هنر رسمی جمهوری آذربایجان» نوشته مهدی نعلبندی (۱۳۸۸)، مقاله «تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران» نوشته علی امیدی و مصطفی خیری (۱۳۹۵) و مقاله «نقش رادیو برون مرزی آذری در تبیین تاریخ مشترک ایران و جمهوری آذربایجان» نوشته محمود ترابی‌اقدم و محمد اخگری (۱۳۹۷) در این زمینه تألیف شده‌اند.

علاوه بر آنچه تاکنون ذکر شد این بحث موضوع تحقیق و پژوهش در پایان‌نامه‌های بسیاری در مقاطع کارشناسی ارشد نیز بوده است. از جمله «عوامل زمینه‌ساز بحران قراباغ و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران» نوشته مهدی محمودزاده و «سیاست خارجی جمهوری آذربایجان در رابطه با جمهوری اسلامی ایران» نوشته محمدجواد حسینی از جمله آن‌هاست. هر کدام از پژوهش‌های نامبرده کوشیده‌اند تا با اتخاذ رویکردی علمی به کلیات و یا بخشی از روابط ایران و جمهوری آذربایجان بپردازند و در این بین با توجه به ضرورت و یا ارتباط موضوعی به بخشی از کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان اشاره شده است. تمایز این پژوهش آن است که قصد دارد با اتخاذ رویکردی رسانه‌ای به‌طور مستقل به دیپلماسی حمایت و ابعاد کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان در چهار حوزه سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی بپردازد.

### ۳. چارچوب نظری: دیپلماسی حمایتی

دیپلماسی حمایتی کوششی است برای ایجاد بازدارندگی فرهنگی و ایدئولوژیک و بازدارندگی فرهنگی اقدامی است به‌منظور تأمین امنیت ملی (بی‌نیاز، ۱۳۹۱: ۳۶۵). «دیپلماسی حمایتی» موتور محرکه رفع فقر و تمرکززدایی در نظام بین‌الملل است و بیش از هر ابزار دیگر دیپلماسی، مخالف و فرساینده جنگ و خشونت است. همچنین این نوع دیپلماسی موجب شده تا کابوس فاصله‌ها در هم شکسته و ارتباط مستمر میان مردم جهان در اشکال انسان‌دوستانه و سطوح گوناگون میسر شود. اصل پرداخت کمک‌های مالی و غیرمالی جهت جذب برخی کشورها به دولت اسلامی، یا تعدیل موضع آن‌ها نسبت به کشور اسلامی و سیاست‌های آن، اصلی است که از سوی غالب فقها مورد تأیید است و به اعتقاد برخی از آنان باید از اصول سیاست خارجی اسلام به‌شمار آید. قطع نظر از اختلاف نظر در مورد دریافت‌کنندگان کمک‌های مالی و غیرمالی تحت عنوان «تألیف قلوب» یا منبع تأمین این کمک‌ها، این اصل می‌تواند اهرم مناسبی در اختیار حکومت اسلامی جهت تأمین



برخی از منافع خود باشد. در دیپلماسی معاصر نیز کمک‌های خارجی با عنوان وام یا کمک بلاعوض مالی و غیرمالی، نقش بسزایی در جذب کشورهای دیگر و تأمین همسویی یا تعدیل مواضع آنها نسبت به سیاست‌های بین‌المللی کشور پرداخت‌کننده ایفا می‌کنند. از جمله کارویژه‌های دیپلماسی حمایتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- اهداف ژئوپلیتیکی پیشدستانه مانند ایجاد متحدان برای ایران، ایجاد بازدارندگی در برابر دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به‌گونه‌ای که ایران خطر دشمنان را در پشت مرزهای خود دشمنان سد کند (بی‌نیاز، ۱۳۹۱: ۳۶۵-۳۶۸).

- ایجاد اتحاد: یک کشور باید با دیپلماسی حمایتی، دوستان و متحدانی برای خود دست‌وپا کند. این روابط دوستی و اتحاد اغلب زمینه خود را در وجود منافع مشترک پیدا می‌کند. مثلاً وجود یک دشمن مشترک می‌تواند زمینه خوبی برای ائتلاف و اتحاد دو کشور برای مقابله با آن باشد.

- تحکیم مواضع سیاسی و ایدئولوژیک: سیاست خارجی یک کشور باید منعکس‌کننده قدرت و ثبات و هماهنگی داخلی آن باشد. دیپلماسی فعال حمایتی دولت‌های دیگر را راغب می‌سازد که به‌عنوان یک شریک معتبر به کشور دارای دیپلماسی فعال روی آورند (درخشه و کمالی، ۱۳۹۵).

#### ۴. دیپلماسی حمایتی و کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان در فاصله کوتاهی از استقلال خود با بحران‌ها و مشکلات جدی داخلی و خارجی از جمله مناقشه قراباغ با ارمنستان مواجه شد. علاوه بر آن حاکمیت ۷۵ ساله کمونیست‌ها این کشور را با مشکلات و مسائل داخلی مواجه کرده بود. در این شرایط جمهوری اسلامی ایران با توجه به اشتراکات یاد شده و با اتخاذ دیپلماسی حمایتی، درصدد کمک و مساعدت به کشور همسایه و مسلمان برآمد. دیپلماسی حمایتی و کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان گستره وسیعی از ابعاد سیاسی، نظامی و امنیتی، مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم، کمک‌های اقتصادی، فنی، انرژی، ارتباطات، ترانزیت و حمل‌ونقل، کشاورزی، بهداشت و درمان، فرهنگی، آموزشی و علمی و همچنین کمک‌های بشردوستانه را در بر می‌گیرد (erendor and öztarsu, 2019).

در بحث کمک‌های سیاسی ایران به جمهوری آذربایجان در ابتدا لازم به اشاره است که جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در حمایت و روی کار آمدن حیدر علی‌اف در جمهوری



آذربایجان پس از استقلال این کشور ایفاء نمود و بعد از آن هم در دوره‌های مختلف زمانی بیشترین حمایت‌ها را از دولت و مردم جمهوری آذربایجان به‌عمل آورده است. حسن نیت و راهبردهای دوستانه جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان را، می‌توان در دستور کاری که در سال ۱۹۹۲ میلادی (۱۳۷۱ هجری شمسی) در جهت الزام سفارت‌خانه‌های خود به ارائه خدمات به دیپلمات‌های آذربایجانی صادر کرده بود، مشاهده کرد. در این سال‌ها با تلاش‌های ایران، جمهوری آذربایجان موفق شد به عضویت سازمان‌های منطقه‌ای نظیر سازمان اگو و برخی سازمان‌های فرامنطقه‌ای همچون سازمان همکاری‌های اسلامی پذیرفته شود. در جریان مناقشه قراباغ، که به جنگ اول قراباغ معروف است و منجر به جدایی و استقلال این منطقه خودخوانده از جمهوری آذربایجان و اشغال سرزمین‌های پیرامونی آن شد، جمهوری اسلامی ایران نقش فعالی برای حل و فصل بحران ایفا نمود. سیاست خارجی ایران در طول این مناقشه به‌خصوص در زمینه دیپلماسی چندجانبه همواره تأکید بر حفظ تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان بوده است.

در این خصوص اقدامات ایران در سازمان‌های بین‌المللی نظیر پیشنهاد قطعنامه‌هایی علیه ارمنستان در جهت حمایت از جمهوری آذربایجان در سازمان همکاری‌های اسلامی قابل ذکر است. افزون بر کمک‌های مردم و دولت ایران در حمایت از حدود ۵۰۰ هزار نفر از آوارگان جمهوری آذربایجان در جریان جنگ قراباغ، حمایت‌های نظامی ایران سبب شد از پیشروی ارامنه در خاک جمهوری آذربایجان جلوگیری شود. در این زمینه کمک‌های نظامی و مستشاری جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان و اعزام فرماندهان ایرانی به‌منظور آموزش نیروهای نظامی این کشور و همچنین کمک‌های لجستیکی و تسلیحاتی ایران قابل توجه است. قابل ذکر است تعدادی ایرانی در جریان حمایت از جمهوری آذربایجان در جنگ قراباغ شهید شدند.

افزون بر آن روابط ایران با جمهوری خودمختار نخجوان سبب شد این بخش از خاک کشور آذربایجان که ارتباط آن‌ها به‌واسطه مناقشه قراباغ از هم جدا شد از انزوا و تنگنا خارج گردد (امیری، ۱۳۸۵). می‌توان ادعان نمود این اقدام از سوی ایران مهم‌ترین و راهبردی‌ترین کمک از سوی جمهوری اسلامی ایران در مناسبات دو کشور است چراکه اغلب نیازمندی‌های نخجوان مانند سوخت، گاز، برق از طریق ایران تأمین می‌شود و هر نوع عدم اجازه ایران به استفاده از خاک خود و قطع ارتباط دو بخش جمهوری آذربایجان می‌تواند مشکلات زیادی را برای مردم نخجوان به





وجود آورد (قلی‌زاده و کفاش، ۱۳۹۳). در بخش کمک‌های اقتصادی ایران به جمهوری آذربایجان در درجه اول می‌توان به کمک‌های بلاعوضی که از سوی نهادهای خیریه و دولت جمهوری اسلامی ایران به این کشور تخصیص یافت اشاره کرد. کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره) تا سال ۱۳۸۶ بیش از ۹۰ میلیون دلار به آوارگان قراباغی و نیازمندان آذربایجانی کمک کرده است. به‌علاوه این کمک‌ها در چند مرحله توسط دولت جمهوری اسلامی ایران نیز به جمهوری آذربایجان صورت پذیرفته است. از جمله در سال ۱۳۸۰ مبلغ دو میلیون دلار به صورت بلاعوض به دولت باکو از سوی وزارت خارجه اهدا و در اوایل دولت نهم نیز یک میلیون دلار به کشور آذربایجان پرداخت شد. به‌علاوه ایران تاکنون چندین میلیارد دلار در جمهوری آذربایجان سرمایه‌گذاری کرده است که به‌طور خلاصه می‌توان به کارخانه ساخت دارو، کارخانه خودروسازی، و همچنین مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز جمهوری آذربایجان اشاره کرد. در زمینه فنی و تکنولوژی ایران با ایجاد واحدهای صنعتی مشترک در جمهوری آذربایجان، انتقال فناوری به این کشور را تسهیل نموده است (Paul, 2015 and shepard, 2017).

در زمینه انرژی نیز کمک در سوآپ گاز جمهوری آذربایجان به نخجوان از طریق جمهوری اسلامی ایران و همچنین مشارکت در توسعه میدان‌های گازی و نفتی جمهوری آذربایجان قابل اشاره است. همکاری در پروژه‌های مشترکی که نفع قابل توجهی از آن متوجه باکو بوده است، نظیر سد خداآفرین و قیزقلعه‌سی نیز از دیگر اقدامات ایران در روابط خود با کشور آذربایجان بوده است. در بحث کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان در زمینه ترانزیت و حمل‌ونقل باید توجه داشت که یکی از مشکلات جغرافیایی جمهوری آذربایجان محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد است. (کانال ولگا- دن که این کشور را از طریق دریای خزر به آب‌های آزاد متصل می‌کند دارای محدودیت‌های فراوانی است). فلذا ساخت راه‌آهن قزوین- رشت- آستارا توسط ایران که جمهوری آذربایجان را از طریق خاک ایران به خلیج فارس و دریای آزاد متصل می‌سازد و در ارتباط با سایر مناطق جهان قرار می‌دهد، قابل توجه است. افزون بر آن در آستارای ایران ۳۵ هکتار زمین در اختیار شرکت راه‌آهن جمهوری آذربایجان قرار داده شده است تا در این زمین بارانداز احداث کند. علاوه بر این موارد هزینه مطالعاتی ساخت آزادراه باکو- آستارا از محل ۲ میلیون دلار کمک‌های بلاعوض جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان پرداخت شد و



شرکت ایرانی آذر - پاسیلو مطالعات آن را انجام داده است. در بحث کمک‌های ارتباطی و ترانزیتی همچنان که پیش از این نیز بیان شد ایران تنها راه ارتباط زمینی جمهوری آذربایجان با نخجوان است. اقدام ایران در برقراری ارتباط زمینی بخش اصلی جمهوری آذربایجان با جمهوری خودمختار نخجوان مهم‌ترین و راهبردی‌ترین کمک از سوی جمهوری اسلامی ایران در مناسبات دو کشور است. در زمینه کمک‌های کشاورزی ایران به جمهوری آذربایجان باید به طرح‌های خودکفایی کشاورزی که توسط کمیته امداد در سال‌های ابتدایی استقلال جمهوری آذربایجان در این کشور اجرا شد اشاره کرد. همچنین انتقال دانش فنی در حوزه کشاورزی به این کشور در طرح‌هایی نظیر طرح کشت فراسرزیمینی (تأمین آب و زمین بر عهده جمهوری آذربایجان و تأمین دانش فنی و مدیریت بر عهده طرف ایرانی) قابل ذکر است. اقدامات ایران در جهت تأمین ماشین‌آلات و مواد اولیه مورد نیاز در بخش‌های کشاورزی و دامپروری و شیلات کشور آذربایجان به‌خصوص نخجوان نیز قابل توجه است.

در خصوص کمک‌های ایران در حوزه بهداشت و درمان می‌توان به حضور بیماران آذربایجانی برای دریافت خدمات درمانی از بیمارستان‌های ایران اشاره کرد. اقدام ایران در زمینه لغو یکجانبه روادید برای شهروندان جمهوری آذربایجان و همچنین هزینه پایین و کیفیت بالای خدمات پزشکی در ایران منجر شده بسیاری از مردم آذربایجان برای درمان بیماری‌های خود به ایران مراجعه کنند. بنا به آمار رسمی در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ هجری شمسی بیش از یک میلیون شهروند آذربایجان به ایران مسافرت کرده‌اند که نزدیک به ۵۰ الی ۶۰ درصد از آنها با هدف درمان بوده است. علاوه بر آن در زمینه کمک‌های ایران به جمهوری آذربایجان در زمینه بهداشت می‌توان به ساخت کارخانه مشترک داروسازی ایران و جمهوری آذربایجان و همچنین همکاری سه دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، تبریز و اردبیل با جمهوری آذربایجان و اعلام آمادگی آن‌ها برای راه‌اندازی بیمارستانی در آن کشور و همچنین اعزام اساتید و پزشکان دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران به مراکز درمانی باکو و تبادل دانشجو به‌منظور کمک به توسعه علمی این کشور در زمینه بهداشت و درمان اشاره کرد. لازم به ذکر است پیش از این کلینیک طبی امام علی (ع) وابسته به نمایندگی کمیته امداد امام خمینی (ره) سال‌ها در جمهوری آذربایجان به ارائه خدمات رایگان بهداشتی و درمانی به شهروندان



آذربایجانی اشتغال داشت، اما به علت رویکردهای خصمانه مقامات باکو و عدم تمدید مجوز، ناچار به قطع فعالیت در آن کشور شد.

در بحث کمک‌های فرهنگی ایران، بار دیگر ریشه‌های مشترک تاریخی، فرهنگی و مذهبی ملت‌های ایران و آذربایجان مورد تأکید است. باید توجه داشت که بیش از ۹۳ درصد از مردم جمهوری آذربایجان مسلمان بوده که بیشتر آن‌ها را شیعیان تشکیل می‌دهند. از دیدگاه ایران، تمدن مشترک اسلامی - ایرانی توجیه برقراری روابط نزدیک فرهنگی با جمهوری آذربایجان است (قلی‌زاده و کفاف، ۱۳۹۳). لذا ایران تلاش نموده در این بستر برای احیای پیوندهای تاریخی، تمدنی و فرهنگی به ارائه کمک‌ها و همکاری با جمهوری آذربایجان بپردازد. در این زمینه می‌توان به توسعه مساجد، حسینیه‌ها (همچون حسینیه اهل بیت (ع) باکو)، حمایت از انتشار روزنامه «صدای اسلام» در این کشور و همچنین راهاندازی شبکه تلویزیونی «سحر» به زبان آذری، حمایت از نشر کتاب در جمهوری آذربایجان، ترجمه، اعزام دانشجویان آذری برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌های ایران در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا و همچنین فراهم نمودن فرصت مطالعاتی در رشته‌های مختلف برای اساتید آذربایجانی در دانشگاه‌های ایران و از طرف دیگر اعزام اساتید ایرانی برای آموزش معلمان آذری به جمهوری آذربایجان، گسترش ارتباط میان شعرا و نویسندگان ایرانی و آذربایجانی و اعزام گروهی از هنرمندان آذربایجانی به جشنواره‌های ادبی در ایران اشاره کرد. علاوه بر آن در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۰۶ تالار روابط فرهنگی - علمی ایران و آذربایجان با هدف کمک به توسعه هرچه بیشتر روابط علمی و فرهنگی، مبادلات علمی و نشر معارف بین دو کشور در باکو افتتاح شده است.

در حوزه سینما نیز همکاری‌ها در ساخت فیلم‌های سینمایی و برگزاری روزهای سینمای ایران در جمهوری آذربایجان و دوبله فیلم و سریال‌های ایرانی در این کشور و همچنین همکاری در زمینه تئاتر و کمک به هنرمندان آذری برای نمایش هنر و توانایی‌های خود قابل ذکر است. در این مورد می‌توان به تئاتری به نام «بختور» اشاره کرد که به کارگردانی و تهیه کنندگی از طرف ایران و ایفای نقش هنرمندان آذری بوده و در نوروز ۱۳۹۶ به‌نمایش در آمد. در زمینه کمک‌های بشردوستانه ایران به جمهوری آذربایجان همان طور که اشاره شد جمهوری اسلامی ایران در ابتدای استقلال این کشور و درگیر شدن در جنگ قراباغ به بیش از ۵۰۰ هزار نفر آواره آذربایجانی جنگ



در خاک خود پناه داد و هلال احمر در شهرستان‌های بيله‌سوار، ساعتلی و صابرآباد هشت اردوگاه مسکونی برای آن‌ها ایجاد نمود. همچنین ارائه خدمات بیمارستانی به مجروحان نظامی و غیرنظامی جنگ قراباغ و تأمین نیازهای بهداشتی، درمانی، دارویی و غذایی آن‌ها از جمله اقدامات بشردوستانه ایران در قبال مردم جمهوری آذربایجان بوده است. علاوه بر آن کمیته امداد امام خمینی (۵) که از سپتامبر ۱۹۹۳ فعالیت خود را در جمهوری آذربایجان آغاز کرد در مدت بیست سال فعالیت خود تا سال ۲۰۱۳ به ایجاد اشتغال، تهیه مسکن، کمک به تحصیل، ازدواج جوانان و درمان مردم این کشور اشتغال داشت. تنها کلینک طبی امام علی (۴) در مدت پنج سال فعالیت خود در کشور آذربایجان به بیش از پانصد هزار نفر در زمینه‌های مختلف خدمات پزشکی رایگان داده است.

## ۵. ابعاد مختلف دیپلماسی حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان

ابعاد مختلف دیپلماسی حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان را می‌توان در ۲۱ مقوله اصلی بیان کرد.

### ۵-۱. ورود رسمی به عرصه میانجی‌گری و انجام گفتگوهای صلح با محوریت تهران

اولین اقدام جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با مناقشه قراباغ تلاش‌های میانجی‌گرانه بود. در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی و در اوج بی‌ثباتی جمهوری آذربایجان، بنا به درخواست مسئولین وقت این کشور، ایران به‌عنوان میانجی صلح وارد عرصه شد و گفتگوهای صلح با محوریت تهران بین مسئولین جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان به انجام رسید. این مذاکرات تا تابستان ۱۳۷۱ هجری شمسی تداوم داشت. مدتی پس از پایان مذاکرات صلح تهران، گروه مینسک شورای امنیت و همکاری اروپا تشکیل شده و امر میانجی‌گری را عهده‌دار شد.

### ۵-۲. اعزام نیروهای پاسدار صلح در راستای مناقشه قراباغ

همزمان با آغاز مذاکرات صلح با محوریت تهران، نیروهای پاسدار صلح از کشورمان به منطقه اعزام و در چند نقطه حائل مستقر شده و بر روند اجرای مذاکرات صلح نظارت داشتند.

### ۵-۳. اعزام مستشار نظامی به جمهوری آذربایجان

با عنایت به مشکلات و بحران‌های سیاسی پی‌درپی داخلی در جمهوری آذربایجان و از هم پاشیدگی ارتش این کشور، بنا به درخواست حاکمان وقت این کشور، از طرف ایران گروهی از مستشاران نظامی به این جمهوری اعزام شده و با راه‌اندازی دو پادگان آموزشی در باکو و ماسالی (در جنوب



این کشور)، امر سازماندهی و آموزش نیروهای آذری را عهده‌دار شدند. این نیروها از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ در آذربایجان رسماً حضور داشته و به امر مستشاری دفاعی و آموزشی اشتغال داشتند.

#### ۴-۵. ارسال مایحتاج دفاعی به جمهوری آذربایجان

با توجه به نیازمندی جمهوری آذربایجان به اقلام دفاعی و خلاء شدید اقلام دفاعی در نیروهای آذری، بنا به درخواست مسئولین وقت این جمهوری، اقلام دفاعی به استعداد ده‌ها میلیون دلار از طرف ایران به این کشور ارسال شد. البته همکاری‌های دفاعی دو کشور از آن تاریخ تا به امروز هم تداوم دارد.

#### ۵-۵. فعالیت هلال احمر ایران و در ادامه تأسیس دفتر این نهاد در باکو برای کمک به آوارگان قراباغ

در سال ۱۳۷۲ و همزمان با اوج جنگ اول قراباغ، هلال احمر ایران با ایجاد ۸ اردوگاه در مناطق همجوار با مناطق اشغالی قراباغ در خاک جمهوری آذربایجان، با نام حضرت امام رضا (ع) به مدت سه سال اقدام به ارائه امداد برای زندگی و معیشت صدها هزار آواره آذری ساکن در این ۸ اردوگاه نمود. در ادامه نیز دفتر و درمانگاه هلال احمر در باکو راه‌اندازی شده و اقدام به ارائه خدمات به آوارگان نمود. این ارائه خدمات تا سال ۱۳۹۳ تداوم داشتند. در مجموع در طی این سال‌ها حجم کمک‌های این نهاد به آوارگان قراباغی رقمی بالغ بر یکصد میلیون دلار بوده است.

#### ۶-۵. تأسیس دفتر کمیته امداد امام خمینی (ره) در باکو برای کمک به آوارگان قراباغ

در سال ۱۳۷۲ نمایندگی رسمی کمیته امداد حضرت امام (ره) با هدف کمک به آوارگان مسلمان قراباغی راه‌اندازی شده و تا سال ۱۳۹۲ که به فعالیت این دفتر بنا به درخواست طرف آذری پایان داده شده، به مدت ۲۰ سال این نهاد امدادی به بیش از ۵۰۰ هزار آواره در نقاط مختلف جمهوری آذربایجان کمک نموده است. حجم کمک‌های ۲۰ ساله این نهاد به آوارگان قراباغی رقمی بالغ بر یکصد میلیون دلار بوده است.

#### ۷-۵. ایجاد و اختصاص کریدور هوایی و زمینی باکو نخجوان از ایران

با شدت یافتن جنگ قراباغ و به دلیل قطع کامل ارتباط زمینی و هوایی بین جمهوری خودمختار نخجوان با آذربایجان، به مدت چند سال کریدور هوایی و به مدت ۲۷ سال نیز کریدور زمینی جهت تردد کامیون‌های حامل مواد غذایی و مایحتاج بین نخجوان و آذربایجان توسط ایران، اختصاص داده شده است. برابر آمار موجود بعضاً روزانه از ۱۵۰ تا ۴۵۰ دستگاه کامیون و تریلر بین نخجوان



و آذربایجان در تردد بوده است. این امر و امکان اختصاص یافته خود عامل بسیار مهمی برای جریان حیات و زندگی در نخجوان بوده و حجم بالایی را به لحاظ ارزش مالی شامل می‌شود.

#### ۵-۸. تأمین منابع انرژی مورد نیاز جمهوری خودمختار نخجوان

از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۸۱، ایران بالغ بر ۵۵ میلیون دلار برق برای معیشت اهالی نخجوان عملاً هدیه داده و از پس از این سال تا به امروز نیز جریان برق و گاز جمهوری خودمختار نخجوان به صورت تهاتر از طریق ایران تأمین می‌شود که به تنهایی حجم بالایی را به لحاظ ارزش مالی شامل می‌شود.

#### ۵-۹. تسهیل در تردد و استقرار مجاهدین افغانستانی در قراباغ

با شدت یافتن نبرد در جبهه‌های قراباغ در سال‌های ۷۲-۱۳۷۱ با هماهنگی ایران پنج هزار نفر از مجاهدین افغان برای کمک به نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان در جبهه‌های قراباغ مستقر شدند و حضور آنها تا سال ۱۳۷۳ نیز تداوم داشت.

#### ۵-۱۰. مساعدت‌های استان‌های شمال غربی به جمهوری آذربایجان

در ابتدای فروپاشی اتحاد شوروی سابق و استقلال جمهوری آذربایجان، از سوی وزارت کشور ایران به مدت ۶ سال چهار استان همجوار و واقع در شمال غربی ایران مأموریت داشتند تا به‌صورت ویژه کمک‌های انسان‌دوستانه با محوریت آوارگان قراباغی، به آذربایجان و نخجوان ارسال نمایند. این کمک‌ها از ارسال مایحتاج مصرفی آوارگان گرفته تا احداث نانوائی و ارسال آرد بوده است. این کمک‌ها از محل بودجه‌های استانی هزینه شده و حجم آن بیش از دویست میلیون دلار بوده است.

#### ۵-۱۱. ارائه کمک‌های توسعه‌ای

این کمک‌ها از طرف وزارت امور خارجه و برای توسعه زیرساخت‌ها در جمهوری آذربایجان بوده و در اموری نظیر جاده‌سازی، ساختمان‌سازی، پژوهش، اسکان آوارگان جنگی و امثال آن، اختصاص و هزینه شده است.

#### ۵-۱۲. کمک به مقابله با قحطی در اوایل دولت حیدر علی‌اف

در سال ۱۳۷۳ و در اوایل روی کار آمدن حیدر علی‌اف در جمهوری آذربایجان، بنا به درخواست ایشان از مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، مبلغی بالغ بر ۵ میلیون دلار آرد برای کمک به رفع قحطی و تأمین نان مصرفی مردم آذربایجان و نخجوان به این مناطق ارسال شده است.

### ۵-۱۳. کمک‌ها در حوزه انرژی

از زمان اتحاد جماهیر شوروی سابق، ایران به جمهوری آذربایجان گاز صادر می‌کرد که این روند علی‌رغم فروپاشی اتحاد شوروی، تا پس از استقلال نیز تا مدتی تداوم داشته و هزینه‌های آن نیز محاسبه نشده است.

### ۵-۱۴. کمک‌های فرهنگی

با توجه به مسلمان بودن اکثریت مردم جمهوری آذربایجان و با عنایت به فضای رهایی از نظام کمونیستی، کمک‌های فرهنگی ایران (ارسال قرآن و کتب دینی و مذهبی) بنا به درخواست مردم و اهالی این جمهوری، ارسال شده که حجم این کمک‌ها بسیار قابل توجه است.

### ۵-۱۵. فعالیت نماینده ویژه ایران در امور قراباغ

از ابتدای استقلال آذربایجان و همزمان با شروع مناقشه قراباغ به مدت حدود ۱۳ سال نماینده ایران در امور قراباغ تعیین و به منطقه تردد می‌کرده است. عمده مأموریت‌های این نماینده‌ها، موضوع برقراری آتش‌بس و ایجاد حسن همجواری با همسایگان شمالی ایران بوده است.

### ۵-۱۶. شهدای ایرانی در قراباغ

جدای شهدایی که گروه مستشاری دفاعی ایران در قراباغ داشته است، به واسطه هدف قرار گرفتن یک فروند هواپیمای حامل مسافران ایرانی در حال عزیمت از مسکو به تهران توسط ارامنه قراباغ، ده‌ها نفر از اتباع ایرانی و خانواده‌های آن‌ها نیز بدین شکل به شهادت رسیده‌اند.

### ۵-۱۷. حمایت تهران از آذربایجان در سازمان ملل

پس از توقف پروژه میانجی‌گری ایران در مناقشه اول قراباغ در سال ۱۳۷۱ تا به امروز، گروه مینسک شورای امنیت و همکاری اروپا عهده‌دار امر میانجی‌گری بوده است. در این راستا حدود ۲۸ سال است که در راستای دیپلماسی حمایتی، هر ساله در صحن مجمع عمومی سازمان ملل در ماه دسامبر هر سال میلادی، دو رأی‌گیری در مورد قراباغ انجام می‌شود؛ یکی پیرامون تمدید سالیانه مأموریت میانجی‌گری گروه مینسک از طرف سازمان ملل در مورد قراباغ و دوم لایحه پیشنهادی جمهوری آذربایجان، مبنی بر اینکه قراباغ در چارچوب قلمرو سرزمینی جمهوری آذربایجان قرار دارد. طی این سال‌ها هر ساله دو رأی و جمعاً ۵۶ رأی مثبت از طرف ایران به نفع کشور آذربایجان در خصوص موضوع قراباغ داده شده است. این در حالی است که بسیاری از کشورهای به ظاهر دوست غربی و صهیونیستی جمهوری آذربایجان به این دو لایحه رأی ممتنع و یا منفی داده‌اند.





همچنین سال‌ها است که جمهوری آذربایجان در قبال بسیاری از رأی‌گیری‌ها در سازمان ملل و نهادهای تابعه در قبال ایران یا غیبت نموده و اصلاً حاضر به رأی دادن نشده و یا اینکه رأی ممتنع داده است و در حداقل موارد شاهد رأی مثبت آن‌ها بوده‌ایم.

### ۵-۱۸. حمایت تهران از جمهوری آذربایجان در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

حمایت مستمر ایران از مواضع جمهوری آذربایجان در قبال قراباغ طی این سال‌ها در تمامی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله سازمان همکاری‌های اسلامی (سازمان کنفرانس اسلامی سابق) و جنبش عدم تعهد و ...، که همواره و به‌عنوان یک روند در سه دهه اخیر تداوم داشته است.

### ۵-۱۹. کمک‌های رسانه‌ای به جمهوری آذربایجان

در طی ۳۰ ساله اخیر کتاب‌های بسیاری در ایران به نفع جمهوری آذربایجان ترجمه و چاپ شده است. مراسم مختلفی از برگزاری شب شعر تا مراسم بزرگداشت و همایش در تهران و استان‌ها در مورد قراباغ، و اینکه جزو سرزمین جمهوری آذربایجان و یا بخشی از سرزمین اسلام است، برگزار شده است.

### ۵-۲۰. حمایت تربیون‌های رسمی و مردمی ایران از جمهوری آذربایجان

در سی ساله اخیر همه تربیون‌های رسمی و مردمی جمهوری اسلامی ایران، از مسئولین رسمی گرفته تا تربیون‌های نماز جمعه، از مواضع جمهوری آذربایجان در قبال قراباغ حمایت نموده‌اند.

### ۵-۲۱. سرمایه‌گذاری کلان بخش‌های دولتی و خصوصی ایران در جمهوری آذربایجان

در سی ساله اخیر اتباع ایران و بخش‌های مختلف دولتی و غیر دولتی جمهوری اسلامی ایران چندین میلیارد دلار در جمهوری آذربایجان سرمایه‌گذاری کرده‌اند که به‌طور خلاصه می‌توان به ساخت کارخانه‌های مختلف و مجتمع‌های بزرگ تولیدی در بخش‌های: تولید دام و طیور، تولید مرغ و تخم‌مرغ، تولید ماهی، تولیدات کشاورزی و مرکبات، ساخت دارو، کارخانه خودروسازی، جاده‌سازی و راه‌سازی، ساخت راه‌آهن، ساختمان‌سازی، مسکن‌سازی، تولید برق و انرژی و همچنین مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز جمهوری آذربایجان، مشارکت در حوزه‌های مختلف فنی و مهندسی، مخابرات، پزشکی و درمانی و ... اشاره کرد. به‌طوری که به جرأت می‌توان گفت یک پایه اصلی اقتصاد و حیات جمهوری آذربایجان در سی ساله اخیر دولت و اتباع ایران بوده‌اند.





## ۶. علل تلاش‌های حاکمان آذربایجان برای کتمان دیپلماسی حمایتی و کمک‌های ایران

با توجه به موارد یاد شده، دیپلماسی حمایتی و گستره کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان ابعاد گوناگونی را در بر گرفته و در این رابطه جمهوری اسلامی ایران از هیچ تلاشی برای کمک به کشور همسایه در راستای بهبود روابط برپایه حسن همجواری و اعتماد متقابل فروگذاری نکرده است. با این وجود حکومت‌هایی که از بدو استقلال تاکنون در جمهوری آذربایجان برسرکار آمده‌اند، همواره درصدد ایجاد فضایی ضدایرانی در داخل و خارج از مرزهای جمهوری آذربایجان بوده‌اند. آن‌ها همواره تلاش کرده‌اند با اتهام‌زنی‌ها و بیان مطالب غیر واقع از جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان «دیگری» برای شکل‌دهی به هویت خود استفاده نموده و با مخفی کردن و کم‌اهمیت جلوه دادن دیپلماسی حمایتی و ابعاد کمک‌های جمهوری اسلامی ایران، تصویری متخاصم از آن برای مردم جمهوری آذربایجان ترسیم کنند. ابوالفضل علی‌اف (معروف به ایلچی بیگ) که در سال ۱۹۹۲ میلادی بر سرکار آمد، تبلیغات شدید ضدایرانی را در دستور کار قرار داد و ایران را به ارائه کمک‌های تسلیحاتی و نظامی به ارمنستان متهم کرد. در حالی که سیاست خارجی ایران در این دوره تأکید بر حفظ تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و دعوت به مذاکره و توصیه به حل مسائل بود. وی با بیان اندیشه‌های پان‌ترکیسم آشکارا از تجزیه ایران سخن می‌گفت و به‌صورت علنی خواستار کمک آمریکا برای تشکیل (به‌اصطلاح) حکومت آذربایجان بزرگ بود.

پس از روی کار آمدن حیدر علی‌اف در سال ۱۹۹۳ سیاست خارجی آذربایجان بر مبنای گرایش هرچه بیشتر به غرب تداوم یافت. پیوستن به طرح مشارکت برای صلح ناتو، عضویت در شورای اروپا و رویارویی با جنبش‌های اسلام‌گرا از جمله مواردی بود که منجر به سردی هرچه بیشتر روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان شد. با این وجود حیدر علی‌اف در سال‌های پایانی ریاست‌جمهوری خود به این اشتباه پی برد و درصدد بهبود روابط با ایران برآمد. اتخاذ این رویکرد از سوی او نوعی ناامیدی از دریافت کمک‌های کشورهای غربی به جمهوری آذربایجان بود. با به قدرت رسیدن الهام علی‌اف از حزب آذربایجان نوین در سال ۲۰۰۳ روند گرایش و اتحاد با غرب دوباره سرعت بیشتری گرفت و تا به امروز نیز ادامه داشته است.



با توجه به مواردی که ذکر آن رفت جمهوری آذربایجان همواره تلاش کرده است ایران را به‌عنوان بزرگترین تهدید امنیتی خود برای افکار عمومی در داخل و خارج از آذربایجان معرفی کند و با ایجاد روایت‌های ساختگی و کتمان کمک‌های جمهوری اسلامی در صدد بوده با اتهام زنی به ایران در خصوص جانبداری از ارمنستان در جریان مناقشه قراباغ و همچنین تلاش برای نفوذ و مداخله در این کشور و حمایت از گروه‌های اسلام‌گرای افراطی به پیشبرد مقاصد خود بپردازد. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران از هیچ تلاشی برای کمک و ایجاد رابطه‌ای برپایه حسن همجواری و اعتماد متقابل در قبال جمهوری آذربایجان فروگذاری نکرده است.

از جمله علل تلاش‌های حاکمان جمهوری آذربایجان برای کتمان ابعاد دیپلماسی حمایتی و کمک‌های ایران به این جمهوری در طی سه دهه اخیر، می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱. همراهی و همسویی حاکمان آذری با نظام سلطه و استکبار جهانی.
۲. روند غرب‌گرایی در جمهوری آذربایجان و پیوستن این کشور به نقشه سیاسی اروپا.
۳. همراهی و همسویی حاکمان آذری با رژیم صهیونیستی و ائتلاف عملی با آن‌ها در برخی منافع مشترک.
۴. اسلام‌ستیزی حاکمان و سعی در استقرار نظام لائیک و سکولار در این جمهوری.
۵. اجرایی منویات دیکته شده توسط اربابان آمریکایی، صهیونیستی و غربی.
۶. برخلاف اظهارات زبانی، ایران‌هراسی و ایران‌ستیزی عملی حاکمان در جمهوری آذربایجان.
۷. برخلاف اظهارات زبانی، اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی عملی حاکمان در جمهوری آذربایجان، البته منظور اسلام و شیعه با مدل ایران و برگرفته از اسلام اصیل و راستین است، نه اسلام الحادی و یا شیعه لندنی.
۸. در طی سه دهه اخیر اکثریت حاکمان در جمهوری آذربایجان سعی داشته‌اند تا ضمن همراهی با آمریکا و جریان صهیونیسم جهانی، در افکار عمومی خود با تبلیغات ضد ایرانی به انحاء و با موضوعات مختلف باعث ایجاد چالش بین مردم این کشور با ایران شوند. این حاکمان تحت فضای القایی غربی‌ها، از گرایش مردم کشورشان به ایران واهمه شدید دارند.



۹. پشتیبانی از تفکر و جریانات پان‌ترکیستی و پان‌آذریستی برای بالا نگهداشتن فضای تقابلی در برابر ایران در عرصه افکار عمومی مردم، با حمایت و پشتیبانی ترکیه، انگلستان، آمریکا و رژیم صهیونیستی.

## ۷. نتیجه‌گیری

طی سه دهه گذشته و از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ابتدای استقلال جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۱ تاکنون، جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ دیپلماسی حمایتی در قبال این جمهوری در تمامی ایام و به‌ویژه روزهای سخت و بحرانی اوایل استقلال، و بالاخص جنگ قراباغ، با ارائه کمک‌های وسیع در گستره و ابعاد گوناگون در کنار جمهوری آذربایجان و مردم مسلمان این کشور بوده است. این حضور، حمایت‌ها و کمک‌ها در سالیان متمادی تداوم داشته و منشأ اثر بسیاری بوده است و به جرأت می‌توان گفت هرگز از خاطره و حافظه تاریخی مردم مسلمان این جمهوری پاک نخواهد شد. متأسفانه در طی این مدت، برخی حاکمان این جمهوری، بنا به دلایل مختلف سیاسی و اعتقادی و ملهم از مسایل داخلی و یا متأثر از دشمنان خارجی روابط دو کشور، با نادیده گرفتن دیپلماسی حمایتی ایران و گستره این حضور، کمک‌ها و خدمات ارائه شده، همواره و در عرصه عمل، بر جنبه‌های منفی این حضور اشاره و تأکید داشته و با مهندسی افکار عمومی سعی در بزرگنمایی موارد چالش‌زا و کاستی‌ها داشته‌اند. بنابراین مناسب است تا شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی با اتخاذ راهبرد رسانه‌ای مدون، با آشکارسازی ابعاد سی ساله این روند برای افکار عمومی هر دو کشور و آثار بسیار مثبت اتخاذ دیپلماسی حمایتی جمهوری اسلامی ایران و نقش ایرانی‌ها در شکل‌گیری جمهوری آذربایجان و آبادانی و پیشرفت آن، به شفاف‌سازی اقدامات آشکار و پنهان معاندین و دشمنان در روابط دو کشور اقدام نمایند.

## ۸. پیشنهادهای رسانه‌ای

۱. ساخت برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی با محوریت ابعاد و گستره حمایت‌ها و کمک‌های سی ساله جمهوری اسلامی ایران به جمهوری آذربایجان، به‌ویژه در عرصه دوران پس از فروپاشی و موضوع کمک به آوارگان مسلمان قراباغ. پیشنهاد می‌شود، برای پخش در شبکه‌های برون‌مرزی



صداوسیما در این برنامه‌سازی‌ها به دیپلماسی حمایتی و ابعاد حمایت‌ها و کمک‌های نهادهایی همچون «کمیته امداد امام (ره)، هلال احمر و... پررنگ‌تر اشاره شود. تأکید شود که ایران هیچگاه مسلمانان آذری را در شرایط سخت و دشوار فراموش نکرده و همواره یاریگر آنها بوده است.

۲. ساخت برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی با محوریت ابعاد و گستره حضور، حمایت‌ها و خدمات سی ساله جمهوری اسلامی ایران و ایرانی‌ها در جمهوری آذربایجان و کمک آن‌ها به رشد و توسعه این کشور، برای پخش در شبکه‌های برون مرزی صداوسیما در بخش آذری، تالشی، ترکی، روسی. در این برنامه‌سازی‌ها به ابعاد مختلف حضور و ایران و ایرانی‌ها اشاره و تأکید شود که دولت و ملت ایران همواره و در شرایط سخت و دشوار در کنار جمهوری آذربایجان بوده‌اند.

۳. ساخت برنامه‌هایی تلویزیونی و رادیویی برای پخش در شبکه‌های برون مرزی صداوسیما با محوریت اهمیت راهبردی حوزه جغرافیایی منطقه قفقاز جنوبی و سه کشور مستقل پدید آمده در آن (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و سه منطقه خودخوانده جینی متولد یافته در سی ساله اخیر در آن (قرباغ، آبخازیا و اوستیای جنوبی)، با محوریت جمهوری خودخوانده قرباغ، به‌ویژه در شبکه‌های تلویزیونی، اهمیت بالایی دارد.

۴. بیان تاریخچه‌ای از تحرکات امپراتورهای روسیه تزاری، شوروی کمونیستی، عثمانی و فدراسیون روسیه فعلی، و نگرش آن امپراتوری‌ها به این حوزه، مهم و مفید است. البته باید پیوستگی تمدنی و تاریخی این منطقه به ایران اسلامی بسیار برجسته شود.

۵. بیان تاریخچه‌ای از ابعاد مهم جمهوری آذربایجان و رقابت برخی قدرت‌ها بر سر تسلط بر منابع انرژی آن. استفاده از نظرات کارشناسان برجسته حقوق بین‌الملل، در ساخت برنامه‌های مرتبط با موضوع قفقاز، قرباغ و مناقشات در جریان و حتی بهره‌برداری از حوزه انرژی و کردیورهای منطقه، توصیه می‌شود.

۶. ساخت برنامه‌هایی تلویزیونی و رادیویی برای پخش در شبکه‌ها و رسانه‌های برون مرزی صداوسیما، با محوریت آگاه‌سازی افکار عمومی از اقدامات مخرب کشورهای معاند فرمانطقه‌ای، به‌ویژه آمریکا، رژیم صهیونیستی و انگلستان، برای ایجاد چالش و فاصله بین حاکمان آذربایجان و ایران و همچنین مردم دو کشور توصیه می‌شود. در این برنامه‌ها باید تحرکات صهیونیست‌ها را پررنگ نمود. در این زمینه برخی حاکمان جمهوری آذربایجان را که در زمره مخالفین عملی روابط

دو کشور هستند، غیرمستقیم در برنامه‌های تولیدی نقد نموده و باید آن‌ها را تحت تأثیر قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جریان صهیونیسم جهانی معرفی نمود.

۷. حل معضلات و اختلافات مرتبط با قراباغ، یک روند پیچیده و زمان‌بر است و باید در بحث در مورد میانجی‌گری گروه مینسک شورای امنیت و همکاری اروپا، به بی‌فایده بودن مذاکرات از طریق گروه مینسک اشاره شده و تنها راه‌حل برطرف شدن مناقشات، تکیه بر همکاری‌ها و گفتگوهای منطقه‌ای و با حضور کشورهای منطقه و همسایه برجسته شود.

۸. از بیان تلاش‌های کشورهای فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا، رژیم صهیونیستی، انگلستان و عربستان، و کلاً جریان استکبار و صهیونیسم جهانی در عرصه رسانه و افکار عمومی مردم دو کشور، منطقه و جهان، در ترویج افکار و جریان‌ات تجزیه‌طلبانه و قوم‌گرایانه به‌خصوص موضوع پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم، برای ایجاد چالش بین جمهوری آذربایجان و ایران برای بهره‌برداری و افزودن بر آتش اختلافات بین دو کشور و دو ملت، غفلت نشود.

۹. به محوریت تمدن ایرانی - اسلامی در قفقاز با ذکر پیشینه تاریخی و با در برگیری همه مذاهب و اقوام توجه جدی شود. فقط به مسلمانان اشاره نشود، بلکه همه اقوام قفقاز مورد اشاره قرار گیرند. با توجه به تنوع فرهنگی و قومی حوزه جغرافیایی منطقه قفقاز، بهتر است که به اهمیت فرهنگ و تمدن کهن ایرانی نیز در این حوزه اشاره شود و به‌عنوان مثال «آئین‌های مشترک نوروزی، آداب و رسوم مشترک مردمی، جاذبه‌های طبیعی، توریستی، دینی، فرهنگی، غذایی و ورزشی کشورمان» مورد اشاره قرار گیرند.

۱۰. تمدن ایرانی در قفقاز امروزین، نقش مهمی در پیشرفت و تطور ملت‌های آن ایفا کرده و اشاره به این نکته از این جهت اهمیت دارد که پس از فروپاشی و در سی ساله اخیر کشورهای غربی با تلاش استعمارگرانه سعی دارند تمدن ایرانی را در این منطقه به انحای مختلف کمرنگ کنند. موقعیت بین‌قاره‌ای منطقه قفقاز و ایران و همجواری تمدن‌ها، ادیان و ملیت‌ها در غرب دریای خزر، می‌تواند دریای خزر را به حوزه‌ای برای همگرایی، صلح، ارتباط و تعامل، تبدیل کند.

۱۱. ضمن تبیین نقش ثبات‌ساز ایران در قفقاز در سده‌های گذشته و تاریخ معاصر، پیامدهای منفی هرگونه تلاش برخی از بازیگران منطقه‌ای جهت تغییر مرزهای بین‌المللی در قفقاز از زبان





کارشناسان تشریح و تأکید شود که مطابق با قواعد آمره حقوق بین‌الملل، ایران اجازه هیچ‌گونه تغییر جغرافیای مرزهای بین‌المللی در قفقاز را نخواهد داد.

## منابع و مأخذ

- احمدی، حسین (۱۳۹۳)، **جمهوری آذربایجان ۲۳ سال تکاپو برای دولت ملت سازی**، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- ام‌البنین، چابکی (۱۳۸۸)، «چالش‌های روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، تابستان و پاییز، شماره ۴، صص ۸۴-۶۳.
- امیدی، علی و مصطفی خیری (۱۳۹۵)، «تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، پاییز، سال نوزدهم، شماره سوم، صص ۱۵۸-۱۳۷.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴)، **روابط ایران و جمهوری آذربایجان**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- امیری، مهدی (۱۳۸۵)، «بررسی روابط ایران و جمهوری آذربایجان در قرن بیستم»، **مجلس و راهبرد**، زمستان ۱۳۸۵، شماره ۵۳، صص ۲۳۹ تا ۲۷۹.
- باقری، سعید (۱۳۸۹)، **مجموعه اسناد سازمان ملل در رابطه با مناقشه قراباغ**، تهران: اندیشه نو.
- بی‌نیاز، علی (۱۳۹۱)، **دیپلماسی حمایت‌گرا و دولت کریمه منطقه‌ای**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ترابی اقدم، محمود و محمد اخگری (۱۳۹۷)، «نقش رادیو برون مرزی آذری در تبیین تاریخ مشترک ایران و جمهوری آذربایجان»، **نشریه علمی مطالعات تاریخ فرهنگی**، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۵۰-۲۷.
- جوادی‌ارجمند، محمدجعفر؛ حبیب رضازاده، و سعیده حضرت‌پور (۱۳۹۳)، «بررسی علت‌های سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، بهار و تابستان، دوره ۷، شماره ۱، صص ۸۰-۵۷.
- درخشه، جلال و علی کمالی (۱۳۹۵)، «بازنمایی کنش حمایت‌گرانه در آینه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال ششم، شماره اول، بهار، صص ۵۴-۲۹.
- قلی‌زاده، سیدابراهیم و محمدرضا کفاح‌جمشید (۱۳۹۲)، «فرصت‌ها و چالش‌های عمق بخشی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، بهار، شماره ۸۶، صص ۱۷۲-۱۳۹.
- کاظمی، احمد (۱۳۸۵)، «پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم» (مبانی، اهداف و نتایج)، تهران: ابرار معاصر تهران.
- متقی، افشین؛ عارف بیژن و سجاد نجفی (۱۳۹۴)، «حضور نظامی آمریکا در جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، بهار، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۱۳۸-۱۰۹.
- نعلبندی، مهدی (۱۳۸۸) «جایگاه ایران در سازمان رسانه، فرهنگ و هنر رسمی جمهوری آذربایجان»، **فصلنامه مطالعات ملی**، پاییز، شماره ۳۹، صص ۸۰-۵۷.
- واحدی، الیاس (۱۳۸۲)، **برآورد استراتژیک آذربایجان (جلد اول: سرزمینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی)**، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر.

دیپلماسی حمایتی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان... ۸۷

واحدی، الیاس (۱۳۸۵)، **برآورد استراتژیک آذربایجان (جلد دوم: اقتصادی - نظامی)**. تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر.

واعظی، محمود (۱۳۸۸)، **میانجیگری در آسیای مرکزی و قفقاز تجربه جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

#### مصاحبه‌ها

انجام مصاحبه عمیق با برخی از کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه قفقاز و جمهوری آذربایجان.

Erendor, Mehmet Emin and öztarsu, Mehmet Fatih (2019), "Iranian relations with Azerbaijan and Armenia: a comparative approach in the case of pragmatist politics", March, **Abant İzzet Baysal Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi**, 19 (1): pp.157-176.

Paul, A (2015), "Iran's Policy in the South Caucasus: Between Pragmatism and Realpolitik, In the South Caucasus between Integration and Fragmentation", **Strateji Araştırmaları Merkezi**, Available at: [http://www.epc.eu/documents/uploads/pub\\_5598\\_the\\_south\\_caucasuslow\\_res.pdf?doc\\_id=1616](http://www.epc.eu/documents/uploads/pub_5598_the_south_caucasuslow_res.pdf?doc_id=1616).

Shepard, W (2017), "Watch Out, China: India Is Building A 'New Silk Road Of Its Own", **Forbes**, Available at: <https://www.forbes.com/sites/wadeshepard/2017/06/28/watch-out-china-india-is-building-anewsilk-road-of-its-own/#79a60da2a90e>.







## راهبردهای ارتقای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران

### برای برون‌مرزی صداوسیما

احمد امین‌فرد<sup>۱</sup>

#### چکیده

شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی معاونت برون‌مرزی صداوسیما از مهمترین منابع و ابزارهای دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای ایران در عرصه منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شوند که ارتقای دیپلماسی عمومی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از اهداف آنهاست. هدف این مقاله، ارائه راهبردهای ارتقای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران برای برون‌مرزی صداوسیما جهت حضور مؤثرتر رسانه‌ای در روندهای سیاسی و غیرسیاسی منطقه‌ای و جهانی و ارتقای قدرت نرم ایران است. این تحقیق با استفاده از روش دلفی، طی سه مرحله، استفاده از نظرات ۳۱ خبره حوزه رسانه و با بهره‌گیری از الگوی برنامه‌ریزی راهبردی انجام شده است. بر این اساس مهمترین نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید برای برون‌مرزی صداوسیما و راهبردها نگاشته شده است. نتیجه این تحقیق نشان داد راهبردهای رقابتی مناسب‌ترین راهبردها برای شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی در راستای ارتقای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران هستند. مهمترین راهبرد به دست آمده «ایجاد گروه اندیشه‌ورزی مدیریت ادراک و تشکیل تیم سردبیران ویژه خبری دانشی و باتجربه در شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی» است.

**واژه‌های کلیدی:** راهبرد، دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای، قدرت نرم، معاونت برون‌مرزی صداوسیما.



## ۱. مقدمه

هدف غایی هر کشور دستیابی به اهداف منافع ملی خود است که می‌تواند با استفاده از دیپلماسی عمومی فضا سازی، جریان سازی و تأثیر گذاری در کشور هدف داشته باشد. در واقع، ابزار دیپلماسی عمومی و ارتباط با ملت و مردم کشور هدف تأثیر گذاری زیادی دارد. داشتن اطلاعات و به کارگیری آن توسط دولت‌های مختلف، یکی از راه‌های توسعه کشورها است. به هر میزان که اطلاعات در زمینه‌های مختلف افزایش یابد، به همان میزان بر توسعه و آبادانی افزوده می‌شود و هر ملت و دولتی که عزم و سربلندی، اقتدار و پیشرفت داشته باشد، باید برای دستیابی به اطلاعات و بهره‌گیری از آن در سامان دادن زندگی برنامه‌ریزی و تلاش نماید. اطلاعات یکی از مهم‌ترین ابزارهای حفظ و توسعه قدرت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه است. رسانه‌های جمعی اعم از نوشتاری، رادیو و تلویزیون، تئاتر، ماهواره، اینترنت و خبرگزاری‌های انتقال‌دهنده اطلاعات و خواسته‌ها فعالیت می‌کنند. رسانه‌های جمعی در شکل دادن افکار عمومی و اعمال فشار بر مواضع کشورها در اقصی نقاط جهان نقش مؤثر و تعیین کننده‌ای ایفا می‌نمایند (عیوضی و پارسا، ۱۳۹۲: ۱۰۶-۱۰۵).

جمهوری اسلامی ایران نیز همچون دیگر کشورهای جهان در جهان پیچیده قرن ۲۱ میلادی نیازمند ارتقاء دیپلماسی عمومی و به دنبال آن ارتقاء قدرت نرم خود برای حضور هر چه مؤثرتر در عرصه سیاست جهانی است. ارتقاء دیپلماسی عمومی و قدرت نرم ایران، یکی از ابعاد مهم برای تبدیل ایران به قطب اقتصاد سیاسی و فرهنگی جهان اسلام و منطقه غرب آسیا است. بدیهی است که تحقق این مهم، پیشاپیش مستلزم مطالعه و شناخت چالش‌های تأثیرگذار بر جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی در حال حاضر است. بر این اساس، از جمله مهمترین مسائل پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در بُعد بین‌المللی می‌توان به هشت محور عمده زیر اشاره کرد:

- (۱) مسئله پیشرفت ایران در چارچوب الگوی پیشرفت ایرانی- اسلامی؛
- (۲) مسئله نحوه تعامل ایران با محیط بیرونی (به‌ویژه در زمینه انرژی هسته‌ای)؛
- (۳) مسئله خروج آمریکا از توافق برجام در دوران ریاست جمهوری ترامپ و احتمال پیوستن دوباره آمریکا به توافق برجام در دوران ریاست جمهوری بایدن؛
- (۴) مسئله ساختار جدید موازنه قدرت در غرب آسیا پس از ظهور و سقوط داعش؛
- (۵) مسئله عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی با برخی از کشورهای عربی منطقه غرب آسیا؛



۶) مسئله فشارهای اقتصاد سیاسی بین‌المللی به‌رهبری آمریکا در قالب تحریم‌های اقتصادی و تجاری علیه ایران؛

۷) مسئله رقابت‌های جهانی قدرت‌های بزرگ به‌ویژه در غرب آسیا (بازی بزرگ ژئوپلیتیک) به‌ویژه پس از عادی‌سازی روابط اسرائیل با برخی از کشورهای عربی؛

۸) مسئله همه‌گیری کرونا و چالش‌های آن؛ روابط بین‌الملل در جهان جدید در دوران جهان پساکرونا. کرونا مسئله نوپدید است که تنها چالش‌های داخلی آن گریبانگیر ایران نیست و می‌تواند روابط ایران با کشورهای دیگر را تحت تأثیر قرار دهد. جودیت باتلر<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در نقدی درباره شیوع کرونا در آمریکا و واکنش نظام سرمایه‌داری به آن، به نابرابری حاکم در جوامع می‌پردازد و بر اهمیت چگونگی دسترسی به خدمات بهداشتی در سطح عمومی، مبارزه با فقر و تأمین اجتماعی تأکید می‌کند. وی معتقد است که امروز ما با ویروسی روبرو هستیم که به‌سرعت از مرزها عبور می‌کند و ایده سرزمین ملی را به فراموشی می‌کشانند. باتلر در ادامه بحث خود به نظم پساکرونا می‌پردازد و آموزه‌های مشرب فکری پسااخبارگر را تعیین‌کننده در نظر می‌گیرد و معتقد است که در این نظم، دیدگاه‌های سرمایه‌داری باید به کنار گذاشته شود و بر مسئله‌هایی نظیر برابری اجتماعی، لزوم تخصیص منابع مالی برابر در زمینه بهداشت، تمرکز بر فقرزدایی و ... تأکید شود.

از سوی دیگر با توجه به سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴، تعریف دکترین تعامل سازنده به شرح زیر است: «اتخاذ سیاستی فعال، پویا، تأثیرگذار، جهت‌دار با شناخت دقیق از معادلات سیاسی به‌عنوان بازیگری قدرتمند در صحنه روابط بین‌الملل و منطقه و خروج از جایگاه متهم و استقرار در جایگاه مدعی و آن مرحله‌ای پیشرفته‌تر از سیاست تنش‌زدایی می‌باشد. این سیاست در سطوح مختلف جهانی، جهان در حال توسعه، جهان اسلام، منطقه غرب آسیا، همسایگان و ملی قابل طرح و اعمال می‌باشد» (محمدی، ۱۳۸۹: ۸۱).

با توجه به اینکه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نقش بی‌بدیلی در تحقق اهداف دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی کشور دارد، بر این اساس و در چهارچوب اهداف و سند چشم‌انداز، رسانه ملی نیز باید به تدوین راهبردهای کارآمد و موثری در عرصه چالش‌های ۸ گانه مزبور و به‌ویژه در عرصه پیشرفت ایران اسلامی اقدام کند. در اینجا نکته اساسی آن است که



کارایی و اثربخشی رسانه ملی در تمهید و تسهیل زمینه‌های دستیابی جمهوری اسلامی ایران به اهداف سند چشم‌انداز و مدیریت مسائل ۸ گانه مذکور از جهتی در گروی میزان قدرت نرم ایران و به عبارت بهتر، ارتقاء دیپلماسی عمومی ایران است. اساساً در چارچوب تفکر استراتژیک اندیشمندان حوزه قدرت نرم در غرب (به‌ویژه جوزف نای) رسیدن به قدرت (نرم) متفاوت از روش و نظریه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است. به عبارت دیگر، نوعی تفاوت میان مبنا، منابع، اهداف و غایت قدرت نرم در اندیشه‌های راهبردی غرب و جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. از دیدگاه جوزف نای:

الف) کشورهایی دارای قدرت نرم خواهند بود که بر فرهنگ و اندیشه‌هایی مسلط می‌شوند که به هنجارهای غالب جهانی نزدیک‌ترند (امروزه این هنجارها بر لیبرالیسم، تکرگرایی و استقلال حکومت تکیه دارند).

ب) کشورهایی که بیشترین دسترسی را به راه‌های متعدد ارتباطاتی دارند و به همین علت بر شیوه چارچوب‌بندی مسائل - در عرصه سیاست جهانی - تأثیر بیشتری می‌گذارند.

ج) کشورهایی که اعتبارشان با عملکرد داخلی و بین‌المللی‌شان، افزایش می‌یابد. این ابعاد قدرت در عصر اطلاعات کنونی، از افزایش اهمیت قدرت نرم در مقایسه با مجموعه منابع قدرت حکایت دارد (نای، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

اما در روش و نظریه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران:

جمهوری اسلامی ایران، قدرت نرم خود را در تضاد با فرهنگ و اندیشه مسلط در جهان و در راستای قاعده نفی سبیل پایه‌ریزی کرده است. با وجود این باید توجه داشت که غرب در کلیت خود (آمریکا و اروپا) در چارچوب تحریم‌های اعمال‌شده، در صدد محدود نمودن دسترسی جمهوری اسلامی ایران به ابزارهای متعدد ارتباطاتی است. در نتیجه به علت محدود بودن ابزارهای ارتباطی جمهوری اسلامی ایران در عرصه تبلیغات بین‌المللی، مهمترین و اصلی‌ترین سازوکار تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران، بهبود و تدقیق راهبردهای خود برای بهره‌برداری حداکثری از حداقل امکانات خود به‌ویژه در حوزه رسانه‌ای است. لذا ضرورت و اهمیت اینکه رسانه ملی ایران اعتبار خود را با عملکرد داخلی و بین‌المللی منظم‌تر و علمی‌تر افزایش دهد، بسیار بدیهی است. برای تحقق این امر نیاز به تدوین راهبردهایی کارا و مؤثر برای شبکه‌های برون مرزی رسانه ملی برای حضور مؤثر رسانه‌ای در سیاست جهانی و تأثیرگذاری بر ملت‌های جهان است.



بنابراین این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به پرسش محوری زیر است:

راهبردهای مطلوب برای شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی صداوسیما در ارتقای دیپلماسی عمومی ایران چیست؟

### پیشینه پژوهش

شاد و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله خود به این مهم دست یافته‌اند که کانون تمرکز کارگزاران دیپلماسی عمومی آمریکا، از تلاش برای توزیع نظام منسجمی از «پیام‌ها» به تجميع منابع در جهت ایجاد شبکه‌ای درهم‌تنیده از «روابط» منتقل شده است. بر این اساس، مخاطبین دستگاه دیپلماسی عمومی آمریکا در جهان اسلام، بیش از آنکه در فرآیندی «یک‌سویه» و «اطلاع‌محور» تعداد معینی از «بینندگان، خوانندگان و شنوندگان منفعل، منفرد و مردد» برای شبکه‌های تلویزیونی، مجلات، درگاه‌های اینترنتی و کانال‌های رادیویی آمریکایی را شامل شود، در فرآیندی «دوسویه» و «ارتباط‌محور» شبکه قابل‌توجهی از «مشارکت‌کنندگان فعال، همسو و متشکل» را در بر می‌گیرد که در طیف متنوعی از برنامه‌های مبتکرانه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوق بشری آمریکایی، مشارکت همدلانه دارند؛ کنشگرانی که بر اساس تصریح این اسناد، «شبکه شرکای راهبردی» ایالات متحده و «مأمورین تغییر» در جوامع دستخوش گذار خواهند بود. خادم‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) به این نکته اشاره کرده‌اند که امروزه دیپلماسی عمومی به‌عنوان مکمل دیپلماسی رسمی تحت تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی به ابزار مهمی در تحقق اهداف سیاست خارجی کشورها تبدیل شده است و بالطبع جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به ظرفیت‌های بالقوه فرهنگی، مذهبی و سیاسی در تلاش است از این ابزار در تحقق اصول و اهداف خود در عرصه بین‌المللی استفاده نماید. پرسش اصلی این پژوهش این است که آیا جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت‌های بالقوه فرهنگی، مذهبی و سیاسی توانسته است در دیپلماسی عمومی خود موفق عمل نماید؟ پاسخ این است که جمهوری اسلامی در عرصه‌های ساختاری، نهادی و مدیریتی و رویکردی در زمینه دیپلماسی عمومی دچار ضعف است و بر همین اساس نتوانسته است در زمینه مذکور آن‌طور که شایسته است عمل نماید. ترابی‌اقدم (۱۳۹۸)، راهبردهای مطلوب تولیدات نمایشی برای شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما را در چارچوب ماتریس سوات تبیین کرده است. نتیجه این مقاله نشان می‌دهد که راهبردهای تهاجمی در مقایسه با سایر راهبردها در اولویت هستند، هرچند ترکیبی از تمام راهبردها در مقاطع مختلف راهگشا خواهد بود. غفاری‌قدیر



و همکاران (۱۳۹۷) سیاست‌های مطلوب رسانه‌ای شبکه هیسپان تی وی برون‌مرزی را با رویکرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بررسی کرده‌اند.

ارائه راهبرد ارتقای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران برای معاونت برون‌مرزی صداوسیما، وجه نوآورانه این پژوهش است که در پژوهش‌های قبلی موجود نیست. پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که هیسپان - تی - وی برون‌مرزی برای اینکه بتواند نقشی مؤثرتر در دیپلماسی فرهنگی ایفا کند، باید با در نظر گرفتن شرایط محیطی مخاطب، راهبردهای ساختاری، مدیریتی و توزیعی مطلوب و متناسبی را در برنامه‌ها و محیط درون رسانه در پیش بگیرد. ارائه راهبرد ارتقای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران برای معاونت برون‌مرزی صداوسیما، وجه نوآورانه این پژوهش است که در پژوهش‌های قبلی موجود نیست.

### ۳. تعریف مفاهیم و ادبیات تحقیق

#### ۳-۱. تدوین راهبرد

تدوین راهبرد (استراتژی) برای یک سازمان به این مفهوم است که، ما برای سازمان راهبردهای (راهکارهای بلندمدت) کارا و مؤثری جهت نیل به انجام بیانیه مأموریت سازمان ارائه می‌دهیم که این راهبردها به روش زیر تدوین می‌شوند:

گام اول: مرحله ورودی نامیده می‌شود، در این مرحله عوامل خارجی و داخلی سازمان به‌صورت دقیق بررسی و ارزیابی و اطلاعات اصلی مورد نیاز برای تدوین راهبردهای سازمان مشخص می‌شوند.

گام دوم: مرحله مقایسه نامیده می‌شود، در این مرحله به انواع راهبردهای امکان‌پذیر توجه می‌شود و به‌همین منظور بین عوامل خارجی و داخلی سازمان نوعی توازن و تعادل برقرار می‌گردد. و در نهایت در گام سوم: که آن را مرحله تصمیم‌گیری می‌نامند، از ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک (راهبردی) کمی استفاده می‌شود. در ماتریس مزبور از اطلاعات ارائه شده در مرحله اول استفاده می‌شود تا بتوان انواع راهبردهای قابل اجرا را که در مرحله دوم شناسایی شده‌اند، به شیوه‌ای عینی و بدون اعمال نظر شخصی ارزیابی و قضاوت کرد و راهبردهای متناسب با هدف‌های بلندمدت سازمان تعیین می‌شوند (دیوید، ۱۳۹۰: ۲۴).



### ۳-۲. ماتریس تهدیدات، فرصت‌ها، نقاط ضعف، نقاط قوت (سوات)

آنالیز سوات<sup>۱</sup> یکی از ابزارهای استراتژیک تطابق نقاط قوت و ضعف درون سازمانی با فرصت‌ها و تهدیدهای برون سازمانی است. سوات از ابتدای کلمات قوت، ضعف، فرصت و تهدید گرفته شده است. آنالیز سوات تحلیلی سیستماتیک برای شناسایی این عوامل و تدوین راهبرد که بهترین تطابق بین آنها را ایجاد می‌نماید، ارائه می‌دهد. از دیدگاه این مدل یک استراتژی مناسب قوت‌ها و فرصت‌ها را به حداکثر و ضعف‌ها و تهدیدها را به حداقل ممکن می‌رساند. برای این منظور نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدات در چهار حالت کلی SO و WO و ST و WT پیوند داده می‌شوند و گزینه‌های استراتژی از بین آنها انتخاب می‌شوند (دیوید، ۱۳۹۰: ۳۶۴).

تجزیه و تحلیل سوات، شناخت نظام‌یافته استراتژی‌هایی است که بهترین ترکیب میان عوامل داخلی و خارجی سازمان را منعکس سازد. این تجزیه و تحلیل بر این منطق استوار است که استراتژی اثربخش، قوت‌ها و فرصت‌ها را حداکثر می‌کند، در عین حال که ضعف‌ها و تهدیدات آن را به حداقل می‌رساند. این فرض ساده اگر به درستی اجرا شود، تأثیرات عمده‌ای بر انتخاب و طراحی استراتژی اثربخش خواهد داشت (اعرابی، ۱۳۸۵: ۵۵-۵۴).

### ۳-۳. دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی در فرهنگ واژگان روابط بین‌الملل این چنین تعریف شده است: «دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع‌رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی دیگر کشورها است. ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر، مبادلات فرهنگی، رسانه‌های عمومی و اینترنت است» (آلتون، ۱۳۷۵: ۳۲۶). برخی پژوهشگران ارتباطات معطوف به منافع ملی کشورها با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی را دیپلماسی عمومی می‌گویند. یکی از مهمترین ابزارهای دیپلماسی عمومی برنامه‌های رادیو تلویزیونی بین‌المللی است (اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۴۶). لی ژانگ معتقد است اکنون فناوری‌های نوین ارتباطاتی و اطلاعاتی، گستره دیپلماسی و سیاست خارجی را به روزنامه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی کشانده‌اند؛ حتی تصمیم‌گیران سیاسی در دولت‌ها و دیپلمات‌ها هم نمی‌توانند به‌طور مستقیم از مسائل جهانی مطلع شوند. بنابراین آنها هم با رجوع به رسانه‌های جمعی تصویری کلی از جهان به دست می‌آورند (Zhang, 2010: 236).



انتخاب مخاطبان مشخص و اجرای سیاست‌هایی متناسب با این مخاطبان یکی از مهم‌ترین ارکان یک دیپلماسی عمومی موفق قلمداد می‌شود. در فعالیت‌های رسانه‌ای در حوزه دیپلماسی عمومی عمدتاً به مخاطب عام توجه می‌شود، از آنجا که نوع پیام‌هایی که برای توده مردم و مخاطب عام منتشر می‌شود، اساساً مبتنی بر احساس، عاطفه و تا حدودی ادراک است و در این حالت لازم نیست که برای این پیام‌ها، هزینه فکری زیادی برای فرمول‌بندی و اقناع صورت بگیرد، درحالی که پیام‌هایی که به مخاطبان، متخصصان و رهبران عقیده ارائه می‌شود باید مبتنی بر ادراک و شناخت باشد و به‌صورت منطقی‌تری سازماندهی شده باشد. تلاش جهت شناخت نوع نگرش مخاطبان، شناسایی گروه‌های مرجع برای تأثیرگذاری بیشتر پیام و بهره‌مندی از فناوری‌های مناسب برای دسترسی بهتر مخاطبان به پیام، از نکات کلیدی برای موفقیت دیپلماسی عمومی است.

#### ۳-۴. شبکه‌های معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

از جمله شبکه‌های تلویزیونی تحت پوشش معاونت برون مرزی می‌توان به العالم، الکوثر، سحر، Hispan TV، Press TV و شبکه خانوادگی فیلم و سریال Ifilm و از جمله رادیوهای برون مرزی می‌توان به رادیوهای آذری، آلبانیایی، آلمانی، اسپانیایی، ارمنی، اردو، ملاوی، انگلیسی، ایتالیایی، بوسنیایی، بنگالا، پشتو، ترکی استانبولی، چینی، فارسی دری، روسی، ژاپنی، سواحلی، کردی، عربی، عبری، فرانسوی، قزاقی، هندی، هوسا، ازبکی، تاجیکی، ترکمنی، تالشی و آشوری اشاره کرد. این شبکه‌ها در فضای مجازی نیز حضور قدرتمندی دارند. منحصر به فرد بودن اینترنت، فراگیری و سهل‌الوصول بودن دسترسی به آن باعث شده است که سرعت ارائه خبر و اطلاعات به لحظه باشد (Sagan & Leighton, 2010: 119). از طرف دیگر گوشی‌های هوشمند در حال حاضر به‌عنوان ابزار مهمی برای خبرگیری در داخل خانه‌ها مانند بیرون خانه‌ها تبدیل شده‌اند. بیشتر افراد از گوشی‌های هوشمند در تخت خواب و هنگام استراحت و بیش از هنگام رفت و آمد و طول روز، استفاده می‌کنند (Newman and Other, 2017: 10). بر این اساس، با توجه به حضور فزاینده شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون مرزی در فضای اینترنت، مخاطبان این شبکه‌ها می‌توانند برنامه‌های خود را از طریق گوشی‌های هوشمند و نرم‌افزارهای مربوطه دریافت و پیگیری کنند.

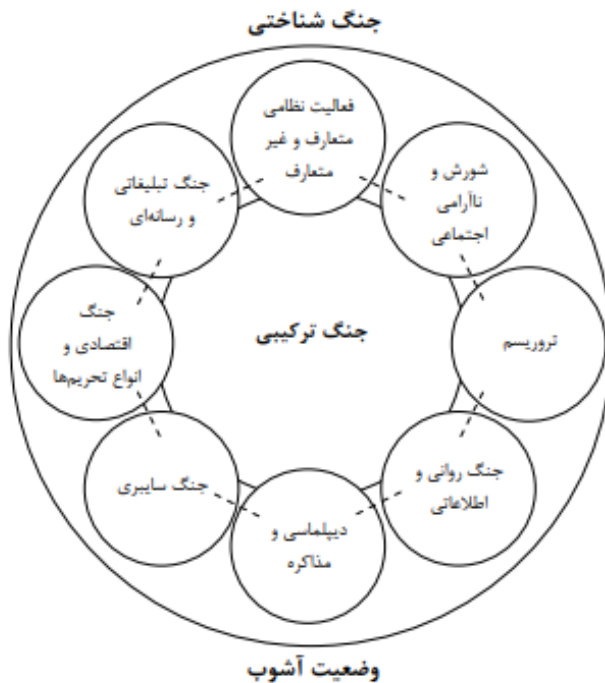




### ۳-۵. روش جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران

#### ۳-۵-۱. جنگ ترکیبی شناخت مبنا

جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، از سویی تابع ویژگی‌های جنگ ترکیبی است و از سوی دیگر، با زمینه و اهداف شناختی در پی تأثیرات عمیق ذهنی بر جامعه ایران است. از این رو، یکی از مهمترین اهداف اعمال فشار ترکیبی بر جمهوری اسلامی ایران رسیدن به تأثیرات شناختی است. در این مدل، جنگ ترکیبی می‌تواند مبتنی بر یک مفهوم ذهنی شکل بگیرد، اما تأثیرات و اهداف عینی را برای خود در نظر داشته باشد و یا اینکه مبتنی بر یک رویداد بیرونی و عینی شروع شود و در پی تأثیرات ذهنی بر جامعه هدف باشد. دیالکتیک بین عین و ذهن در جنگ ترکیبی شناخت مبنا از اهمیت خاصی برخوردار است. در این رابطه، دو سطح عینی و ذهنی جامعه ایرانی که متشکل از مردم و مسئولان است، تحت هجوم دشمن قرار دارد. غرب در این مدل در پی آن است تا با کاربست مدل توضیح داده شده به ایجاد جنگ شناخت مبنا علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام کند و مواردی از جمله شناسایی نقاط آسیب‌پذیر، تغییر روایت در رابطه با نقاط قوت، کاهش کارآمدی و مشروعیت داخلی و بین‌المللی، کاهش موفقیت جمهوری اسلامی در سطوح مختلف داخلی و خارجی را شامل می‌شود. این فشارها با درکنار هم قرار گرفتن و تولید نیروی تهاجمی سینرژیک و اعمال تدریجی و طولانی‌مدت در پی آن هستند که با افزایش حس ناکامی اجتماعی و کاهش اعتماد سیاسی بین مردم به کاهش سرمایه اجتماعی حاکمیت مبادرت کنند و با اعمال شوک‌های متوالی به تغییر بافتارهای شناختی این جامعه و در نهایت کنش‌های آن پردازند. خروجی این فرایند در پدیده‌هایی همچون انقلاب‌های رنگی و روش «سوارمینگ»<sup>۱</sup> نیز قابل تحلیل است. یادآور می‌شود، سوارمینگ نظامی، ترفندی (تاکتیکی) در میدان نبرد است که برای به حداکثر رساندن تراکم هجمه علیه هدف طراحی شده است (راجی و افتخاری، ۱۳۹۸: ۱۰۴-۱۰۳).



شکل ۱: شبکه تحلیل جنگ ترکیبی شناخت مبنا (در وضعیت آشوبناک روابط پیچیده بین‌الملل)  
(راجی و افتخاری، ۱۳۹۸: ۱۰۳).

#### ۴. چارچوب نظری تحقیق

##### ۴-۱. قدرت نرم و دیپلماسی عمومی نوین

دیپلماسی عمومی سنتی به ارتباطات رسمی متمرکز بر عامه مردم<sup>۱</sup> تاکید دارد که همواره وجود داشته است، اما دیپلماسی عمومی نوین، با توجه به رشد فن آوری اطلاعات و ارتباطات در عصر حاضر معنای جدیدی یافته است. تعاریف زیادی از دیپلماسی عمومی نوین وجود دارد که در ذیل به آنها اشاره شده است؛

بنا بر تعریفی که مرکز مورو<sup>۲</sup> ارائه می‌کند، «دیپلماسی عمومی نوین به تأثیر نگرش‌های عمومی در شکل‌دهی و اجرای سیاست‌های خارجی پرداخته و شامل ابعادی از روابط بین‌الملل

1. Publics

2. Murrow Center



می‌گردد که ورای دیپلماسی عمومی سنتی قرار می‌گیرند: کاشت و پرورش<sup>۱</sup> افکار عمومی در کشورهای دیگر توسط حکومت‌ها؛ تعامل گروه‌ها و صاحبان منافع در یک کشور با کشور دیگر؛ گزارش امور خارجی و تاثیر آن بر سیاست؛ ایجاد پیوند و ارتباط میان آنهایی که سروکارشان با ارتباطات است همچون دیپلمات‌ها و خبرنگاران خارجی و فرآیند ارتباطات بین فرهنگی». گرگوری با تاکید بر نقش دیپلماسی عمومی نوین در قرن ۲۱ عقیده دارد «دیپلماسی عمومی نوین به مثابه ابزاری است که دولت‌ها و برخی کنشگران فروملی و غیردولتی توسط آن فرهنگ‌ها، نگرش‌ها و رفتار را درک می‌کنند؛ روابط را ساخته و مدیریت می‌کنند و به نفوذ در اندیشه‌ها و بسیج اقداماتی برای پیشبرد منافع و ارزش‌های خود می‌پردازند (Gregory, 2011). شاخص‌ترین تفاوت میان دیپلماسی عمومی سنتی و دیپلماسی عمومی نوین در رویکرد ارتباطی آنها نهفته است، به این معنا که دیپلماسی عمومی سنتی، سلسله مراتبی و توده محور است، در حالی که دیپلماسی عمومی نوین شبکه محور است. مدل سلسله مراتبی که عمدتاً طی جنگ سرد توسط ایالات متحده آمریکا توسعه یافت به لحاظ مفهومی به تبلیغات نزدیکتر بوده و از «دیپلماسی عمومی استراتژیک» جهت انتقال جریان‌های اطلاعات بالا به پایین به مخاطبان هدف استفاده می‌کند (Hocking, 2005: 36-37).

قدرت نرم را می‌توان در قالب توانایی نیل به اهداف مورد نظر، از طریق جلب آراء و نظریات افکار عمومی تعریف کرد. در این نوع از قدرت، مسئله اجبار و فشار بر مردم برای جلب نظر و یا تحمیل اراده خود بر آنها، نظیر آنچه در به کارگیری قدرت نظامی انجام می‌شود، مطرح نیست؛ بلکه فضا و شرایط دسترسی به اطلاعات مورد نظر، به نحوی فراهم می‌شود که آنها را برای پذیرش نظر و افکار اجرا کننده قانع می‌سازد. نقش علیت تأثیرگذار بر جامعه هدف، تحصیل کردگان و نخبگان در فرآیند تأثیرگذاری، بسیار حائز اهمیت است. در این شکل از قدرت که عقاید، باورها، فرهنگ و سنن، داشته‌ها و نداشته‌های اجتماعی، فرهنگی و علمی و... را هدف قرار می‌دهد؛ نقش بسیار زیادی برای ابزار جدید ارتباطات و رسانه (از قبیل فضای مجازی، ارتباطات الکترونیک، وبلاگ‌ها و...) تعریف شده و دسترسی آسان به اطلاعات مورد نظر در اسرع وقت و با حداقل هزینه به خوبی مدنظر قرار گرفته شده است. مسئله مهم دیگر جهت‌دهی، القا و هدایت اطلاعات مطلوب از سوی مجری، عامل و یا به کارگیرنده قدرت نرم در مورد جامعه هدف و مخاطبان است. در این



فرآیند، مجری بنا به نوع و گستره اهداف خود، اطلاعاتی را به‌سوی مخاطب سرازیر می‌کند که با تحت تأثیر قرار دادن فضای پیرامونی وی، شرایط را به گونه‌ای فراهم آورد که وی به پذیرش آراء و افکار مجری (هدایت‌کننده اطلاعات مورد نظر) قانع شده و معمولاً به‌دنبال بررسی صحت و سقم آن نباشد. در عصر اطلاعات، قدرت از جنس نرم بیش از جنس سخت (به‌معنای توانایی نظامی و اقتصادی)، متقاعد کننده و جاذبه آفرین است. در چنین شرایطی بهره‌گیری از جریان‌های اطلاعاتی به‌منظور انتقال ارزش‌ها و فرهنگ هر واحد سیاسی و در نتیجه تأمین منافع ملی آن واحد، ضروری است.

البته این نکته حایز اهمیت است که در عصر اطلاعات با «تناقض فراوانی»<sup>۱</sup> مواجهیم. اطلاعات به‌حد وافر قابل دسترسی هستند اما منابع کمیاب، معتبر هستند. این بدان معنی است که امروزه بسیاری از سیاست‌گذاری‌های جهانی بر سر اعتبار رقابت می‌کنند. به‌لحاظ سنتی، همواره گفته می‌شد که سیاست‌های بین‌المللی بازیگری پیروز خواهد بود که ارتش او پیروز شود. امروزه نیز اینکه ارتش کدام طرف پیروز شود اهمیت دارد، اما اینکه روایت و داستان کدام طرف پیروز شود نیز بسیار مهم است (نای، ۱۳۸۷).

اگر بر این امر تأکید داشته باشیم که در دوران موجود، ابزارهای رسانه‌ای نقش مؤثری در گسترش ارتباطات کشورهای مختلف ایجاد می‌کنند، طبیعی است که درچنین شرایطی امکان بهره‌گیری از نشانه‌ها و ابزارهای ارتباط بین فرهنگی در قالب تئوری دیپلماسی عمومی اهمیت و مطلوبیت بیشتری خواهد داشت. دیپلماسی عمومی، افکار عمومی را هدف قرار می‌دهد و از لحاظ پیامدها و نتایج، از همان اهمیت ارتباطات دیپلماتیک پنهان و سنتی بین سران کشورها برخوردار است. دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ها نقش مهمی در این رابطه ایفا می‌کند و می‌توان گفت که رسانه و فرهنگ، قدرت است. اگر قدرت نرم شامل شکل دادن به تصورات دیگر کشورها نیز باشد، در این صورت، اطلاعات یک منبع مهم قدرت نرم محسوب می‌شود. اگر کشورها بتوانند اطلاعات لازم برای تأثیرگذاری منطقه‌ای را تولید کنند و اگر این گونه اطلاعات در چارچوب امنیت نرم‌افزاری سازماندهی شود، طبیعی است که امکان تأثیرگذاری بر فرهنگ سیاسی و گروه‌های اجتماعی کشورهای رقیب وجود خواهد داشت. دیپلماسی عمومی نماد مقابله با نهادهایی محسوب می‌شود که عامل تهدید برای منافع قدرت‌های بزرگ تلقی می‌شوند و دارای ابعاد مختلف است. یک بُعد

1. paradox of plenty



مهم آن، عبارت است از ارتباطات روزانه، در قالب مطبوعات (رسانه‌های داخلی) و خصوصاً رسانه‌های خارجی که چارچوب و زمینه تصمیمات سیاست داخلی و خارجی را تبیین می‌کند. هر یک از ابعاد آن می‌تواند در روند هنجارسازی سیاسی و امنیتی ایفای نقش کنند. طبعاً می‌توان راهبردهای مربوط به دیپلماسی عمومی را در زمره نظریات کاربردی امنیت بین‌الملل در عصر بحران‌های تصاعد یابنده راهبردی دانست. هرگاه گروه‌های سیاسی با مخاطرات امنیتی روبه‌رو شوند، طبیعی است که از ابزارها و روندهایی استفاده می‌کنند که برای آنان هزینه‌های محدودتری داشته باشد (عیوضی و پارسا، ۱۳۹۲: ۱۱۰-۱۰۹).

### روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش، کیفی است و در آن از روش دلفی استفاده شده است. این تحقیق از طریق مصاحبه اولیه و پرسشنامه نیمه‌ساخت‌یافته و با طی مراحل سه‌گانه انجام شده است. در مرحله اول مصاحبه بر اساس پرسشنامه نیمه‌ساخت‌یافته و سوالات به‌صورت باز صورت گرفته و در اختیار ۳۱ نفر از مدیران و کارشناسان این حوزه قرار داده شده است. پس از اینکه مصاحبه‌ها انجام شد، پاسخ‌های گروه دلفی، با بررسی تأیید و تکرار موارد عنوان شده کارشناسان، مدیران و نخبگان (گروه دلفی) نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای شبکه‌های برون‌مرزی با ضریب وفاق ۷۰ درصد تعیین شد. بعد از نرمال‌سازی داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه مرحله اول، پرسشنامه‌ای برای مرحله دوم تهیه شد. پرسشنامه مرحله دوم جهت تعیین مهمترین اهداف و مهمترین نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدها از طریق اختصاص رتبه و ضریب، با استفاده از ماتریس سوات در اختیار گروه دلفی قرار داده شد. بعد از نرمال‌سازی داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه مرحله اول، پرسشنامه مرحله دوم تهیه گردید. پس از جمع‌آوری پرسشنامه مرحله دوم و محاسبه امتیازات حاصل از رتبه و ضریب تعیین شده برای هر یک از موارد، میانگین امتیاز برای هر یک از نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدها به‌دست آمده و متعاقباً راهبردهای مطلوب برای شبکه‌های برون‌مرزی با استفاده از ماتریس تجزیه و تحلیل سوات به‌دست آمده است. در پرسشنامه مرحله سوم از نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای به‌دست آمده از پرسشنامه مرحله اول و راهبردهای به‌دست آمده از پرسشنامه مرحله دوم استفاده شده تا اولویت هر یک از راهبردها به‌دست آید. بدین منظور پرسشنامه مرحله سوم تنظیم شد و به‌منظور اختصاص نمره جذابیت به هر یک از نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدها از طریق محاسبه میانگین



نمرات اختصاص داده شده به هر یک از آن‌ها به‌دست آمد و با توجه به ضرایب به‌دست آمده در مرحله دوم، نمره جذابیت نهایی هر یک از موارد مورد نظر به‌دست آمد که با محاسبه جمع نمرات جذابیت نهایی برای هر یک از راهبردها، اولویت راهبردهای به‌دست آمده برای شبکه‌های برون مرزی مشخص شد.

## ۵. یافته‌های تحقیق

یافته‌های حاصل از این تحقیق به شرح زیر ارائه می‌شود:

### – مأموریت مطلوب شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون مرزی برای ارتقای دیپلماسی عمومی ایران

«با توجه به سیاست‌های اعلام شده از طرف مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و شورای عالی امنیت ملی و اصول سیاست خارجی ایران، برنامه‌های آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی برای مخاطبان خارجی جهت معرفی چهره واقعی ایران به‌عنوان کشوری صلح‌دوست، پیشرفته و تأثیرگذار در معادلات جهانی انجام شود. این مهم با خنثی‌سازی انگاره‌سازی رسانه‌های غربی علیه ایران و همچنین اطلاع‌رسانی، شفاف‌سازی و تحلیل وقایع در حال شکل‌گیری در جوامع غربی از منظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با تکیه بر اطلاع رسانی مسائلی که رسانه‌های جریان اصلی (مسلط غربی) خواستار پنهان‌سازی و یا قلب واقعیت در آن حیطه‌ها اجرایی می‌شود».

### – چشم‌انداز مطلوب برای شبکه‌های برون مرزی صداوسیما

«حرکت در راستای چشم‌انداز ۴۰ ساله آینده در گام دوم انقلاب که در آن بر دیپلماسی عمومی صلح‌آمیز ایران و تأثیرگذاری بر کشورهای دیگر تأکید شده است. شبکه‌های برون مرزی به ایفای نقش واسطه تعامل جمهوری اسلامی ایران با ملت‌های مختلف جهان و انتقال متقابل پیام‌ها به‌طور شفاف می‌پردازند. این مهم در جهت ارتقاء قدرت نرم ایران و تبدیل شدن به یک شبکه ضدجریان مسلط خبری جهانی انجام می‌شود».

### – مهمترین نقاط قوت برای شبکه‌های برون مرزی

۱ – عملکرد مثبت شبکه‌های برون مرزی به‌ویژه العالم، پرس تی‌وی و هیسپان تی‌وی در جلب اعتماد ملت‌های مختلف جهان در تحولات اخیر جهان؛



۲ - عملکرد مثبت شبکه‌های برون مرزی به‌ویژه العالم، پرس تی وی و هیسپان تی وی در جهت بدبین سازی افکار عمومی مردم جهان علیه جنگ رسانه‌ای غرب در مخالفت با آرمان‌های اسلامی انقلاب‌های منطقه؛

۳ - عملکرد مثبت شبکه‌های برون مرزی به‌ویژه العالم، پرس تی وی و هیسپان تی وی در جهت پاسخ مناسب به عملیات روانی-رسانه‌ای بحران‌های ساختگی (آجیتاسیون یا شورشگری) ایجاد شده توسط شبکه‌های غربی همسو با منافع غرب و آمریکا برای شهروندان کشورهای مختلف غیر همسو با غرب در جهان؛

۴ - وجود منابع انسانی جوان با استعداد و توانمند و کارآمد و آگاه به موضوع دیپلماسی عمومی برای برنامه‌سازی؛

۵ - عملکرد مثبت رادیو آذری تبریز و آران در مناقشه قراباغ که اخیراً بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان رخ داد.

### مهمترین نقاط ضعف برای شبکه‌های برون مرزی

۱- امکانات مالی و بودجه‌ای محدود و نامناسب برای پرداختن به موضوع دیپلماسی عمومی در عرصه جهانی؛

۲- همسویی کم میان محتوا و توزیع پیام در برخی از برنامه‌ها؛ زبان پیام، زبان گفتمانی مورد نیاز در طراحی، تولید و نشر پیام است. شناخت ناکافی گفتمان موجود اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سطح ملی و بین‌المللی، پیام‌رسانی را دچار زیان‌های زیادی می‌کند. تولید و پخش برخی از برنامه‌ها با الگوهای کاذب و کلیشه‌ای در شبکه‌های برون مرزی که مخالف با آداب، سنن و باورهای مخاطبان در دیگر کشورهای جهان هستند.

۳ - حرکت در فضای روابط بین‌المللی به جای ارتباطات بین‌الملل؛ شبکه‌های برون مرزی همانند دیگر رسانه‌ها کم و بیش دچار چنین معضلی هستند. شبکه‌های برون مرزی در فضای ذهنی ارتباطات بین‌الملل حضور داشته ولی عملاً کمتر در این فضا زندگی می‌کنند. درواقع به نظر می‌رسد مدیران شبکه‌های برون مرزی آشنایی و شناخت محدودی درباره فضای امروزین بین‌ذهنیتی جهانی دارند.

۴- تولید و پخش برخی از برنامه‌ها در شبکه‌های برون مرزی که موجب بالابردن سطح توقعات مخاطبان جهانی در مورد نقش ایران در جهان امروز می‌شود.



۵ - تولید و پخش برخی از برنامه‌های بی‌محتوا یا کم‌محتوا و گاهی یکسونگرانه در شبکه‌های برون مرزی و نیز عدم استفاده مطلوب از تمام ظرفیت‌های هنری در باب مسائل روز جهان.

### مهمترین نقاط فرصت برای شبکه‌های برون مرزی

۱ - با توجه به نارضایتی دولت‌های مختلف جهان حتی اروپایی‌ها در قبال عملکرد آمریکا در عرصه جهانی در دوران ترامپ، در مورد خروج آمریکا از برجام و دنباله‌روی بایدن از این موضوع، فرصت بی‌بدیلی برای شبکه‌های برون مرزی در رقابت روایت با رسانه‌های غربی فراهم شده است.

۲ - تفاوت در نوع پوشش وقایع کشورهای مختلف در رسانه‌های غربی؛ برای مثال گروه تروریستی داعش فرصتی بی‌بدیل برای شبکه‌های برون مرزی ایجاد می‌کند تا روایتی نو و ضدجریان اصلی خلق کنند.

۳ - فرصت ناکارآمدی کشورهای اروپایی و آمریکا در مقابله با کرونا.

۴ - وجود کارشناسان و متخصصان علاقه‌مند به همکاری در جامعه دانشگاهی و سازمان‌های مختلف در باب ارتقاء دیپلماسی عمومی با شبکه‌های برون مرزی.

۵ - ظرفیت جلب حمایت ملت‌های کشورهای مختلف در جنبش عدم تعهد (NAM) مانند آفریقا و آمریکای لاتین در جهت ارتقاء دیپلماسی عمومی، زیرا سابقه تاریخی استعمار غرب در بیشتر کشورهای آفریقا و آمریکای لاتین فرصت مناسبی برای آگاهی‌بخشی و انگاره‌سازی چهره کریمه غرب و آمریکا و در مقابل شناساندن چهره واقعی مظلوم و صلح‌طلب ایران توسط شبکه‌های برون مرزی فراهم کرده است.

### مهمترین نقاط تهدید برای شبکه‌های برون مرزی

۱ - تفاوت در نوع پوشش وقایع کشورهای مختلف در شبکه‌های برون مرزی به‌ویژه در مورد عراق، سوریه و یمن، موازی با آن بحران‌سازی و تنش‌آفرینی مواضع هماهنگ رسانه‌ای غرب به رهبری آمریکا و برجسته‌سازی در این مورد.

۲ - تاکید بیش از حد شبکه‌های برون مرزی بر عنصر قوی نارضایتی مردم کشورهای عربی از سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا و نادیده انگاشتن دیگر عوامل محرک علل بروز و گسترش قیام‌های مردم عرب که در رسانه‌های رقیب بازنمایی شده‌اند. از جمله فاصله طبقاتی، مشکلات اقتصادی و غیره.





۳ - وجود شبکه‌های بین‌المللی قدرتمند مانند بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان و فرانس ۲۴ که اخبار مختلف جهان را با سرعت زیاد و متناسب با اهداف استعمار فرانسه برای مردم مناطق مختلف جهان به‌ویژه ملت‌های کشورهای توسعه‌نیافته پخش می‌کنند.

۴ - حذف ناعادلانه پرس‌تی‌وی از ماهواره نیل‌ست و عرب‌ست. این شبکه همچنین هدف امواج پرازیت قرار گرفته است.

۵ - عملیات روانی همه‌جانبه رسانه‌های غربی به‌رهبری آمریکا و جبهه استعمار فرانسه، برای منحرف کردن اذهان و افکار عمومی کشورها توسط انگاره‌سازی منفی و مخدوش با ارائه اخبار کذب در مورد ایران برای ایجاد چهره سیاه ایران در افکار عمومی کشورهای خود و دیگر کشورهای جهان به اشکال گوناگون در رسانه‌های خود و در مقابل ایجاد چهره مثبت و صلح‌طلب رژیم صهیونیستی پس از عادی‌سازی روابط برخی از کشورهای عرب با این رژیم.

### اهداف مطلوب برای شبکه‌های برون‌مرزی

۱ - رسیدن به شرایطی از تفوق رسانه‌های شبکه‌های برون‌مرزی؛ که فشار رسانه‌ای و عملیات روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران و نشان دادن چهره‌ای مخدوش در افکار عمومی ملت‌های جهان از طریق این رسانه‌ها به شکل صحیح، مدیریت و خنثی شده و از روی اجبار متوقف شود.

۲ - شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی به‌جای قرار گرفتن در موضع تدافعی در حوزه دیپلماسی عمومی، به شرایط تهاجمی در عملیات روانی-رسانه‌ای ارتقاء یابند. این مهم باعث می‌شود که این شبکه‌ها دست برتر را در دفاع از حقوق انسانی و اقتصادی ملت‌های جهان پیدا کند و با آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی چهره کریه استکبار جهانی آمریکا و غرب را به این ملت‌ها بشناساند.

۳ - شبکه‌های برون‌مرزی به ایجاد روابط دوستانه میان کشورهای مختلف با جمهوری اسلامی ایران کمک کنند. این شبکه‌ها در جهت رفع تخاصمات بین ایران و ملت‌ها و احیای قدرت نرم ایران گام برداشته و به خنثی کردن تفرقه‌افکنی رسانه‌های بیگانه در میان ایران و کشورهای دیگر کمک کنند.

۴ - زمینه و پلی برای درک متقابل فرهنگ‌های گوناگون جهان و همزیستی مسالمت‌آمیز همه اقوام و مذاهب جهان فراهم شود. ملل و اقوام مختلف بشر با دیدگاه‌ها و اعتقادات دینی مختلف به برقراری ارتباط با یکدیگر و ترمیم چهره مسلمانان و ایران تشویق و ترغیب شوند. چهره دروغین



اسلامی گروه تروریستی داعش و چهره دروغین مظلومیت رژیم صهیونیستی که توسط رسانه‌های غربی پس از عادی‌سازی روابط با برخی از کشورهای عربی انگاره‌سازی شده تبیین شود.

- با توجه به امتیازات عوامل داخلی و خارجی گروه دلفی راهبردهای ارجح، راهبردهای رقابتی تشخیص داده شدند: در جدول زیر به خوبی امتیاز راهبردهای رقابتی قابل مشاهده است؛ (عدد ۲,۵ عدد مبدأ است، بدین معنی که چنانچه جمع امتیازات قوت‌ها و فرصت‌ها و یا ضعف‌ها و تهدیدها بیش از این عدد شود قوت‌ها و یا فرصت‌های واحد مورد بررسی بیشتر و چنانچه کمتر از این عدد شود، بدان معنی است که ضعف‌ها و یا تهدیدهای واحد مورد بررسی بیشتر هستند) (اعرابی، ۱۳۸۵: ۵۶).

|                               |               |                                       |
|-------------------------------|---------------|---------------------------------------|
| ۴<br>امتیاز<br>عوامل<br>خارجی | محافظة کارانه | تهاجمی                                |
|                               | تدافعی        | ( $X = 2/673$ و $Y = 2/223$ ) *رقابتی |
|                               | ۲/۵           | ۴                                     |

#### امتیاز عوامل داخلی (x)

راهبردهای رقابتی حاصل از ماتریس تجزیه و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها برای شبکه‌های برون مرزی برای ارتقای دیپلماسی عمومی ایران با هدف حضور مؤثر رسانه‌ای در سیاست جهانی در جدول زیر آمده است:

| ردیف | راهبردها                                                                                                                         |
|------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | تولید و پخش برنامه‌هایی بامحتوای غنی و استفاده مطلوب از تمام ظرفیت‌های هنری در برنامه‌های شبکه‌های برون مرزی.                    |
| ۲    | ایجاد امواج ضد تبلیغ علیه کشورهای اروپایی و آمریکایی.                                                                            |
| ۳    | گروه اندیشه‌ورزی مدیریت ادراک و تیم سردبیران ویژه خبری برنامه‌سازان و مدیران گروه دانشی و باتجربه شبکه‌های برون مرزی ایجاد شوند. |
| ۴    | تولید محتوای کارا و اثربخش شبکه‌های برون مرزی در فضای مجازی.                                                                     |



|   |                                                                                                                                                                                                           |
|---|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۵ | برنامه‌سازی و مستندسازی شبکه‌های برون‌مرزی در جهت ارتقای اعتبار ملی جمهوری اسلامی ایران در افکار عمومی ملت‌های جهان به‌ویژه با استفاده دنباله‌روی بایدن از بدعهدی آمریکای ترامپ و خروج این کشور از برجام. |
| ۶ | برنامه‌سازی هوشمندانه با رعایت ظرایف کامل فرهنگی- اجتماعی و سیاسی ملت‌های مختلف جهان و عدم تبلیغ فعالیت‌های سطحی‌نگرانه برخی گروه‌ها در کشورهای مختلف در شبکه‌های برون‌مرزی.                              |
| ۷ | ایجاد امواج ضد جریان خبری- رسانه‌ای برای اقناع مخاطبان جهانی در جهت تبیین صلح‌طلب بودن جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان.                                                                               |

## ۶. نتیجه‌گیری

اولویت‌بندی راهبردهای رقابتی برای شبکه‌های برون‌مرزی بر اساس میزان جذابیت آن‌ها از طریق ماتریس QSPM با توجه به پاسخ‌های گروه دلفی که در جدول زیر آمده، بدین ترتیب است:

| اولویت‌ها    | راهبردها     | جمع مجموع نمره جذابیت |
|--------------|--------------|-----------------------|
| اولویت اول   | راهبرد سوم   | ۴/۵۷۵                 |
| اولویت دوم   | راهبرد هفتم  | ۴/۲۴۱                 |
| اولویت سوم   | راهبرد دوم   | ۴/۱۲۴                 |
| اولویت چهارم | راهبرد چهارم | ۳/۷۱۸                 |

## اولویت اول

گروه اندیشه‌ورزی مدیریت ادراک و تیم سردبیران ویژه خبری برنامه‌سازان و مدیران گروه دانشی و باتجربه شبکه‌های برون‌مرزی ایجاد شوند. تشریح راهبرد: این مهم در راستای پیروزی در نبرد شناختی بر رسانه‌های بین‌المللی غربی در فضای بین‌ذهنیتی جهانی انجام می‌شود.

## اولویت دوم

ایجاد امواج ضدجریان خبری- رسانه‌ای برای اقناع مخاطبان جهانی در جهت تبیین صلح‌طلب بودن جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان. تشریح راهبرد: امواج ضدجریان خبری- رسانه‌ای همچنین به مشکل‌ساز بودن و بحران‌سازی و جنگ‌طلبی نقش آمریکا و غرب (امپریالیسم جهانی) در جهان تاکید می‌کنند. امواج ضدجریان رسانه‌ای با تاکید و تکرار پی در پی واقعیت‌های حوادث مختلف جهان به‌ویژه در دوران ریاست جمهوری ترامپ در آمریکا و اقدام شروانه و خلاف عرف بین‌الملل و تروریستی به شهادت رساندن



سردار سپهبد سلیمانی ایجاد می‌شود. البته در دوران ریاست جمهوری بایدن نیز دستور حمله بامداد ۸ اسفند ۱۳۹۹ (۲۶ فوریه ۲۰۲۱) به مواضع حشدالشعبی عراق در البوکمال در نوار مرزی سوریه و عراق که مغایر با موازین بین‌المللی است نیز یک نمونه جدید از حملات کور آمریکا به مواضع گروه‌های قانونی کشورهای مختلف است.

### اولویت سوم

ایجاد امواج ضد تبلیغ علیه کشورهای اروپایی و آمریکایی. تشریح راهبرد: این امواج برای اقناع مخاطبان جهانی برای تبیین این موضوع که غرب کاستی‌های بزرگی علاوه بر نقاط قوتش دارد، ایجاد می‌شود. صاحب‌نظران رسانه‌ای باید با حمایت گروه اندیشه‌ورزی ضدتبلیغ به نبرد با روایت‌ها و ایده‌های رسانه‌های غربی بپردازند.

### اولویت چهارم

تولید محتوای کارا و اثربخش شبکه‌های برون مرزی در فضای مجازی. تشریح راهبرد: توجه ویژه به سایت‌های اینترنتی شبکه‌های برون مرزی و تبدیل آنها به سایت‌هایی قدرتمندتر و جذاب‌تر، برای اینکه ضمن ارائه اطلاعات و کنذاکتور برنامه‌ها، نظرات مخاطبان را به سهولت جذب و پردازش کنند. این مهم برای نظرسنجی و اثرسنجی شبکه‌های برون مرزی بسیار حائز اهمیت است. قابلیت دریافت این سایت‌ها و ایجاد کانال‌های شبکه‌های اجتماعی پرترفدار جهانی بر روی تلفن همراه هوشمند از مهمترین ابزارها در این زمینه است.

### ۷. پیشنهاد های رسانه‌ای

کارآیی و اثربخشی شبکه‌های برون مرزی در زمینه دیپلماسی عمومی، منوط به این است که مدیران و کارکنان دانشی و باتجربه، تسلط کامل در این حوزه به‌ویژه مباحث و مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل و دیپلماسی عمومی داشته باشند. بنابراین پیشنهاد های این تحقیق، به شرح زیر است:

۱- تقویت بنیه علمی و تجربی جریان‌سازی خبری سیاست رسانه‌ای شده در عرصه دیپلماسی عمومی مدیران و کارکنان دانشی. به این مفهوم که امکانات و توانایی‌های آموزش و پژوهش معاونت برون مرزی، برای این منظور به‌کار گرفته شود. برای تحقق این موضوع، استفاده از نیروهای دانشی و خبره دیگر معاونت‌های صداوسیما و اساتید دانشگاه‌های برتر کشور در عرصه دیپلماسی عمومی بسیار مهم و ضروری است.

۲- برای اجرای راهبرد ایجاد گروه اندیشه‌ورزی مدیریت ادراک و تشکیل تیم سردبیران ویژه خبری دانشی و باتجربه شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی بین‌المللی صدا و سیما در راستای پیروزی در نبرد



شناختی بر رسانه‌های بین‌المللی غربی در فضای بین‌ذهنیتی جهانی نیاز به ایجاد گروهی جدید برای هدایت تمامی این شبکه‌هاست. استفاده از نیروهای دانشی و خبره دیگر معاونت‌های سازمان صداوسیما و اساتید دانشگاه‌های برتر کشور در عرصه دیپلماسی عمومی بسیار مهم و ضروری است تا هیچ‌گونه خلأ خبری برای سوءاستفاده رسانه‌های بین‌المللی غربی در نبرد شناختی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی صداوسیما فراهم نشود.

۳- مهمترین شیوه برای اجرای راهبرد ایجاد امواج ضدجریان خبری برای اقناع مخاطبان جهانی برای تبیین صلح‌طلب بودن ایران در منطقه و جهان و در مقابل مشکل‌ساز بودن و بحران‌سازی و جنگ‌طلبی نقش آمریکا و غرب (امپریالیسم جهانی) در جهان عبارت است از: ایجاد گروه اندیشه‌ورزی در شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی با استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌های ملی و فراملی کشورهای دیگر به‌منظور احقاق حقوق ایران و تصحیح نگرش‌ها و تصویر منفی و کاذب از ایران در فضای بین‌ذهنیتی جهانی ساخته و پرداخته رسانه‌های غربی.

۴- مهمترین شیوه اجرای راهبرد ایجاد امواج ضدتبلیغ علیه کشورهای اروپایی و آمریکایی، تشکیل گروه اندیشه‌ورزی ضدتبلیغ در کنار کارشناسان و مأموران رسانه‌ای معاونت برون‌مرزی در نمایندگی‌های صداوسیما در کشورهای دیگر، برای تولید محتوای خبری و رسانه‌ای است. بدین ترتیب ریتم اصلی اخبار دنیا از مناطق عملیاتی توسط شبکه‌های برون‌مرزی نواخته خواهد شد و ابتکار عمل برای پوشش خبری سریع اخبار در اختیار این شبکه‌ها خواهد بود. برای تولید محتوای هرچه بهتر خبری و رسانه‌ای، کارکنان رسانه برون‌مرزی در کشورهای دیگر، با حمایت گروه اندیشه‌ورزی ضدتبلیغ با رصد دقیق تبلیغات رسانه‌های غربی به‌ویژه استفاده از فرصت ناکارآمدی کشورهای اروپایی و آمریکا در عرصه‌های مختلف به‌ویژه مقابله با کرونا به پوشش سریع اخبار ناکارآمدی غربی‌ها می‌پردازند.

۵- برای اجرای هرچه بهتر راهبرد تولید محتوای شبکه‌های برون‌مرزی در فضای مجازی باید گروه اندیشه‌ورزی تولید محتوا در فضای مجازی قابل دریافت در تلفن همراه هوشمند با فرم و محتوای متناسب برای تارنماها و شبکه‌های اجتماعی در کنار سردبیران خبر و برنامه‌سازان شبکه‌های برون‌مرزی ایجاد شود.

### منابع و مأخذ

- آلتون، سی‌پلینو؛ جک‌روی (۱۳۷۵)، **فرهنگ روابط بین‌الملل**، ترجمه حسن پستا، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.  
اسماعیلی، محمد (۱۳۸۸)، **دیپلماسی رسانه‌ای با تأکید بر نقش سازمان صداوسیما**، تهران: موسسه جام‌جم.



- اعرابی، سیدمحمد (۱۳۸۵)، **دستنامه برنامه‌ریزی استراتژیک**، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خادم‌زاده، جواد؛ جهانبخش ایزدی و علیرضا سلطانی (۱۳۹۹)، «آسیب‌شناسی ساختاری دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران»، **پژوهش‌های راهبردی سیاست**، دوره ۹، شماره ۳۴، پاییز، صص ۱۰۷-۱۴۱.
- ترابی اقدم، محمود (۱۳۹۸)، «راهبردهای مطلوب تولیدات نمایشی برای مخاطبان بین‌المللی در برون‌مرزی صداوسیما»، **پژوهشنامه رسانه بین‌الملل**، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۷۱-۱۵۵.
- دیوید، فرد آر (۱۳۹۰)، **مدیریت استراتژیک**، چاپ بیست و یکم، مترجمان: علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- راجی، محمدهادی و افتخاری، اصغر (۱۳۹۸)، «جنگ ترکیبی غرب در برابر جمهوری اسلامی ایران (تحلیل ابعاد و روش‌ها)»، **مجله سیاست دفاعی**، سال بیست و هشتم، شماره ۱۰۹، زمستان، صص ۷۵-۱۱۱.
- شاد، محمد؛ فواد ایزدی و سعیدرضا عاملی‌رنانی (۱۳۹۹)، «تحول دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال جهان اسلام؛ از پیام پایگی تا ارتباط محوری»، **مطالعات راهبردی**، دوره ۲۳، شماره ۸۹، پاییز، صص ۲۵۴-۲۰۵.
- عیوضی، محمدرحیم و پارسا، مونا (۱۳۹۲)، «الگوی تحلیلی قدرت نرم و سیاست بین‌الملل»، **دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم**، سال سوم، شماره نهم، پاییز و زمستان، صص ۹۹-۱۱۲.
- غفاری‌قدیر، جلال؛ جمال‌الدین حسینی و معصومه مرادجانی (۱۳۹۷)، «سیاست‌های مطلوب رسانه‌ای شبکه هیسپان تی وی برون‌مرزی با رویکرد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، **پژوهشنامه رسانه بین‌الملل**، دوره ۳، شماره ۱، صص ۷۶-۴۹.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۹)، **آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: وزارت امور خارجه.
- نای، جوزف اس (۱۳۸۷)، **قدرت در عصر اطلاعات از واقع‌گرایی تا جهانی شدن**، چاپ اول، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Butler, j. (2020), on à Covid-19: «O capitalismo tem seuss limits», Available at <https://www.redebrasilatual.com>.
- Gregory, B (2011), "American Public Diplomacy: Enduring Characteristics", Elusive Transformation, Available At: <http://resources.columbian.gwu.edu/upload/pub/2011/10/BGregory.pdf>
- Hocking, Brian (2005), "Rethinking the 'New' Public Diplomacy", In **the New Public Diplomacy**, edited by Jan Melissen, 28-43. New York: Palgrave
- Newman, Nic, Fletcher, Ricjard, Kalogeropoulos, Antonis, levy, David A. L., Nielsen, Rasnus Kleis. (2017), **Reuters Institute Digital News Report 2017**, Reuters Institute
- Zhang. Li (2010), "The Rise of China: media perception and implication for international politics, **journal of contemporary china**, VOL.19, NO.64, PP.233-254.
- Sagan, Paul and Lighton,Tom (2010), **The Internet and The Future of News**, MitPress

## بایسته‌های محتوایی دیپلماسی رسانه‌ای ایران در مناطق روس‌زبان \*

محمدامیر حق‌شناسی<sup>۱</sup>، کمال اکبری<sup>۲</sup>

### چکیده

با توجه به آنکه امروزه رسانه‌ها برای ایجاد و تقویت همگرایی میان ملت‌ها، عنصر بسیار تأثیرگذاری به‌شمار می‌روند، این مقاله به دنبال شناخت و معرفی بایسته‌های محتوایی دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در مناطق روس‌زبان است. به همین دلیل، مقاله حاضر داده‌ها و اطلاعات به‌دست آمده از ۱۹ صاحب‌نظر حوزه رسانه و مناطق روس‌زبان را از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و تکنیک تحلیل مضمون، سامان‌بخشی و صورت‌بندی کرده است. مضامین به‌دست آمده، ذیل سه مقوله مرتبط با تحولات نظام بین‌الملل، سیاست‌های حاکم بر منطقه اوراسیای مرکزی و مناسبات حاکم بر فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران تبیین شده‌اند. بر اساس یافته‌ها، می‌توان با تأکید بر موضوعاتی نظیر «اشتراکات فرهنگی- هویتی- دینی، مسئله تکفیر، تحریم‌های غربی- آمریکایی، موقعیت جغرافیایی ویژه ایران، جلوگیری از ترویج پان‌ها و جریان‌های افراطی فعال منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، خنثی‌سازی اقدامات رقبا و دشمنان مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی، همگرایی در زمینه‌های اقتصادی و...» اقدام به تولید محتوا به زبان روسی در رسانه‌های شنیداری، دیداری و مجازی برون‌مرزی صداوسیما کرد. همچنین توسعه رادیو روسی برون‌مرزی و تأسیس سیمای روسی برون‌مرزی برای تقویت دیپلماسی رسانه‌ای ایران در مناطق روس‌زبان از جمله پیشنهادهای این مقاله است.

**واژه‌های کلیدی:** دیپلماسی رسانه‌ای، جمهوری اسلامی ایران، مناطق روس‌زبان، افکار عمومی، رسانه برون‌مرزی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

\*. مقاله حاضر از پایان‌نامه‌ای با عنوان «ظرفیت‌ها و بایسته‌های دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای روس‌زبان با تأکید بر فدراسیون روسیه» استخراج شده که به نویسندگی نویسنده اول و راهنمایی نویسنده دوم انجام شده و در سال ۱۳۹۹ در دانشگاه صداوسیما دفاع شده است.

۱. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، گروه فرهنگ و ارتباطات اسلامی، دانشکده دین و رسانه دانشگاه صداوسیما، قم، ایران (نویسنده مسئول).  
meraj\_noor110@yahoo.com

akbari124@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.



## ۱. مقدمه

از آغاز روابط ایران و کشورهای اوراسیای مرکزی، به‌ویژه فدراسیون روسیه، بیش از پنج سده می‌گذرد؛ پنج سده‌ای که طی آن گاهی روابط دو کشور به سردی و تلخی گراییده و زمانی نیز روند صعودی به خود گرفته؛ تا آنجا که در روزگار کنونی به «دوران طلایی» خویش رسیده است. «دوران طلایی» که در آن همکاری‌ها در زمینه‌های سیاسی و امنیتی در صدر روابط کشور ایران و مناطق روس‌زبان در کشورهای آسیای میانه، قفقاز و به‌ویژه فدراسیون روسیه، قرار داشته است. تجربه موفق همکاری‌های نظامی مسکو و تهران در کشور سوریه و نیز دیدارهای متعدد رؤسای جمهوری ایران و روسیه، آنهم در ادوار و موضوعات گوناگون که عدد آن به فراتر از ۱۰ دیدار رسیده، موجب شده تا بیش از پیش تلاش شود که سطح روابط دو کشور، به‌خصوص پس از ریاست‌جمهوری ولادیمیر پوتین و تحریم‌های آمریکا و اروپا علیه روسیه، به‌سمت شراکت راهبردی سوق پیدا کند. با اتخاذ رویکرد نگاه به شرق توسط ایران در سال‌های اخیر، اسباب بهانه‌جویی‌های روسیه نیز تا حدی سلب شد و طبیعتاً موجب گردید که بسیاری از موانع پیش‌روی کرملین و پاستور برداشته شود تا در پی آن دیپلمات‌های سیاسی، امنیتی و نظامی هر دو کشور بتوانند گام‌های مهم و اساسی را در گسترش روابط سیاسی-امنیتی بردارند. در همین راستا و دقیقاً به‌دلیل تقویت، توسعه و تحکیم افق‌ها و چشم‌اندازهای سیاسی-امنیتی هر دو کشور بود که گسترش همکاری‌ها و مناسبات اقتصادی تهران-مسکو نیز در دستور کار جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه قرار گرفت. البته کماکان چالش‌هایی در روابط دو طرف وجود دارد.

در دوران پسا انقلاب اطلاعاتی-ارتباطی آنچه ملت‌ها را به همگرایی می‌رساند استفاده از ابزار رسانه است و از همین رو امروزه در روابط تهران و کشورهای اوراسیای مرکزی نیز تقویت قدرت نرم و دیپلماسی رسانه‌ای فعال‌تر احساس می‌شود؛ چراکه اقدامات راهبردی و سیاسی دولت‌های این جغرافیا حکایت از آن دارد که همه در تلاش هستند تا سطح روابط را به صورت دستوری و از بالا به پایین گسترش داده و به سطح راهبردی نزدیک نمایند. البته از طرف دیگر نباید فراموش کرد که کشورهای رقیب نیز همواره از قدرت نرم بهره برده‌اند، تا از همگرایی ملت‌هایی که با آنها منافع متضاد دارند، جلوگیری نمایند و حتی آن‌ها را به واگرایی تبدیل کنند. موضوعی که در رابطه با جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای میانه و قفقاز، به‌ویژه فدراسیون روسیه، به‌خوبی قابل مشاهده است. جالب آنکه این تلاش‌ها حتی در «دوران طلایی» کنونی نیز نه تنها کم نشده، که حتی تشدید نیز شده است. زیرا فعالیت‌های بی‌سابقه، پردامنه، مضاعف و بی‌امان قدرت نرم جریان





رقیب از یک جهت و همچنین عدم تحقق کامل دیپلماسی رسانه‌ای پویا و مؤثر میان ایران و کشورهای روس‌زبان، به‌ویژه فدراسیون روسیه، از جهت دیگر سبب شده تا در دوران کنونی نیز آشفته‌گی افکار عمومی جامعه روس‌زبان‌ها و فارسی‌زبان‌ها در بسیاری از اوقات و مسایل، به‌صورت پررنگ به چشم بخورد؛ نظیر حواشی رسانه‌ای که پیرامون بازداشت «یولیا یوزیک»<sup>۱</sup> روزنامه‌نگار روسی در ایران، پیش آمد.

باید توجه شود که هرچند دیپلماسی به حل و فصل منازعات بین‌المللی به‌شیوه مسالمت‌آمیز سیاسی اطلاق می‌شود که در شکل گسترده و وسیع آن، به معنای مدیریت دیپلماسی و سیاست خارجی، برای عملیاتی کردن اهداف، منافع و استراتژی‌ها در محیط بین‌المللی و به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی ارتباطات به کار می‌رود، اما با ورود رسانه‌های جمعی در قرن بیستم به عرصه روابط بین‌الملل چهره دیپلماسی سنتی دگرگون شد و به موازات دیپلماسی سنتی و عمومی پدیده‌ای به نام دیپلماسی رسانه‌ای که مفهومی نسبتاً مدرن تلقی می‌شود در کنار دیپلماسی سنتی و عمومی، ظهور یافت (وخشیته، ۲۰۱۸: ۱۱۵-۱۱۰).

دیپلماسی رسانه‌ای، از ابتدا به‌عنوان بحثی میان‌رشته‌ای بین علوم سیاسی و ارتباطات، مورد توجه اندیشمندان این دو حوزه قرار گرفته است. مهمترین ویژگی دیپلماسی رسانه‌ای، ارتباط بی‌واسطه دولت‌ها با ملت‌های کشورهای دیگر محسوب می‌شود که در دیپلماسی عمومی سنتی و رسمی بسیار ضعیف است. از همین رو می‌توان گفت دیپلماسی رسانه‌ای یک دیپلماسی قدم‌به‌قدم و طولانی‌مدت است که دولت‌ها از طریق انواع رسانه‌ها سعی می‌کنند الگوهای رفتاری و شیوه تفکر ملت‌های مورد نظر را در جهت تامین منافع خود، دگرگون کنند. پس می‌توان اذعان کرد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر قدرت جهانی یک کشور به توانایی دیپلماسی رسانه‌ای‌اش ارتباط دارد و به همین دلیل سیاست خارجی باید برای موفقیت در فرایند جهانی شدن همراه با نقش دیپلماسی رسانه‌ای از فناوری‌های جدید سود ببرد.

بنابراین از آنجایی که رسانه و دیپلماسی رسانه‌ای مناسب‌ترین و عملیاتی‌ترین شکل ارتباط برای تغییر الگوی رفتاری و شیوه تفکر و زندگی ملت‌های خارج از مرزهای جغرافیایی است، پر واضح است که انتخاب رسانه سودمند و دارای دسترسی زیاد، نقش بسزایی در موفقیت یا عدم موفقیت در تأمین اهداف دارد (رحیمی، ۱۳۹۶: ۱۶). البته از طرف دیگر در این میان، اوضاع



اقتصادی، قربات‌های فرهنگی، وضعیت سیاست خارجی و داخلی و همچنین ساختارهای موجود اجتماعی کشورهای روس‌زبان اوراسیای مرکزی با محوریت فدراسیون روسیه، فرصتی ویژه برای استفاده از دیپلماسی رسانه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نموده است که قابلیت‌های ایدئولوژیک، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... انقلاب اسلامی و در پی آن جمهوری اسلامی ایران؛ نظیر: عدالت‌گرایی، حفظ وحدت، امنیت و تمامیت ارضی در سایه حاکمیت مستقل مردمی، نفی نظام تک‌قطبی و هژمونی بین‌المللی آمریکا، خودکفایی اقتصادی و دسترسی آزادانه به سرمایه و بازار بین‌المللی، رشد و توسعه اقتصادی در سایه استقلال و آزادی و... به بهترین شکل ممکن به کار گرفته شود تا چالش‌های برآمده در ارتباطات ایران و کشورهای آسیای میانه و قفقاز و نیز معضلات بروز یافته از سوء مدیریت در منطقه اوراسیای مرکزی به حداقل برسد و از طرفی منافع معنوی و مادی جمهوری اسلامی ایران نیز هرچه بیشتر تأمین شود.

تکلم بیش از ۲۵۰ میلیون نفر به زبان روسی در بیش از ۱۵ کشور که علاوه بر فدراسیون روسیه عمدتاً در آسیای مرکزی، قفقاز و اروپای شرقی متمرکز هستند، باعث شده که زبان روسی جزو ۶ زبان پرکاربرد دنیا باشد (بهمن و همکاران، ۱۳۹۴: ۳). عموم این کشورها، از دیرباز از مناطق ژئوپلیتیک جهان بشمار می‌روند و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از اهمیت چشمگیر و مضاعفی برای جمهوری اسلامی در ابعاد مختلف سیاسی-امنیتی، اقتصادی-تجاری، فرهنگی-اجتماعی و راهبردی برخوردار گشته‌اند. همچنین به‌دلیل ویژگی‌های ممتاز سیاسی-امنیتی، جغرافیایی، فرهنگی-اجتماعی، جمعیت‌شناختی و ارتباطی و همچنین ثروت عظیم نهفته در خود همچون معادن و منابع ارزشمند نفت و گاز و بعضی صناعت‌های به جا مانده از دوران شوروی و نیز وجود همسایگانی پر تعداد در گستره‌ای محدود، همواره طمع قدرت‌ها، به‌ویژه غرب و ناتو را به خود برانگیخته است. به‌همین دلیل ضروری است تا جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین همسایگان این حوزه، در جهت حفظ و تثبیت منافع ملی خود در این منطقه گام برداشته و نیز با تأکید بر اشتراکات و قربات‌های تمدنی، اجتماعی و فرهنگی و حتی دینی با ملت‌ها و دولت‌های اوراسیا و قفقاز، به‌ویژه فدراسیون روسیه، موجب تقویت ثبات و همکاری در این منطقه راهبردی شود (کرمی و سنایی، ۱۳۸۷: ۸-۷). بنابراین ضروری است برای فعالیت آفندی، موثر و فعال رسانه‌ای در حوزه کشورهای روس‌زبان، مجموعه دستگاه‌های متکفل بحث دیپلماسی رسانه‌ای، با درک ضرورت و نیز اقتضائات آرایش نوین رسانه‌ای در جهان، اقدامات محتوایی و ابزاری لازم اما متفاوت از گذشته را تحت یک نقشه دیپلماسی رسانه‌ای، برای مناطق روس‌زبان،



در دستور کار قرار دهند. بدین ترتیب و برای حصول به این امر، موضوع «بایسته‌های فعالیت دیپلماسی رسانه‌ای ایران در مناطق روس‌زبان» در پژوهش حاضر مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد.

از این رو مقاله حاضر درصدد پاسخ به این پرسش‌های اصلی است که با توجه به قرابت‌ها و اقتضائات گوناگون زمانی، مکانی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... بالقوه و بالفعل موجود میان ایران و مناطق روس‌زبان با محوریت فدراسیون روسیه، دیپلماسی رسانه‌ای ایران در این مناطق باید واجد چه الزاماتی باشد؟ نسبت این دیپلماسی با اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات این منطقه در عصر جهانی شدن چگونه بوده و احتمالاً با چه آسیب‌ها و موانعی مواجه است؟

## ۲. پیشینه تحقیق

بررسی منابع علمی مکتوب در خصوص موضوع انتخاب شده نشان از آن دارد که عناصری چون دیپلماسی رسانه‌ای، فدراسیون روسیه، ظرفیت‌های رسانه‌ای و... به اقتضای بعضی رویدادها به‌صورت تفکیکی مورد توجه پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون سیاسی و رسانه‌ای قرار گرفته و هر یک مطالبی را از دریچه‌ای که مهم جلوه می‌کرده به رشته تحریر درآورده‌اند. برای نمونه مهمترین آثار این حوزه عبارتند از:

خرازی‌آذر و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود تأکید دارند مفهوم دیپلماسی رسانه‌ای به تنهایی پاسخگوی تحولات امروز نیست و در کنار آن نیازمند ارائه مدلی برای بهره‌گیری بهتر از قابلیت‌های تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای برای ساختن جهانی بهتر احساس می‌شود. متقی و شایسته (۱۳۹۶) بیان داشته‌اند که ایران از ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی نظیر فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی برخوردار است که با بهره‌گیری از آن و به کمک دیپلماسی رسانه‌ای و دیجیتالی، می‌تواند به‌عنوان یک کشور صاحب فکر و اندیشه و همچنین تأثیرگذار بر سیاست‌های بین‌المللی، نقشی جدی را ایفا کند. شاه‌محمدی (۱۳۹۵) به روش تبیینی و با رویکرد توصیف کلی، عناصر برساننده هویت جمهوری اسلامی ایران در روسیه را شناسایی و تأثیرات آن بر مناسبات حاکم بر ایران و روسیه را بررسی کرده و نتیجه گرفته که بر این مناسبات، در طول این سال‌ها، الگوهای متفاوتی از همکاری و تعارض حاکم بوده و به‌عنوان یک امر ثانوی و بالغرض در حوزه رسانه و دیپلماسی رسانه‌ای در فدراسیون روسیه و دیگر کشورهای روس‌زبان کارگشا می‌باشد.



بهمن و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی اهمیت راه‌اندازی سیمای روسی برون‌مرزی را با تأکید بر ضرورت‌ها، موانع، راهبردها و مدل مطلوب رسانه‌ای نوشته‌اند. پژوهشگران بعد از بررسی چهار مدل رسانه‌ای، با توجه به مؤلفه‌هایی مانند مخاطب‌شناسی گویشوران روسی و مناسبات ایران با کشورها و مناطق روس‌زبان، مدل رسانه‌ای با کنداکتور ترکیبی (به‌مانند هیسپان تی وی برون‌مرزی) را برای سیمای روسی پیشنهاد کرده‌اند.

ساداتی (۱۳۹۲) به اثرگذاری شبکه‌های العالم و پرس تی‌وی در دیپلماسی رسانه‌ای ایران پرداخته و در نهایت به این جمع‌بندی رسیده است که در موضوعات خاصی همچون انرژی هسته‌ای، بحران گروگان‌گیری ملوانان انگلیسی، ماجرای غزه و... رسانه ملی و به طور خاص شبکه‌های برون‌مرزی موفق عمل کرده‌اند. مقاله مذکور این مدعا را اثبات می‌کند که ملت‌های دارای دیپلماسی ضعیف به دلیل نفوذ رسانه‌های بین‌المللی و نیازی که به منابع رسانه‌های خارجی به جهت کسب اطلاعات پیدا می‌کنند، در هدایت هویت ملی و شکل‌دهی به تصویر بین‌المللی خود ناکارآمد خواهند بود. سلطانی‌فر و خانزاده (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با استفاده از روش کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه عمیق بیان کرده‌اند که میزان بهره‌مندی ایران از مزایای فراوان و امتیازهای قابل دریافت از طریق دیپلماسی رسانه‌ای و حضور فعال در عرصه‌های خبری در وضعیت مناسبی نیست؛ زیرا هنوز درک مناسبی از رسانه‌ها در دستگاه دیپلماسی اتفاق نیفتاده و نگاه به رسانه، ابزاری است نه مکمل. دونایوا (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با نام «روابط فرهنگی ایران و روسیه: امکانات و موانع» ضمن شرح تاریخی و نیز اشتراکات و جهت‌های بالفعل و بالقوه موجود در طول سال‌های متمادی قرن‌های ۱۹ و ۲۰، غرب‌گرایی و عدم اولویت فرهنگ و ذهنیت‌های منفی طرفین را از موانع اصلی همکاری‌های جدی فرهنگی برشمرده است.

برآیند مطالعات اجمالی درباره پیشینه پژوهش بیانگر آن است که در حوزه مورد بحث این پژوهش یعنی «بایسته‌های فعالیت دیپلماسی رسانه‌ای ایران در کشورهای روس‌زبان» تحقیقی جامع صورت نگرفته است. بنابراین ترکیب مباحث دیپلماسی رسانه‌ای بر اساس ویژگی‌های مناطق روس‌زبان و اهداف ایران در این حوزه‌ها، نوآوری مقاله حاضر محسوب می‌شود.



### ۳. چارچوب نظری

#### ۳-۱. دیپلماسی رسانه‌ای و مفهوم‌شناسی آن

دیپلماسی رسانه‌ای<sup>۱</sup> از جمله مفاهیمی است که تعاریف متعدد و متنوعی برای آن ذکر شده است و در طول زمان تغییرات و تحولات چشمگیری را به خود دیده است. اما در مجموع به نظر می‌رسد دو رویکرد کلی در زمینه تعریف دیپلماسی رسانه‌ای وجود دارد. رویکرد اول آن را ذیل عنوان دیپلماسی عمومی می‌داند و آن را استفاده دولتمردان از ابزارهای رسانه‌ای برای تأثیرگذاری بر عموم جامعه هدف می‌داند. اما در رویکرد دوم که در تعاریف جدید از دیپلماسی رسانه‌ای مورد توجه قرار گرفته است، دیپلماسی رسانه‌ای را به عنوان مفهومی کاملاً جدا از دیپلماسی عمومی تعریف کرده‌اند که به منظور تأثیرگذاری بر حاکمان و دولتمردان کشورهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. به هر ترتیب دیپلماسی رسانه‌ای به معنای استفاده از رسانه‌های جمعی، برای برقراری ارتباط با بازیگران دولتی و غیردولتی و جهت‌دهی آنان، تأثیرگذاری بر نگرش‌های مردم و طبقات گوناگون جامعه هدف درباره موضوعات و تحولات روز و فراهم کردن شواهد درباره رویدادها در راستای اهداف و منافع کشوری است که دیپلماسی رسانه‌ای را انجام می‌دهد. درواقع دیپلماسی رسانه‌ای اعم از استفاده سیاستگذاران از رسانه‌ها برای جهت‌دهی مردم کشورهای دیگر و استفاده از آن برای جهت‌دهی مقامات رسمی و کنشگران سیاسی در کشورهای خارجی است. به عبارت دیگر دیپلماسی رسانه‌ای دربردارنده تمامی جنبه‌هایی از دیپلماسی عمومی است که در آن با رسانه طرف است؛ همانگونه که سایر جنبه‌های آن ارتباطی که با دیپلماسی عمومی ندارد مثل برقراری ارتباط با بازیگران دولتی و غیردولتی و جهت‌دهی و استفاده از رسانه، به عنوان منبع اطلاعات را در بر می‌گیرد (مؤذن، ۱۳۹۱: ۱۸۹-۱۸۸).

آمون<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) مدعی است که تغییرات پارادایمی در ارتباطات و دیپلماسی، یک پارادایم جدید از دنیای سیاست را ایجاد کرده است که او آن را «تله دیپلماسی» می‌نامید. او بیان می‌دارد که این نوع جدید از تله دیپلماسی از شیوه‌های پیشین بهره نمی‌گیرد؛ چرا که ارتباطات از راه دور در حال حاضر می‌تواند به طور آزادانه بر تصمیمات سیاستی تأثیرگذار باشد. او جزئیاتی را درباره این پدیده ارائه می‌دهد که در آن تلویزیون جهانی روش‌های دیپلماتیک را به خصوص در زمینه لزوم سرعت در تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی تغییر داده و دیپلمات‌های سنتی را کنار زده است. جزئیات

1. Media Diplomacy

2. Ammon



و تجربیاتی که نشان می‌دهد تصمیم‌گیری در سیاست خارجی با وجود ارتباطات از راه دور چقدر می‌تواند سریع انجام شود. آمون می‌گوید که شرایط خاص و توسعه بلادرنگ پوشش اخبار جهانی یک تغییر ناگهانی در ارتباطات را سبب شده است. در حالی که دیپلماسی رسانه‌ای جایگزین روش‌های موجود دیپلماتیک شده است و در شرایط خاص برای اولین بار در تاریخ بشریت سیاست را تغییر داد و خروجی‌های دیپلماتیک را معین نمود (Ammon, 2001: 3). لیکن گیل‌بوا معتقد است که آمون دچار اغراق و مبالغه شده بود چرا که شواهد و نمونه‌هایی که ذکر می‌کرد، تغییرات پارادایمی را توضیح نمی‌داد (Gilboa, 2008: 285). گیل‌بوا دیپلماسی رسانه‌ای را به معنای استفاده از رسانه‌های جمعی، برای برقراری با بازیگران دولتی و غیردولتی، برای اعتمادسازی، پیشرفت مذاکرات و بسیج حمایت عمومی از توافقات تعریف می‌کند. دیپلماسی رسانه‌ای از طریق فعالیت‌های معمول یا ویژه متعددی شامل کنفرانس‌های مطبوعاتی، مصاحبه و افشاء، به علاوه دیدار سران کشورها و واسطه‌ها در کشورهای متخاصم، و رویدادهای رسانه‌ای تأثیرگذاری پی‌گیری می‌شود، که برای ورود به دورانی جدید ترتیب داده شده‌اند (گیل‌بوا، ۱۳۸۸: ۵). گیل‌بوا<sup>۱</sup> بین سه کاربرد رسانه در دیپلماسی تمایز قایل است: «دیپلماسی عمومی»، که در آن بازیگران دولتی و غیردولتی از رسانه‌ها و سایر کانال‌های ارتباطی برای تأثیرگذاری بر نظرات مردم کشورهای دیگر بهره می‌برند؛ «دیپلماسی رسانه‌ای» که در آن مقامات رسمی از رسانه بهره می‌گیرند تا از این طریق به منافع مشترک مثل راه حل منازعات دست پیدا کنند و «دیپلماسی میانجی‌گرایانه»<sup>۲</sup> که در آن روزنامه‌نگاران موقتاً نقش دیپلمات را عهده‌دار می‌شوند و در تعاملات بین‌المللی نقش میانجی‌گر را ایفا می‌کنند (Gilboa, 2000: 6).

### ۳-۱-۱. بررسی مدل «تعامل سازنده بین رسانه و دستگاه دیپلماسی»

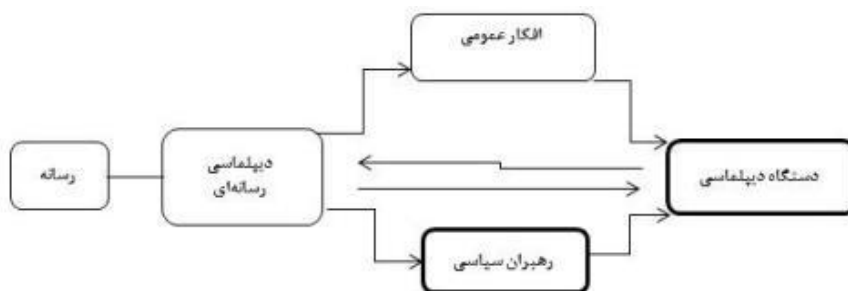
تعامل میان رسانه‌ها و سیاست خارجی را در قالب چهار مدل «جزایر مستقل»، «رسانه به‌عنوان مشاور دستگاه دیپلماسی»، «دستگاه دیپلماسی به‌عنوان مشاور و راهنمای رسانه» و «تعامل سازنده بین رسانه و دستگاه دیپلماسی» برشمرده‌اند که در ادامه صرفاً به بررسی و تبیین مدل «تعامل سازنده بین رسانه و دستگاه دیپلماسی» به‌عنوان مدل مطلوب و مرسوم در جهان که البته نسبت به دیگر مدل‌ها کمترین انتقادات متوجه آن بوده و با مرور زمان بیشترین بهره‌وری را به نسبت

1. Gilboa

2. Media-broker Diplomacy



مدل‌های دیگر از خود نشان داده است، پرداخته می‌شود. آنچه باید درباره مدل «تعامل سازنده بین رسانه و دستگاه دیپلماسی» دانست این است که همگان شاهد نوعی از تعامل و عمل دوسویه میان رسانه‌ها و مجموعه دستگاه سیاست خارجه هستند. اما علت اصلی آن که در این‌جا عبارت مجموعه دستگاه سیاست خارجی استفاده می‌شود از آن روی است که در کشورهای مختلف دنیا سیاست خارجی مصادر و خاستگاه‌های مختلف و گوناگونی دارد و تنها منحصر به دولت و وزارت امور خارجه نیست و منابع و مراکزی همانند شورای امنیت ملی، شورای روابط خارجی، کنگره، پارلمان و... ممکن است در صدر تصمیم‌گیرندگان سیاست و راهبردهای خارجی قرار گیرند. به عبارت دیگر رسانه و مجموعه دستگاه سیاست خارجی به صورت سیستماتیک و ارگانیک با یک‌دیگر در تعامل دائم بوده و نتایج تحلیل‌ها و بررسی‌های خویش را با هم به اشتراک گذاشته و تبادل می‌کنند و در نهایت برای آنها یک وحدت هدف و در صورت نیاز یک وحدت رویه حاصل شده و شکل می‌گیرد؛ همانند شکل زیر:



منبع: (اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۹۵)

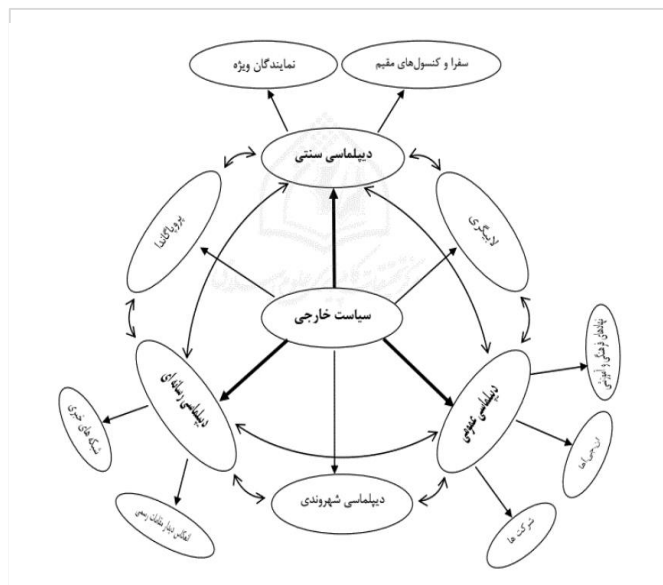
آنچه در این مدل اهمیت فراوانی دارد هم‌سویی مجموعه دستگاه سیاست خارجی و رسانه است که هر دو همانند دو بازوی بدن حرکت می‌کنند و از یک مرکز کنترل که همانا مغز باشد فرمان می‌پذیرند. از این رو در گذشته‌های نه‌چندان دور و همچنین امروزه، در بیشتر کشورها این مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد. حرکت در شاهراه‌های پرترافیک و خطرناک بین‌الملل بدون بهره‌مندی و استفاده از خدمات رسانه‌ای، امکان‌پذیر نیست و درست به همین دلیل در صورت بی‌دقتی در استفاده از این پتانسیل قدرتمند، کشورها به سادگی بایکوت شده و سپس دچار انزوای بین‌المللی و سیاسی می‌شوند (اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۹۵-۸۹).



### ۳-۱-۲. اصول راهبردی دیپلماسی رسانه‌ای و جغرافیای مفهومی آن در یک نگاه

در دیپلماسی رسانه‌ای می‌توان چهار اصل محوری را برای تأثیرگذاری در محیط بین‌المللی مطرح کرد: ۱- محیط‌شناسی: شناخت محیط هدف و اقتضائات موجود آن برای برخورداری از برنامه‌های راهبردی. ۲- آینده‌شناسی: داشتن سناریوهایی برای پیش‌بینی موقعیت آینده برای راهبردنویس رسانه‌ای لازم است. ۳- متقاعدسازی و جذاب جلوه دادن محیط: تکرار سیاست‌ها در قالب‌های متنوع و جذاب توأم با تأکید بر خواست و نیازهای مخاطب و توجه به استدلال‌های منطقی و اثرگذار برای متقاعدسازی.<sup>۱</sup> ۴- تداوم اقدامات و بازخوردگیری از فعالیت‌ها: زمانی که اصول دیپلماسی به درستی کنار هم باشند افزایش تأثیرگذاری را در پی دارد (اکبری، ۱۳۹۳: ۱۴۱-۱۴۰). البته عامل پنجمی نیز در اینجا قابل تعریف است و آن عامل عبارت است از: «استفاده از نیروهای حرفه‌ای در عرصه دیپلماسی رسانه‌ای که هم تخصص لازم را در سیاست خارجی و فن دیپلماسی دارند و هم آموزش‌های لازم را در کار رسانه‌ای آن‌هم در عرصه بین‌المللی فراگرفته‌اند».

اما جغرافیای مفهومی دیپلماسی رسانه‌ای را در یک نگاه می‌توان مطابق شکل زیر (طباخی‌مقانی، ۱۳۹۱: ۹۱) نشان داد:



۱. البته با توجه به گسترش روزافزون رقابت در اطلاع‌رسانی و افزایش سواد رسانه‌ای در نزد مخاطبان، مسئله «متقاعدسازی» مخاطبان نیازمند پژوهش‌های جدید است تا اثبات شود که مخاطبان تا چه میزان از محتواهای تولید شده یک رسانه تأثیر می‌پذیرند.



### ۳-۲. کشورهای روس‌زبان

علی‌رغم آن‌که این عبارت به لحاظ جغرافیا و تاریخ، حدود و ثغور مشخصی دارد اما در موضوع مورد بحث، توجه و تمرکز بر اراده و افکار ملت ساکن فدراسیون روسیه و منطقه کریمه و دیگر کشورها نظیر «اوکراین، روسیه سفید، جمهوری مولداوی و بخش‌هایی از ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان و همچنین جمهوری‌های قفقاز همچون جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان» است؛ که در آنها زبان روسی، جایگاه دوم را بعد از زبان رسمی دارد. تعاملات ایران با این گستره جغرافیایی سابقه‌ای هزار ساله دارد و از همین رو جمهوری اسلامی ایران برای تعمیق و گسترش بیش از پیش روابطش دارای دلایلی است که به صورت خلاصه عبارتند از: «وجود زمینه دیپلماسی مردمی»، «ظرفیت مسلمانان روس‌زبان»، «نگرش نسبتاً همسان حاکم در این منطقه به داد و ستدهای فرهنگی و اجتماعی»، «فراخی نسبی عرصه تاثیرگذاری ایران در این جغرافیا»، «پویایی بیش از پیش فرهنگ این حوزه جغرافیایی در سایه تعامل با همدیگر»، «تاثیرگذاری فدراسیون روسیه بر جهان» و... (ابراهیمی‌ترکمان، ۱۳۹۵: ۲۲۳-۲۱۹).

### ۴- روش تحقیق

#### ۴-۱. تحلیل مضمون

تحلیل مضمون<sup>۱</sup> یک شیوه و راهبرد توصیفی در پژوهش‌های کیفی است که در شناخت، تحلیل و تفسیر داده‌های کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد و داده‌های پراکنده متنی را به داده‌های غنی تبدیل می‌کند. در این روش، تمرکز بر روی مضمون داده‌های متنی می‌باشد و مقصود از مضمون، معانی و برداشت‌هایی است که از یک کلمه یا عبارت می‌توان داشت که حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداقل به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. بنابراین عنصر کلیدی در این روش مضمون و شناخت آن است. زیرا ممکن است یک جمله چند مضمون داشته باشد که نیاز به دقت بر روی این موارد می‌باشد. بنابراین پژوهشگر برای شناخت مضمون لزوماً در پی یافتن نکات جالب توجه نیست، بلکه باید بداند که در بین داده‌های به ظاهر نامرتب در پی چیست و همچنین از طرفی باید میان مضامینی که دنبال می‌کند یک تمایز ایجاد کند یعنی برای مثال میان مفهوم الف و ب و د یک شروع و اتمام قرار دهد. البته در این میان فهم متعارف ارزش‌های پژوهشگر،





جهت گیری ها و سؤالات پژوهش و تجربه پژوهشگر درباره موضوع، بر نحوه شناخت مضامین تأثیر می گذارد (حسینی انجدانی، ۱۳۹۵: ۶۸-۷۶).

در ادامه، یک نقشه راهنمای ۶ مرحله ای برای اجرای روش تحلیل مضمون پیشنهاد شده است. لیکن نکته مهم، شناسایی و فهم این مطلب است که خطوط راهنما در روش های تحلیل کیفی خیلی دقیق نیستند و از قاعده خاص و ویژه ای پیروی نمی کنند. بنابراین هر محقق لازم است تا با در نظر گرفتن دو اقتضای مهم سؤالات تحقیق و نوع داده ها در مورد تحقیق خویش، به شکل انعطاف پذیری از این خطوط راهنما استفاده نماید. علاوه بر این پژوهش یک فرآیند خطی به معنای جابجایی از یک نقطه به نقطه دیگر نیست بلکه در مقابل می توان آن را فرآیند بازگشتی نامید که طی آن محقق بطور مستمر و بنابر نیازهای تحقیق بین مراحل اولیه و پایانی رفت و برگشت دارد و از نتایج هر مرحله برای مراحل دیگر استفاده می نماید. همچنین باید توجه داشت تحلیل فرآیندی است که در طول زمان توسعه می یابد و نباید با عجله و شتاب انجام گیرد (Braun & Clarke, 2006: 87). اما وجود یک همچون نقشه راهنمایی برای این روش خاص در بین روش های کیفی ضمن آسان تر کردن مراحل اجرای آن، به نوعی منجر به شفاف تر شدن خروجی ها برای خواننده می گردد. چرا که معمولاً در اجرای روش های کیفی، به دلیل فقدان مراحل دقیق و محقق محور بودن آنها، نسبت کامل و قابل فهمی بین نتایج بدست آمده و روش مورد استفاده برای خواننده بیرونی بوجود نمی آید. از این رو این ۶ مرحله خواهند توانست رابطه فوق را منقح و معنادارتر نمایند (حسینی انجدانی، ۱۳۹۵: ۶۸-۷۶).

| ردیف | مرحله                          | توصیف فرآیند                                                                                                                                 |
|------|--------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | آشناسازی محقق با داده های خویش | رونویسی کردن از داده ها در صورت نیاز، خوانش و دوباره خوانی داده ها، یادداشت ایده های اولیه                                                   |
| ۲    | تولید کدهای اولیه              | کدگذاری همه داده ها بر اساس روشی سیستماتیک و مبتنی بر ویژگی های مورد علاقه محقق، مقابله و تطبیق دادن داده های مرتبط با هر کد                 |
| ۳    | جستجوی مضامین                  | تطبیق کدها با مضامین بالقوه، گردآوری همه داده های مرتبط با هر مضمون بالقوه                                                                   |
| ۴    | مرور مضامین                    | بررسی این که اگر مضامین نسبت به خلاصه های کدگذاری شده و همه مجموعه داده ها هماهنگی و تطابق دارند آنگاه یک نقشه تحلیلی مضمون بنیاد ایجاد شود. |



|   |                          |                                                                                                                                                                                                                                          |
|---|--------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۵ | تعریف و نام‌گذاری مضامین | تحلیل مستمر بمنظور پایش ویژگی‌های خاص هر مضمون و در بطور کلی بیان داستان‌وار تحلیل، خلق تعاریف واضح و نام‌گذاری برای هر مضمون                                                                                                            |
| ۶ | تدوین گزارش              | این مرحله فرصتی نهایی برای تحلیل است. این مرحله شامل انتخاب و گزینشی مشخص، نمونه‌های خلاصه شده گیرا و جذاب، تحلیل نهایی خلاصه‌های انتخاب شده، شرح ارتباط بین تحلیل صورت گرفته با سوالات و ادبیات تحقیق، خلق گزارشی محققانه و تحلیلی است. |

در این پژوهش برای تحلیل مصاحبه‌های انجام شده از طبقه‌بندی شبکه مضامین<sup>۱</sup> به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های تحلیل مضمون استفاده شده است، و بدین ترتیب برای دستیابی به شبکه مضامین، مضامین کلی‌تر، استخراج شده و به‌عنوان مضامین فراگیر معرفی شده‌اند. سپس زیرمجموعه‌هایی تحت عنوان مضامین سازمان‌یافته و در پایان، مقوله‌های جزئی‌تر به‌عنوان مضامین پایه، معرفی شده است.

## ۴.۲. شیوه گردآوری و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

مصاحبه عمیق یکی از ابزارهای جمع‌آوری داده در روش‌های مصاحبه بدون ساختار است. از همین رو رویکرد پژوهشگر در این مصاحبه بسیار تاثیرگذار است؛ زیرا مصاحبه‌کننده در طول انجام مصاحبه آزادی کاملی دارد تا بتواند مصاحبه را کنترل نماید و دقیقاً به همین دلیل است که پژوهشگران نیز این روش را از میان چند روش موجود به‌عنوان یکی از بهترین روش‌های جمع‌آوری داده دانسته و از آن استفاده می‌کنند. یعنی به عبارتی می‌توان مصاحبه عمیق را گفتگوی بسیار انعطاف‌پذیر هدفمند دوطرفه دانست که یک‌سوی آن یک مصاحبه‌کننده آموزش یافته قرار دارد و یک سمت دیگر یک مصاحبه‌شونده آگاه که هدف از این نشست نفوذ در ذهن مصاحبه‌شونده و سپس استنباط عمیق و فهم نکاتی است که بتوان از آن در تجزیه و تحلیل تحقیق کیفی که به دنبال شرح و معانی موضوعات است، استفاده کرد. البته روشن است که کیفیت اطلاعات بدست آمده در این روش با مهارت و شخصیت مصاحبه‌کننده ارتباط مستقیمی دارد. (لوکوان و ریموند، ۱۳۸۴: ۱۹۰-۱۸۹) از همین رو در پژوهش حاضر که گردآوری اطلاعات به نحوی مبتنی بر توصیف



و تحلیل توان‌ها بوده، علاوه بر منابع کتابخانه‌ای، پژوهشگر به‌صورت مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با ۱۹ صاحب‌نظر دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری عرصه سیاست و رسانه به گردآوری اطلاعات پرداخته است. در این شیوه از گردآوری اطلاعات، از تکنیک تحلیل مضمون مصاحبه‌های عمیق، بهره برده شد و تلاش گردید تا برای کسب اطلاعات موردنظر، به‌صورت عمیق به ذهن مصاحبه‌شوندگان که از افراد خبره دانشگاهی، مدیریتی، عملیاتی و حرفه‌ای حوزه رسانه، دیپلماسی رسانه‌ای و سیاست خارجی و نیز کارشناسان آشنا به کشورهای روس‌زبان؛ بودند به‌عنوان جامعه آماری، نفوذ شده و اطلاعات لازم گردآوری شود. سؤالات محوری پژوهش در جدول زیر بیان می‌شوند:

| ردیف | پرسش                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |
|------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | دلایل اهمیت حضور و فعالیت دستگاه دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در مناطق قفقاز و اوراسیای مرکزی و نیز فدراسیون روسیه چیست؟                                                                                                                                                                                                                                    |
| ۲    | زمینه‌ها و موضوعات سیاسی - امنیتی (مانند مقابله با نفوذ ناتو و...)، اقتصادی (همکاری برای دور زدن تحریم‌ها و...)، فرهنگی - اجتماعی (بیگانه‌ستیزی و...) و بین‌المللی و منطقه‌ای (مسائل جمهوری‌های تازه استقلال یافته و...) که دستگاه دیپلماسی رسانه‌ای ایران می‌تواند در حوزه محتوا به آنها بپردازد کدام است؟ موانع موجود برای پرداختن به این زمینه‌ها و موضوعات چیست؟ |
| ۳    | دستگاه دیپلماسی رسانه‌ای ایران برای پذیرش مواضع جمهوری اسلامی در نزد افکار عمومی فدراسیون روسیه و نیز دیگر کشورهای روس‌زبان چه کارهایی را باید انجام دهد؟                                                                                                                                                                                                            |

البته لازم به ذکر است در تحقیق حاضر برای تأمین روایی و پایایی مطالعه از روش ارزیابی «لینکلن و گوبا»<sup>۱</sup> که معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی است، استفاده شده است. پس بدین منظور بر پایه این روش، چهار معیار موثق بودن و اعتبار (باورپذیری)، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری جهت ارزیابی روایی و پایایی در نظر گرفته شد؛ که برای معیار نخست، یعنی موثق بودن و اعتبار، مباحثی و موضوعاتی نظیر «صرف زمان کافی برای پژوهش، تأیید داده‌های مصاحبه، توسط مصاحبه‌شونده پس از پیاده‌سازی، تأیید فرایند پژوهش توسط چند متخصص، اطمینان از



یکسانی دیدگاه کدگذار با استفاده از کدگذارهای دیگر بر اساس کدگذاری چند نمونه مصاحبه مشابه، نوشتن یادداشت دامنه و یادآوری در پژوهش» (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۶۹) لحاظ شد.

## ۵. یافته‌های تحقیق

با عنایت به اهداف و منافع ایران در اوراسیای مرکزی و قفقاز، مهم‌ترین و عمده‌ترین و نیز در عین حال با اولویت‌ترین بایسته‌های موضوعی راهبردی جمهوری اسلامی ایران نسبت به مناطق روس‌زبان با تاکید بر فدراسیون روسیه به جهت هرگونه اقدام موضوعی، انتخاب سوژه و فعالیت محتوایی دیپلماسی رسانه‌ای به شرح جدول‌هایی که در ادامه آمده‌اند، می‌باشد.

### جدول ۲- مضامین بایسته‌های محتوایی دیپلماسی رسانه‌ای ایران با عنایت به

#### تحولات نظام بین‌المللی

| مضامین<br>فراگیر      | مضامین<br>سازمان‌یافته             | مضامین پایه                                                                                                                                                                                                                                                          |
|-----------------------|------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| بایسته‌های<br>محتوایی | مبتنی بر تحولات<br>نظام بین‌المللی | تبیین چرایی و چگونگی لزوم هم‌پوشانی سراسری و همه‌جانبه در حمایت کشورهای منطقه اوراسیای مرکزی و قفقاز از همدیگر در سطح جهانی و ارتقاء شأن و جایگاه یکدیگر، در عرصه جهانی                                                                                              |
|                       |                                    | تبیین منطق موجود در اقدامات ایران، توانان با لزوم تبیین واقع‌بینانه چرایی و چگونگی مخالفت و مقابله همگانی با گسترش سیاسی- امنیتی، اقتصادی- تجاری و فرهنگی- اجتماعی تمدن و فرهنگ انگلوساکسون‌ها، که همواره با هدف محدود کردن تمدن‌های دیگر در حال نشر و تکیه می‌باشد. |
|                       |                                    | تبیین چرایی و چگونگی مقابله و نیز در پی آن ایجاد ائتلاف و اتحاد همگانی و همه‌جانبه علیه سیاست‌های متنوع و چند بُعدی خصمانه، استعماری و تحریمی اروپا و آمریکا، که در ساحت‌های گوناگون و حوزه‌های مختلف در جریان است.                                                  |
|                       |                                    | تبیین چرایی و چگونگی لزوم ائتلاف منطقه‌ای مشترک توسط ایران و کشورها و مناطق روس‌زبان علیه                                                                                                                                                                            |



|                                                                                                                                                                                            |  |  |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--|--|
| استانداردهای دوگانه حاکم بر مناسبات و قواعد جهانی، به خصوص در حوزه‌های حقوق بشر، محیط زیست، امنیت و...                                                                                     |  |  |
| تبیین چرایی و چگونگی مقابله همگانی و همه‌جانبه با گسترش و تقویت نفوذ ناتو به شرق و در پی آن تهدید منافع پر دامنه گوناگون مشترک میان ایران و دیگر کشورهای روس‌زبان پیرامونی ایران توسط ناتو |  |  |
| تبیین چرایی و چگونگی مخالفت نظری و عملی مشترک میان ایران و کشورهای روس‌زبان با یک‌جانبه‌گرایی و سلطه‌گرایی آمریکا و همچنین تلاش‌های کاخ سفید برای ایجاد جهان تک‌قطبی                       |  |  |

### جدول ۳- مضامین بایسته‌های محتوایی دیپلماسی رسانه‌ای ایران با عنایت به سیاست‌های حاکم بر منطقه اوراسیای مرکزی

| مضامین فراگیر      | مضامین سازمان یافته                                  | مضامین پایه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |
|--------------------|------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| بایسته‌های محتوایی | مبثتی بر سیاست‌های حاکم بر منطقه آسیای میانه و قفقاز | خنثی‌سازی تلاش‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای نظیر ترکیه، رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی، پاکستان و... برای نفوذ اجتماعی- فرهنگی، سیاسی- امنیتی و نیز اقتصادی- تجاری در کشورها و مناطق روس‌زبان که در منطقه اوراسیای مرکزی قرار دارند.                                                                                                                                                                  |
|                    |                                                      | استخراج و تأکید بر موارد فرهنگی مشترک و نیز تقویت اشتراکات معنوی و دینی موجود میان ایرانیان و مردم مناطق اوراسیای مرکزی، به همراه ترکیب اسلام این مناطق با آداب، رسوم و فرهنگ پارسی موجود در مناسبات و رویدادهای مختلف ملی، مذهبی، اجتماعی، جشن‌ها و...؛ مثل سنت‌های حاکم در اعیاد اسلامی و ملی مشترک در این مناطق نظیر اعیاد قربان، فطر، نوروز و... و یا سنت‌های حاکم در تکریم و بزرگداشت شخصیت‌های بزرگ و |



|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              |  |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--|
| <p>مقدس نظیر جان‌باختگان میدان جنگ، پیامبر اسلام (ص) و خاندان آن، مشاهیر و چهره‌های شاخص و...</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |  |
| <p>جلوگیری از شکل‌گیری و بازی در پازل جنگ قدرت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در دوره پسا جنگ سرد، آن‌هم در میان کشورها و مناطق روس‌زبان و نیز تلاش برای جایگزینی و تقویت اعتماد، محبت، دوستی و حسن همجواری در میان دولت‌ها و کشورهای اوراسیای مرکزی با همدیگر و نیز با ایران و همچنین تلاش برای حل و فصل مناقشات منطقه‌ای به صورت مسالمت‌آمیز</p>                                                                                                                                                                |  |
| <p>ترغیب و تشویق برای ایجاد ائتلاف و اتحاد در مبارزه، مخالفت و مقابله با انقلاب‌های رنگی، فعالیت و نفوذ تروریسم و افراطی‌گرایی در تمامی اشکال و انواع آن از جمله تروریسم تکفیری و...</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |  |
| <p>تلاش برای بیان بدون تحریف تاریخ کشورها و نیز احیای چندجانبه‌گرایی و چندفرهنگ‌گرایی با هدف ایجاد همبستگی اجتماعی، جلوگیری از جدایی‌طلبی و پیشگیری از ترویج و تقویت «پان»‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موجود در اوراسیای مرکزی و قفقاز</p>                                                                                                                                                                                                                                                                    |  |
| <p>تقویت انگیزه و ایجاد ائتلاف همگانی برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر، سلاح و مافیا، مهاجرت‌های غیرقانونی و سایر فعالیت‌های مجرمانه فراملی</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |  |
| <p>نزدیک کردن نظرات و نگاه‌های موجود اقتصاد سیاسی حاکم در میان ایران و کشورهای روس‌زبان پیرامونی ایران در منطقه اوراسیای مرکزی با هدف گسترش همکاری‌های مالی- بانکی، ایجاد هم‌پوشانی و همگرایی اقتصادی به عنوان اهرم بازدارنده در مقابل تحریم‌ها و فشارهای غرب و آمریکا و نیز به موازات این امور، توجیه لزوم توسعه مناسبات و روابط اقتصادی و فضای سرمایه‌گذاری مشترک با همکاری ایران، با عنایت به ظرفیت‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری‌های شانگهای، برای تسریع در ارتقای نظم نوین بین‌المللی</p> |  |



|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |  |  |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--|--|
| نزدیک کردن نظرات و نگاه‌های موجود پیرامون مسائل باقیمانده رژیم حقوقی دریای خزر از جمله نحوه بهره‌برداری از منابع بستر و ...                                                                                                                                                                                       |  |  |
| ایجاد نگاه و فهم مشترک منطقه‌ای از مسئله امنیت و ثبات در میان کشورها و مناطق روس‌زبان، تا در پی آن اقدامات لازم و مشترک منطقه‌ای برای برقراری صلح و ثبات به صورت جمعی صورت پذیرد و به صورت تدریجی پیگیری اهداف بلندمدت توسعه پایدار در زمینه‌های گوناگون مثل محیط‌زیست و... باشند.                                |  |  |
| ایجاد همکاری و همگرایی در شکل‌گیری و تقویت ساختارهای بومی در زمینه‌های عدالت، عقلانیت، دموکراسی و... و نیز برقراری حاکمیت قانون در بخش‌های قضایی و مبارزه با فساد، تقویت احترام به حقوق بشر، ترویج و تضمین آزادی‌های اساسی و... در راستای تعهدات بین‌المللی                                                       |  |  |
| ایجاد تناسب، توازن، نزدیکی و وفاق در نظرات و نگاه‌های موجود پیرامون همکاری و همگرایی متنوع و پردامنه در حوزه‌های بهره‌برداری از نفت، گاز و صنایع مرتبط، مدیریت انرژی و انتقال آن، تکمیل و توسعه حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی و دریایی منطقه اوراسیای مرکزی و قفقاز با محوریت کریدور شرق - غرب و کریدور شمال - جنوب و... |  |  |

**جدول ۴- مضامین بایسته‌های محتوایی دیپلماسی رسانه‌ای ایران با عنایت به وضعیت داخلی فدراسیون روسیه و ایران و مناسبات حاکم بر دو کشور**

| مضامین<br>فراگیر      | مضامین<br>سازمان‌یافته                                             | مضامین پایه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |
|-----------------------|--------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| بایسته‌های<br>محتوایی | مبتنی بر وضعیت<br>داخلی فدراسیون<br>روسیه و ایران و<br>نیز روابط و | تلاش برای تأثیر بر گروه‌ها و جریان‌های ذی‌نفوذ در روسیه با هدف در اولویت قرار دادن ایران توسط کرملین و نیز پررنگ کردن جایگاه تهران (به عنوان عضو اصلی در اوپک، سازمان همکاری اسلامی و جنبش عدم تعهد) در سیاست خارجی روسیه (به عنوان عضو اصلی در شورای امنیت، سازمان همکاری‌های شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا) برای تعمیق مناسبات و روابط میان دو کشور ایران |





|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        |                                |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------|
| <p>و روسیه در عرصه نظام بین‌الملل و یا در حوزه‌های گوناگون و پردامنه‌ای که تهران و مسکو دارای منافع مشترک هستند (مسئله سوریه و مبارزه با تروریسم، مقابله با قاچاق مواد مخدر و سلاح، جلوگیری از گسترش ناتو و...) و همچنین در عین حال برانگیختن خواص و نخبگان دو کشور برای ارائه راهکار پیرامون غیرمقطعی و غیر ابزاری بودن همکاری‌های روسیه و ایران و نیز حل‌وفصل موضوعات و منافع اختلاف‌زا (همانند: مسائل دریای خزر، رویکردهای متفاوت دو کشور به حل مسئله فلسطین و...)</p>                                                                                                                                                                                              | <p>مناسبات حاکم بر دو کشور</p> |
| <p>شناساندن و معرفی توانایی‌ها و استعدادهای بالقوه و بالفعل هم‌پوشان دو کشور ایران و روسیه در زمینه‌های مختلف و پس از آن انگیزه‌سازی توأم با ارائه راهکار برای تدوین و توسعه نقشه جامع برنامه‌ها و همکاری‌های مشترک بلندمدت، میان مدت و کوتاه‌مدت، با هدف هم‌افزایی و هم‌گرایی روزافزون سیاسی-امنیتی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی-تجاری تهران و مسکو در زمینه‌های گوناگون، برای کسب جایگاه درخور جهانی و نیز منزوی کردن و بی‌اثر نمودن حوزه نفوذ و عرصه فشار تمامی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای غیرهمسو با جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه و یا حتی غیرهمسو با هر کشور ثالث منطقه‌ای و یا فرامنطقه‌ای دوست، همراه و همگام با ایران و روسیه؛ نظیر ونزوئلا و...</p> |                                |
| <p>ترویج مزیت‌های تجاری و منحصر به فرد ج.ا. ایران برای روسیه و نیز بیان موانع و مشکلات موجود برای به فعلیت رسیدن آن مزیت‌ها و همچنین متعاقب آن در دستور کار قرار دادن اقناع لازم و کاربردی جامعه تجار و اقتصاددانان، پژوهشگران و محققان، صنعت‌گران و فن‌آوران و همچنین کارآفرینان، حاکمان و سیاستمداران فدراسیون روسیه برای توسعه فضای سرمایه‌گذاری و در عین حال تعمیق همگرایی‌ها و همکاری‌های مشترک برای سرمایه‌گذاری و اقدام مؤثر و نیز کسب ثبات بیشتر برای هر دو کشور در حوزه‌های گوناگون تجاری-اقتصادی (ایجاد مناطق آزاد</p>                                                                                                                                       |                                |



|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |  |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--|
| <p>مشترک، تأسیس مؤسسات مالی و اعتباری مشترک و...، ساخت صنعت و فناوری (صنایع هوایی و فضایی، نظامی، خودروسازی و...)، عرصه معدن، نفت، گاز و انرژی (انرژی هسته‌ای، برق، صنایع وابسته به پتروشیمی و زغال سنگ و...)، حوزه حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و دریایی (کریدور شمال - جنوب، کریدور شرق - غرب و...)، مسائل کشاورزی و دامداری (معرفی و مزیت‌سازی برای غلات و دیگر محصولات کشاورزی و یا حتی لبنیات دام‌های اصلاح شده منحصر به فرد ایرانی و...) و موضوعات علمی و فناوریانه (سلول‌های بنیادی، نانو، داروسازی و واکسن‌سازی و...) در سطح دو کشور ایران و روسیه و نیز در پی آن بسترسازی و ظرفیت‌سازی همگام و موازی برای جذب دیگر کشورهای دور و نزدیک.</p> |  |
| <p>مرور سابقه تاریخی و آثار بر جای مانده از ملل و نخل کهن پیشینی و آگاهی دادن از ادیان و اقوام باستانی و همچنین تمدن‌های پیشینی موجود در حوزه جغرافیایی ایران و روسیه از دیرباز تاکنون، با هدف احیاء خرده فرهنگ‌های مشترک موجود باقی مانده از گذشته و نیز نزدیک کردن حداکثری ۱۹۰ قوم موجود در روسیه برای گسترش مسالمت‌آمیز و مؤثر ادیان و اقوام ایرانی و روس</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                |  |
| <p>تصحیح دیدگاه منفی روس‌ها نسبت به زیرساخت‌های غرب‌گرایانه جامعه ایران، که منجر شده جامعه روسیه رویکرد ایران به سمت تهران را از روی ناچاری بدانند و در مقابل هم باید تلاش شود تا حافظه تاریخی افکار عمومی ایران تصحیح شود تا ایرانیان هم با اصلاح ذهنیت تاریخی، روسیه را همواره متخاصم ندانند و همچنین گمان نکنند که دوری یا نزدیک شدن مسکو به تهران، ریشه در نگاه ابزاری کرملین به ایران دارد.</p>                                                                                                                                                                                                                                            |  |
| <p>ترویج و آموزش زبان‌وادیات فارسی و در عین حال معرفی آثار ادبی کلاسیک زبان فارسی با تمرکز بر مشاهیر مورد علاقه جوامع روس‌زبان؛ همانند خیام، مولوی، حافظ، فردوسی، خاقانی شروانی، نظامی گنجوی و... و همچنین تلاش دوباره برای احیاء مجدد نهضت ترجمه توحیدی - اسلامی که سابقاً در روسیه فعال بوده است.</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |  |



|                                                                                                                                                                                                                                                                                   |  |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--|
| <p>ایجاد انگیزه برای توسعه روابط آموزشی- پژوهشی میان ایران و روسیه در قالب تبادل هیئت‌های علمی، برگزاری همایش‌ها، تأسیس شعبه‌های دانشگاهی و پژوهشگاهی، اجرای دوره‌های مشترک آکادمیک در حوزه‌های گوناگون علوم از مقطع کارشناسی تا پسا دکتري و...</p>                               |  |
| <p>معرفی جاذبه‌ها، ظرفیت‌ها و بسترهای گردشگری ایران و نیز تشویق مردم فدراسیون روسیه و دیگر کشورهای روس‌زبان برای سفر به ایران، با هدف ترویج و توسعه صنعت گردشگری ایران و دیگر زمینه‌های وابسته به آن</p>                                                                          |  |
| <p>تشویق توأم با ارائه راهکار و پیگیری رسانه‌ای برای برگزاری نشست‌ها و هم‌اندیشی‌ها، جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های دائمی، فصلی و یا مناسبتی مشترک در حوزه شناخت فرهنگ و هنر و نیز معرفی سمبل‌ها و ارزش‌های فرهنگی- هنری ایران، با تاکید بر موسیقی، فیلم، عکاسی، تئاتر، نقاشی و...</p> |  |
| <p>توجه به مشترکات موجود در نهاد خانه و خانواده ایرانی و روسی، با محوریت اموری نظیر فرزندآوری، جایگاه و منزلت پدر و مادر، مخالفت با سقط جنین و همجنس‌گرایی، تبیین جایگاه خانه و خانواده در هویت‌سازی صحیح و غنی فردی و اجتماعی و...</p>                                           |  |
| <p>آگاهی دادن نسبت به اصل جایگاه دین تعالی‌بخش و معنویت راستین و همچنین کارکردهای آن‌ها در ابعاد گوناگون زندگی فردی و اجتماعی بشر، با هدف مقابله با نفوذ هر نوع جریان افراطی دینی و یا حتی ضددینی موجود در سطح منطقه و جهان که در دو کشور ایران و روسیه نیز فعال می‌باشد.</p>     |  |



## ۶. نتیجه‌گیری

با عنایت به تحولات حاکم بر مناطق روس‌زبان، به‌ویژه پس از اتمام جنگ سرد و سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ میلادی به بعد، این جغرافیاها همواره آبستن حوادث و اتفاقاتی بوده که به‌صورت عمده ناشی از دست‌اندازی، مداخله و حضور سخت و یا حتی نرم قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. قدرت‌هایی از قبیل آمریکا، اتحادیه اروپا، ترکیه، عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی و... که به هر بهانه و دلیلی به‌دنبال تحکیم جای پای خود در اوراسیای مرکزی هستند، و البته مهم‌تر آن‌که، از یک طرف هر کدام به‌گونه‌ای تهدیدی برای تمامیت ارضی ایران و حاکمیت ملی و استقلال ایران به حساب آمده و از دیگر سو به‌دلیل منافع ایدئولوژیک نهفته در ماهیت انقلاب اسلامی مردم ایران (دفاع از مسلمانان و امت اسلامی، عدالت و مبارزه با ظلم، نفی سلطه‌پذیری، سلطه‌گری و استعمار، استکبارستیزی، حمایت از مظلومین و مستضعفین، عزت نفس و آزادی عمل سیاسی و...)، به‌صورت جدی مُحل فعالیت‌های ایران در اقتصاد بین‌المللی بوده و نه تنها از اساس با توسعه و رفاه اقتصادی ایران و دسترسی ایران به بازار جهانی مخالفند، بلکه به‌دنبال خدشه‌دار کردن اعتبار سیاسی و بین‌المللی ایران هستند.

به‌همین دلیل ضروری است تا ایران نیز با تمرکز بر علایق و زمینه‌های مشترک برای همکاری با کشورها و مناطق روس‌زبان در اوراسیا، قفقاز و اروپای شرقی (که شامل موضوعات تجاری-اقتصادی، موقعیت جغرافیایی ویژه ایران، تشابه سرنوشت تاریخی و معنوی ایران با تعدادی از کشورهای این مناطق در مقابله با دشمنان خارجی، تمایل و تلاش برای ایجاد جهان چندقطبی، حل و فصل مسائل دریای خزر، تشابه پیشینه مذهبی و فرهنگی ایران شیعی و مسیحیت ارتدوکس کشورهای اوراسیای مرکزی، حضور ناتو و دیگر کشورهای غربی به هر بهانه‌ای، گسترش ناامنی ناشی از تروریسم، مواد مخدر و قاچاق سلاح، مقابله با تهدیدات متنوع و پردامنه ناشی از تهاجم فرهنگی غرب و... می‌باشند)، از ابزارهای حوزه دیپلماسی رسانه‌ای، به‌عنوان گستره‌ای بی‌نهایت گسترده بهره‌برداری نماید. در این راستا، با طیف وسیع و متنوعی از انواع رسانه و بسترهای محتوایی و ابزاری مرتبط با هر یک از آن رسانه‌ها؛ نظیر تأسیس رادیو و تلویزیون ۲۴ ساعته روسی به شکل ترکیبی (خبر، مستند، گفت‌وگو، فیلم و...)، سایت‌ها و زیرساخت‌هایی به زبان روسی با محتواهای متنوع و پردامنه، جراید و مطبوعات چاپی و الکترونیکی ادواری و غیرادواری، اپلیکیشن‌های کاربردی و... در قالب یک «دیپلماسی رسانه‌ای ترکیبی» فعالیت نماید. البته با اشراف به این مسئله که هر رسانه ظرفیت محتوایی و در عین حال برد انحصاری و تاثیر منحصر به‌فرد خود را در مقابل



طیف بزرگی از مخاطبان و مصرف‌کنندگان داراست، ضرورت دارد این رسانه‌ها ابتدا برای خنثی‌سازی اقدامات سخت و نرم قدرت‌ها و رقبای متخاصم خویش گام برداشته و پس از آن در صدد ایجاد همگرایی، اتحاد و ائتلاف با ملت‌ها و دولت‌های مناطق روس‌زبان اوراسیای مرکزی، قدم بردارند. چراکه امروزه و بر خلاف گذشته، دیگر شناخت، دانش و معلومات، امیال و خواسته‌ها، نیازها و علایق و نیز در نهایت رفتارها و جنبه‌های عینی یک‌به‌یک افراد جامعه و یا گروه‌ها، احزاب و نهادهای اجتماعی فعال جامعه، در گرو مصرف و مواجهه با منظومه و زنجیره‌ای از انواع رسانه می‌باشد؛ به‌نحوی که با فعالیت رسمی و یا گاهی غیررسمی و مشترک با مراکز رسانه‌ای بومی یک کشور، آن‌هم با هزینه‌ای به مراتب کمتر از حضور فیزیکی و سخت، تأثیرات ژرفی را بر مخاطب نهاده و سبب تحولات بزرگی در جامعه هدف شد.

#### ۷. پیشنهادهای رسانه‌ای

- وزارت امور خارجه با درک این مسئله که دیگر نمی‌توان فقط با اتکاء به روش‌های سنتی و قدیمی اهداف کلان کشور را به دست آورد با تعامل سازنده با دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ای کشور به‌ویژه معاونت برون مرزی صداوسیما، اهداف و منافع ملی ایران در کشورهای روس‌زبان را دنبال نماید.

- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با طرح‌های جامع کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، می‌تواند با ایجاد تعامل بیشتر میان دیدگاه‌ها، برنامه‌ها و اهداف مجموعه‌های وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با مجموعه‌هایی نظیر وزارت امور خارجه و برون مرزی سازمان صداوسیما نماید.

- با توجه به اهمیت روزافزون مناطق روس‌زبان، تأسیس سیمای روسی برون مرزی پیشنهاد می‌شود. - استفاده حداکثری از مراکز و مراجع قانون‌گذار و ناظر: نخست) تلاش برای تسهیل توسعه سازمان‌های مردم نهاد و انجمن‌های فعال در روسیه و کشورهای همجوار و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی؛ دوم) تلاش برای تسهیل توسعه رسانه‌های مختلف مکتوب و مجازی با حمایت و هدایت دولت و باز گذاشتن فضای همکاری‌ها برای فعالان خصوصی.

- بازطراحی و تدوین راهبرد رسانه‌ای مناسب و متناسب با اوراسیای مرکزی و فدراسیون روسیه.

- تقویت همکاری رسانه‌ای با کشورهای اوراسیای مرکزی و فدراسیون روسیه از جمله تأسیس ائتلاف‌های رسانه‌ای مانند اکومو.



- بررسی زمینه‌های نفوذ در طبقات مخاطبین منطقه اوراسیای مرکزی و فدراسیون روسیه از طریق پژوهش‌های عمیق پیرامون شناخت ذائقه مخاطبان روس‌زبان و پاسخ به این ذائقه در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران.

### منابع و مأخذ

- ابراهیمی‌ترکمان، ابوزر (۱۳۹۵). **تفاوت‌ها و همانندی‌های اتحاد جماهیر شوروی و فدراسیون روسیه**. تهران: انتشارات اطلاعات.
- استراوس، آسمل؛ کوربین، جولیت. ام (۱۳۹۰). **مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اسماعیلی، محمد (۱۳۸۸). **دیپلماسی رسانه‌ای با تأکید بر نقش صداوسیما**. تهران: جام جم.
- اکبری، کمال (۱۳۹۳). **تأملاتی در دین و رسانه**، کرج: ارمغان حیات.
- بهمن، شعیب و همکاران (واحد پژوهش‌های کاربردی برون‌مرزی صداوسیما) (۱۳۹۴). **اهمیت راه‌اندازی سیمای روسی برون‌مرزی (با تأکید بر ضرورت‌ها، موانع، راهبردها و مدل مطلوب رسانه‌ای)**، تهران: واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی صداوسیما
- حسینی‌انجذانی، مریم (۱۳۹۵). **روش تحلیل مضمون**. تهران: مرکز پژوهش و سنجش صداوسیما.
- دهقانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۶). **«هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»** چاپ شده در: داود کیانی (به کوشش) **مجموعه مقالات منافع جمهوری اسلامی ایران**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دونایوا، النا (۱۳۸۹). **روابط فرهنگی ایران و روسیه: امکانات و موانع**. فصلنامه ایراس، سال پنجم، شماره ۶ (بهار و تابستان)، صص ۸۰-۶۹.
- رحیمی، فاطمه (۱۳۹۶). **«آسیب‌شناسی دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات منطقه خاورمیانه در عصر جهانی شدن»**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.
- ساداتی، سیدنصرالله (۱۳۹۳). **نقش شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی در دیپلماسی رسانه‌ای با تأکید بر شبکه‌های العالم و پرس تی‌وی**. فصلنامه **پژوهش‌های ارتباطی**، سال بیست و یکم، شماره ۳ (پاییز)، ۹۹-۱۲۰.
- سلطانی‌فر، محمد؛ خازنده، لیلا (۱۳۹۲). **دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران (فرصت‌ها، چالش‌ها، آسیب‌شناسی و راهبردها)**. **مطالعات فرهنگ و ارتباطات**، سال چهارم، شماره ۲۲ (تابستان)، ۲۰۵-۱۸۱.
- سنایی، مهدی و کرمی، جهانگیر (۱۳۸۷). **روابط ایران و روسیه**، تهران: انتشارات ایراس.
- شاه‌محمدی، یوسف (۱۳۹۵). **واکاوی مناسبات ایران و روسیه با توجه به عناصر برساننده هویت جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۵۷)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه خوارزمی.
- طباخی‌مقانی، جواد (۱۳۹۱). **دیپلماسی رسانه‌ای و الزامات آن**، مطالعات عملیات روانی، شماره ۳۱، زمستان، صص ۸۹-۱۱۷.
- عابدی‌جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰). **«تحلیل مضمون و شبکه مضامین روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»**، **دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی**، دوره ۵، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۵۱-۱۹۸.

۱۳۵  ... بایسته‌های محتوایی دیپلماسی رسانه‌ای ایران

عاملی، سیدحامد؛ خرازی آذر، رها؛ مظفری، افسانه (۱۳۹۶)، نقش تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، دوره ششم، شماره ۲۲ (بهار)، ۱۷۶-۱۵۳.

کمالی، یحیی (۱۳۹۷)، «روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در سیاست‌گذاری عمومی» **فصلنامه سیاستگذاری عمومی**، دوره ۴، شماره ۲، تابستان، صص ۲۰۸-۱۸۹.

گیلوا، ایتان (۱۳۸۸)، **ارتباطات جهانی و سیاست خارجی**. ترجمه حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

لوک وان، کامپنهود؛ کیوی، ریموند (۱۳۸۴)، **روش تحقیق در علوم اجتماعی (نظری و عملی)**. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا

مارشال، کترین؛ راس من، گرچن (۱۳۹۰)، **روش تحقیق کیفی**، ترجمه علی پارساییان و سیدمحمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

متقی، ابراهیم؛ شایسته، حمید (۱۳۹۶)، دیپلماسی عمومی ایران؛ ظرفیت‌ها و چالش‌ها. **فصلنامه مطالعات منافع ملی**، دوره دوم، شماره هشتم (تابستان)، ۵۵-۲۹.

مؤذن، کاظم (۱۳۹۱)، «**بررسی و تحلیل رابطه بازنمایی رسانه‌ای و دیپلماسی رسانه‌ای**». نامه فرهنگ و ارتباطات، سال چهارم، شماره ۶ و ۷ (بهار و تابستان)، صص ۱۹۶-۱۷۱.

وخشیته، احمد (۲۰۱۸)، «**اهمیت و جایگاه دیپلماسی فرهنگی رسانه‌ای در روابط ایران و روسیه**» چاپ شده در: **مجموعه مقالات پنج قرن روابط ایران و روسیه**، روسیه: بنیاد شرق‌شناسی مسکو.

Ammon, R. (2001). Global television and the shaping of world politics: CNN, telediplomacy, and foreign policy. Jefferson, NC: McFarland.

Braun, Virginia and Clarke, Victoria (2006), "Using the matic analysis in psychology", **Qualitative Research in Psychology**, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.

Gilboa, E. (2000). Mass communication and diplomacy: A theoretical framework, **Communication Theory**, 10:275-309.

Gilboa, E. (2008). **Media Diplomacy**, In W. Donsbach (Ed), Encyclopedia of Communication (Vol. VII, 2852-2857). London: International Communication Association/Blackwell Publishing.







## تهدیدات امنیتی - نظامی کروناویروس و راه‌های مقابله با آن

### با رویکرد پدافند غیرعامل و قدرت رسانه

کیومرث یزدان‌پناه<sup>۱</sup>، غلامرضا قادی<sup>۲</sup>، رقیه عباسی<sup>۳</sup>

#### چکیده

از جمله مصادیق ایجاد تهدیدات امنیتی و نظامی برای کشورهای مختلف، بروز پاندمی‌های فراگیر است که به سرعت دولت‌ها را در مهار آن و مدیریت بحران دچار مشکل می‌کند. بر این اساس، مسئله این پژوهش متمرکز بر شیوع پاندمی کرونا و اهمیت اثرات مخرب این بیماری بر سلامت و امنیت جهانی و نقش رسانه‌های جمعی در این زمینه است. حتی اگر ویروس کرونا با اهداف شروع یک جنگ بیولوژیکی تمام‌عیار ایجاد نشده باشد، به دلیل سرعت بالای انتشار و قدرت بالای مرگ‌ومیر می‌تواند به ابزاری برای بهره‌برداری در جنگ‌های بیولوژیک تبدیل شود. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ به این سؤالات است که راه کارهای اصلی مقابله با تهدیدات نوظهور و خارج از تصور انسانی مانند کرونا به‌ویژه در بستر سامانه‌های پدافند غیرعامل چیست؟ همچنین نقش رسانه‌ها در این زمینه چیست؟ «جنگ بیولوژیک»، «امنیت» و «قدرت رسانه» مفاهیم نظری به کار رفته در این پژوهش هستند. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و هدف آن تبیین نقش پدافند غیرعامل و رسانه‌ها در مدیریت بحران کروناست. نتایج پژوهش بر این موضوع تأکید می‌کند که مقابله با تهدیدات امنیتی ناشی از اتفاقات غیرمنتظره موضوعی جدی است و کشورها باید آن را همچون یک حمله فراگیر بیولوژیکی قلمداد کرده و به‌درستی با آن مقابله کنند. در این زمینه مجموعه اقداماتی در چارچوب مدیریت به‌موقع بحران و پدافند غیرعامل می‌توانند مفید باشند. رسانه‌ها نیز در آموزش‌های لازم در بستر مراقبت‌های عمومی، رعایت سطوح مختلف بهداشتی و تبیین مخاطرات گسترده کرونا برای افکار عمومی نقش پررنگی باید داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: ویروس کرونا، جنگ بیولوژیک، پدافند غیرعامل، رسانه‌های جمعی، برون‌مرزی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

kyazdanpanah@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای ارتباطات، گروه ارتباطات، دانشکده رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، تهران، ایران.

Gholam reazghadi@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Roghayeabbasi8220@gmail.com



## ۱. مقدمه

بیماری‌های فراگیر و پاندمی که بسیار سریع گستره وسیعی از مناطق جغرافیایی جهان را در بر می‌گیرند و دولت‌ها در مسیر مقابله با آن به چالش کشیده می‌شوند، از جمله مصادیق ایجاد تهدیدات امنیتی و نظامی برای کشورهای مختلف هستند. این بیماری‌ها چه در قالب پروژه‌های آزمایشگاهی و در قالب جنگ‌های بیولوژیک ساخته و پرداخته شده باشند و چه با منشأ طبیعی ایجاد شده باشند، در نهایت می‌توانند بر ابعاد مختلف امنیت، آثار منفی بگذارند. از همین رو لازم است تا دولت‌ها صرف‌نظر از منشأ شکل‌گیری این نوع بیماری‌ها در پی ارزیابی آسیب‌ها و مقابله با تهدیدات امنیتی برآمده از آنها باشند.

ایده استفاده از عوامل بیماری‌زای عفونی برای تضعیف دشمن و یا از میان برداشتن رقیب سیاسی، از دیرباز در ذهن رهبران سیاسی-نظامی برخی کشورها بوده است و به‌صورت پیوسته استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و جنگ‌افزارهای بیولوژیک به‌دلیل اثرات مخرب آن بر انسان‌ها و محیط زیست، یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های جامعه بشری بوده است. همچنین امروزه جنگ‌افزارهای بیولوژیک در میان سلاح‌های کشتار جمعی برای بسیاری از دولت‌های متخاصم و رهبران نظامی، موقعیت ویژه‌ای دارند و ویژگی‌هایی همچون سهولت تهیه، هزینه پایین تولید، تشخیص نسبتاً مشکل و عدم امکان حفاظت مؤثر علیه بسیاری از عوامل زیستی بیماری‌زا، موقعیت خاصی به سلاح‌های بیولوژیک داده؛ به نحوی که دفاع در برابر آن‌ها به مشغله جدی تئورسین‌های نظامی و امنیتی تبدیل شده است و در صورت استفاده باعث هراس، ارعاب عمومی و هرج‌ومرج شده و در نهایت ضمن کاهش شدید ضریب امنیتی، امنیت ملی را با چالش جدی مواجه می‌کند. علی‌رغم درک این نگرانی توسط بسیاری از کشورها و تنظیم کنوانسیون‌های بین‌المللی بازدارنده همانند قرارداد ۱۹۷۲ میلادی در خصوص منع استفاده از سلاح‌های بیولوژیکی و سموم<sup>۱</sup> برای اهداف نظامی و بیوتروریستی (توکلی و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۶)، همچنان برخی کشورها نظیر آمریکا آزمایشگاه‌های بیولوژیکی فعالی را در کشورهای مختلف باقی گذاشته‌اند و خود را متعهد به رعایت قوانین بین‌المللی نمی‌دانند.

با توجه به اینکه در اواخر سال ۲۰۱۹ و اوایل سال ۲۰۲۰ میلادی، پاندمی ویروس جدید کرونا که ناقل بیماری کووید ۱۹ بود در جهان شیوع پیدا کرد و میلیون‌ها انسان به آن مبتلا شدند، این

1. Biological and Toxin Weapons Convention (BTWC)



فرضیه تقویت شد که جهانیان درگیر یک جنگ بیولوژیک تمام‌عیار شده‌اند. هر چند این فرضیه به اثبات نرسیده و در مورد صحت و سقم آن تردیدهایی جدی وجود دارد، اما به هر صورت مطالعه فرایندهای توسعه و شیوه مقابله با خسارت‌های آن در چارچوب مطالعات امنیتی و نظامی حائز اهمیت است. ضرورت مطالعه ویژه در مورد جنگ‌های بیولوژیک و تهدیدات برآمده از پاندمی ویروس کرونا از آن جهت مورد تأکید است که توجه شود در کمتر از ۱۲ ماه بیماری برآمده از ویروس کرونا یعنی کووید ۱۹ بیش از ۱۰۵ میلیون نفر را تا تاریخ ۲۱ ماه می ۲۰۲۰ میلادی مبتلا کرد و از این میان بیش از دو میلیون نفر از مبتلایان جان خود را از دست دادند. در بخشی از گزارشی که در ۶ آوریل ۲۰۲۰ شبکه خبری BBC در مورد تهدیدات امنیتی ویروس کرونا و نگاه مأموران امنیتی انگلستان به این موضوع منتشر کرد، اینگونه آمده است: «بحران ویروس کرونا پرسش‌های قابل توجهی درباره جایگاه امنیت سلامت جهانی و ارتباط آن با امنیت ملی مطرح کرده است. در جریان یک بازبینی سیاست‌ها در بریتانیا، وقوع یک همه‌گیری جهانی در بالاترین سطح تهدید امنیت ملی قرار گرفت» (کوررا، ۲۰۲۰).

از همین رو پژوهش حاضر با درک ضرورت توجه و شناسایی تهدیدات امنیتی و نظامی برآمده از پاندمی کروناویروس با هدف کاهش خسارت‌های مالی و جانی به روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه عوامل کاهش ضریب امنیت کشورها در جنگ‌های بیولوژیک پرداخت و در این بین بر پاندمی ویروس کرونا به‌عنوان شرایط ویژه‌ای که فرصت بروز توانمندی کشورها در حوزه پدافند غیرعامل را فراهم می‌کند، تأکید می‌کند. روش انجام پژوهش حاضر که به شناخت نقش پدافند غیرعامل و قدرت رسانه و افزایش ضریب امنیت کشورها در جنگ‌های بیولوژیک در شرایط پاندمی ویروس کرونا پرداخته است، توصیفی - تحلیلی است و داده‌های آن به‌صورت گردآوری اسناد، مدارک و مطالعه کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

## ۲. مفاهیم و چارچوب نظری

### ۲-۱. جنگ بیولوژیک

بر اساس تعریف پلیس بین‌الملل در سال ۲۰۰۷، بیوتروریسم عبارت است از منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی با هدف کشتن یا آسیب رساندن به انسان‌ها، حیوانات و گیاهان با قصد و نیت قبلی و به‌منظور وحشت‌آفرینی، تهدید و وادار ساختن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواسته‌های سیاسی یا اجتماعی. حمله بیوتروریسمی، یعنی پخش کردن ویروس،



باکتری، میکروب یا دیگر عوامل بیماری‌زا و سمی که موجب بروز بیماری و مرگ در انسان‌ها، حیوانات و گیاهان می‌شود (داودی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۹). بیوتروریسم به‌هرگونه اقدام و روش‌های حمله گفته می‌شود که با نشر انواعی از میکروارگانیسم‌ها یا سموم حاصل از آنها همراه است. با اینکه بیوتروریسم، یکی از معضلات نوپدید بهداشت عمومی و عامل تهدیدکننده کنترل عفونت، به حساب می‌آید، ولی واقعیت این است که افکار و اعمال بیوتروریستی همواره در اقوام مهاجم، افراد افزون‌طلب و رقبای سیاسی- اقتصادی از یک‌طرف و افکار مدافعه‌گرایانه و یا تلافی‌جویانه در افراد، ارتش‌ها، دولت‌ها و شخصیت‌های مورد تهدید، از طرف دیگر از هزاران سال پیش وجود داشته است و گاهی ظاهر افسانه‌گونه و باورنکردنی به خود گرفته است که همه این وقایع حاکی از قدمت افکار و ندرتاً اعمال بیوتروریستی است (سرلک و خردمند، ۱۳۹۶: ۱۶).

به‌لحاظ تاریخی، کاربرد و توسعه عوامل جنگ‌های بیولوژیک و عوامل توکسینی (سموم) را در سه مرحله اصلی می‌توان قرار داد. مرحله اول، مرحله کلاسیک توسعه و کاربرد عوامل بیولوژیک و توکسینی است. از خصوصیات این مرحله کاربرد مستقیم عوامل بیولوژیک و توکسین‌های آن‌ها به‌عنوان یک سلاح یا جنگ‌افزار می‌باشد. در قسمت اعظم این مرحله، بشر فاقد دانش کافی درباره حضور باکتری‌ها و ویروس‌ها و سایر عوامل در سلاح‌های بیولوژیک بود. این مرحله از زمان‌های بسیار قدیم شروع و تا اواخر جنگ جهانی دوم ادامه داشت. مرحله دوم جنگ بیولوژیک، دوران توسعه ژنتیک میکروب‌ها و دیگر زمینه‌های بیولوژی سلولی و مولکولی و کاربرد فناوری ناشی از این علوم در جنگ‌های بیولوژیک است. این دوران بعد از جنگ جهانی دوم شروع می‌شود و تا دو الی سه دهه بعد از جنگ دوم به‌طول انجامید. این دوره منتج به توسعه عوامل بیولوژیک خطرناک‌تر از طریق تکنیک‌های گوناگون شد. مرحله سوم یا فعلی هم‌زمان با تولید علم مهندسی ژنتیک و به‌کارگیری آن در ساخت نسل جدید سلاح‌های بیولوژیک از کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیکی و سموم در سال ۱۹۷۲ به این طرف آغاز شده است (زرقانی، ۱۳۹۷: ۲۰). از سوی دیگر جنگ بیولوژیک شیوه‌ای است که برخی از کشورهای بزرگ حداقل در هفت دهه اخیر استفاده از آن را در دستور کار خود قرار دادند که اوج آن به‌کارگیری این شیوه به جنگ آمریکا با ویتنام و پس از آن باز می‌گردد (مهنائی، ۱۳۹۷: ۹۷). همچنین جنگ زیستی (بیولوژیک یا میکروبی) عبارت است از کاربرد عوامل میکروبی اعم از باکتری، ویروس، قارچ، تک‌یاخت‌ها یا فرآورده‌های حاصل از عوامل زیستی که با اهداف خصمانه استفاده می‌شوند (ایزدی، ۱۳۸۸: ۲). جنگ بیولوژیکی را می‌توان «استفاده عمدانه از میکروارگانیسم‌ها و سموم که عموماً منشأ آنها میکروبی، گیاهی یا

حیوانی است، برای بیماری و مرگ در انسان‌ها، احشام و محصولات زراعی تعریف کرد» (داسیلو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹: ۹۹). سلاح‌های بیولوژیکی نیز میکروارگانیسم‌هایی هستند که وارد بدن میزبان می‌شوند و آن را آلوده و در آنجا رشد می‌کنند و باعث بیماری کشنده یا ناتوان ساختن آن می‌شوند (کومار<sup>۲</sup> و دیگران، ۲۰۱۱: ۳۳).

## ۲-۲. سلاح بیولوژیک

سلاح باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی عبارت است از میکروب‌ها، سموم و عوامل بیولوژیک دیگر با هر منشأ یا نحوه تولید (Coppernoll MA, 1999). سلاح بیولوژیک عبارت است از هر نوع وسیله پخش و پرتابه عوامل بیولوژیک نظامی جهت پخش و یا رساندن عوامل بیولوژیک به هدف و آلوده کردن مواد غذایی. سلاح‌های بیولوژیک می‌توانند از یک گلوله تا خمپاره، بمب، موشک و هواپیمای حاوی عامل باشد (کرمی، ۱۳۹۱: ۲۷). در همین زمینه باید گفت استفاده و تولید یک سلاح بیولوژیکی بسیار ارزان‌تر از بمب اتم بوده و بدون هیچ اثر تخریبی بر اماکن و مساکن و بدون گذاشتن ردپا، موجودات زنده (اعم از گیاهان، حیوانات و انسان‌ها) را در گستره وسیعی از پای در می‌آورد و به این دلیل بمب اتمی فقرا نامیده می‌شود (سرلک و خردمند، ۱۳۹۶: ۴۰). وجود موانع و محدودیت‌هایی که استفاده از این عوامل دارند، مانع از استفاده گسترده و روزافزون این عوامل توسط دولت‌ها و گروه‌های مختلف شده است و از طرفی ننگ و بدنامی ناشی از کاربرد این سلاح‌ها موجب فشار بسیار زیاد افکار عمومی بر استفاده‌کنندگان آنها شده و حتی ممکن است این دولت‌ها پایگاه مردمی خود را از دست بدهند (کاظم‌نیا و رستمی، ۱۳۹۰: ۱۷).

## ۲. امنیت

امنیت در زبان فارسی به معنای «آزادی، آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران» بیان شده است (هندیانی، ۱۳۸۶: ۱۲). به نقل از دانشنامه سیاسی، «امنیت» حالت فراغت نسبی از تهدید و یا آمادگی برای رویارویی برای هر تهدیدی است. آنگونه که باری بوزان استدلال می‌کند، مفهوم امنیت فی‌نفسه در کاربرد عامی که در روابط بین‌الملل و دیگر رشته‌ها دارد به نظر می‌رسد که به عنوان یک مفهوم سازمان‌یافته محوری که از سوی سیاستمداران و محققان مورد پذیرش قرار

1. DaSilva

2. Kumar



گرفته است، با ادبیات شدیداً نامنسجمی روبرو است (میرعرب، ۱۳۷۹: ۲). در کل با توجه به فرهنگ لغات مختلف می‌توان چند مفهوم کلی را از امنیت دریافت که عبارتند از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن، رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده است که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد و یا گروهی از مردم احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج داشته باشند (باقری، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

بنابراین این مفهوم دارای ابعاد گسترده‌ای است که از امنیت فردی و گروهی تا امنیت بین‌المللی و جهانی را در بر می‌گیرد و صاحب‌نظران و اندیشمندان مختلفی در این زمینه نظرات متعددی ارائه کرده‌اند. هر چند مفهوم امنیت مانند سایر مفاهیم اساسی و رایج در علوم انسانی نظیر صلح، عدالت و آزادی در معرض تفسیرها و تعبیرهای گوناگون بوده است. باری بوزان امنیت را مفهومی توسعه‌نیافته می‌داند که «دچار طاعون ابهام است». هاگ مک‌دونالد<sup>۱</sup> کوشید ابهام مفهوم امنیت را رفع کند، ولی در نهایت با شکست و ناکامی روبرو شد و اعلام کرد که امنیت «مفهومی نارسا است». آرنولد ولفرز<sup>۲</sup> در مقاله خود که به قول «بوزان» شاید مشهورترین اثر مکتوب در زمینه مفهوم امنیت باشد، امنیت را به مثابه «نماد مبهم» تلقی می‌کند (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵). بخشی از این ابهامات به این دلیل است که امنیت، مفهومی تعریف‌پذیر بر اساس نگرش‌های هر واحد سیاسی تعریف می‌شود.

## ۲-۱. ویژگی‌های معنا و ذات امنیت

معنا و ذات امنیت را باید در پنج ویژگی چرایی، چیستی، ارزش، غایت و موضوع امنیت جستجو کرد. ویژگی پنجگانه امنیت را می‌توان از سه منظر مکتب رئالیسم (نظریه رئالیسم در امنیت)، مکتب ایده‌آلیسم در امنیت و امنیت از نظر اسلام مقایسه کرد.

1. Hog MacDonald

2. Arnold Wolfers

## جدول (۱) - ویژگی‌های معنا و ذات امنیت

| ردیف | ویژگی‌های معنا و ذات امنیت | نظریه رئالیسم در امنیت                                                        | نظریه ایده‌آلیسم در امنیت                                               | امنیت از منظر اسلام                                                                                                    |
|------|----------------------------|-------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | چرایی امنیت                | امنیت احساسی است که ناشی از ناامنی است و تا وقتی ناامنی است امنیت کامل نداریم | امنیت به معنای دفع تنش است و در صورت دفع تنش‌ها امنیت حاصل است          | امنیت در اسلام دارای سطوح مختلفی است که امور معنوی، فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، حقوقی و... را در بر می‌گیرد. |
| ۲    | چیستی امنیت                | ناامنی است که منافع را تهدید می‌کند                                           | تأکید بر وجدان، زمینه‌مندی رفتار، قانون‌گرایی، کمال‌گرایی و وظیفه‌گرایی | پیوند اخلاق و سیاست، تکلیف‌گرایی و قرب‌الهی                                                                            |
| ۳    | ارزش امنیت                 | رفع ناامنی است                                                                | تامین اخلاق، آزادی و صلح                                                | تعادل فطرت و غریزه، تعالی انسان در حیات دنیوی و اخروی                                                                  |





|   |             |                 |                                     |                                             |
|---|-------------|-----------------|-------------------------------------|---------------------------------------------|
| ۴ | غایت امنیت  | بقا (بقای مادی) | ادامه حیات<br>برای تمامی<br>دولت‌ها | رستگار شدن و به<br>معبود رسیدن، قرب<br>الهی |
| ۵ | موضوع امنیت | قدرت‌محور       | عقل‌محور                            | عقل‌محور و<br>شرع‌محور                      |

منبع: (هندیانی، ۱۳۸۶: ۱۹)

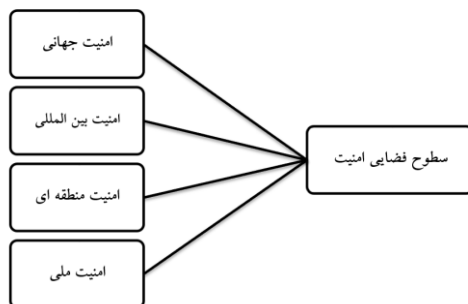
## ۲-۲. امنیت داخلی و امنیت خارجی

اولین نکته‌ای که با اضافه شدن پسوند داخلی به واژه امنیت به ذهن متبادر می‌شود این است که امنیت داخلی مربوط به فضای داخلی کشور است و امنیت خارجی نگاه به بیرون دارد، به عبارت دیگر امنیت داخلی مربوط به براندازی و چالش‌هایی است که از جانب گروه‌های معارض داخلی است که اقتدار حکومت مرکزی را نپذیرفته‌اند و محل آرامش و امنیت در فضای درونی یک کشور هستند. در حالی که امنیت خارجی مربوط به همین تهدیدها است، ولی از سوی کشورها و گروه‌های معارض خارج از سرزمین یک کشور که امنیت و منافع آن را تهدید می‌کنند. به عبارت موجزتر تمایزی بین امنیت داخلی و خارجی وجود دارد. اولی مربوط به براندازی و چالش از جانب گروه‌هایی است که اقتدار دولت را نپذیرفته‌اند، اما دومی مربوط به تهدید دولت‌های دیگر است (لورنس، ۱۳۷۸: ۳۲۳). امنیت خارجی، معطوف به تهدیدات ناشی از کشورهای رقیب یا دشمن است که در مراحل اول همراه با تنش‌هایی در قالب بحران‌های روابط دیپلماتیک، بروز می‌یابند.

## ۲-۳. سطوح فضایی امنیت

امنیت دارای سطوح فضایی مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی با تعاریف گوناگون است. تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز از این سطوح ارائه شده است؛ از جمله تقسیم امنیت به سه سطح فراملی، ملی و فروملی. در ادامه به چهار سطح امنیت یعنی امنیت جهانی، بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی اشاره می‌شود:





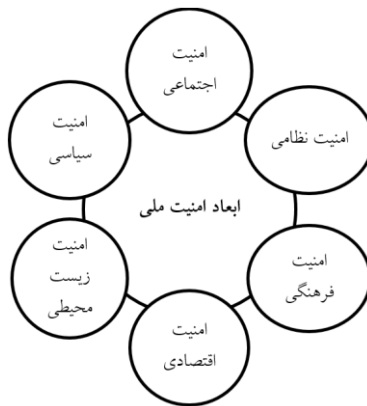
شکل ۱- سطوح فضایی امنیت (رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۶)

## ۴-۲. امنیت ملی<sup>۱</sup>

اصطلاح «امنیت ملی» به پیدایش دولت‌های ملی که با از میان رفتن حکومت‌های ملوک‌الطوایفی، رشد سرمایه‌داری، تشکیل حکومت‌های مردمی در اروپا و سقوط امپراتوری‌های بزرگ شکل گرفتند، مربوط می‌شود. امنیت ملی از ترکیب دو واژه «امنیت» و «ملی» مفهوم جدیدی است که به‌طور عمده بر تهدیدهای نظامی علیه دولت‌ها استوار است. امنیت ملی از مفاهیمی است که عمر چندانی در مباحث سیاسی ندارد. ریشه آن به انقلاب کبیر فرانسه برمی‌گردد؛ زمانی که برای اولین بار واژه‌هایی چون «ملی» و «ملیت»، خلق شد و دارای تعاریف و محدوده‌های خاصی شدند. از این رو بحث امنیت سرزمین و کشور از گذشته دور درباره امپراتوری‌های باستانی و دیگر سرزمین‌ها وجود داشت. وقوع جنگ‌ها بین حکمرانی‌ها دلیل متقنی بر وجود بحث امنیت و ابعاد نظامی و سیاسی آن در روابط میان پهنه‌های سرزمینی است (زارعی، ۱۳۸۴: ۹۰).

### ۴-۲-۱. ابعاد امنیت ملی

امنیت ملی به‌عنوان یک مفهوم گسترده دارای ابعاد و زوایای مختلفی است که هریک از اندیشمندان با توجه به‌نوع دیدگاه به تقسیم‌بندی ابعاد مختلفی برای آن پرداخته‌اند. یکی از تقسیم‌بندی‌های رایج درباره ابعاد امنیت ملی عبارت است: از الف- امنیت نظامی، ب- امنیت سیاسی، ج- امنیت اجتماعی، د- امنیت اقتصادی، ه- امنیت زیست محیطی.



شکل (۲) - ابعاد امنیت ملی (رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۸)

#### ۲-۴-۱. امنیت زیست محیطی

امنیت زیست محیطی<sup>۱</sup> را کمینه سازی فعالانه تهدیدات انسان پایه با توجه به تمامیت کارکردی زیست گره‌ای که در پیوند با مؤلفه‌های انسانی قرار می‌گیرد، تعریف می‌کنند (Barnett, 1997: 16). امنیت زیست محیطی با مسائل و عوامل محیط‌زیست ارتباط دارد که امنیت ملی یک کشور را تهدید می‌کنند. دامنه و ماهیت تهدیدات از طریق عوامل زیست محیطی یک مبحث جدا و مستقل در بحث امنیت ملی است. تصورات مختلف از امنیت زیست محیطی بیشتر ناشی از چهار عامل زیر تبیین شده است: ۱- کاهش حجم و فضای توجه به موضوع محیط‌زیست به عنوان یک علت ناپایدار سیاسی و مبارزاتی، ۲- انحطاط محیط‌زیست که نتیجه یک جنگ است، ۳- انحطاط محیط‌زیست به عنوان تهدیدی برای سلامتی و سالم ماندن بشر، ۴- در آخر تلاش‌هایی است که میزان انحطاط محیط‌زیست را می‌توان با کاربرد قدرت کاهش داد (ربیعی: ۱۳۸۳: ۱۴۹).

#### ۲-۴-۲. تهدیدات علیه امنیت ملی

اصطلاح امنیت ملی به نوعی بازگوکننده تهدیدات و مخاطراتی است که در مفهوم لغوی امنیت ملی مستتر است. تهدیداتی که همیشه در صدد به مخاطره انداختن و از بین بردن امنیت ملی کشورها هستند که بنا به اهمیت و نوع تهدیدکننده‌ها در مراتب مختلفی از سطح خطر آفرین بودن برای

1. Environmental security



امنیت ملی کشورها دسته‌بندی شده‌اند. بر این اساس، «ریچارد اولمان»<sup>۱</sup> درباره تهدیدها علیه امنیت ملی معتقد است: «تهدید علیه امنیت ملی یک عمل یا یک سلسله حوادث است که در مدت زمانی کم‌وبیش کوتاه کیفیت زندگی ساکنان یک کشور را به شدت تهدید می‌کند یا دامنه اختیار یک حکومت یا کشور یا واحدهای خصوصی متعلق به یک کشور را در انتخاب یک سیاست مقتضی به خطر می‌اندازد» (اولمان، ۱۹۸۳: ۱۷).

باری بوزان تهدیدات امنیتی را در پنج بعد مورد بررسی قرار داده است. این ابعاد عبارتند از:



شکل ۳- تهدیدات علیه امنیت ملی (رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۶)

### ۳. تهدیدات امنیتی ناشی از بیوتروریسم

مطابق یکی از تعاریف، یک تهدید بیوتروریستی را حاصل ضرب پیامدهای حمله در احتمال حمله قلمداد می‌کنند (Washington Post, 2014). در این تعریف تهدید بیوتروریستی تابعی از برهم‌کنش میان ارزش و آسیب‌پذیری دارایی‌های قابل دفاع، پتانسیل عوامل بیولوژیکی در آسیب‌رسانی به آنها و قابلیت و مقاصد بیوتروریست‌ها است. با توجه به ارتباط میان مؤلفه‌های فوق، اجزاء موثر در یک تهدید بیوتروریستی به صورت مستقل رفتار نکرده و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. بیوتروریسم و پتانسیل مرگ دسته‌جمعی سلاح‌های بیولوژیک یکی از مفاهیمی است که در سال‌های اخیر مورد توجه مراکز علمی، نظامی و امنیتی قرار گرفته است.

زیرا به طور همزمان قادر است امنیت ملی و سلامت عمومی یک جامعه را با خطر مواجه کند. در دنیای کنونی این یک واقعیت است که برخی از کشورها به دنبال تولید سلاح‌های بیولوژیک هستند تا در مواقع ضروری از آن علیه دشمن و یا رقیب خود استفاده کنند.



## جدول (۲) - تهدیدات امنیتی نظامی و غیرنظامی حمله بیوتروریستی

| شماره | تهدید امنیتی نظامی                             | تهدید امنیتی غیر نظامی                      |
|-------|------------------------------------------------|---------------------------------------------|
| ۱     | ایجاد تلفات سریع در نیروهای نظامی              | ایجاد تلفات وسیع انسانی در کشور هدف         |
| ۲     | بیمار کردن نیروهای حریف به منظور کاهش کارآمدی  | ایجاد آلودگی زیست محیطی و تغییر در اکوسیستم |
| ۳     | آلوده کردن آب و محیط زندگی نیروهای نظامی       | ناتوان سازی و معلول کردن نیروهای کارآمد     |
| ۴     | ناتوان سازی و ایجاد معلولیت در نیروهای نظامی   | مختل کردن نظم اجتماعی و ایجاد آشوب          |
| ۵     | ایجاد اختلال و انحراف در مأموریت های مهم نظامی | ایجاد رعب و وحشت گسترده                     |
| ۶     | ایجاد وحشت برای تضعیف روحیه و کارایی نیروها    | سازماندهی اعتراضات مردمی با محوریت پاندمی   |

منبع: (زرگان و دهنوی، ۱۳۹۵: ۱۰۳)

## ۴. امنیت، پدافند و خطرپذیری

امروزه مقوله امنیت ملی به نحو بارزی ذهن دولتمردان و ملت ها را مشغول ساخته است. این مقوله در هر کشوری به عنوان مهمترین ارزش حیاتی آن کشور مطرح است، به طوری که سایر ارزش ها و منافع ملی را تحت الشعاع قرار می دهد و به عنوان شاخص اصلی و مبنا، در پیشاپیش سایر منافع در سطوح تصمیم گیری های سیاسی مورد توجه قرار گرفته است و تمامی تلاش ها به سوی آن هدایت می شود (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۱). در همین رابطه مک لارن معتقد است درحالی که کلمات ملی و امنیت و نیز معادل آنها در زبان های دیگر، هر دو جز کلمات قدیمی هستند ولی ترکیب آن ها با یکدیگر یک پدیده جدید محسوب می شود (مک لارن، ۱۳۷۹: ۳۳۲).

باید توجه داشت که تأمین امنیت مناطق حساس و حیاتی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی کشور از اهداف اصلی پدافند کشورها است و این محوری ترین کانون اشتراکی است که پدافند غیرعامل را با مفهوم امنیت، سطوح و ابعاد آن مرتبط می کند. البته در کشوری چون ایران و با توجه به تجارب موجود، سامانه پدافند عامل نمی تواند به عنوان یگانه سامانه پدافندی کشور، اهداف امنیتی



را تأمین کند. زیرا هنگامی که طبل جنگ به صدا در می‌آید، مناطق حساس از قبیل ذخایر راهبردی سوخت و یا مواد غذایی، سدها، پل‌ها، کارخانجات مختلف، نیروگاه‌های برق، چاه‌های نفت، بندرگاه‌ها، صنایع نظامی، انبار و ذخایر تسلیحاتی، سیلوها، ایستگاه‌ها و مراکز مخابراتی سایت‌های راداری، فرودگاه‌ها و پایگاه‌های هوایی، پادگان‌ها، پالایشگاه‌ها و ... که در نقاط مختلف کشور و یا بعضی از شهرها قرار دارند قابل مراقبت یا حفاظت با تعداد معدودی از تجهیزات پدافندی که حتی بعضی از آن‌ها نیز برای حفاظت از خود نیاز به رینگ پدافندی ویژه دارند، نیستند (حسنی، ۱۳۸۷: ۹۳). بر همین اساس پدافند غیرعامل به عنوان یکی از ضرورت‌های تأمین و تضمین امنیت ملی مطرح می‌شود که نیاز به توجه ویژه دارد.

#### ۴-۱. پدافند غیرعامل و امنیت ملی

می‌توان ادعا کرد که قدمت پدافند غیرعامل به قدمت تمدن بشری باز می‌گردد. لیکن این موضوع برای نسل‌های بشر به صورت تلاش آنها برای حراست و مراقبت در برابر دشمنان طبیعی و انسانی نمایان شده است و در طول تاریخ تمهیداتی را برای درامان ماندن از این حوادث مدنظر داشته است (ریحانی، ۱۳۹۴: ۲). پدافند غیرعامل به مجموعه اقدام‌هایی گفته می‌شود که نیازمند به کارگیری جنگ‌افزار نبوده و با اجرای آن می‌توان از وارد شدن خسارت‌های مالی به تجهیزات و تأسیسات حیاتی و حساس نظامی و غیرنظامی و تلفات انسانی جلوگیری کرده یا میزان این خسارت‌ها و تلفات را به حداقل ممکن کاهش داد (موحدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۳). همچنین در کتاب فرهنگ دفاعی نیز فقط به این تعریف، اقدام‌های احتیاطی افزوده می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۰۵). پدافند غیرعامل اقدام‌هایی است که با انجام آن‌ها و بدون استفاده از سلاح و درگیری با دشمن، می‌توان پایداری را افزایش و ضایعات و خسارت را تا حد زیادی کاهش داد و در مواردی حتی به صفر رساند (نیازی‌تبار، ۱۳۸۷: ۱۵).

اما پدافند عامل، در حقیقت همان معادل کلمه پدافند است. یعنی به کارگیری تجهیزات نظامی برای جلوگیری از ورود هواپیماهای متخاصم به داخل خاک کشور؛ درواقع پدافند عامل، شامل تمامی طرح‌ریزی‌ها و اقدامات پدافندی است که مستلزم به کارگیری سلاح و تجهیزات جنگی است. اما پدافند غیرعامل، متکی بر تجهیزات و تسلیحات نظامی نیست و به اقداماتی گفته می‌شود که موجب کاهش زیان در مقابل عملیات‌های خصمانه هواپیماهای دشمن و تهدیدات خارجی با هزینه کمتر می‌شود و شامل به کارگیری ترفند و شیوه‌های غیرمسلحانه نظیر استتار، اختفا، ایجاد سرپناه برای تأسیسات مهم و راهبردی می‌باشد.



همچنین پدافند غیرعامل، شامل تمامی طرح‌ریزی‌ها و اقداماتی است که موجب کاهش آسیب‌پذیری‌ها، افزایش پایداری ملی و تداوم فعالیت دستگاه‌های نظامی در مقابل تهدیدات خارجی شده و مستلزم به‌کارگیری سلاح نیست. در پدافند غیرعامل تمام نهادها، نیروها، سازمان‌ها، صنایع و حتی مردم عادی می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند، در حالی که در پدافند عامل مانند سیستم‌های ضدهوایی و هواپیماهای رهگیر، تنها نیروی مسلح مسئولیت بر عهده دارند (ریحانی، ۱۳۹۴: ۲). پدافند غیرعامل، کم‌هزینه‌ترین شیوه دفاع بوده و توان سخت‌افزاری در برابر دشمن را افزایش می‌دهد، اما این امر هنگامی امکان‌پذیر است که دشمن این فضا را برای تهاجم انتخاب کند (بیگدلو، ۱۳۹۰: ۱۴۵). امنیت، در هر زمان معنای خاصی داشته است؛ گاه تنها معنای حفظ جان و صیانت نفس (اندیشه هابز) داشته و زمانی دیگر حفظ اموال و دارایی (اندیشه لاک) به معنای آن اضافه شده است (محمدی‌ده‌چشمه و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶). در دنیای پرتلاطم و پرمخاطره‌ای که از گذشته‌های دور تاکنون فراروی انسان قرار داشته، نیاز به تأمین امنیت یکی از خواسته‌های مهم برای انسان است. امنیت و ایمنی در سلسله مراتب نیازهای انسانی، در مرتبه‌ای بالاتر از سایر نیازها قرار دارد. به‌طوری که مازلو با طرح سلسله مراتب نیازها، ایمنی و امنیت را یکی از نیازهای پایه جوامع بشری دانسته است (ون‌دن‌برگ، ۲۰۰۷: ۱۳۲).

از سوی دیگر امنیت ملی از مؤلفه‌های متعددی برخوردار است و از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به امنیت نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اشاره نمود. هرگاه هریک از مؤلفه‌های یادشده را خطری تهدید نماید، درواقع امنیت ملی تهدید شده است؛ زیرا امنیت کلیتی غیرقابل تفکیک است (تهامی، ۱۳۷۶: ۴۴).

## ۵. قدرت رسانه

قدر مسلم نقش رسانه‌های جمعی در جوامع جهانی در مدیریت بحران کرونا و تهدیدات امنیتی-نظامی آن بسیار کارساز و مؤثر بوده است، به همین دلیل سیاست‌گذاری رسانه‌ای در بسیاری از کشورها با اتکاء به دانش علوم شناختی و تکنیک‌های متعدد رسانه‌ای به‌سمت برنامه‌ریزی صحیح‌تر و دقیق‌تر برای صیانت از نگرش مخاطبان و جهت‌دهی درست آن‌ها به‌سوی واقعیت‌های ناشی از مخاطرات این بیماری مرگبار حرکت کرده است تا در وهله اول از ترس و دلهره‌آفرینی گسترده جلوگیری شود. زیرا زمانی که مردم نگران خود و وضعیت رو به وخامت جامعه‌اند، شاید کمتر توانایی تشخیص خبر درست از نادرست را داشته باشند. به‌ویژه در عصر حاضر که جامعه جهانی با



دیکتاتوری رسانه‌های متعدد و متکثر در فضای مجازی مواجهه است، در چنین شرایطی وجود منبع خبری معتبر و قابل اعتماد یکی از نیازهای ضروری کشورها و ملت‌هاست. هملمن<sup>۱</sup> نماینده سازمان بهداشت جهانی در سوم آگوست ۲۰۲۰ با اذعان به نقش برجسته رسانه‌ها در انتقال اخبار صحیح و سریع و تمرکز بر آموزش مستمر، استمرار نقش گسترده این عامل مهم را در کنترل این بیماری بسیار تعیین‌کننده دانست (هملمن، ۲۰۲۰: ۲). از طرفی دیگر رسانه به‌عنوان ابزار و رکن بلامنازع جهان امروز در همه دوره‌ها به‌ویژه در مواقع بحران، در آگاهی‌بخشی، جریان‌سازی و هدایت افکار عمومی، نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کند. کارویژه‌ای که در صورت توفیق تحقق آن، می‌تواند کمک شایانی به عبور از بحران به‌وجود آمده داشته باشد و اذهان عمومی را برای برخورد و مقابله با وضعیت جامعه آگاه کند. «کرونا ویروس» به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور که خالق پارادایم‌های جدی و جدید در عرصه جهانی بوده است، علاوه بر نیاز برای آگاهی و اطلاع‌رسانی، بر وجوه دیگری همچون زیست دیجیتال و زندگی در شرایط جدید متأثر از آن نیز تأکید می‌کند. ویروسی که شاید بتوان ادعا کرد به‌جهت اثرگذاری بر بخش‌های مختلف و متعدد زندگی بشر، جهان را به پیش و بعد از خود تقسیم می‌کند. با این رویکرد و با توجه به این مهم که رسانه‌ها در دهه‌های اخیر آن‌چنان توسعه یافتند که به بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی بشر مبدل شده‌اند و این جایگاه تا جایی پیش رفته که بحرانی را نمی‌توان بدون حضور رسانه‌های جمعی در آن تصور کرد. در چنین شرایطی نظم رسانه‌ای در پوشش مناسب خبری، تحلیلی و رویدادی، مؤثرترین ابزار برای تقابل جدی با این نوع بحران‌ها هستند.

نقش دوگانه رسانه‌ها در «بحران‌سازی» و «بحران‌زدایی»، «برجسته‌سازی» و «کوچک‌نمایی»، «امیدزایی» و «امیدزدایی» به‌دلیل سرعت در انتقال اخبار، استفاده گسترده از فناوری‌های نوین ارتباطی، توانایی جذب مخاطبان انبوه و مشارکت در فرآیند شکل‌دهی به افکار عمومی سبب شده است که رسانه‌ها به ابزار مهمی برای مداخله در بحران‌ها و کشمکش‌های داخلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شوند. لذا این مباحث در کنار دیگر رویدادهای مؤثر خبری و اطلاعاتی، ضرورت ژئوپلیتیک اطلاعات و قدرت رسانه را گوشزد می‌کند.



## ۶. نتیجه گیری

فرضیه جنگ بیولوژیکی بودن شیوع ویروس کرونا در جهان را برخی رهبران سیاسی و نیز متخصصان علوم پزشکی و سیاسی مطرح کرده‌اند. ایگور نیکولین<sup>۱</sup> دانشمند و زیست‌شناس روس که سابقه فعالیت در کمیته سلاح بیولوژیک روسیه را دارد، نیز مطرح کرده که چینی‌ها از هزاران سال قبل از حیوانات مختلف تغذیه می‌کردند و چرا چنین بیماری‌هایی به‌تازگی به‌وجود آمده و احتمالاً این ویروس ساختگی و یک طرح و درواقع سلاح بیولوژیک آمریکاست. رضیه دیگر این است که انتشار ویروس کرونا به‌مثابه یک «سلاح ژنتیکی» در یک جنگ بیولوژیکی علیه ملت‌های خاصی از جمله ملت ایران استفاده می‌شود. سلاح‌های ژنتیکی روی ژنوم ملت‌ها، نژادها، جمعیت‌ها یا گروه‌های خاص اثر می‌گذارند و متناسب با اهداف آن می‌توانند نتایج مختلفی از معلولیت‌های جسمی یا ذهنی گرفته تا مرگ و نابودی جمعیت خاص مورد نظر داشته باشد. موضوع مطالعه ژنوم انسان نخستین بار در «پروژه ژنوم انسان» مطرح شد که یک برنامه علمی-تحقیقاتی بود که از سال ۱۹۹۹ شروع شد و در ۲۰۰۳ به اتمام رسید و هدف آن، کشف ژن‌های تمام انسان‌ها و تجزیه و تحلیل ساختار DNA انسان و استفاده از آن در بررسی‌های بیولوژیکی و پزشکی بوده است (مؤسسه مطالعاتی ابرار معاصر، ۲۰۲۰). در مقابل، برخی با رد نظریه توطئه و بیولوژیکی بودن ویروس کرونا بر این باورند که این ویروس کاملاً منشأ حیوانی دارد و احتمال جنگ بیولوژیکی بودن آن توسط آمریکا را منتفی است. برای مثال، نشریه پزشکی لنست و متخصصانی از دانشگاه کالیفرنیا یا بنیاد ملی بیماری‌های عفونی در واشنگتن توضیح می‌دهند که این ویروس مانند مورد سارس و مرس، ریشه در حیوان دارد و از حیوان به انسان سرایت کرده و پدیده‌ای طبیعی است (medical journals, the Lancet, 2020).

صرف نظر از بحث امکان یا عدم امکان اثبات ماهیت جنگ بیولوژیک شیوع بیماری کووید - ۱۹، با توجه به تجربه‌های تاریخی اثبات شده و درنظر گرفتن واقعیت فقدان التزام به اصول اخلاقی، الهی و انسانی از سوی کشورهای استعمارگر و سلطه‌گر و بی‌تفاوتی آنها در قبال جان انسان‌ها (خواه شهروندان خود یا شهروندان سایر جوامع)، عقل سلیم بر پیش‌بینی تمهیدات لازم برای مقابله با جنگ‌های بیولوژیک حکم می‌کند. لذا، توجه به سیاست‌های مراقبتی در پیشگیری و به حداقل



رساندن نفوذ این نوع جنگ‌افزارها و مقابله با آن برای پیشگیری از دستیابی به اهداف عملیاتی در این نوع جنگ‌ها موضوعیت می‌یابد.

در میان همه زمینه‌ها و دلایلی که می‌توانند بر روی مدیریت صحیح بحران جهانی کرونا اثر گذار باشد، دو موضوع بسیار حساس نقش محوری دارند. موضوع اول، نقش مدیریت پدافند غیرعامل در سه سطح برخورد اولیه با بحران، شناسایی دلایل اصلی به‌وجود آورنده بحران و تمرکز بر احتمالات اصلی و سپس عملیات پیشگیری و اقدام است که بتواند کلان بحران را از راه‌های شناخته شده مدیریت کند. موضوع دوم، رسانه است که امروزه به دلیل فراگیر شدن رسانه‌های چندوجهی و غیررسمی غیر قابل کنترل، نقش رادیو تلویزیون‌های حاکمیتی برای مدیریت صحیح جامعه و کاهش اضطراب‌های اجتماعی بسیار تعیین کننده است. ویروس کرونا به دلیل عدم اطلاع‌رسانی صحیح که در ابتدای شیوع صورت گرفت، بسیار سریع مرزهای بین‌المللی را در نوردید و فراگیر شد. از سوی دیگر گسترش روزافزون ویروس کرونا در جهان و به‌ویژه ایران به‌خوبی نشان داد که این پاندمی چگونه می‌تواند ضمن درگیر کردن بخش‌های قابل توجهی از نهادهای و ساختارهای دولتی و مردمی، خسارت‌های امنیتی و نظامی خود را نیز متوجه کشورها کند؛ خسارت‌هایی که دست کم می‌توان در صرف بخش زیادی از هزینه، انرژی و توان نیروی انسانی نهادهای نظامی و امنیتی در این حوزه برای کنترل و مقابله با بیماری مشاهده کرد.

حجم بالای خسارت‌های ویروس کرونا به‌ویژه در حوزه‌های امنیتی و نظامی و نگرانی‌هایی که در مورد آینده مدیریت سیاسی کشورها به‌وجود آورد و نیز شیوع شتابان آن در برخی کشورها که عیناً با نمونه‌های تعریف شده در بستر جنگ‌های بیولوژیک و تهدیدات بیوتروریستی منطبق است، فرضیه حمله بیولوژیکی بودن و آزمایشگاهی بودن این ویروس را تقویت کرد.

با توجه به اینکه الگوی جنگ‌های بیولوژیکی بر جنگ‌های نامتقارن استوار است و در این جنگ بر اسلحه‌های کشنده و غیرنظامی تأکید شده است و ویروس کرونا نیز مانند یک اسلحه کشتار جمعی غیرنظامی عمل می‌کند، لذا شباهت‌های فراوانی میان آنچه در جهان و ایران رخ داد با جنگ بیولوژیک به‌وجود آمد.

از آنجا که از جمله مشخصه‌های جنگ‌های بیولوژیکی هدف قراردادن امنیت به‌ویژه امنیت زیست‌محیطی و اقتصادی کشورها و در مجموع تضعیف امنیت ملی کشورها با هدف تحمیل شکست به کشور هدف است، بررسی‌ها در مورد ویروس کرونا نیز از حصول چنین نتایجی پرده برداشته است که به نظر نمی‌رسد، اتفاقی و بی‌ارتباط با جنگ‌های بیولوژیک باشد. به‌طور مثال





ایجاد وحشت به‌منظور تضعیف روحیه و کارایی نیروهای نظامی، ایجاد تلفات سریع در نیروهای نظامی، بیمار کردن نیروهای حریف برای کاهش کارآمدی و ایجاد اختلال و انحراف در مأموریت‌های مهم نظامی در حوزه امنیت نظامی و نیز ایجاد تلفات وسیع انسانی در کشورهای خاص، ناتوان‌سازی و معلول کردن نیروهای کارآمد، مختل کردن نظم اجتماعی و ایجاد آشوب‌های مردمی، ایجاد رعب و وحشت گسترده در میان مردم و سازماندهی اعتراضات مردمی با محوریت پاندمی در حوزه امنیت اجتماعی که از جمله اهداف و تهدیدات مطرح در حوزه جنگ‌های بیولوژیک است، در شرایط گسترش روزافزون ویروس کرونا نیز ملاحظه شد. در هر صورت شیوع گسترده ویروس کرونا در جهان و خسارت‌های سنگین مالی، جانی و معنوی که به ملت‌ها وارد کرد، نگرانی‌های فراوانی را در این رابطه به وجود آورد و حتی در مواردی خصومت میان کشورها از جمله ایران و آمریکا را شدت بخشید.

بر همین اساس و نظر به اینکه سیستم دفاعی پدافند غیرعامل برای چنین نوعی از حمله تدارک دیده شده است، فعال شدن سامانه‌های پدافند غیرعامل با تمام توان و در سطوح سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به‌شدت احساس می‌شود. به دیگر سخن در چنین شرایطی که در بدترین حالت یک جنگ نامتقارن و بیولوژیکی از مدت‌ها پیش آغاز شده و در بهترین حالت احتمال آغاز آن در آینده با کمک گرفتن از ویروس کرونا وجود دارد و این فرایندها هیچ مشابهتی با جنگ‌های نظامی و متقارن ندارد، شایسته است که سامانه‌های پدافند غیرعامل کشورها در بالاترین سطح هوشیاری قرار گرفته و آمادگی کامل برای رفع هرگونه تهدید احتمالی داشته باشند. باید پذیرفت که تهدیدهای جدی برآمده از ویروس کرونا و شیوع گسترده آن می‌تواند امنیت ملی کشورها را با چالش جدی روبه‌رو کند. در چنین شرایطی لازم است که سامانه‌های پدافند غیرعامل کشورها به حالت آماده‌باش درآمده و با مجموعه‌ای از اقدامات غیرنظامی اما دفاعی تلاش شود تا خسارت‌های این جنگ به حداقل ممکن کاهش یابد.

## ۷. پیشنهادهای رسانه‌ای

۱. رسانه‌ها به‌عنوان بزرگترین منبع و مرجع خبر و اطلاع‌رسانی مورد وثوق در رخدادهای بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... مورد توجه جامعه هستند، به‌طوری که کنش‌ها و تصمیمات در این وقایع تحت تأثیر رسانه‌ها انجام می‌شوند و در موارد خاص هم باید تا رسیدن به هدف غایی، موضوع مورد نظر یا سوژه را رصد و مدیریت کنند. در مورد ویروس جهانی کرونا، رسانه‌های

بین‌المللی مانند شبکه‌های برون مرزی صداوسیما جایگاه و کارکرد ویژه‌ای پیدا می‌کند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که مجموعه برنامه‌های مربوط به کرونا در رسانه‌های دیداری، شنیداری و مجازی برون مرزی استمرار یابد.

۲. ویروس کرونا تمام جهان را درگیر خود کرده و خسارات جانی و مالی فراوانی وارد کرده است. با توجه به گستردگی و متفاوت بودن ویروس کرونا، رسانه‌های کشور اعم از رسمی و غیررسمی، حقیقی و مجازی سعی کرده‌اند تا با تولیدات متنوع بیش از پیش سهم خود را برای کاهش تبعات منفی و نابودی این ویروس ایفا نمایند. در این تحقیق تأکید شد که رسانه ملی برای کاهش آثار روانی در فضای مجازی، همچنان در بالاترین سطح فعال باشد. طبیعتاً تقویت برنامه‌ها به لحاظ کمی و کیفی در شبکه‌های برون مرزی، نشانگر اهمیت دادن به سلامتی و امنیت شهروندان ایرانی و غیرایرانی برای جمهوری اسلامی ایران است.

۳. از عملکردهای مهم رسانه‌ها، تولید محتوای کلان با کارکردهای خاص در جامعه است و استمرار برنامه‌های آموزش محور و سازنده درخصوص بیماری کووید-۱۹ در صورت دوام این تهدید بر جوامع بشری است تا با تولید سطوح مختلفی از برنامه‌های تخصصی و آموزشی، رفتارهای اجتماعی را مدیریت و فضای ناسالم مجازی را به نفع آرامش جامعه تغییر دهد. از سوی دیگر با توجه به حجم انبوه اطلاع رسانی و آموزش رسانه‌ها در بسیاری از کشورهای جهان میزان آگاهی مردم درخصوص رهنمودهای بهداشتی در حال افزایش است اما کماکان نیاز است که رسانه‌های رسمی به‌ویژه رسانه ملی برنامه‌های آموزشی خود را در این زمینه افزایش دهند. با توجه به ظرفیت برون مرزی صداوسیما به لحاظ تنوع زبانی و مناطق تحت پوشش، شبکه‌های برون مرزی می‌توانند با برنامه‌های آموزشی جامع و خلاقانه برای جوامع هدف کمتر توسعه یافته، پیوند بین خود و مخاطبانش را مستحکم‌تر کند.

۴. روش‌های رعایت شرایط قرنطینه، فاصله‌گذاری اجتماعی، رعایت بهداشت شخصی و محیطی، روش‌های جلوگیری از ابتلا به این بیماری و راه‌های پیش‌گیری از شیوع ویروس کرونا به دیگر اعضای خانواده از مهم‌ترین موضوع‌های برنامه‌های آموزشی رسانه‌ها هستند. یکی از کارکردهای رسانه‌ها در مبارزه با کرونا حفظ و ارتقای سطح روحی مردم است، چون به دلیل گسترش روزافزون ویروس کرونا میزان نگرانی مردم در مورد این ویروس افزایش یافته و فضای وحشتناکی بر زندگی مردم حاکم شده است.



۵. از آن جایی که بر اساس یافته‌های مراکز پژوهشی، نگرانی و اضطراب، میزان خطر آلوده شدن به ویروس کرونا را افزایش داده و مقاومت بدن را در مقابله با این ویروس کاهش می‌دهد، روحیه‌دهی در بالا بردن میزان مقاومت بدن افراد برای مبارزه با کرونا اهمیت ویژه‌ای دارد. عاملی که رسانه‌ها از طریق برنامه‌های سرگرمی‌ساز می‌توانند موجب آن شوند. عر با توجه به شائبه‌افکنی رسانه‌های رقیب در مورد ضعف پروتکل‌های بهداشتی و درمانی در ایران، پیشنهاد می‌شود رسانه‌های برون مرزی هر چه بیشتر اقدامات سازنده نهادها و مسئولان مربوطه در ایران را به همراه همراهی مردم برای به حداقل رساندن آسیب‌پذیری از کرونا در برنامه‌های مختلف خبری و غیر خبری منعکس کنند.

### منابع و مأخذ

- ایزدی، جلال (۱۳۸۸)، «پدافند میکروبی»، تهران، جزوه درسی دوره عرضی دانشکده ش.م.ه نرجا.
- آر.دی، مک‌لارن (۱۳۷۹)، «مدیریت امنیت ملی: تجربه آمریکا و درس‌هایی برای جهان سوم»، در **امنیت ملی در جهان سوم**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- باقری، علی اکبر (۱۳۸۶)، «خلیج فارس: امنیت منطقه‌ای و اهداف سیاست خارجی ایران»، **فصلنامه معرفت**، شماره ۱۱۵.
- بوزان، باری (۱۳۸۵)، **مردم، دولت‌ها و هراس**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری و ویور، آلی و دو ویلد، پاب (۱۳۸۶)، **چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت**، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیگدلو، مهدی (۱۳۹۰)، «تأثیر پدافند غیرعامل بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبردی دفاعی**، دوره ۹، شماره ۳۴، پاییز، صص ۱۷۹-۱۴۵.
- توکلی، حمیدرضا و دیگران (۱۳۸۴)، «آب، غذا و بیوتروریسم»، **مجله طب پزشکی**، دوره ۷، شماره ۲۳، بهار، صص ۸۲-۷۵.
- تهامی، مجتبی (۱۳۷۶)، **امنیت ملی داکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی**، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- جلالی، غلامرضا (۱۳۹۹)، «کرونا جنگ بیولوژیک اقتصادی است/ هدف، کشتن نیست»، مصاحبه با برنامه تلویزیونی شبکه چهارم سیما.
- حسینی، عساریان (۱۳۸۷)، «راهبرد پدافند غیرعامل در برابر حملات هوایی»، **ماهنامه نگرش راهبردی**، شماره ۹۲، تیرماه داودی‌فرد، مهدی و دیگران (۱۳۹۲)، «روح جنگ بیولوژیک (بیوتروریسم)»، **همایش ملی پدافند غیرعامل در بخش کشاورزی**، آبان ۱۳۹۲.
- ربیعی، علی (۱۳۸۳)، **مطالعات امنیت ملی؛ مقدمه‌ای بر نظریه امنیت ملی در جهان سوم**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

رحیمی، رضا (۱۳۹۷)، «دلایل و زمینه‌های ژئوپلیتیکی شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در جنوب غرب آسیا و آثار آن بر روی امنیت منطقه‌ای (با تأکید بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران)»، رساله دکتری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

ریحانی، فرزانه (۱۳۹۴)، «بررسی پدافند غیر عامل در کشور سوئیس»، **ماهنامه پژوهش ملل**، دوره ۱، شماره ۲، بهمن.

زارعی، بهادر (۱۳۸۴)، **استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

زرقانی، سیدهادی؛ نسیمی، زهرا و خوارزمی، امیدعلی (۱۳۹۷)، «بیوتروریسم و تأثیر آن بر امنیت شهروندان»، **دو فصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری**، دوره ۵، شماره ۱۳، پاییز و زمستان، صص ۳۰-۱۷.

زرگان، جمیل و دهنوی، جلیل (۱۳۹۵)، «تهدیدات بیوتروریسم و راه‌های مقابله با آن با رویکرد پدافند غیرعامل»، **فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)**، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز، صص ۹۱-۱۱۰.

سرلک، احمدرضا؛ خردمند، داوود (۱۳۹۶)، **تهدیدات بیولوژیکی کشورهای آمریکا و اسرائیل و ارائه راهکاری مناسب جهت مواجهه با این تهدیدات در ایران**، تهران: انتشارات مدیریت تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزشی.

کاظم‌نیا، محمدرضا؛ عبدالرضا، رستمی (۱۳۹۰)، **تروریسم و پدافند غیرعامل**، تهران: آبنوس.

کرمی، علی (۱۳۹۲)، «پدافند غیر عامل در جنگ نوین، نقش فناوری‌های نوین»، **فصلنامه پرستار و پزشک در رزم**، شماره ۲۱-۲۲، بهار و تابستان، صص ۳۷-۴۲.

کوررا، گوردون (۲۰۲۰)، «کرونا: چه تغییری در امنیت ملی و جاسوسی ایجاد خواهد شد؟»، قابل دسترسی در: <https://www.bbc.com/persian/world-52154540>

لورنس، فریدمن (۱۳۷۸)، **مفهوم امنیت، گزیده مقالات سیاسی امنیتی**، تهران: مؤسسه پژوهش اجتماعی.

محمدی ده‌چشمه، مصطفی؛ حیدرینیا، سعید و شجاعیان، علی (۱۳۹۰)، «سنجش الگوی استقرار کاربری‌های حیاتی از منظر پدافند غیرعامل در کلان شهر اهواز»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دوره ۴۹، شماره ۴، زمستان.

موحدی‌نیا، جعفر (۱۳۸۸)، **مفاهیم نظری و عملی دفاع غیرعامل**، تهران: معاونت آموزش و نیروی انسانی ستاد مشترک سپاه، مرکز برنامه ریزی و تالیف کتاب‌های درسی.

موسسه مطالعات ابرار معاصر (۱۳۹۸)، **کرونا، سلاح بیولوژیک**، تهران: موسسه مطالعات ابرار معاصر.

مهنانی، مجتبی (۱۳۹۷)، «نقش پدافند غیرعامل در افزایش بازدارندگی در برابر حملات بیولوژیک (مطالعه موردی ویروس آبله)»، **فصلنامه پدافند غیرعامل و امنیت**، دوره ۷، شماره ۲۵، زمستان، صص ۹۵-۱۱۰.

میرعرب، مهرداد (۱۳۷۹)، «نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت»، ترجمه سید عبدالقیوم سجادی، **نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم**، دوره ۳، شماره ۹، تابستان، صص ۱۴۲-۱۳۳.

نیاتی، عزت‌الله (۱۳۸۶)، **پدافند غیرعامل**، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.

نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، **فرهنگ دفاعی - امنیتی**، تهران: سنا.

نیازی‌تبار، حسن (۱۳۸۷)، **پدافند غیر عامل و تسلیحات کشتار جمعی**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

هملمن، کریستف (۲۰۲۰)، **سازمان بهداشت جهانی**، دفتر ایران.

هندیانی، عبدالله (۱۳۸۶)، «بررسی تحولات مفهومی امنیت در محیط امنیتی»، **نشریه دانش نظامی**، دوره ۹، شماره ۳۵، پاییز، صص ۳۰-۹.

Barnett, J (1997), 'Environmental Security: Now What?', seminar, Department of International Relations, Keele University, December 4.

Coppennoll MA (1999), "The Non-Lethal Weapons Debate", **Naval War College Review**, Vol. 52, No. 2, pp. 112-131.





- DaSilva, E. J.,(1999), Biological warfare, bioterrorism, biodefence and the biological and toxin weapons convention. EJB Electronic Journal of Biotechnology, 2 (3).
- Richard H.Ullman, and Fear (Summer 1983),"Redefining Security", "**International Security**", p.133.
- Kumar, A. & et al (2011), Review Paper: Biological Warfare, Bioterrorism and Biodefence. J Indian Acad Forensic Med, (1)
- medical journals, the Lancet (2020), has accused Pope Benedict XVI of distorting science in his remarks on condom
- Van den Berg, L. (2003), The Safe City: Safety and Urban Development in European Cities, Ash Gate Publishing Company.
- The Washington post (2014), Jihadists launched chemical assault. Retrieved from: <https://www.pressreader.com/usa/the-washington>.



## مسئولیت کیفری فردی مقامات عالی رتبه نظامی برای تجاوز سایبری و اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری بر آن (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)

مریم استوار<sup>۱</sup>، محمد پارس‌زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

تمامی نظام‌های عدالت کیفری جهان، مفهوم مسئولیت کیفری افراد را برای نقض هنجارهایی که انجام آنها همراه با مجازات است شناسایی کرده‌اند. بنابراین مسئولیت کیفری فردی، چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین‌الملل کیفری یکی از اصول کلی حقوق است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخگویی به این سوال بوده است: «چه مقامی به‌صورت فردی مسئول تجاوز سایبری است؟» یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که یک حمله شبکه‌ای رایانه‌ای را به‌سختی می‌توان به‌عنوان جرم تجاوز در زمره تجاوزات مطروحه در ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری قرار داد. اما به نظر می‌رسد با توجه به «ماهیت، شدت و گستره» آن حملات، بتوان یک حمله سایبری را به‌عنوان جرم تجاوز و نقض آشکار منشور ملل متحد در دیوان بین‌المللی کیفری مورد رسیدگی قرار داد. با توجه به شرط رهبری موجود در بند ۱ ماده ۸ مکرر اساسنامه، اشخاصی که در سلسله مراتب مختلف نظامی به‌طور موثر این حملات را انجام می‌دهند، جنگجویان سایبری هستند و بر اساس ماده ۸ مکرر اساسنامه از لحاظ کیفری مسئول نخواهند بود، اما مافوق آنها در صورتی که شرط لازم رهبری را دارا باشد، مسئول است. بنابراین مسئولیت کیفری فردی تنها زمانی محقق می‌شود که «شخص، در یک سمت رسمی، کنترل مؤثر خود را بر عمل سیاسی یا نظامی سایبری یک دولت اعمال و یا آن عمل را هدایت کند».

**واژه‌های کلیدی:** تجاوز سایبری، مسئولیت کیفری فردی، صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری، رسانه برون‌مرزی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵

۱. کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، شیراز، ایران.  
maryam\_ostover5414@yahoo.com

۲. استادیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی کازرون، کازرون، ایران.  
mparszadeh@yahoo.com



## ۱. مقدمه

یک حمله شبکه‌ای رایانه‌ای را به سه دلیل به‌ندرت می‌توان به‌عنوان جنایت تجاوز محسوب کرد. دلیل اول اینکه ماده ۸ مکرر اساسنامه، عمل اشخاص خصوصی را در بر نمی‌گیرد، اما اغلب طراحان این حمله را شامل می‌شود. دلیل دوم اینکه یک حمله شبکه‌ای رایانه‌ای تنها در شرایط استثنایی به‌عنوان «عمل تجاوز» در مفهوم بند ۲ ماده ۸ اساسنامه تلقی می‌شود؛ یعنی حمله‌ای که توسط نیروهای مسلح یک دولت انجام می‌شود. دلیل سوم اینکه همانگونه که در بند ۱ ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مقرر شده است، اینگونه حملات را می‌توان به‌عنوان نقض آشکار منشور ملل متحد تلقی کرد (Ambos, 2016: 495). اولین کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در ۳۱ می ۲۰۱۰ در کامپالا، ماده ۸ مکرر اساسنامه که به تعریف جنایت تجاوز می‌پردازد متشکل از دو پاراگراف است که بند اول درباره تعریف جنایت تجاوز و بند دوم درباره مصادیق جنایت تجاوز است. همچنین در تعریف مزبور، چهار نوع از اشکال مشارکت، یعنی طراحی، تدارک، آغاز و اجرای اعمال تجاوز کارانه بیان شده است. در سال ۱۹۵۵، «ژرژسل»<sup>۱</sup> استاد برجسته حقوق بین‌الملل، پیشنهادی در مورد تعریف تجاوز به کمیسیون حقوق بین‌الملل ارائه داد که به موجب آن «تجاوز، یک جنایت علیه صلح و امنیت بشری است. این جنایت بر اثر هرگونه توسل به زور که ناقض مقررات منشور ملل متحد باشد به‌وجود می‌آید، اعم از اینکه هدفش تغییر وضعیت حقوق بین‌الملل موضوعه باشد و یا نتیجه‌اش برهم‌زدن نظم عمومی باشد» (ضیایی‌بیگدلی، ۱۳۸۰: ۲۹).

در سال ۱۹۷۰، مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه معروف به «اعلامیه مربوط به اصول حقوق بین‌الملل در زمینه‌ی روابط دوستانه و همکاری میان کشورها، جنگ تجاوز کارانه را به‌عنوان جنایت علیه صلح که از نظر حقوق بین‌الملل مستوجب مسئولیت است، اعلام داشت» (همان). در رابطه با شرط رهبری موجود در بند اول ماده ۸ مکرر اساسنامه حداقل دو موضوع قابل بررسی است. ابتدا طبق این شرط باید مشخص شود که چه کسانی در حلقه رهبری در یک سمت رسمی می‌توانند به‌طور مؤثر کنترل خود را اعمال نمایند و یا عمل نظامی یا سیاسی یک دولت را هدایت کنند. دوم، ارتباط میان حلقه رهبری و روش‌های کلی مشارکت تحت ماده ۲۵ اساسنامه باید شرح داده شود. بنابراین این مقاله به‌دنبال بررسی این موضوع است که اگر یک حمله شبکه‌ای





رایانه‌ای دولت‌محور منجر به نقض آشکار منشور ملل متحد و به‌عنوان جنایت تجاوز تلقی شود، مسئول آن چه کسانی خواهند بود و مسئولیت کیفری فردی چه زمانی تحقق می‌یابد؟ آیا دیوان بین‌المللی کیفری صلاحیت رسیدگی به اینگونه حملات را دارد؟ برای دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده می‌شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

در خصوص جنایت تجاوز، صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در رسیدگی به آن و مسئولیت کیفری مأموران و مقامات مافوق، مقالات متعددی نوشته شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: مقاله «جنایات بین‌المللی عربستان سعودی در یمن و چگونگی نقش‌آفرینی دیوان بین‌المللی کیفری» کاظمی (۱۳۹۸)، «حمله سایبری به‌مثابه جنایت تجاوز و بررسی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به آن» اسماعیل‌زاده ملاباشی (۱۳۹۶)، «تحلیل رابطه مافوق-مادون به‌عنوان عنصر ساختاری مسئولیت کیفری مقامات مافوق در اسناد بین‌المللی و رویه قضائی» قریشی (۱۳۹۳)، «تعریف، عناصر و شروط اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایت تجاوز» آقایی جنت‌مکان (۱۳۹۰)، «دیوان کیفری بین‌المللی و صلاحیت رسیدگی به جنایت تجاوز» شایگان‌فرد (۱۳۸۷)، «مسئولیت کیفری مأموران عالی‌رتبه دولت‌ها در حقوق بین‌الملل با تاکید بر رای دیوان بین‌المللی دادگستری بین کنگو و بلژیک» حسیبی (۱۳۸۶)، «مسئولیت مأموران مادون و مقامات مافوق در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری» میرمحمد صادقی (۱۳۸۳). نوآوری مقاله حاضر در این است که ابتدا آستانه تجاوز سایبری، حلقه رهبری، شرط رهبری و معیار کنترل مؤثر را شرح می‌دهد، سپس مسئولیت کیفری فردی مقامات عالی‌رتبه نظامی را برای تجاوز سایبری با ذکر رویه‌های قضائی (پرونده‌ی فاربن، پرونده‌ی کروپ و فرماندهی عالی) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. همچنین در این مقاله، پیشنهاد‌های رسانه‌ای در خصوص رویکرد شبکه‌های برون‌مرزی درباره حملات سایبری ارائه می‌شود.

## ۳. چارچوب نظری

مفهوم مسئولیت کیفری فردی مستقیماً در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری مطرح و موجب شد تا پس از جنگ جهانی دوم در منشورهای نورنبرگ و توکیو ظاهر شود (کچوئیان‌فینی، ۱۳۸۸: ۱۱۴۲). ماده ۷ منشور نورنبرگ مقرر می‌کند: «موقعیت رسمی متهمان خواه روسای دولت‌ها یا



ماموران مسئول در بخش دولتی نباید آن‌ها را از مسئولیت بری کند یا باعث تخفیف مجازات آن‌ها شود» (سبحانی، ۱۳۸۹: ۴۰). ماده ۶ منشور دادگاه نظامی توکیو با تغییرات اندکی همین موضوع را تأیید کرده است. بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق مقرر می‌دارد که «سمت رسمی هر شخص متهم، خواه به‌عنوان رئیس دولت یا حکومت یا به‌عنوان مأمور دولتی مسئول نباید چنین شخصی را از مسئولیت کیفری مبری کند یا باعث تخفیف مجازاتش شود» (سبحانی، ۱۳۸۹: ۴۱-۴۰). بند ۲ ماده ۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا نیز حاوی مقررات مشابه اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق است. نهایتاً مسئولیت کیفری فردی در ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری درج و اجرایی شد. بنابراین در قالب نظریه «مسئولیت کیفری بین‌المللی فردی (حقیقی)» در ارتکاب جنایات بین‌المللی با دو دسته اشخاص حقیقی مسئول مواجه هستیم. اول، نظامیانی که مستقیماً مرتکب قتل و جنایت شده‌اند و دوم، سردمدارانی که مجموعه اعمال ارتکاب‌یافته توسط نظامیان تحت امر آن‌ها، یک جنایت خاص بین‌المللی مانند نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و تجاوز را شکل می‌دهد (کاظمی، ۱۳۹۸: ۱۱۹). دسته اخیر را افرادی مانند سران، وزیر جنگ و فرماندهان و مقامات عالی‌رتبه نظامی تشکیل می‌دهند که به‌موجب اصل مسئولیت کیفری بین‌المللی فردی مستحق و متحمل مجازات کیفری هستند. در نتیجه مطابق ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، دیوان تنها درباره جرایم اشخاص حقیقی صلاحیت رسیدگی خواهد داشت (سبحانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

#### 4. آستانه تجاوز سایبری

کارگروه ویژه راجع به جنایت «تجاوز» قبل از انتخاب واژه «آشکار» دو واژه «خطرناک» و «فاحش» را بررسی کردند، اما این دو واژه پذیرفته نشد و سرانجام طرفین مذاکره کننده مصمم شدند تا واژه «آشکار» را انتخاب کنند. زیرا این واژه در حقوق بین‌الملل معنی محسوس و قابل فهمی داشت، درحالی‌که واژه‌های «خطرناک» و «فاحش» بسیار نامحسوس بودند (Miller, 2014: 236-237). در بند ۲ ماده ۴۶ عهدنامه ۱۹۶۹ وین آمده است که: «تجاوز وقتی بارز است که بر کشوری که طبق رویه معمول و حسن نیت در این مورد عمل کرده است، به طور عینی روشن باشد» (Paulus, 2010: 1121). جنایت تجاوز می‌تواند تنها توسط رهبران سیاسی و نظامی ارتکاب یابد و اعمالی که در قالب دفاع مشروع و مجوز شورای امنیت انجام



می‌شود، قابل پیگیری نیستند. بنابراین هر عمل تجاوزی منجر به جنایت تجاوز نمی‌شود، بلکه طبق تعریف باید به منزله نقض آشکار منشور ملل متحد باشد. اگر عمل مزبور توسط شورای امنیت اجازه داده شود یا بر اساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد مجاز باشد، تنها عمل تجاوز است، ولیکن جنایت تجاوز نمی‌باشد و دو شرط نقض منشور و نقض آشکار باید رعایت شود (موسی‌زاده و فروغی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۵۵). بنابراین باید سه شرط در خصوص آستانه حملات شبکه‌ای رایانه‌ای بررسی شود:

«گستره» این‌گونه حملات بدین معناست که متجاوزان تا چه اندازه ابزار و تجهیزات برای طرح‌ریزی و برپایی جنگ استفاده کرده‌اند.

«شدت» یعنی آثار و نتایجی که یک حمله به بار می‌آورد و باعث کشته شدن انسان‌ها و تخریب اموال می‌گردد و سرانجام «ماهیت» تجاوز یعنی آن حمله از چنان ویژگی‌ای برخوردار است که می‌تواند منجر به نقض بارز منشور ملل متحد شود. در نتیجه هر سه عامل «ماهیت، شدت و گستره» برای نقض آشکار منشور ملل متحد ضروری هستند. تجاوز سایبری یا حمله مسلحانه، یک عمل یا مجموعه‌ای از عملیات نظامی مسلحانه است که هم شدت قابل توجهی داشته و هم نتایج آن تخریب و نابودی اساسی عناصر حیاتی دولت قربانی از جمله ساختارهای اقتصادی و امنیتی، تضعیف و از بین بردن اقتدار دولتی و استقلال سیاسی و همچنین قربانی کردن مردم و محروم ساختن دولت از دارایی‌های فیزیکی همچون قلمرو است (اصلانی، ۱۳۹۵: ۱۸۵). معیار اصلی در تعیین اینکه حمله سایبری به آستانه یک حمله مسلحانه رسیده است، تبعات و نتایج قابل پیش‌بینی آن حملات می‌باشد که منجر به ورود صدمات فیزیکی و خسارت به اموال می‌گردد. حملات سایبری به شبکه‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای در صورت داشتن این ویژگی، مصداق تجاوز سایبری یا حمله مسلحانه هستند. تنش‌ها و زد و خوردهای مرزی که در سطح و مقیاس کوچک اتفاق می‌افتند، بیشتر به عنوان حوادث مرزی از آن‌ها یاد می‌شود تا حمله مسلحانه. در نتیجه آستانه تجاوز سایبری با توجه به رویکرد نتیجه‌محوری آن است (اصلانی، ۱۳۹۵: ۲۶۳). یورام دینشتاین<sup>۱</sup> از جمله حقوق‌دانانی است که به رویکرد نتیجه‌محور بودن حملات سایبری اعتقاد دارد. به نظر او از دیدگاه حقوقی دلیلی ندارد که بین ابزارهای فیزیکی و الکترونیکی برای حمله، قائل به تفکیک شد. اگر اقدامات سایبری بتواند نتایج مورد نظر را ایجاد نماید، می‌تواند



حمله مسلحانه قلمداد شود. به نظر او دشواری مسئله در وسیله ارتکاب نیست (چه توپخانه دشمن باشد چه یک سرور رایانه‌ای)، بلکه در میزان و وقوع نتایج است (Dinstein, 2005: 103).

## 5. دستورالعمل تالین<sup>۱</sup> ناتو در خصوص جنگ سایبری

در سال ۲۰۰۹، مرکز عالی همکاری دفاع سایبری<sup>۲</sup> واقع در تالین استونی که در سال ۲۰۰۸ از طرف ناتو به عنوان قطب علمی شناخته شده بود، از گروه بین المللی کارشناسان مستقل جهت نگارش دستورالعملی در خصوص قانون حاکم بر جنگ سایبری دعوت به عمل آورد. دستورالعمل حقوق بین الملل در مورد جنگ سایبری یا دستورالعمل تالین، که از روندی کارشناس محور نشأت گرفته در پی سندی غیرالزام آور جهت بسط قواعد موجود به جنگ سایبری و همچنین تلاش جهت شفاف سازی بیشتر اسناد منتشره شده پیرامون اقدامات سایبری از سوی دولت ها و با توجه خاص به قوانین حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ است. بنابراین دستورالعمل تالین به بررسی حقوق حاکم بر جنگ سایبری پرداخته و به طور کلی در برگیرنده حقوق بر جنگ، حقوق بین الملل حاکم بر توسل به زور از سوی کشورها به عنوان ابزار سیاست ملی، و حقوق در جنگ، حقوق بین الملل تنظیم کننده رفتار درگیری های مسلحانه (که با عنوان حقوق جنگ، حقوق مخاصمات مسلحانه یا حقوق بین الملل بشردوستانه نیز شناخته می شود) است (صلاحی و کشفی، ۱۳۹۵: ۳۶).

تأکید دستورالعمل تالین، در معنای دقیق، بر اقدامات سایبری علیه تجهیزات سایبری، به عنوان مثال به کارگیری اقدامات سایبری علیه زیرساخت های حیاتی یک دولت یا حمله سایبری با هدف سامانه های کنترلی و فرماندهی دشمن است. همچنین این دستورالعمل توسل و تهدید به توسل به زور را در اقدامات سایبری تعریف نموده و هردوی آنان را ممنوع دانسته است. چنین اقداماتی مغایر اصل تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها و همچنین اهداف سازمان ملل تلقی شده اند. تأثیرات و اندازه اقدامات سایبری به جهت اطلاق به توسل به زور و غیرقانونی خواندن آنان را باید با اقدامات غیرسایبری در سطح توسل به زور مقایسه نمود (صلاحی و کشفی، ۱۳۹۵: ۴۰). بنابراین این دستورالعمل را می توان نمونه تقریباً جامعی از جرم انگاری و قانون گذاری در پدیده سایبری در سطح بین الملل دانست (صلاحی و کشفی، ۱۳۹۵: ۳۶).

1. Tallinn Manual

2. Cooperative Cyber Defence Centre of Excellence

## 6. کنوانسیون بوداپست در خصوص جرایم سایبری

شورای اروپا- که در سال ۱۹۴۹ و با هدف ترویج و تقویت همکاری میان کشورهای عضو تشکیل شد- تا به امروز رویکرد منسجم و متمرکزی را در قبال پرداختن به موضوعات مربوط به حوزه امنیت سایبری به‌ویژه جرایم سایبری اتخاذ کرده است. شورای اروپا در گام نخست و در راستای هنجارمند نمودن مباحث مربوط به جرایم ارتكابی در فضای سایبر، اقدام به تدوین و تصویب نخستین معاهده بین‌المللی لازم‌الاجرا با عنوان «کنوانسیون جرایم سایبری» یا «کنوانسیون بوداپست» در سال ۲۰۰۱ کرد و از این طریق سیاست و خط‌مشی کیفری خود را در راستای حمایت از قربانیان جرایم سایبری اعلام نمود. از جمله جرایم سایبری مندرج در کنوانسیون مزبور می‌توان به دسترسی غیرقانونی، مداخله در سیستم و مداخله در داده‌ها اشاره کرد. شایان ذکر است که کنوانسیون مزبور جرم سایبری را با اتکاء بر ابزارهایی همچون سیستم یا شبکه رایانه‌ای توصیف می‌کند. بدین ترتیب، جرایم سایبری شامل طیف وسیع و گسترده‌ای از فعالیت‌های غیر مجاز می‌شود. قواعد کنوانسیون مذکور در واقع با تکیه بر مصادیق جرایم سایبری به‌عنوان افعال و اقدامات مجرمانه و کیفری قابل تعقیب، صرفاً مرتکبین این دسته از جرایم را که اصولاً افراد هستند مورد تعقیب و پیگیری قرار می‌دهد و از این‌رو اقدامات سایبری دولت‌ها داخل در صلاحیت کنوانسیون نمی‌باشد (اصلانی، ۱۳۹۵: ۶۹).

نکته دیگر اینکه برخلاف حملات سایبری، لازم نیست که جرایم سایبری منجر به تخریب شبکه رایانه‌ای هدف شده و یا دارای اهداف امنیتی، سیاسی و ملی باشند. همچنین در حین ارتکاب حمله یا جرم سایبری در واقع نمی‌توان به سادگی تشخیص داد که آیا حمله صورت گرفته مصداق یک جرم سایبری است یا مصداق یک حمله سایبری؛ چرا که هویت و هدف عامل حمله به‌راحتی قابل تشخیص نیست و از این جهت چنین عدم قطعیتی در تشخیص، بر اعمال صلاحیت کنوانسیون و یا عدم اعمال آن و همچنین بر نحوه واکنش به حمله صورت گرفته به‌عنوان یک حمله سایبری یا جرم سایبری تأثیر می‌گذارد. با این اوصاف، کنوانسیون جرایم سایبری شورای اروپا نیز حدود حمله سایبری را مشخص نکرده و صرفاً به بحث جرم‌انگاری مصداقی در سطح ملی به‌عنوان جرایم کیفری قابل ارتکاب توسط افراد و نه دولت‌ها پرداخته است. وجود این کنوانسیون به هر ترتیب می‌تواند نقطه آغاز و چارچوب و مدل مناسبی برای طراحی و تدوین یک سند جامع بین‌المللی جهت غیرقانونی تلقی کردن حملات سایبری باشد (اصلانی، ۱۳۹۵: ۷۰).





## 7. حلقه رهبری و معیار کنترل موثر

برخلاف بند اول ماده ۸ مکرر اساسنامه که شامل یک شخص می‌شود، حلقه رهبری بیش از یک شخص را در برمی‌گیرد. یعنی گروهی از اشخاص که در یک سمت رسمی قرار دارند و تحت رهبری یک دولت، اعمالی را انجام می‌دهند. برپا کردن جنگ‌های تجاوزکارانه نه تنها یک عمل نظامی گروهی را می‌طلبد، بلکه طراحی و برنامه‌ریزی آن عملیات‌ها باید در حلقه رهبری انجام شود. اما چه کسی متعلق به این حلقه رهبری می‌باشد که قادر است یک جنگ تجاوزکارانه را برپا کند؟ حقوق موضوعه دادگاه نورنبرگ معیار «ایجاد یا تاثیرگذاری»<sup>۱</sup> را بیان می‌کند که بر قدرت و نفوذ مجرمان جهت ایجاد یا تاثیرگذاری بر سیاست دولت‌ها متمرکز می‌شود (Ambos, 2016: 497). این معیار توسط گروه کاری ویژه‌ی جنایت تجاوز<sup>۲</sup> شد. این گروه کاری بیان کرد که معیار «ایجاد یا تاثیرگذاری» گسترده‌تر از معیار کنترل موثری است که بعداً در ماده ۸ مکرر اساسنامه اتخاذ می‌شود. معیار کنترل موثر عناصر مختلفی را در بر می‌گیرد که برای ارزیابی دقیق اشخاص متعلق به حلقه رهبری مناسب می‌باشد (Ibid: 498). در ابتدا، این معیار بر کنترل موثر ماموران دوفاکتو تاکید می‌کند و می‌تواند به‌وسیله تئوری‌های پیشرفته کنترل که در رابطه با ارتکاب غیرمستقیم و دکترین «مسئولیت سران» است، ایجاد شود. بنابراین، ماموران عالی‌رتبه نظامی باید نه تنها قدرت ماموران دوزوره بلکه قدرت ماموران دوفاکتو را نیز در اختیار بگیرند و بتوانند کنترل نهایی یا هدایت خود را بر اعمال نظامی یا سیاسی آنها اعمال دارند. دوم، این اشخاص باید «کنترل» یا «هدایت» خود را بر عمل نظامی یا سیاسی یک دولت اعمال کنند. «کنترل» به وظایف نظارتی مافوق در زمینه دکترین «مسئولیت سران» (مسئولیت ترک فعل یعنی فقدان یک نظارت مناسب) مربوط است. در خصوص «هدایت»، مرتکب نقش فعال‌تری را بازی می‌کند. یعنی به‌صورت فعال، عمل تجاوز را هدایت می‌نماید. سوم، «کنترل موثر» به عمل نظامی یا سیاسی دولت مربوط می‌شود. یعنی کنترل سیاست تجاوزگرانه یا اجرای این سیاست در راستای یک برنامه نظامی، کفایت می‌کند. چهارم، معیار کنترل موثر، شخصیت‌های مهم و برجسته غیر سیاسی را مستثنی نمی‌کند حتی اگر آنها در محدوده آن استاندارد، کنترل کافی را اعمال دارند (Ibid). بنابراین اشخاصی که به حلقه رهبری تعلق داشته باشند، طبیعتاً باید کنترل موثر خود را اعمال کنند، همچنین اشخاصی که خارج از این حلقه قرار دارند ممکن است با چنین

1. Shape or Influence

2. The Special Working Group on the Crime of Aggression



کنترل موثری سروکار داشته باشند و تنها به خاطر ارتکاب جرم تجاوز متحمل مسئولیت شوند. در پرونده کروپ گروهی از اشخاص به دلیل ارتکاب جنایاتی علیه صلح و مشارکت در توطئه نازی‌ها متهم شناخته شده بودند؛ ولی در نهایت تبرئه همه متهمان در پرونده‌های کروپ و فاربن با توجه به جنایات‌های انجام گرفته علیه صلح مشخص می‌کند که اثبات مسئولیت شخصی افرادی که به حلقه رهبری یک رژیم جنایتکار متعلق نبودند، تا چه حد سخت و دشوار است. در پرونده فاربن تبرئه متهمان به دو دلیل صورت گرفت: اول این که آن‌ها تأثیر واقعی بر سیاست‌های تجاوزگرانه اعمال نکرده بودند، دوم آن‌ها از برنامه‌های تجاوزگرانه هیتلر آگاهی نداشتند. در پرونده کروپ، مسئله تقصیر شخصی اهمیت داشت، ولی این موضوع به اندازه کافی مورد بررسی قرار نگرفت (Farben case, 1952). نهایتاً اثبات این که آیا اشخاص موجود در حلقه رهبری کنترل کافی بر سیاست تجاوزگرانه‌ای که مستلزم آگاهی لازم باشد، را اعمال می‌کنند یا خیر، بسی سخت و دشوار است.

#### ۱-۷. پرونده فاربن<sup>۱</sup>

در فاربن، ۲۴ نفر از اعضای هیئت مدیره برای طرح‌ریزی، آماده‌سازی، آغاز و برپایی جنگ‌های تجاوزکارانه و همچنین به دلیل مشارکت در یک طرح مشترک یا توطئه و ارتکاب جنایت علیه صلح متهم شناخته شدند. تولید انبوه لاستیک مصنوعی، گازولین، فلزات سبک، مواد منفجره و سلاح‌های شیمیایی برای برنامه‌های تجاوزکارانه نازی‌ها کاری خطرناک و حساس بود. قاضی هربرت<sup>۲</sup> بیان کرد که «فاربن به طور گسترده زمینه تولید مواد خام را ایجاد کرده و اگر این کار انجام نمی‌شد، دادگاه نمی‌توانست به طور جدی چنین سیاستمدارانی را به برپایی جنگ تجاوزکارانه متهم سازد» (Farben case, 1952: para 1216). با این حال، دادگاه نظامی نورنبرگ همه متهمان را تبرئه کرد (Ibid: para 1206- 1209). دادگاه از یک طرف به طور صریح میان برپایی جنگ تجاوزکارانه و طرح‌ریزی، آماده‌سازی یا آغاز جنگ تمایز قائل شده بود. از طرفی دیگر نتوانست متهمان را به برپایی جنگ تجاوزکارانه محکوم کند زیرا آنها به عنوان مجری، نه یک رهبر، در اجرای طرح‌های توطئه‌آمیز نازی‌ها مشارکت داشتند. به عبارت دیگر،

1. Farben case

2. Herbert



متهمان، در حکومت داخلی نه جزء مقامات برجسته و عالی‌رتبه و نه از افسران نظامی رده بالای دولتی بودند (Heller, 2007: 483).

## ۲-۷. پرونده کروپ<sup>۱</sup>

در این پرونده، ۱۲ مقام عالی‌رتبه کارخانه کروپ به دلیل ارتکاب جنایت علیه صلح و مشارکت در یک طرح مشترک یا توطئه محکوم شده بودند (Krupp case, 1952: para 391). کروپ یک کارخانه سازنده توپخانه، زره‌های جنگی، تانک‌ها و زیردریایی‌های آلمان در طول جنگ جهانی دوم و یکی از مهمترین مشارکت‌کنندگان در جنگ آلمان بود (Ibid: para 404). علیرغم این موضوع، دادگاه نظامی نورنبرگ حکم تبرئه متهمان این جنایت را در پرونده «پیگرد قانونی»<sup>۲</sup> صادر کرد. دادگاه سوالی را مطرح کرد: «آیا می‌توان متهمان را به دلیل انجام جنایت‌هایی که قبل از اول سپتامبر ۱۹۳۹ صورت گرفته بود و اینکه آگاهانه در توطئه نازی‌ها جهت برپایی جنگ تجاوزکارانه مشارکت داشته و به پیشبرد جنگ و تهاجم کمک کرده‌اند، محکوم کرد؟» (Ibid). دادگاه اظهار داشت که «متهمان، شهروندان خصوصی و غیرجنگجو بودند و هیچ‌یک از آن‌ها از سیاستی که دولیشان را به سمت یک جنگ تجاوزکارانه پیش می‌برد اطلاعی نداشته و در اجرای آن توطئه مشارکت نداشته‌اند، همچنین هیچ‌کدام کنترلی بر جنگ تجاوزکارانه یا بر نیروهای مسلح اعمال نکرده‌اند» (Ibid: para 449). با این حال متهمان به دلیل عدم آگاهی از برنامه‌های تجاوزکارانه نازی‌ها تبرئه شدند و نه به دلیل مستثنی کردن آن‌ها از ارتکاب جنایت به عنوان یک موضوع حقوقی در سیمت بازیگران خصوصی اقتصادی.

## ۸. شرط رهبری و مسئولیت کیفری فردی مقامات عالی‌رتبه نظامی

ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یک ماده اساسی در بررسی روش‌های مشارکت است. بر این اساس می‌توان گفت که مشارکت برای اشخاصی به کار می‌رود که در یک سیمت رسمی به طور موثر کنترل خود را بر عمل نظامی یا سیاسی یک دولت اعمال می‌کنند و یا آن عمل را هدایت می‌نمایند. این اشخاص باید اساساً به حلقه‌ی رهبری تعلق داشته باشند. بنابراین آن‌ها از لحاظ کیفری ممکن است با توجه به بند ۳ ماده ۲۵ اساسنامه مسئول شناخته شوند (Ambos, ۲۰۰۹: ۱۰۰).

1. Krupp case

4. Prosecution





502: 2016). حال اگر میان ارتکاب جرم و مشارکت در جرم تمایز وجود داشته باشد، باید گفت که جرم تجاوز باید براساس مرتکبان اصلی آن جرم تعیین شود، نه با توجه به شرکای جرم. به عبارت دیگر، شرط رهبری نه شامل اشخاصی می‌شود که متعلق به تراز رهبری نیستند و از مسئولیت معافند و نه شرکای جرم با وجود اعمال کنترل کافی. اشخاص متعلق به حلقه رهبری با اعمال کنترل موثر کاملاً مشمول بند ۳ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری هستند. این بدان معناست که در پیرامون حلقه رهبری، تفاوت کلاسیک میان ارتکاب جرم و مشارکت در جرم وجود دارد. ممکن است مرتکبان اصلی جرمدر یک سمت رسمی با شرکای خود همکاری داشته باشند و یا آن‌ها با تسلط بر زیردستان خود به‌طور غیرمستقیم جرمی را مرتکب شده و یا آن اشخاص را به انجام جرم، تحریک و ترغیب نمایند. در هر صورت مسئولیت کیفری مرتکبان اصلی جرم محرز است (Ibid).

مسئولیت کیفری فردی برای جرم تجاوز شامل عنصر مادی و عنصر روانی است. بنابراین اشخاص موجود در حلقه رهبری که در برنامه‌های یک جنگ تجاوزگرانه مشارکت دارند، در صورتی که اعمالشان برخلاف قواعد حقوق بین‌الملل و از روی آگاهی و قصد باشد، مسئولیت کیفری آن‌ها محرز خواهد بود. قطعنامه ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نمونه‌های خاصی از اعمال تجاوز را فهرست‌بندی و تعریف تجاوز را به‌صورت جدی دنبال کرد. بند ۲ ماده ۵ قطعنامه مقرر می‌دارد که «یک جنگ تجاوزگرانه جنایت علیه صلح بین‌المللی است و منجر به مسئولیت بین‌المللی می‌شود» (Hajdin, 2015: 21). ماده ۱ قطعنامه یک تعریف کلی از تجاوز را ارائه می‌دهد: «تجاوز عبارت است از استفاده از نیروهای مسلح یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا در هر حالت دیگری که با منشور سازمان ملل متحد ناسازگار باشد<sup>۱</sup>». ماده ۳ قطعنامه همچنین فهرستی از اعمال تجاوزکارانه را تهیه می‌کند که شامل «تهاجم یا حمله، بمباران سرزمین دولت دیگر، محاصره بنادر یا سواحل یک دولت توسط نیروهای مسلح دولت دیگر» است<sup>۲</sup>. هر یک از این اعمال صرفنظر از اعلام جنگ، باید مطابق با قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی به‌عنوان یک عمل تجاوز تعیین شوند. پایه و اساس قطعنامه ۱۹۷۴، منشور ملل متحد است که چارچوب تعریف عمل تجاوز را ایجاد می‌کند. فهرست

1. Art 1 of the "Definition of Aggression", annexed to the 1974 Resolution

2. Art 3 of the "Definition of Aggression", annexed to the 1974 Resolution



ذکر شده در ماده ۳ قطعنامه در هدایت شورای امنیت برای تصمیم‌گیری در خصوص استفاده نادرست از زور که منجر به اعمال تجاوزکارانه می‌شود، به کار گرفته شده است.

بند ۱ ماده ۸ مکرر اساسنامه در تبیین عنصر مادی مقرر می‌دارد: «جنایت تجاوز یعنی برنامه‌ریزی، آمادگی، شروع یا اجرای یک عمل تجاوزکارانه». اعمال تجاوزکارانه نیز اعمالی هستند که در قسمت دوم بند ۲ ماده ۸ مکرر احصا شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که عنصر مادی جنایت تجاوز عبارت است از: «برنامه‌ریزی، آماده‌سازی، شروع یا اجرای یکی از اقدامات دارای کیفیات تجاوزکارانه». در ماده مذکور، شروع به اجرای هریک از اقدامات دارای کیفیات تجاوزکارانه نیز برای تحقق جنایت تجاوز کافی دانسته شده است. بنابراین تمام مصادیق مذکور در بند یک و دو ماده ۸ مکرر از نوع فعل مثبت مادی هستند (آقای جنت‌مکان، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۷۲). مسئولیت کیفری فردی در تعریف قطعنامه ۱۹۷۴ در خصوص تجاوز گنجانده نشده است. در ابتدا قطعنامه به سمت مسئولیت دولت‌ها متمایل شده بود ولی هیچ عاملی در خصوص عنصر معنوی جرم تجاوز در تعریف وجود نداشت. بنابراین نمی‌توان این تعریف را اساس تعیین مسئولیت کیفری فردی در رابطه با جرم تجاوز دانست (Hajdin, 2015: 22).

در دوره قبل از کنفرانس کامپالا، رای دادگاه نظامی بین‌المللی یک منشا اساسی در رابطه با مسئولیت کیفری فردی برای جرم تجاوز بود. این دادگاه اعلام کرد که عنصر روانی به‌همراه عنصر مادی بخش اساسی جرم تجاوز را تشکیل می‌دهند. کریانگساک کیتی چایساری<sup>۱</sup> تصریح کرد که عنصر معنوی جرم تجاوز شامل قصد و آگاهی از عمل تجاوز است (Kittichaiseree, 2001: 221). او پرونده «فرماندهی عالی»<sup>۲</sup> را به‌منظور اثبات دیدگاهش بیان کرد. دیوان نظامی آمریکا بیان داشت که «اشخاصی که به ارتکاب جرم تجاوز متهم شده‌اند، باید از جنگ تجاوزگرانه که در شرف وقوع است آگاهی داشته و یا اینکه اگر جنگی قرار است آغاز شود بتوان آن را یک جنگ تجاوزگرانه محسوب کرد. به‌علاوه آن اشخاص بعد از کسب آگاهی باید در یک موقعیت رسمی با ایجاد یا تاثیرگذاری بر سیاست تجاوزگرانه یک دولت باعث شروع و برپایی جنگ شوند که در این صورت می‌توان آن‌ها را از لحاظ کیفری مسئول دانست و یا ممکن است مانع از اجرا یا خنثی‌سازی چنین سیاست تجاوزگرانه‌ای شوند که عمل آن‌ها با توجه به چنین سیاستی فقدان قصد کیفری می‌باشد» (High Command case, 1950).

1. Kriangsak Kittichaiseree

2. HighCommandCase



ماده ۳۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری جز در موارد استثنایی، قصد و علم را همراه با عنصر مادی جرم ضروری می‌داند. بنابراین برای ارتکاب جنایت تجاوز و اقدامات تجاوزگرانه وجود قصد و آگاهی از این اعمال ضروری است. همچنین بند ۴ از عناصر جنایت تجاوز از ضمیمه‌ی دوم اصلاحات عناصر جرائم ماده ۸ مکرر، به وجود آگاهی از اقدامات تجاوزکارانه اشاره کرده: «مرتکب از شرایط و اوضاع و احوال واقعی که مغایرت چنین استفاده‌ای از یک نیروی مسلح را با منشور ملل متحد مسلم می‌دارد، آگاهی داشته باشد» (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۰: ۱۷۳). تاکید بر این موضوع حائز اهمیت است که وقوع عمل تجاوزگرانه به‌صورت اتوماتیک منجر به مسئولیت کیفری اشخاصی که در اینگونه اعمال مشارکت دارند، نمی‌شود (Ambos, 2011: 482). حداقل وجود سه شرط برای تحقق چنین مسئولیتی لازم و ضروری است. در ابتدا ضابطه-های ماهیت، شدت و گستره عمل تجاوزگرانه باید تا حدی باشد که بتوان آن را نقض آشکار منشور ملل متحد دانست. دوم معیار «کنترل یا هدایت» مؤثر باید توسط فرماندهان و مقامات عالی‌رتبه نظامی یک دولت اعمال شود. نهایتاً برای تحقق مسئولیت کیفری باید مشارکت و دخالت آن اشخاص در طرح‌ریزی، آماده‌سازی، آغاز یا اجرای عمل تجاوزکارانه به اثبات رسیده باشد (Sayapin, 2014: 257). درحالی‌که عمل تجاوزگرانه در قطعنامه مجمع عمومی تعریف شده بود ولی حداقل دو نوآوری در بند ۱ ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری وجود داشت (Ambos, 2011: 466-467). اول این‌که برای تحت تعقیب قرار دادن متهمان به دلیل ارتکاب جرم تجاوز، باید آستانه‌ای با توجه به ماهیت، شدت و گستره عمل تجاوز مشخص شود تا بتوان عمل تجاوز را نقض آشکار منشور ملل متحد تلقی کرد. نوآوری دوم این بود که جرم تجاوز باید تنها به‌وسیله اشخاصی انجام شود که در یک موقعیت رسمی کنترل خود را بر سیاست دولت اعمال و یا آن را هدایت می‌کنند که در این صورت موجبات مسئولیت کیفری آن‌ها فراهم می‌شود. با توجه به رای دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، قضات معتقد بودند که افسران رده‌پایین دولتی را نباید مسئول جرم تجاوز تلقی کرد. زیرا آن‌ها فاقد عنصر معنوی جرم هستند (Heller, 2007: 478).

در نتیجه، سربازان عادی را نمی‌توان مسئول جرم تجاوز دانست (Gillet, 2013: 860). یعنی آن‌ها در اکثر پرونده‌ها با توجه به موقعیتشان از قصد و نیت تجاوزگرانه فرماندهان عالی‌رتبه خود آگاهی نداشتند. در قرن نوزدهم، سرباز، ابزاری مثل سایر آلات جنگی محسوب می‌شد،



بنابراین وظیفه‌ای جز اطاعت کامل از اوامر مافوق نداشت. این‌ها در کتاب خود تحت عنوان «حقوق بین‌الملل»، که برای اولین بار در سال ۱۹۰۶ چاپ شد، گفت که تنها فرماندهان به دلیل نقض مقررات جنگی مسئولیت کیفری دارند و سربازان، چون چاره‌ای جز اطاعت ندارند، مسئولیتی نیز در این باره نخواهند داشت (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۳: ۲۰۴). بنابراین معمولاً تنها افسران و مقامات عالی‌رتبه از برنامه‌های تجاوزگرانه یک دولت آگاهی دارند و می‌توانند مسئول آن اعمال باشند.

در خصوص تجاوز سایبری یا حملات مسلحانه که توسط یک دولت هدایت می‌شود، مسئولیت کیفری فردی به اشخاصی که در یک سمت رسمی متعلق به حلقه رهبری هستند و هدایت و کنترل موثر خود را بر سیاست تجاوزگرانه دولت اعمال می‌دارند، تعلق می‌گیرد و مسئولیت کیفری آنها محرز است. ولی ممکن است آن‌ها در مورد یک حمله شبکه‌ای رایانه‌ای هیچ اطلاعی نداشته باشند و یا آگاهی ناچیزی داشته باشند و هدایت آن‌ها در حد صادر کردن یک دستور جهت برپا کردن یک حمله شبکه‌ای رایانه‌ای باشد، همچنین این امکان وجود دارد که آن‌ها نتوانند به درستی آن حمله را به دلیل فقدان قابلیت‌های فنی، تحت هدایت و نظارت قرار دهند (Ambos, 2016: 503). شخصی که در یک سمت رسمی دستور انجام یک عمل تجاوزگرانه را صادر و به‌طور موثر کنترل خود را بر آن عمل اعمال می‌کند، لازم نیست تا از جزئیات تکنیکی ابزار و وسایل مورد استفاده جهت اجرای دستوراتش، اطلاع داشته باشد. کافی است که فقط اطمینان حاصل کند که فرمان و دستورش تمام و کمال اجرا خواهد شد و نتایج زیان‌باری برای اهداف مورد نظرش خواهد داشت (Ibid: 504). یک مقام عالی‌رتبه ممکن است حتی نگران و دلوایس انجام آن اقدام تجاوزگرانه هم نباشد، بدین معنی که از انجام چنین حمله‌ای توسط زیردستان خود مطمئن است. از طرفی ممکن است حتی اتخاذ تصمیم در خصوص صادر کردن دستور حمله به هدف مورد نظر و به بار آوردن خسارات گسترده با هر وسیله ممکن را به زیردستان خود محول کند. بنابراین مسئولیت کیفری فردی مقامات عالی‌رتبه بستگی به ابزار مورد استفاده جهت اجرای دستورات یا آگاهی از جزئیات به‌کارگیری آن ابزار با توجه به پیامدهای زیان‌بار آن‌ها ندارد. از طرف دیگر ارزیابی و در نظر گرفتن عنصر معنوی در حملات شبکه‌ای رایانه‌ای معمولاً دشوار و به راحتی امکان‌پذیر نیست، به‌خصوص این موضوع بیشتر در مواردی



صدق می‌کند که بعضی عواقب خاص قصد می‌شود ولی عواقب دیگری که طی آن جریانات نیز به طور عادی دور از انتظار نیست، رخ می‌دهد. حال سوالی که در این جا مورد توجه قرار می‌گیرد این است که آیا افراد برای عواقب قصد نشده‌ای که از حملات ناشی می‌شوند، مسئول هستند؟ به عبارت دیگر عواقب مذکور مورد قصد حمله کنندگان نبوده‌اند ولی این‌گونه عواقب در آن حملات قابلیت پیش‌بینی را داشته‌اند. آیا شدت در این عواقب باعث آشکار بودن عمل تجاوز می‌شود؟ به نظر می‌رسد در این‌گونه موارد اگرچه ماهیت آن اقدام با خود عواقب وخیمی به همراه دارد ولی عنصر معنوی به طور خاص باید وجود داشته باشد (اسماعیل‌زاده ملاباشی، ۱۳۹۶: ۵۹-۶۰). نگارندگان بر این باورند که با توجه به شرط رهبری، اگر شخصی دارای یک موقعیت رسمی باشد و به‌طور موثر برنامه‌های سیاسی و نظامی دولت را کنترل و یا هدایت نماید، می‌توان او را از لحاظ کیفری مسئول دانست. اگرچه ارزیابی عنصر معنوی در حملات شبکه‌ای رایانه‌ای دشوار و به‌راحتی امکان‌پذیر نیست ولی می‌توان گفت که وجود این عنصر به همراه عنصر مادی برای تحقق مسئولیت کیفری فردی مقامات عالی‌رتبه نظامی برای انجام جرم تجاوز سایبری لازم و ضروری است. بنابراین تنها مقامات عالی‌رتبه نظامی را می‌توان شخصاً مسئول دانست. زیرا تنها آن‌ها هستند که از برنامه‌های تجاوز کارانه دولت آگاهی دارند.

## 9. صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در رسیدگی به جرم تجاوز سایبری

دیوان بین‌المللی کیفری اولین و در حال حاضر تنها دیوان بین‌المللی است که صلاحیت رسیدگی به جرایم بین‌المللی را دارد. مطابق با اساسنامه این دیوان، صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری محدود به شدیدترین جرایمی که قابل انتساب به اشخاص هستند، است. به موجب ماده ۵ اساسنامه، دیوان نسبت به رسیدگی به ۴ جرم صلاحیت خواهد داشت: ۱- نسل‌کشی (کشتار جمعی) ۲- جرائم علیه بشریت ۳- جرائم جنگی ۴- تجاوز ۴. با وجود این، اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد تمایلی به قراردادن جنایت تجاوز در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری را نداشتند زیرا بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد وظیفه حفظ و برقراری صلح و امنیت

- 
1. Genocide
  2. Crimes against humanity
  3. War crimes
  4. Aggression



بین‌المللی و جلوگیری از تجاوز و احراز آن با شورای امنیت بود و اعضای دائم شورای امنیت تمایلی به واگذاری اختیارات خود به دیوان بین‌المللی کیفری نداشتند (اسماعیل‌زاده ملاباشی، ۱۳۹۶: ۴۷).

در کنفرانس رم، نیز پافشاری و استدلال کشورهای نظیر جمهوری اسلامی ایران، هند و مکزیک در مخالفت با صلاحیت شورای امنیت نسبت به رسیدگی یا تشکیل دادگاه رسیدگی کننده از سوی شورای مزبور به این راه‌حل بینابینی منجر شد که صلاحیت دیوان نسبت به رسیدگی به جرم تجاوز شناسایی شود. سرانجام اعمال آن موکول به تعریف تجاوز شد (شریعت‌باقری، ۱۳۷۷: ۸۶). به منظور ایجاد تعادل بین دیدگاه‌های مختلف کشورها در مورد صلاحیت دیوان در رسیدگی به جرایم مربوط به تجاوز، نهایتاً مطابق با ماده‌ی ۵ اساسنامه رم صلاحیت رسیدگی به این جرم به دیوان واگذار گردید ولی تعریف جنایت تجاوز به آینده موکول شد (اسماعیل‌زاده ملاباشی، ۱۳۹۶: ۴۷). در کنفرانسی که در سال ۲۰۱۰ کامپالا به منظور بازنگری اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تشکیل شد، اعضای شرکت کننده در کنفرانس مذکور تصمیماتی را در خصوص تعریف عمل متجاوزانه و جنایت تجاوز اتخاذ نمودند و صلاحیت رسیدگی دیوان به جرم مذکور را به طور بالقوه حتی در صورتی که شورای امنیت موضوعی را به دیوان ارجاع نماید، در نظر گرفتند (همان: ۵۱). مطابق با ماده ۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مقرر شده که دیوان زمانی صلاحیت خود را در مورد جنایت تجاوز اعمال می‌کند که مقرره‌ای مطابق با مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ اساسنامه دیوان در خصوص تعریف جنایت تجاوز تصویب شود و شرایطی که وفق آن دیوان در خصوص این جرم اعمال صلاحیت می‌کند، مشخص شود. ضمن اینکه مطابق با ماده مذکور چنین مقرره‌ای باید با مقررات مربوطه در منشور ملل متحد سازگار باشد (همان: ۴۹). از یکسو مطابق مفاد صریح ماده ۲۴ منشور ملل متحد، شورای امنیت به‌عنوان مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، در احراز وقوع عمل تجاوز دارای اولویت و تقدم است و از سوی دیگر در صورت امتناع شورای امنیت از احراز وقوع عمل تجاوز، رسیدگی دیوان کیفری به جنایت تجاوز با بن‌بست مواجه می‌شود (شایگان‌فرد، ۱۳۸۷: ۲۷۳).

بنابراین به‌منظور ایجاد راه‌حلی متعادل، که هم از یک‌سو امکان عملی برای انجام وظایف دیوان بین‌المللی کیفری در رسیدگی به جنایت تجاوز را فراهم کند و هم از سوی دیگر با مقررات منشور ملل متحد در مورد مسئولیت اولیه و اصلی شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی



هماهنگ باشد، طرح‌های متعددی<sup>۱</sup> در جریان کنفرانس رم و نیز در نشست‌های متعدد کمیسیون مقدماتی برای دیوان توسط نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده، مطرح شد. در هر کدام از این طرح‌ها دیوان بین‌المللی کیفری در صورت وصول شکایت در مورد تجاوز، ابتدا به مسئولیت اولیه و اساسی شورای امنیت توجه کرده و در خصوص این که آیا این شورا وقوع عمل تجاوز را احراز کرده یا خیر تحقیق و تفحص خواهد نمود، سپس در صورت عدم احراز عمل تجاوز و عدم اتخاذ تصمیم در این مورد توسط شورا، دیوان کیفری باید به شورای امنیت موضوع را اطلاع داده و درخواست اتخاذ تصمیم مقتضی توسط شورا را از آن بنماید (همان).

اگر شورای امنیت وقوع عمل تجاوز را احراز کند، دیوان کیفری با توجه به احراز وقوع عمل تجاوز، شروع به رسیدگی کند. ولی اگر دیوان احراز نماید که حمله صورت گرفته تجاوز نبوده و یا اهمیت آن در حدی نبوده که احراز عمل تجاوز را توجیه کند، در آن صورت دیوان نمی‌تواند به شکایت مربوطه رسیدگی کند، چرا که ارتکاب جنایت تجاوز مستلزم وقوع قبلی عمل تجاوز است. حال اگر شورای امنیت نتوانست هیچ تصمیمی در خصوص وقوع یا عدم وقوع عمل تجاوز اتخاذ کند، در آن صورت خود دیوان مجاز خواهد بود به شکایت مطروحه مبنی بر ارتکاب جنایت تجاوز رسیدگی کند. بنابراین اقدام دیوان در رسیدگی به جنایت تجاوز پس از اطمینان از عدم امکان اتخاذ تصمیم توسط شورای امنیت، کاملاً در راستای منشور و اهداف ملل متحد است (شایگان فرد، ۱۳۸۷: ۲۷۵). در ماده ۱۵ مکرر قطعنامه کنفرانس بازنگری، شرایط اعمال صلاحیت دیوان بر جنایت تجاوز مطرح شده است که عمده ترین ویژگی‌های آن شامل موارد زیر است:

- ۱- اعمال صلاحیت دیوان در اثر ارجاع وضعیت توسط یک دولت عضو. ۲- عدم صلاحیت دیوان نسبت به دولت‌های عضو که از پذیرش صلاحیت دیوان انصراف داده‌اند. ۳- اعمال صلاحیت دیوان نسبت به دولت‌های غیر عضو. دیوان در صورتی می‌تواند صلاحیت خود را بر جنایت تجاوز اعمال نماید که حداقل یکی از دولت‌هایی که در قلمرو آن، فعل یا ترک فعل مورد نظر روی داده باشد و یا دولتی که شخص مورد تحقیق یا تعقیب، تبعه آن است، عضو اساسنامه‌ی دیوان باشد یا صلاحیت دیوان را بر طبق بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه پذیرفته باشد (موسی‌زاده و فروغی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۵۸).

۱- از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به طرح کامرون در جریان کنفرانس رم، طرح مشترک یونان- پرتغال در جریان مباحث کمیسیون مقدماتی و طرح کلمبیا اشاره کرد.



در رابطه با انصراف دولت‌های عضو از صلاحیت دیوان در بند ۴ ماده ۱۵ مکرر آمده است: «دادگاه مطابق ماده ۱۲ اساسنامه، زمانی بر جنایت تجاوز اعمال صلاحیت می‌کند که عمل تجاوز ارتكابی به‌وسیله دولت عضو اساسنامه انجام شده باشد مگر این که آن دولت قبلاً اعلامیه‌ای مبنی بر عدم پذیرش صلاحیت نزد دبیرخانه دیوان سپرده باشد (موسی‌زاده و فروغی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۵۹-۱۵۸). درباره‌ی صلاحیت دیوان و وضعیت کناره‌گیری چند حالت قابل تصور است: حالت اول جنایات تجاوزکارانه‌ای که در زمان عضویت دولت و قبل از نافذ شدن کناره‌گیری، تحقیق یا تعقیب نسبت به آن‌ها شروع شده است. با توجه به بند ۲ ماده ۱۲۷ اساسنامه، کناره‌گیری به هیچ‌وجه آسیبی به ادامه رسیدگی به موضوع که توسط دیوان تحت بررسی بوده است، نخواهد رساند و لذا دیوان به رسیدگی خود ادامه می‌دهد. حال اگر در حین کناره‌گیری جنایات تجاوزکارانه‌ای در حال ارتكاب باشد و در رابطه با آن‌ها هیچ‌گونه رسیدگی آغاز نشده باشد، طبق ماده ۷۰ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات، دیوان حق آغاز رسیدگی بعد از کناره‌گیری را دارد. با این حال، کناره‌گیری تأثیری در اعمال صلاحیت دیوان به‌موجب ارجاع شورای امنیت یا پذیرش موردی دیوان توسط کشور مورد نظر ندارد (موسی‌زاده و فروغی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۶۰-۱۵۹). در ارتباط با دولت‌های غیرعضو اساسنامه دیوان، در بند ۵ قطعنامه آمده است: «در ارتباط با دولتی که عضو اساسنامه نیست، دادگاه بر جنایت تجاوزکارانه ارتكابی از طرف افراد متبوع یا در سرزمین دولت مزبور اعمال صلاحیت نخواهد کرد» (همان). نگارندگان در خصوص اعمال صلاحیت دیوان بر تجاوز سایبری معتقدند که دیوان باید قبلاً وقوع عمل تجاوز توسط مقامات عالی‌رتبه نظامی را احراز کرده باشد و در این مورد باید آستانه تجاوز را مد نظر قرار داد. بدین صورت که اگر تبعات و آثار اینگونه حملات، ورود خسارت و صدمات فیزیکی نظیر تخریب سیستم‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای در سطح گسترده باشد، می‌توان گفت که این حملات به آستانه‌ی تجاوز یا یک حمله مسلحانه رسیده است. به عبارت دیگر اگر ماهیت، شدت و گستره این‌گونه حملات در حدی باشد که منجر به تخریب و ازهم گسیختگی زیرساخت‌های ملی و حساس یک دولت شود و خسارات قابل توجهی را در سطح وسیعی به بار آورد، می‌توان آن حمله را نقض آشکار منشور ملل متحد دانست و به‌عنوان تجاوز در دیوان بین‌المللی کیفری مورد رسیدگی قرار داد.



## 10. نتیجه‌گیری

حملات شبکه‌ای رایانه‌ای که در آستانه تجاوز سایبری قرار می‌گیرند، می‌توانند منجر به نقض آشکار منشور ملل متحد شوند و در صورتیکه مقامات عالی‌رتبه نظامی در یک حلقه رهبری به طور موثر کنترل خود را بر اعمال سیاسی یا نظامی دولت اعمال و یا آن اعمال را هدایت کنند، مسئولیت کیفری آن‌ها محرز خواهد بود. برای تحقق مسئولیت کیفری فردی باید هم عنصر مادی و هم عنصر معنوی جرم وجود داشته باشد. یعنی مقامات عالی‌رتبه نظامی هم باید در برنامه‌ریزی، آماده‌سازی، شروع یا اجرای اقدامات تجاوزکارانه مشارکت داشته باشند و هم از اجرای آن اقدامات مطلع باشند. ولی ممکن است آن‌ها در مورد این حملات اطلاعات فنی و تکنیکی نداشته باشند و هدایت و رهبری آن‌ها ممکن است صرفاً شامل صدور فرمان برای راه انداختن و آغاز یک حمله‌ی سایبری باشد، و آن‌ها به دلیل فقدان قابلیت‌های فنی در این‌گونه حملات قادر به نظارت صحیح و درست نباشند، با این حال با توجه به ماده ۸ مکرر اساسنامه رم، به نظر می‌رسد یک مقام عالی‌رتبه که در موقعیت صدور دستور برای انجام اقدامی تجاوزکارانه است و به طور موثر بر آن اقدام کنترل دارد، لازم نیست که اطلاعات جزئی از حمله و ابزاری که توسط آن، حمله صورت می‌گیرد، داشته باشد. همین حد کفایت می‌کند که فقط اطمینان حاصل کند فرمان و دستورش تمام و کمال اجرا خواهد شد و نتایج زیان‌باری برای اهداف مورد نظرش خواهد داشت. با توجه به بند ۳ ماده ۲۵ اساسنامه می‌توان گفت که جرم تجاوز براساس مرتکبان اصلی جرم (مقامات و فرماندهان عالی‌رتبه نظامی) مشخص می‌شود نه با توجه به شرکای جرم (افسران رده‌پایین و سربازان عادی). بنابراین، در یک سیاست تجاوزکارانه، مسئولیت کیفری فردی مرتکبان اصلی جرم محرز است. دیوان در صورتی صلاحیت رسیدگی به جنایت تجاوز را دارد که قبلاً وقوع آن جنایت را احراز کرده باشد. یعنی با توجه به ماهیت، شدت و گستره جنایت تجاوز که منجر به ورود خسارت و صدمات فیزیکی به زیرساخت‌های حساس و شبکه‌های رایانه‌ای یک دولت در سطح گسترده‌ای شده، می‌تواند به آن مساله رسیدگی کند.

## ۱۱. پیشنهادهای رسانه‌ای

۱) مهم‌ترین حملات سایبری که به طور خاص اهداف دولتی را هدف گرفته و بیشترین نمود و بازتاب خبری و رسانه‌ای داشته و علاوه بر این، بیشترین چالش حقوقی را از منظر حقوق بین‌الملل در پی داشته‌اند شامل حملات زیر هستند که شبکه‌های برون‌مرزی با پرداخت





- جامع و بررسی کامل این حملات، می‌توانند ورود دیوان بین‌المللی کیفری در رسیدگی به اینگونه حملات را به یک مطالبه افکار عمومی جهان تبدیل کنند.
- انفجار لوله‌های انتقال گاز طبیعی شوروی سابق در دوران جنگ سرد (۱۹۸۲)
  - حملات موسوم به «moonlight maze» که در یک بازه زمانی دو ساله (۱۹۹۸-۲۰۰۰) با هدف بررسی دقیق سیستم‌های رایانه‌ای پنتاگون، ناسا، وزارت انرژی و سایر بخش‌های خصوصی صورت گرفت که منجر به سرقت ده‌ها هزار فایل اطلاعاتی شد.
  - حمله سال ۱۹۹۹ به شبکه تلفن یوگسلاوی سابق توسط ناتو در اثنای مخاصمات مسلحانه کوزوو.
  - حادثه‌ی ۲۰۰۱ «هاینان»<sup>۱</sup> که منجر به ورود ۲ میلیارد دلار خسارت مالی به آمریکا و آلوده کردن بالغ بر ۶۰۰۰ رایانه در این کشور شد.
  - حملات سایبری گسترده علیه دولت‌های غربی و رایانه‌های صنعتی موسوم به «تیتان رین»<sup>۲</sup>.
  - حملات سایبری به استونی (۲۰۰۷) و حملات سایبری به گرجستان (۲۰۰۸).
  - حملات سایبری متعدد به جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۲-۲۰۰۶) که مهم‌ترین آن حملات، حمله کرم استاکس‌نت به تاسیسات هسته‌ای نطنز بود.
- (۲) در خصوص راهکارهای حقوقی برای مقابله با تهدیدات موجود در فضای سایبر، اهمیت دارد شبکه‌های برون‌مرزی در قالب‌های مختلف و تأثیرگذار برنامه‌سازی کنند.
- (۳) تهیه‌ی یک برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری پیرامون حملات سایبری به سایت‌های برخی نهادهای دولتی کشور و بحث کارشناسی در مورد آن، به‌ویژه بر اساس کنوانسیون بوداپست و دستورالعمل تالین.
- (۴) چون حملات سایبری به‌مثابه حملات مسلحانه یا تجاوز سایبری، یکی از شیوه‌های نوین تخاصم در صحنه بین‌المللی است و منجر به ایجاد تلفات گسترده و خسارات وسیع می‌شود، لذا پیشنهاد می‌شود که رسانه‌های برون‌مرزی به‌ویژه شبکه پرس‌تی‌وی برنامه‌های مستند و کارشناس‌محور در این زمینه تهیه کنند و با استفاده از حقوق‌دانان داخلی و بین‌المللی بر لزوم ورود دیوان بین‌المللی کیفری برای پیگیری کیفری عاملان این حملات در ذیل جنایات بین‌المللی از جمله جنایت تجاوز تأکید نماید.

1. Hinan

2. Titan Rain

## منابع و مأخذ

- آقایی جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۰)، «تعریف، عناصر و شروط اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جنایت تجاوز (با نگاهی به موافقتنامه کامپالا)»، **مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری**، سال ۲۸، شماره ۴۴، صص ۱۸۴-۱۶۳.
- اسماعیل‌زاده‌ملاباشی، پرستو (۱۳۹۶)، «حمله سایبری به‌مثابه جنایت تجاوز و بررسی صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در رسیدگی به آن»، **مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی: شهر دانش**، سال پنجم، شماره ۱۰، صص ۶۵-۴۳.
- اصلانی، جبار (۱۳۹۵)، «حملات سایبری در چارچوب نظام مسئولیت بین‌المللی»، رساله دکترا، **دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی**.
- سبحانی، مهین (۱۳۸۹)، «تأملی بر مصونیت کیفری مقام‌های عالی‌رتبه دولتی در جرایم بین‌المللی»، **پژوهشنامه حقوقی**، سال اول، شماره دوم، صص ۵۵-۳۱.
- شایگان‌فرد، مجید (۱۳۸۷)، «دیوان بین‌المللی کیفری و صلاحیت رسیدگی به جنایت تجاوز»، **فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دوره ۳۸، شماره ۴، صص ۲۷۹-۲۵۵.
- شریعت‌باقری، محمدجواد (۱۳۷۷)، «نگاهی به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری»، **پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، شماره ۱۲، صص ۷۸-۱۰۹.
- صلاحی، سهراب و کشفی، مهدی (۱۳۹۵)، «جنگ سایبری از منظر حقوق بین‌الملل با نگاه به دستورالعمل تالین»، **مطالعات قدرت نرم**، شماره ۱۴، صص ۴۶-۲۸.
- ضیایی‌بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰)، **حقوق جنگ (حقوق بین‌الملل مخصصات مسلحانه)**، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسیبی، آذین (۱۳۸۶)، «مسئولیت کیفری ماموران عالی‌رتبه‌ی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل با تأکید بر رای دیوان بین‌المللی دادگستری بین کنگو و بلژیک»، **مجله‌ی کانون وکلا**، شماره‌ی ۱۹۶ و ۱۹۷، صص ۴۹-۲۴.
- قریشی، سیدرسول (۱۳۹۳)، «تحلیل رابطه مافوق-مادون به عنوان عنصر ساختاری مسئولیت کیفری مقامات مافوق در اسناد بین‌المللی و رویه قضایی»، **فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس**، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۸۶-۵۹.
- کاظمی، احمد (۱۳۹۸)، «جنایات بین‌المللی عربستان سعودی در یمن و چگونگی نقش‌آفرینی دیوان بین‌المللی کیفری (با تأکید بر رسالت رسانه‌های برون‌مرزی)»، **پژوهشنامه رسانه بین‌الملل**، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۱۵۰-۱۱۵.
- کچوئیان فینی، جواد (۱۳۸۸)، «تحول مفهوم مصونیت سران دولت‌ها در حقوق بین‌الملل کیفری»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۳، شماره ۴، صص ۱۱۶۴-۱۱۳۸.
- موسی‌زاده، رضا و فروغی‌نیا، حسین (۱۳۹۱)، «تعریف جنایت تجاوز در پرتو قطعنامه کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در کامپالا (ژوئن ۲۰۱۱)»، **فصلنامه راهبرد**، سال ۲۱، شماره ۶۳، صص ۱۷۳-۱۴۱.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۳)، «مسئولیت ماموران مادون و مقامات مافوق در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۳۹، صص ۲۱۹-۲۰۳.

Ambos, Kai (2016), "Individual Criminal Responsibility for Cyber Aggression", *Journal of Conflict & Security Law*, Vol. 21, No. 3, pp 495-504.





Ambos, Kai (2011), **the crime of Aggression after Kampala**, 53 German Yearbook of International Law.

Dinstein, Yoram (2005), **War, Aggression and Self-defense**, Cambridge University press, 4th Ed.

Gillett, Mathew (2013), "The Anatomy of and International Crime: Aggression at the International Criminal Court", **International Criminal Law Review**, Vol. 13, No. 4, pp.829-864.

Hajdin, Nikola (2015), "Individual Criminal Responsibility for the Crime of Aggression: Tracking down the leaders of a state", **Faculty of Law Lund University**, Master Thesis.

Heller, Kevin Jon (2007), "Retreat from Nuremberg: The Leadership Requirement in the Crime of Aggression", **the European Journal of International Law**, Vol. 18 No.3, pp. 477-497.

Kittichaiseree, Kriangsac (2011), **International Criminal Law**, Oxford: Oxford university Press.

Miller, Kevin L (2014), "The Kampala Compromise and Cyberattacks: Can there be an International Crime of Cyber-ggression?", **Southern California Interdisciplinary Law Journal**, Vol. 23, pp. 217-260.

Paulus, Andreas (2010), "Second Thoughts on The Crime of Aggression", **The European Journal of International Law**, Vol.20, No.4, pp. 1117-1128.

Sayapin, Sergey (2014), **The Crime of Aggression in International Criminal Law: Historical Development, Comparative Analysis and Present State**, The Hague: T.M.C. Asser Press.

US v von leeb et al case (**High Command case**) (1950), Trials of War Criminals before the Nuremberg Military Tribunals under Control Council Law No 10 (TWC).

US v Krupp Von Bohlen und Halbach et al case (**Krupp Judgment**), Military Tribunal III, (1952) TWC.

US v Krauch et al case, Military Tribunal VI (**Farben Judgment**), (1952) TWC.

## رویکردهای گفتمانی شبکه‌های تلویزیونی آمریکا

### در مصاحبه با هفتمین رئیس‌جمهور ایران\*

ابراهیم سلیمانی<sup>۱</sup>، محمدعلی هرمزی‌زاده<sup>۲</sup>

#### چکیده

مصاحبه با مقامات اجرایی کشورهای مختلف، یکی از راهبردهای رسانه‌های آمریکایی برای به چالش کشاندن سیاست‌های آن کشورها در عرصه‌های جهانی و داخلی محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با هدف شفاف‌سازی لایه‌های معانی پنهان در متون سؤالات مصاحبه‌های شبکه‌های تلویزیونی آمریکا با دکتر حسن روحانی در مقام ریاست‌جمهوری ایران، به‌دنبال شناسایی رویکردهای گفتمانی شبکه‌های تلویزیونی آمریکا در خلال این پرسش و پاسخ‌های رسانه‌ای است. بر این اساس، هشت متن کامل از مصاحبه‌های انجام گرفته در دولت‌های یازدهم و دوازدهم با رئیس‌جمهوری ایران توسط سه شبکه CNN, NBC و PBS بر اساس تحلیل گفتمان لاکلا و موفه صورت‌بندی و مفصل‌بندی شدند. نتیجه مقاله نشان می‌دهد ایدئولوژی حاکمیتی مسلط بر رسانه‌های آمریکایی مورد مطالعه، با مفصل‌زدایی از گفتمان جمهوری اسلامی ایران در ساحت داخلی و بین‌المللی، به‌سمت مفصل‌بندی جدید دال‌های گفتمانی حرکت کرده است. این شبکه‌ها، در مسیر نیل به این هدف، از انواع مختلف تکنیک‌ها و ایجاد دوگانه‌های غیریتی و تخصیصی بهره گرفته‌اند. تلاش برای مشروعیت‌بخشی به رژیم صهیونیستی، القای شکاف میان مسئولین و مردم در موضوعات داخلی ایران، حمایت ایران از بشار اسد و القای ابرقدرتی آمریکا و نیازمندی ایران به ایجاد روابط بهتر با ایالات‌متحده و فعالیت‌های هسته‌ای ایران، به‌عنوان دال‌های مرکزی موضوعات اصلی پرداخته شده در مصاحبه‌ها شناسایی شد.

**واژه‌های کلیدی:** شبکه‌های تلویزیونی آمریکا، تحلیل گفتمان، مفصل‌بندی گفتمانی، هفتمین رئیس‌جمهور ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

\*. مقاله حاضر از پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی سؤالات مصاحبه‌کنندگان شبکه‌های تلویزیونی آمریکا از رؤسای جمهور ایران» استخراج شده که به نویسندگی نویسنده اول و راهنمایی نویسنده دوم انجام شده و در شهریور ۱۳۹۹ در دانشگاه صداوسیما دفاع شده است.

۱. کارشناسی ارشد تحقیق در ارتباطات، گروه تحقیق در ارتباطات، دانشکده ارتباطات، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.

ebrahim3soleymani@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه صداوسیما، گروه ارتباطات، دانشکده رسانه، تهران، ایران. hormozizadeh@iribu.ac.ir



## ۱. مقدمه

اولین مصاحبه تلویزیونی رئیس‌جمهوری ایران با شبکه‌های آمریکایی در دهه دوم انقلاب و دوران ریاست‌جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی انجام شد. بُرد زیاد و تعداد مخاطب بسیار بالا از ویژگی‌هایی بود که موجب شد شبکه‌های تلویزیونی آمریکایی به‌عنوان اولین گزینه برای معرفی و گسترش گفتمان جمهوری اسلامی از سوی رؤسای جمهور ایران انتخاب شوند. مصاحبه با شبکه‌های تلویزیونی آمریکایی در طول دولت‌های مختلف فراز و نشیب‌های فراوانی داشته، در برخی دولت‌ها قوت گرفته و در برخی دیگر با ضرب‌آهنگ کمتری به پیش رفته است. با توجه به اهمیت و نقش روزافزون رسانه‌ها به لحاظ تأثیرگذاری بر افکار عمومی داخلی و خارجی و کارکرد آنها برای نهادهای تصمیم‌گیرنده، بررسی نحوه مواجهه رسانه‌ها در مصاحبه با رؤسای جمهور ایران حائز اهمیت است. چه اینکه رسانه‌ها می‌توانند سیاست خارجی را تقویت کرده یا شکننده سازند. باید در نظر داشت که مصاحبه با شبکه‌های اینچنینی علی‌رغم مزیت‌ها و فرصت‌هایی که برای کنشگری در حوزه دیپلماسی عمومی فراهم می‌آورد، با توجه به تضاد شدید منافع ایالات‌متحده و ایران، ممکن است آسیب‌هایی را نیز متوجه کشور کند.

نقش افکار عمومی در تبادلات قدرت در عرصه جهانی، تبلیغات را به جزء اساسی کنش سیاسی بدل کرده، موجب اختصاص بخش بزرگی از دیپلماسی رسانه‌ای کشورها به این مهم و سوق دادن آنها به سمت استفاده حداکثری از تبلیغات سیاسی در جهت تحقق منافع و خواست‌های خود شده است. هدف تبلیغات سیاسی، دستیابی به مرحله پذیرش ایدئولوژی مبلّغ از سوی مخاطبان و به تبع آن گسترش گفتمانی است که تبلیغ سیاسی از آن برخاسته است. تلاش برای معرفی و گسترش عقاید و گفتمان‌ها از قدیم رایج بوده ولی رسانه‌های نوین و وسایل ارتباطی جدید، وسعت تازه‌ای به آن بخشیده‌اند. مانوئل کاستلز نظریه‌پرداز قدرت و ارتباطات می‌گوید: «سیاست رسانه‌ای، تمام دنیای سیاست نیست؛ اما امروزه تمام سیاست‌ها باید از طریق رسانه‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری اثر بگذارند؛ بدین ترتیب منطق درونی نظام رسانه‌ها، چارچوب اساسی محتوا، سازمان و فرآیند راهبردی دنیای سیاست امروز را تشکیل می‌دهد» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۶). با توجه به نقش رسانه‌ها در سیاست خارجی و تقویت یک گفتمان و تضعیف گفتمانی دیگر، این پژوهش برای شناخت گفتمان موجود شبکه‌های تلویزیونی آمریکا، با تمرکز بر سؤال‌های پرسیده شده در مصاحبه‌های این شبکه‌ها با دکتر حسن روحانی، به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که گفتمان شبکه‌های تلویزیونی آمریکایی CNN، NBC و PBS در مصاحبه با رئیس‌جمهور ایران در دولت‌های یازدهم و

دوازدهم که رویکرد تعاملی را با آمریکا داشته است، مبتنی بر چه دال‌ها و مدلول‌هایی است؟ و تصویری که این شبکه‌ها از ایران ارائه می‌دهند چه ویژگی‌هایی دارند؟

## ۲. پیشینه پژوهش

در این بخش به چند پژوهش مشابه می‌توان اشاره کرد. بشیر و فرقانی (۱۳۸۸)، به تحلیل گفتمان رسانه‌ای مصاحبه‌های لری کینگ با چهار رئیس‌جمهور ایران، روسیه، پاکستان، و اوکراین می‌پردازند تا جلوه‌های ساخت تصاویر رسانه‌ای معرفی شوند. در تاریخ بیست‌وسوم سپتامبر ۲۰۰۸، لری کینگ مصاحبه‌گر معروف شبکه سی.ان.ان آمریکا با ششمین رئیس‌جمهوری ایران، دکتر محمود احمدی‌نژاد، مصاحبه‌ای انجام داد که این مصاحبه از جنبه‌های مختلف هم در ایران و هم در آمریکا بازتاب‌های گوناگونی داشت. از آنجا که مصاحبه لری کینگ با رؤسای جمهوری یک امر معمول برای او و شبکه سی.ان.ان است، این پژوهش بر آن شده است تا با انجام تحلیل مقایسه‌ای گفتمان این مصاحبه و مصاحبه کینگ با سه رئیس‌جمهوری دیگر، به این پرسش‌ها پاسخ گوید که آیا اساساً گفتمان این مصاحبه‌ها یکسان است؟ این چهار مصاحبه هریک چه کارکردهایی دارند؟ در انجام این مصاحبه‌ها چه گروهی هدف قرار گرفته و یا به عبارتی شبکه سی.ان.ان، مخاطب اصلی این مصاحبه‌ها را چه کسی می‌داند؟

سپهری (۱۳۹۷) تلاش کرده است با روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به نحوه بازنمایی سی.ان.ان و ان.بی.سی از مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱ + ۵ در وین، دست پیدا کند و این مهم را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بر روی جامعه آماری ۵۲ خبر و حجم نمونه ۱۲ خبر انجام داده است. این پژوهش در بخش نتیجه‌گیری خود اینگونه عنوان می‌کند که این شبکه‌ها با برجسته کردن نقش آمریکا به عنوان ناجی دنیا و ارائه چهره‌ای منفی از ایران در چارچوب دستیابی به بمب اتمی، دخالت در منطقه و حمایت از تروریسم، سعی در ایجاد ایران‌هراسی دارند. بریز<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) اساسنامه سه حزب اصلی انگلیس یعنی حزب کارگر، حزب محافظه‌کار و حزب لیبرال دموکرات را که در روزهای قبل از انتخابات سال ۲۰۱۰ منتشر شده بود، بررسی کرده است. این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که هر ایدئولوژی سیاسی چگونه و از چه راهی در جامعه نفوذ می‌کند؟ روش مورد استفاده در پژوهش، تحلیل گفتمان انتقادی است. این تحقیق بیان می‌کند که



از الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و شولیارکی استفاده کرده است و زمینه تاریخی سیاست در انگلیس را مورد توجه قرار داده و عملکردهای هر یک از احزاب مورد نظر را در بافت تاریخی قرار می‌دهد و سپس با اساسنامه این احزاب که در روزهای قبل از انتخابات منتشر شده است، مقایسه می‌کند. این تحقیق به‌طور ضمنی به این نکته اشاره دارد که میزان رأی مردم به هر یک از این احزاب، بیش‌تر از آن‌که به تبلیغات و برنامه‌های مورد نظر احزاب برای اصلاحات و تغییر بستگی داشته باشد به سابقه این احزاب که در حافظه جمعی مردم مانده است، بستگی دارد. نقطه قوت این تحقیق این است که به بافت تاریخی توجه کرده و کنش‌های تأثیرگذار را که باعث شکل‌گیری گفتمان جدید و یا استمرار گفتمان موجود می‌شوند، متمایز کرده است. حنّان الرضی (۲۰۲۰)، در پژوهشی، چهار کارکرد راهبردی گفتمان سیاسی را که توسط چیلتون و شفتر (۱۹۹۷) برای تحلیل گفتمان رسانه مطرح شده است، بررسی کرده است. نگارنده در این مقاله به چگونگی به‌کارگیری شبکه CNN از چهار عملکرد راهبردی در گفتمان رسانه‌ای خود برای انتقال پیام رسانه‌ای موردنظر برای مخاطبان خود که به بازنمایی مفهوم «خود» و «دیگری» مربوط است، پرداخته است. این تحقیق به‌ویژه با تحلیل پیش‌فرض‌ها و ایدئولوژی‌های پنهان موجود، به چگونگی استفاده از عملکردهای راهبردی در گفتمان رسانه و کلیت گفتمان خبری CNN می‌پردازد. با توجه به پیشینه ذکر شده، انجام این مقاله واجد نوآوری است، چراکه به مصاحبه سه شبکه معروف و اثرگذار آمریکایی با هفتمین رئیس‌جمهور ایران که رویکرد تعاملی با آمریکا داشت، می‌پردازد.

### ۳. چارچوب نظری؛ تحلیل گفتمان لاکلا و موفه

مفاهیم اصلی در تحلیل گفتمان لاکلا و موفه در ادامه تشریح می‌شوند.

**گفتمان:** گفتمان، شکلی از کاربرد گفتگو است، اما به‌صورتی کلی‌تر. بدین معنا که در گفتمان، تنها معنای ظاهری مطرح شده در گفتگو نقش ندارد، بلکه شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به‌صورت پنهان با خود در بردارد. در نظر میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی، گفتمان‌ها درباره موضوعات صحبت نمی‌کنند و هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند بلکه سازنده موضوعات‌اند و در فرایند این سازندگی مداخله خود را پنهان می‌کنند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷۸). گفتمان روشن می‌سازد چه کسی در چه زمانی و با چه آمریتی صحبت می‌کند. فوکو، گفتمان را مجموعه‌ای از احکام می‌داند که در شرایط ویژه‌ای وجود می‌یابند. او خود می‌گوید «ما مجموعه‌ای از احکام را تا زمانی که متعلق به صورت‌بندی گفتمانی مشترکی باشند، گفتمان می‌نامیم... گفتمان متشکل از





تعداد محدودی از احکام است که می‌توان برای آنها مجموعه‌ای از شرایط وجودی را تعریف کرد». فیلیپس و یورگنسن در یک تعریف مقدماتی، گفتمان را شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن یا یکی از وجوه آن معرفی می‌کنند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹).

«ارنستو لاکلا» و همسرش «شتتال موفه»، با استفاده از نظریه فوکو، نظریه گفتمانی را به همه امور اجتماعی و سیاسی گسترش دادند و با بازخوانی نظریه‌های اندیشمندانی چون سوسور، مارکس، گرامشی، آلتوسر، دریدا، بارت و لاکان، این نظریه را منسجم‌تر و کارآمدتر ساختند. از دیدگاه لاکلا و موفه، گفتمان‌ها تصور ما از حقیقت و جهان را شکل می‌دهند و فهم امور اجتماعی و سیاسی و به‌طور کلی جهان حقیقت، تنها در درون ساخت‌های گفتمانی امکانپذیر است. در این نگرش به گفتمان، شیوه یا شیوه‌هایی که در آن، نظام‌های معانی یا «گفتمان‌ها»، فهم مردم را از خود در جامعه شکل می‌دهند و بر فعالیت‌های آنان تأثیر می‌گذارند، بررسی می‌شود. از دیدگاه لاکلا و موفه، گفتمان، جهان اجتماعی را در قالب معنا می‌سازد. این ساختن از طریق زبان که ماهیتی بی‌ثبات دارد، انجام می‌شود (مقدمی، ۱۳۹۰: ۶).

**مفصل‌بندی:** مفصل‌بندی، هر عملی است که میان عناصر پراکنده ارتباط برقرار کند، به‌گونه‌ای که هویت و معنای این عناصر در نتیجه این عمل، اصلاح و تعدیل می‌شود (لاکلا و موفه، ۱۳۶۴: ۱۰۵). مفصل‌بندی، ناظر به فرآیندی است که طی آن عناصری متفاوت از نشانه‌ها که جدا از هم به معنای خاصی ارجاع نمی‌دهند، زمانی که در یک نظم زمانی منطقی قرار می‌گیرند، هویت جدیدی کسب می‌کنند. به عبارت دیگر، مفصل‌بندی به گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آنها در هویتی نو می‌پردازد (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۳).

**دال و مدلول:** دال، اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود. برای مثال، تکرار مطبوعات منتقد، دال و آزادی بیان مدلول آن است (کسرای و پورشیرازی، ۱۳۸۸: ۲۱). انواع دال عبارت است از دال مرکزی، دال پیرامونی، دال شناور، دال خالی، حوزه گفتمان‌گرایی و عناصر که در ادامه به‌طور مختصر معرفی می‌شوند.

**دال مرکزی:** «دال مرکزی» یا «گره‌گاه» دالی است که سایر دال‌ها در اطراف آن جمع می‌شوند و نقطه ثقل همه دال‌ها و انسجام‌بخش آنهاست. اهمیت دال مرکزی از اینجا ناشی می‌شود که لاکلا و موفه، ظهور یک گفتمان را از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه‌های خاص دال مرکزی می‌دانند (لاکلا و موفه، ۱۳۷۹: ۱۰۵).



**دال پیرامون:** به دال‌هایی که حول دال مرکزی گرد هم می‌آیند، دال پیرامونی می‌گویند. به عبارت دیگر، دال‌هایی هستند که در درون یک گفتمان و حول دال مرکزی به‌طور موقت و نسبی، تثبیت شده‌اند.

**حوزه گفتمان‌گونی:** هر نشانه ممکن است چندین معنا داشته باشد. هر گفتمان به‌طور طبیعی یکی از معانی را بر حسب هم‌خوانی با نظام معنایی خود تثبیت و مابقی را طرد می‌نماید. معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان طرد شده‌اند «حوزه گفتمان‌گونی» می‌نامیم (لاکلا و موفه، ۱۳۷۹: ۱۰۹).

**دال شناور:** دال شناور دالی است که مدلول آن شناور و غیرثابت است. به عبارت دیگر، دال شناور دالی است که مدلول‌های متعدد دارد و گفتمان‌ها براساس نظام معنایی خود و متناسب با آن سعی دارند مدلول خویش را به آن الحاق کنند و مدلول‌های دیگر (رقیب) را به حاشیه برانند. در فرایند مفصل‌بندی، گفتمان‌ها دال‌های شناور در عرصه اجتماع را به‌مثابه قطعات پازل در کنار یکدیگر و در راستای ارائه تصویری همه‌فهم و همه‌پسند از نظام سیاسی اجتماعی مورد نظر خود می‌چینند (مقدمی، ۱۳۹۴: ۷۹).

**دال خالی:** دال خالی بیانگر یک فضای خالی است و به عبارتی نشان از امر غایبی دارد. کارکرد دال خالی بازنمایی وضعیت آرمانی و مطلوبی است که گفتمان‌ها سعی در ارائه آن در بهترین وجه ممکن خویش دارند. ازسوی دیگر، این وضعیت بیانگر کوتاهی و قصور گفتمان حاکم در تأمین آن است. بنابراین، معنادگی به دال خالی و ارائه تصویر جامعه مطلوب سبب پویایی و نشاط آن گفتمان می‌شود (لاکلا و موفه، ۱۳۷۹: ۳۲).

**عناصر:** دال‌ها یا نشانه‌هایی هستند که هر گفتمان می‌کوشد به آن معنا دهد. به عبارت بهتر، عناصر، دال‌های شناوری هستند که در درون یک گفتمان جای نگرفته بلکه از آن طرد و در یک حوزه نسبتاً ایزوله و بریده از مفصل‌بندی گفتمان حاکم واقع شده‌اند و به اصطلاح در حوزه گفتمان گونگی قرار دارند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹).

**گفتمان هژمونیک:** هژمونی یک گفتمان مبتنی بر انسجام معنایی دال‌های دیگر حول دال مرکزی است. در صورتی که یک گفتمان موفق شود با اتکا بر دال مرکزی خود، مدلول‌های مد نظر خود را به دال‌های گفتمان‌اش نزدیک کند، یا به عبارت دیگر، نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی اجتماع، هر چند به‌طور موقت، تثبیت کند و رضایت عمومی را جلب کند، آن گفتمان هژمونیک می‌شود. اما در صورتی که گفتمان رقیب بتواند به کمک سازوکارهای مختلف این نظام



معنایی را شالوده‌شکنی کند و ساختارهای معنایی شکل گرفته در ذهنیت جمعی مردم را در هم بریزد، آن‌گاه این گفتمان هژمونی‌اش را از دست می‌دهد. بنابراین موفقیت گروه‌های سیاسی به توانایی‌شان برای تولید معنا بستگی دارد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۷۹).

«هژمونی» شبیه به «گفتمان» است چون هر دو اصطلاح به تثبیت عناصر در ابعاد اشاره دارند. اما تفاوت‌شان در این است که مداخله هژمونیک عمل تثبیت را بین گفتمان‌هایی انجام می‌دهد که تصادم خصومت‌آمیز با یکدیگر دارند. گفتمانی که در میدان گفتمان حاکم است از طریق مفصل‌بندی مجدد عناصر آن میدان، گفتمان‌های دیگر را تضعیف یا حتی نابود می‌کند. مداخله هژمونیک زمانی موفق است که جایی که پیش از آن کشمکش حاکم بود یک گفتمان به تنهایی حاکم شود، در این صورت است که تخصم رفع می‌شود. بدین ترتیب، «مداخله هژمونیک» فرایندی است که در حوزه‌ای واقع می‌شود که مورد تخصم است و «گفتمان» نیز محصول آن - تثبیت تازخ معنا- است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲: ۹۱).

منظور ما از گفتمان هژمونیک در این پژوهش گفتمانی است که غالب می‌شود و گفتمان‌های دیگر را از صحنه خارج می‌کند. گفتمان هژمونیک به قدرت حاکم بسیار نزدیک است و شرایط تولید و بازتولید اقتدار آن را فراهم می‌سازد. گفتمان رقیب در صورتی که بتواند اجزای گفتمان را به شیوه‌ای دیگر بازتولید کند، گفتمان غالب را به حاشیه رانده و خود غالب می‌شود.

#### ۴. روش پژوهش

روش انجام این تحقیق، تحلیل گفتمان است. در پژوهش حاضر از روش تحقیق تحلیل گفتمان لاکلا و موفه استفاده شده است. بر این اساس، هشت متن کامل از مصاحبه‌های انجام گرفته در دولت‌های یازدهم و دوازدهم با رئیس‌جمهوری ایران توسط سه شبکه CNN، NBC و PBS بر اساس اصول و قواعد تحلیل گفتمان لاکلا و موفه که در مبانی نظری مطرح شد، مطالعه شدند. بدین صورت که بعد از چندین دفعه بررسی سؤالات (متن مصاحبه‌ها) مفاهیم کلیدی (جدول شماره ۱) و دال‌های مرکزی (جدول شماره ۲) آن‌ها استخراج شد و نظام معنایی آنها (بر اساس تقابل ایران و آمریکا در جدول شماره ۱) و عناصر گفتمانی آنها (در جدول شماره ۲) صورت‌بندی و مفصل‌بندی شدند.

## ۵. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

### ۵-۱. جدول نظام معنایی

جدول نظام معنایی مجموعه دال‌های شناوری است که مصاحبه‌کننده تلاش کرده است تا با الصاق آنها به ایران یا آمریکا (در قالب «ما» و «دیگری») توقف صورت دهد و دال‌های پیرامونی (وقته‌ها) را ایجاد کند. وقته‌ها در کنار یکدیگر و حول دال مرکزی، ساختار مفصل‌بندی مورد نظر مصاحبه‌کننده را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱- نظام معنایی

| ردیف | کانال تلویزیونی | نظام معنایی |                                                                                                                                                                     |                                                                                                                                           |
|------|-----------------|-------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|      |                 | موضوع       | ایران                                                                                                                                                               | آمریکا                                                                                                                                    |
| ۱    | NBC - ۹۲/۶/۲۸   | منطقه‌ای    | <ul style="list-style-type: none"> <li>دشمن اسرائیل</li> <li>حمایت از دیکتاتور (بشار اسد)</li> <li>مستول کشتار مردم سوریه</li> <li>کمک نظامی به دیکتاتور</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>مخالف سلاح شیمیایی</li> <li>ابرقدرت نظامی</li> <li>متحد اسرائیل</li> <li>مخالف بشار اسد</li> </ul> |
|      |                 | هسته‌ای     | <ul style="list-style-type: none"> <li>سلاح هسته‌ای</li> <li>غیرقابل اعتماد</li> <li>مخالف مذاکره</li> </ul>                                                        | <ul style="list-style-type: none"> <li>اهل مذاکره</li> <li>مخالف سلاح هسته‌ای</li> <li>نماینده کشورهای دنیا</li> </ul>                    |
|      |                 | حقوق بشر    | <ul style="list-style-type: none"> <li>سانسور</li> <li>انکار هولوکاست</li> <li>عدم آزادی</li> </ul>                                                                 | <ul style="list-style-type: none"> <li>مخالف سانسور</li> <li>هولوکاست</li> </ul>                                                          |
|      |                 | داخلی       | <ul style="list-style-type: none"> <li>دروغگویی مسئولین</li> <li>نقض حریم خصوصی</li> </ul>                                                                          | -----<br>-----                                                                                                                            |



|                                                                                                                                                          |                                                                                                                                                                           |                                                                                                                                                                      |              |   |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------|---|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>متحد اسرائیل</li> <li>مخالف دیکتاتوری</li> </ul>                                                                  | <ul style="list-style-type: none"> <li>حمایت از دیکتاتور (بشار اسد)</li> </ul>                                                                                            | منطقه                                                                                                                                                                | CNN - ۹۲/۷/۴ | ۲ |
|                                                                                                                                                          | <ul style="list-style-type: none"> <li>سلاح هسته‌ای</li> <li>غیرقابل اعتماد</li> <li>عدم شفافیت</li> <li>تمایل به مذاکره</li> </ul>                                       | هسته‌ای                                                                                                                                                              |              |   |
|                                                                                                                                                          | <ul style="list-style-type: none"> <li>آزادی مذهب</li> <li>طرفدار یهودی‌ها</li> <li>دمکراسی خواهی</li> <li>آزادی خواهی</li> <li>هولوکاست</li> <li>مخالف سانسور</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>سانسور</li> <li>انکار هولوکاست</li> <li>عدم آزادی مذهب</li> <li>شکنجه زندانیان</li> <li>عدم آزادی فعالیت‌های سیاسی</li> </ul> |              |   |
|                                                                                                                                                          | -----                                                                                                                                                                     | <ul style="list-style-type: none"> <li>تمرکز قدرت دست رهبری</li> </ul>                                                                                               | داخلی        |   |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>مخالف سلاح شیمیایی</li> <li>مخالف بشار اسد</li> <li>مخالف دیکتاتوری</li> <li>مخالف حضور ایران در سوریه</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>دشمن اسرائیل</li> <li>حمایت از دیکتاتور (بشار اسد)</li> </ul>                                                                      | منطقه                                                                                                                                                                | PBS - ۹۲/۷/۵ | ۳ |
|                                                                                                                                                          | <ul style="list-style-type: none"> <li>غیرقابل اعتماد</li> <li>عدم همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی</li> </ul>                                                       | هسته‌ای                                                                                                                                                              |              |   |
|                                                                                                                                                          | <ul style="list-style-type: none"> <li>انکار هولوکاست</li> <li>زندانی کردن خبرنگاران</li> </ul>                                                                           | <ul style="list-style-type: none"> <li>انکار هولوکاست</li> <li>زندانی کردن خبرنگاران</li> </ul>                                                                      | حقوق بشر     |   |



|                                                                                                                                                       |                                                                                                                                                                  |          |                   |   |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------|-------------------|---|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• قدرت تحریم</li> <li>• پیگیر معامله جامع</li> </ul>                                                           | <ul style="list-style-type: none"> <li>• تمرکز قدرت دست رهبری</li> <li>• اختلافات درون حاکمیت</li> <li>• زیر فشار تحریم‌ها</li> <li>• دشمن آمریکا</li> </ul>     | داخلی    |                   |   |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• مخالف دیکتاتوری</li> </ul>                                                                                   | <ul style="list-style-type: none"> <li>• حمایت از دیکتاتور (بشار اسد)</li> <li>• مسئول کشتار مردم سوریه</li> <li>• مخالف انتخابات سوریه</li> </ul>               | منطقه    | CNN - ۹۲ / ۱۱ / ۵ | ۴ |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• مخالف سلاح هسته‌ای</li> </ul>                                                                                | <ul style="list-style-type: none"> <li>• سلاح هسته‌ای</li> <li>• غیرقابل اعتماد</li> <li>• تأسیسات اتمی نظامی</li> <li>• مستحق تحریم</li> </ul>                  | هسته‌ای  |                   |   |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• دموکراسی خواهی</li> <li>• آزادی خواهی</li> </ul>                                                             | <ul style="list-style-type: none"> <li>• عدم آزادی فعالیت‌های سیاسی</li> <li>• عدم آزادی</li> </ul>                                                              | حقوق بشر |                   |   |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• مخالف دیکتاتوری</li> <li>• قدرت تحریم</li> <li>• دنبال معامله جامع</li> <li>• مخالف ایران هسته‌ای</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• دروغ‌گویی مسئولین</li> <li>• تمرکز قدرت دست رهبری</li> <li>• دشمن آمریکا</li> </ul>                                     | داخلی    |                   |   |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• ابرقدرت نظامی</li> <li>• ضد تروریسم</li> <li>• ضد داعش</li> </ul>                                            | <ul style="list-style-type: none"> <li>• حمایت از دیکتاتور (بشار اسد)</li> <li>• مورد تهدید داعش</li> <li>• مبارزه با داعش</li> <li>• حامی تروریست‌ها</li> </ul> | منطقه    | NBC - ۹۳ / ۶ / ۲۸ | ۵ |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• اهل مذاکره</li> </ul>                                                                                        | -----                                                                                                                                                            | هسته‌ای  |                   |   |



|                                                                                                        |                                                                                                                                        |          |                  |    |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------|------------------|----|
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• طرفدار مردم</li> <li>• انسان‌دوستی</li> </ul>                 | <ul style="list-style-type: none"> <li>• عدم آزادی</li> <li>• ناقض حقوق بشر</li> <li>• مخالف آزادی بیان</li> </ul>                     | حقوق بشر |                  |    |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• به دنبال روابط بهتر</li> </ul>                                | <ul style="list-style-type: none"> <li>• حقه بازی و دروغ‌گویی</li> <li>• مسئولین</li> <li>• تمرکز قدرت دست رهبری</li> </ul>            | داخلی    |                  |    |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• مخالف دیکتاتوری</li> </ul>                                    | <ul style="list-style-type: none"> <li>• حمایت از دیکتاتور (بشار اسد)</li> <li>• مسئول کشتار مردم سوریه</li> </ul>                     | منطقه ای | PBS - ۹۳ / ۷ / ۴ | ۷۶ |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• مخالف سلاح هسته‌ای</li> <li>• نماینده کشورهای دنیا</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>• سلاح هسته‌ای</li> <li>• غیرقابل اعتماد</li> <li>• نیازمند به مذاکره</li> </ul>                | هسته‌ای  |                  |    |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• دموکراسی خواهی</li> <li>• آزادی خواهی</li> </ul>              | <ul style="list-style-type: none"> <li>• عدم آزادی</li> </ul>                                                                          | حقوق بشر |                  |    |
| <p>-----</p> <p>-----</p>                                                                              | <ul style="list-style-type: none"> <li>• مشکلات اقتصادی</li> </ul>                                                                     | داخلی    |                  |    |
| <ul style="list-style-type: none"> <li>• مخالف دیکتاتوری</li> <li>• ضد داعش</li> </ul>                 | <ul style="list-style-type: none"> <li>• حمایت از دیکتاتور (بشار اسد)</li> <li>• مسئول کشتار مردم سوریه</li> <li>• جنگ طلبی</li> </ul> | منطقه ای | ۹۴ / ۷ / ۸       | ۷  |



|   |          |                                                                                                                                                                                       |                                                                                                         |
|---|----------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|   | هستهای   | <ul style="list-style-type: none"> <li>غیرقابل اعتماد</li> <li>عدم همکاری با آژانس</li> <li>بین المللی انرژی اتمی</li> </ul>                                                          | <ul style="list-style-type: none"> <li>اهل مذاکره</li> </ul>                                            |
|   | حقوق بشر | <ul style="list-style-type: none"> <li>ناقض حقوق بشر</li> <li>مخالف آزادی بیان</li> </ul>                                                                                             | <ul style="list-style-type: none"> <li>آزادی خواهی</li> <li>طرفدار مردم</li> <li>انسان دوستی</li> </ul> |
|   | داخلی    | <ul style="list-style-type: none"> <li>دشمن آمریکا</li> <li>سیستم قضایی ناعادلانه</li> </ul>                                                                                          | <ul style="list-style-type: none"> <li>صلح طلبی</li> </ul>                                              |
| ۸ | منطقه    | <ul style="list-style-type: none"> <li>دشمن اسرائیل</li> <li>حمایت از دیکتاتور (بشار اسد)</li> <li>جنگ طلبی</li> </ul>                                                                | <ul style="list-style-type: none"> <li>مخالف دیکتاتوری</li> </ul>                                       |
|   | هستهای   | <ul style="list-style-type: none"> <li>مخالف مذاکره</li> </ul>                                                                                                                        | <ul style="list-style-type: none"> <li>اهل مذاکره</li> <li>بازگشت به برجام</li> </ul>                   |
|   | حقوق بشر | <ul style="list-style-type: none"> <li>عدم آزادی</li> <li>ناقض حقوق بشر</li> <li>بازداشت بی گناهان</li> </ul>                                                                         | <ul style="list-style-type: none"> <li>انسان دوستی</li> <li>آزادی مدنی</li> </ul>                       |
|   | داخلی    | <ul style="list-style-type: none"> <li>مشکلات اقتصادی</li> <li>سیستم قضایی ناعادلانه</li> <li>ناکارآمدی حکومت</li> <li>مخالفت مردم با حکومت</li> <li>شکاف بین مردم و حکومت</li> </ul> | -----                                                                                                   |
|   |          |                                                                                                                                                                                       |                                                                                                         |

CNN - ۹۷/۷/۳



## ۵-۲. جدول عناصر گفتمانی

مجموعه‌ای از عناصر موجود در متن سؤالات مصاحبه‌ها است که در قالب جدول با مؤلفه‌های نظری و روشی لاکلا و موفه در تحلیل گفتمان، تحلیل شده‌اند. مؤلفه‌هایی مانند برجسته‌سازی، حوزه گفتمان‌گونگی، غیریت و تخصص و ... .

جدول شماره ۲- عناصر گفتمانی

| عناصر                | حوزه معانی                                                   | برجسته‌سازی         | حاشیه‌رانی<br>(حوزه<br>گفتمان‌گونگی)            | غیریت و<br>تخصص                        |
|----------------------|--------------------------------------------------------------|---------------------|-------------------------------------------------|----------------------------------------|
| دوره ایران           | - عدم ارتباط با دنیا<br>- اقتصادی و<br>سیاسی<br>- بی‌اعتمادی | بی‌اعتمادی          | - عدم ارتباط با<br>دنیا<br>- اقتصادی<br>و سیاسی | ما: دنیا<br>دیگری: ایران               |
| کشور                 | - آمریکا و چند<br>کشور<br>- همه کشورهای<br>دنیا              | آمریکا و چند کشور   | - همه کشورهای<br>دنیا                           | ما: آمریکا و بقیه دنیا<br>دیگری: ایران |
| فعالیت هسته‌ای ایران | - صلح‌آمیز<br>و تحقیقاتی<br>- غیرصلح‌آمیز و<br>نظامی         | غیرصلح‌آمیز و نظامی | - صلح‌آمیز و<br>تحقیقاتی                        | ما: دنیا<br>دیگری: ایران               |
| مردم                 | - آمریکایی‌ها و<br>اسرائیلی‌ها<br>- مردم سراسر دنیا          | مردم سراسر دنیا     | - آمریکایی‌ها و<br>اسرائیلی‌ها                  | ما: مردم جهان<br>دیگری: ایران          |



|                        |                                                                                                                |                                                                  |                                                                                                                |                                                                                              |
|------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------|
| کمک‌های ایران به سوریه | - کمک انسان‌دوستانه<br>- کمک تسلیحاتی<br>- کمک اطلاعاتی                                                        | کمک‌های تسلیحاتی                                                 | - کمک انسان‌دوستانه<br>- کمک تسلیحاتی<br>- کمک اطلاعاتی                                                        | ما: مردم سوریه و دنیا<br>دیگری: ایران و بشار اسد                                             |
| پانزدهم                | - مصارف صلح‌آمیز<br>- ساخت بمب هسته‌ای                                                                         | ساخت بمب هسته‌ای                                                 | - مصارف صلح‌آمیز<br>- ساخت بمب هسته‌ای                                                                         | ما: همه جهان<br>دیگری: ایران                                                                 |
| هولوکاست               | - واقعیت مسلمان تاریخی<br>- تحریف تاریخی<br>- افسانه غیرواقعی                                                  | واقعیت مسلمان تاریخی                                             | - واقعیت مسلمان تاریخی<br>- تحریف تاریخی<br>- افسانه غیرواقعی                                                  | ما: جهان و اسرائیل<br>دیگری: ایران                                                           |
| صلح (درموضوع فلسطین)   | - سازش و توافق بین فلسطین با اسرائیل و ادامه شهرک‌سازی‌ها و اشغال<br>- پذیرش نظر مردم فلسطین درباره سرنوشت خود | - سازش و توافق بین فلسطین و اسرائیل و ادامه شهرک‌سازی‌ها و اشغال | - سازش و توافق بین فلسطین با اسرائیل و ادامه شهرک‌سازی‌ها و اشغال<br>- پذیرش نظر مردم فلسطین درباره سرنوشت خود | ما: طرفداران صلح اسرائیل و فلسطین<br>دیگری: ایران و گروه‌های مورد حمایت آن در فلسطین و لبنان |
| حکومت ایران            | - حکومت بسته<br>- حکومت مردمی و آزاد                                                                           | حکومت بسته                                                       | - حکومت بسته<br>- حکومت مردمی و آزاد                                                                           | ما: کشورهای آزاد<br>دیگری: ایران                                                             |



|                            |                                                                     |                              |                                  |                                                    |
|----------------------------|---------------------------------------------------------------------|------------------------------|----------------------------------|----------------------------------------------------|
| شکاف بزرگ                  | - غیرقابل اعتماد بودن ایران<br>- تقابل منافع دو کشور                | غیر قابل اعتماد بودن ایران   | تقابل منافع دو کشور              | ما: جامعه جهانی<br>دیگری: ایران                    |
| راه‌حل موضوع هسته‌ای ایران | - مذاکره با دولت آمریکا<br>- قواعد بین‌المللی                       | مذاکره با آمریکا             | قواعد بین‌المللی                 | ما: آمریکا<br>دیگری: ایران                         |
| ائتلاف ضد تروریسم          | - ائتلاف واقعی علیه تروریست‌ها<br>- ائتلاف غیرواقعی و با اهداف دیگر | ائتلاف واقعی علیه تروریست‌ها | ائتلاف غیرواقعی و با اهداف دیگر  | ما : ائتلاف ضد تروریست<br>دیگری: داعش و تروریست‌ها |
| اوباما                     | - نابود کننده داعش<br>- به‌وجود آورنده داعش                         | نابود کننده داعش             | به‌وجود آورنده داعش              | ما: آمریکا<br>دیگری: داعش                          |
| ائتلاف مبارزه با هدف       | - مبارزه با داعش<br>- حضور در میدان برای مدیریت تحولات              | مبارزه با داعش               | حضور در میدان برای مدیریت تحولات | ما: ائتلاف ضد داعش<br>دیگری: ایران و بشار اسد      |



|                      |                                                                                                                                                                                          |                                          |                                                                                                                                                              |                                                    |
|----------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------|
| تفاوت ایران و آمریکا | <ul style="list-style-type: none"> <li>- صرفاً پیرامون موضوع هسته‌ای</li> <li>- پیرامون موضوعات مختلف (هسته‌ای، موشکی، منطقه‌ای)</li> </ul>                                              | موضوعات مختلف (هسته‌ای، موشکی، منطقه‌ای) | صرفاً پیرامون موضوع هسته‌ای                                                                                                                                  | ما: آمریکا<br>دیگری: ایران                         |
| انجام جنگ سوریه      | <ul style="list-style-type: none"> <li>- برکناری بشار اسد</li> <li>- از بین رفتن تروریست‌ها</li> <li>- انتخابات آزاد سوریه</li> </ul>                                                    | - برکناری بشار اسد                       | از بین رفتن تروریست‌ها<br>- انتخابات آزاد سوریه                                                                                                              | ما: آمریکا و ائتلاف<br>دیگری: ایران و سوریه        |
| حمایت ایران از اسد   | <ul style="list-style-type: none"> <li>- علیه مردم سوریه</li> <li>- به سود مردم سوریه</li> </ul>                                                                                         | - علیه مردم سوریه                        | - به سود مردم سوریه                                                                                                                                          | ما: طرفداران مردم سوریه<br>دیگری: ایران و بشار اسد |
| جنگ                  | <ul style="list-style-type: none"> <li>- آمریکا و چند کشور</li> <li>- کشورهای دنیا</li> </ul>                                                                                            | - کشورهای دنیا                           | - آمریکا و چند کشور                                                                                                                                          | ما: دنیا<br>دیگری: ایران                           |
| روابط بهتر           | <ul style="list-style-type: none"> <li>- کوتاه آمدن ایران</li> <li>- پذیرش مذاکره از سمت ایران</li> <li>- روابط هم سطح دو کشور</li> <li>- روابط عادی بر اساس قواعد بین‌المللی</li> </ul> | - کوتاه آمدن ایران                       | <ul style="list-style-type: none"> <li>- پذیرش مذاکره از سمت ایران</li> <li>- روابط هم سطح دو کشور</li> <li>- روابط عادی بر اساس قواعد بین‌المللی</li> </ul> | ما: آمریکا<br>دیگری: ایران                         |



|                           |                                                                                                                                         |               |                                                                                                                   |                                          |
|---------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------|
| گروه‌های مخالف سوری       | <ul style="list-style-type: none"> <li>- تروریست‌ها</li> <li>- مردم سوریه</li> <li>- معترضان قانونی</li> <li>- نیروهای خارجی</li> </ul> | مردم سوریه    | <ul style="list-style-type: none"> <li>- تروریست‌ها</li> <li>- معترضان قانونی</li> <li>- نیروهای خارجی</li> </ul> | ما: آمریکا<br>دیگری: ایران و بشار<br>اسد |
| هلاکت تروریست‌های سوری    | <ul style="list-style-type: none"> <li>- فاجعه انسانی</li> <li>- نابودی</li> <li>- تروریست‌ها</li> </ul>                                | فاجعه انسانی  | نابودی<br>تروریست‌ها                                                                                              | ما: انسان دوستان<br>دیگری: بشار اسد      |
| شهدای حمله تروریستی اهواز | <ul style="list-style-type: none"> <li>- نیروهای نظامی</li> <li>- نظامی‌ها و مردم</li> <li>- بی‌گناه</li> </ul>                         | نیروهای نظامی | نظامی‌ها و مردم<br>بی‌گناه                                                                                        | -----                                    |
| دو تابعیتی‌های زندانی     | <ul style="list-style-type: none"> <li>- مجرم</li> <li>- بی‌گناه</li> </ul>                                                             | بی‌گناه       | مجرم                                                                                                              | ما: آمریکا<br>دیگری: حکومت<br>ایران      |



|                               |                |                       |                                                |       |
|-------------------------------|----------------|-----------------------|------------------------------------------------|-------|
| ما: آمریکا<br>دیگری: بشار اسد | مقر تروریست‌ها | پناهگاه انسان دوستانه | - پناهگاه<br>انسان دوستانه<br>- مقر تروریست‌ها | ج. ر. |
|-------------------------------|----------------|-----------------------|------------------------------------------------|-------|

بر اساس عناصر گفتمانی موجود در متن سؤالات مصاحبه‌های شبکه‌های آمریکایی با هفتمین رئیس‌جمهور ایران می‌توان گفت، علیرغم رویکرد تعاملی دولت مذکور، در موضوع هسته‌ای که به‌عنوان مهمترین رکن سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دو دهه گذشته مطرح بوده است، انگاره‌سازی صورت گرفته از ایران شامل غیرقابل‌اعتماد بودن ایران، پنهان‌کاری و عدم راستی‌آزمایی فعالیت‌هایش بوده است و با کلیشه‌سازی، محوریت بحث هسته‌ای را روی ساخت سلاح اتمی توسط ایران و خطر ایران برای صلح بین‌المللی قرار داده‌اند. در موضوع روابط ایران و آمریکا، تأکید شبکه‌های تلویزیونی آمریکایی در روند مصاحبه‌ها، بر روی نکاتی از جمله نیازمندی ایران به ایجاد روابط بهتر با ایالات متحده، تمایل آمریکا به مذاکره با ایران و ابرقدرتی آمریکا در جهان است. در موضوع اسرائیل رفتار ایران با اسرائیل را رفتاری خشونت‌آمیز و ناهنجار نمایش داده می‌شود. در موضوعات داخلی، تلاش مصاحبه‌کنندگان بر برجسته‌سازی ناکارآمدی‌های حکومت و تلقین وجود شکاف بین مردم و حکومت متمرکز شده است. در موضوع سوریه نیز که در سال‌های پس از انقلاب، مهمترین حضور میدانی و نظامی ایران در منطقه بود، تلاش رسانه‌های آمریکایی در این جهت بوده است که ایران را به‌عنوان مسئول کشتار مردم سوریه و حامی دیکتاتورها نشان دهد.

- شبکه‌های تلویزیونی آمریکا در دو حوزه مهم اقتصادی و سیاسی، اهداف زیر را دنبال می‌کنند.
- بزرگنمایی مشکلات اقتصادی ایران در حوزه ملی و بین‌المللی؛
  - القای اثربخشی حداکثری تحریم‌ها و مؤثر جلوه دادن فعالیت‌های آمریکا در حوزه وضع تحریم‌های مختلف؛
  - ارزش‌زدایی از اقتصاد ایران برای پرهیز دادن بقیه کشورها از انعقاد قراردادهای تجاری و توافق‌نامه‌های اقتصادی در حوزه‌های نفتی و غیرنفتی؛
  - ناکارآمد جلوه دادن دستگاه‌های اداری و اجرایی حکومت ایران؛
  - القای وجود فساد اقتصادی فراگیر؛
  - تضعیف گفتمان و ایدئولوژی سازمان‌دهنده جمهوری اسلامی به‌عنوان ساختار سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی؛



- ایجاد و تقویت شکاف میان رهبران و مردم؛
- تخریب شخصیت‌های سیاسی و مسئولان مملکتی؛
- مخدوش جلوه دادن آرای انتخاباتی و زیرسؤال بودن مردم‌سالاری دینی؛
- سازماندهی گسترده و مستمر جنگ روانی - رسانه‌ای با محوریت پرونده هسته‌ای، حمله نظامی آمریکا و اسرائیل، ایجاد آشوب و درگیری و ناامنی منطقه‌ای؛
- تلاشی برای تحلیل مغرضانه از اوضاع داخلی و ایجاد فضای وحشت‌زا و موهوم از احتمال بروز تنش داخلی،
- ایران‌هراسی از راه بازتاب تصویرهای غیرواقعی از رشد بومی صنعت هسته‌ای و قابلیت‌های آفندی و پدافندی موشکی ایران؛
- القای غیرصلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای و تبلیغ این موضوع که پیشرفت‌های هسته‌ای ایران برای امنیت و ثبات منطقه و جهان، خطرناک خواهد بود.

## ۶. نتیجه‌گیری

از آنجایی که تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی روابط میان زبان و اندیشه می‌پردازد و با رازگشایی از ساختارهای زیربن زبان، اهداف پنهان و جنبه‌های فکری گوینده را آشکار می‌کند، در این پژوهش تلاش شد تا چگونگی صورت‌بندی گفتمان سیاسی رسانه‌های آمریکایی در فضای رقابت با گفتمان جمهوری اسلامی، با توجه به شرایط و فضای سیاسی بین‌المللی، نحوه تعیین، تثبیت و بازتعریف دال‌های گفتمانی، ساختار شکنی از گفتمان جمهوری اسلامی، ایجاد دوگانه‌هایی مبتنی بر مرزهای جداکننده و دیگری‌سازی برای غلبه بر فضای گفتمانی رقیب یا همان هژمونیک‌سازی، شناسایی و مشخص شود.

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، با توجه به تأکیدی که مصاحبه‌کنندگان بر مفاهیمی مانند آزادی، آزادی بیان، حکومت اکثریت یا همان دموکراسی، آزادی‌های مدنی و غیره دارند، گفتمان حاکم بر سؤالات مصاحبه‌کنندگان شبکه‌های تلویزیونی آمریکایی در مصاحبه با هفتمین رئیس‌جمهور ایران، گفتمان لیبرال دموکراسی است و قرائت این گفتمان از موضوعات مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، حقوق بشر است. گفتمانی که منطبق بر منافع ایالات متحده در سطح بین‌المللی تعریف شده و چهارگانه نقاط ضعف، نقاط قوت، فرصت‌ها و چالش‌ها را طبق همین منافع می‌سنجد. دشمنان و دوستان را بر طبق همین منافع تصویر می‌کند و در ایجاد «دیگری»‌هایی



برای هویت‌بخشی متقابل به گفتمان آمریکایی، از تکنیک‌های متفاوت بهره می‌گیرد. بر اساس این گفتمان، شبکه‌های آمریکایی سعی کرده‌اند دوگانه‌ای شامل افکار، ایده‌ها و رفتارهای درست و نادرست ایجاد کنند. در ادامه، ایران، در جبهه‌ای با رفتارها و ایده‌ها و افکار نادرست جانمایی شده و آمریکا در نقطه مقابل به تصویر کشیده شود. در این روبه‌رونامی متقابل دو گفتمان، از اتفاقات سیاسی- اجتماعی داخلی ایران و اتفاقات سیاسی- اجتماعی بین‌المللی به‌عنوان کاتالیزوری برای مفصل‌بندی‌های جدید استفاده شده است. به این معنی که صورت‌بندی جدید از دال‌های گفتمانی را بر بستر حوادث گذشته و جاری بنا کرده و در همین بستر مقولات ذهنی و اتفاقات عینی اجتماعی- سیاسی را منطبق بر خواست خود بازتولید نموده‌اند. شبکه‌های تلویزیونی آمریکایی در مصاحبه‌های خود با هفتمین رئیس‌جمهور ایران، روند یکسانی را در تضعیف گفتمان مقابل و تقویت گفتمان خود دنبال می‌کنند. در توصیف این روند یکسان رسانه‌های آمریکایی، می‌توان به سه حوزه متمایز و البته همبند اشاره کرد.

حوزه اول، حوزه مهندسی پندار و رفتار است که خود به دو بخش قابل تقسیم است. بخش اول مهندسی پندار و رفتار مخاطبان برنامه است. بخش دوم نیز مهندسی پندار و رفتار مصاحبه‌شونده است که مصاحبه‌کننده به‌عنوان عنصر تصمیم‌ساز عمل می‌کند. حوزه دوم، انگاره‌سازی و ارائه تصویرهای مورد نظر از موضوعات، مفاهیم، افراد، کشورها و سایر موجودیت‌ها است. حوزه اصلی الصاق معانی گفتمانی همین حوزه است. حوزه سوم نیز به انعکاس و بازنمایی رویدادها، اعم از رویدادهای گذشته یا جاری و مفصل‌بندی جدید بین عناصر موجود در ساحت سیاسی اجتماعی می‌پردازد.

می‌توان گفت که حوزه‌های دوم و سوم تلاش مصاحبه‌کنندگان برای پیشبرد اهداف ذیل حوزه اول است تا از این رهگذر تلاش خود برای هژمون‌سازی گفتمانی خویش را به ثمر بنشانند. در کنار تأیید و تثبیت گفتمان خود، این شبکه‌ها کوشیده‌اند فارغ از رویکرد تعاملی یا غیرتعاملی دولت‌های ایران با آمریکا، دال‌های حیاتی و اصلی گفتمان انقلاب اسلامی مانند مردم‌سالاری دینی، انکار هولوکاست، عدم پذیرش اسرائیل به‌عنوان یک کشور رسمی، صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران و غیره را به چالش بکشانند.



## منابع و مأخذ

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۰)، **تحلیل گفتمان انتقادی**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی با همکاری دانشگاه تربیت مدرس بشیر، حسن و فرقانی، علی (۱۳۸۸)، تحلیل گفتمان مصاحبه لری کینگ با رئیس جمهور ایران و مقایسه آن با سه رئیس جمهور دیگر، مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۷۹ - ۴۹
- بلاش‌آبادی، علی (۱۳۸۸)، تحلیل گفتمان مناظره‌های تلویزیونی انتخابات دهم ریاست جمهوری در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تحقیق در ارتباطات، دانشکده صداوسیما
- سپهری، محمدباقر (۱۳۹۷). بازنمایی ایران در اخبار شبکه‌های تلویزیونی آمریکا (تحلیل گفتمان انتقادی اخبار سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی در ارتباط با توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۱+۵)، پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۲۵ شماره ۹۵، صص ۲۲۰ - ۱۹۱
- سلطانی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۸۳)، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸، صص ۱۵۳-۱۸۰
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، **تحلیل انتقادی گفتمان**، ترجمه: فاطمه شایسته پیران، مهران مهاجر، محمد نبوی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فیلیپس، لوئیز و یورگنسن، ماریان (۱۳۸۹)، **نظریه و روش در تحلیل گفتمان**، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۴)، **عصر اطلاعات: قدرت هویت**، جلد دوم، ترجمه حسن چاوشیان، احد علیقلیان، افشین خاکباز و علی پایا. تهران: طرح‌نو.
- کسرابی، محمدسالار و پورشیرازی، علی (۱۳۸۸)، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه، ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۳۹، صص ۳۶۰ - ۳۳۹.
- لاکلا، ارنستو و موفه، شنتال (۱۳۶۴)، **هژمونی و استراتژی سوسیالیستی**، ترجمه محمد رضایی، تهران: نشر ثالث.
- مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰)، «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن»، **معرفت فرهنگی اجتماعی**، شماره دوم، بهار، صص ۱۲۴ - ۹۱.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۷)، «نظریه گفتمان»، ترجمه سیدعلی‌اصغر سلطانی، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۲، صص ۱۸۳ - ۱۵۶.

- Breeze, Ruth (2011), "Variations on a Theme: Party Manifesto Discourses in the UK 2010 Election", **Culture, language and Representation**, Vol lx, pp. 9- 30
- Hanan, Al-Radhi (2020), "Strategic Functions in CNN's Media Discourse An Ideological Strategy To Win People's Support A Critical Discourse Analysis Study", **International journal of applied linguistics & English literature**, , Vol.9 (3), pp.43-54.





## چشم‌انداز و سناریوهای جایگاه طالبان در عرصه حکمرانی آینده افغانستان (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)

زهرا محمودی<sup>۱</sup>

### چکیده

با سقوط حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱ م (۱۳۸۰ ش)، حضور این گروه در عرصه قدرت افغانستان کم‌رنگ گردید ولی طالبان با گذشت زمان، ضمن تقویت مواضع خود، به‌عنوان نیرومندترین بازیگر اپوزیسیون در این کشور ظهور کرد و به‌دنبال ایفای نقش مؤثر در آینده افغانستان است. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که چشم‌انداز جایگاه طالبان در عرصه حکمرانی آینده افغانستان چیست؟ بر این اساس، هدف اصلی مقاله، ارائه چشم‌انداز و تحلیل سناریوهای مربوط به جایگاه طالبان در عرصه حکمرانی آینده افغانستان است. چارچوب نظری مقاله، نظریه عصبیت ابن‌خلدون است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. فرضیه اصلی این است که قدرت طالبان در افغانستان و به‌خصوص نفوذ و مشروعیت این گروه پس از امضای توافق صلح با آمریکا و فضای حاکم بر مذاکرات بین‌الافغانی افزایش یافته است. یافته‌ها نشان می‌دهد نمی‌توان جایگاه طالبان را در آینده افغانستان نادیده گرفت. به نظر می‌رسد طالبان در کوتاه‌مدت و در جریان مذاکرات بین‌الافغانی، بحث مشارکت در قدرت را پیگیری خواهد کرد؛ اما در بلندمدت، قصد تصاحب کامل قدرت در افغانستان را خواهد داشت؛ موضوعی که نتیجه آن، مقاومت سایر گروه‌ها و ادامه ناامنی‌ها در این کشور خواهد بود.

**واژه‌های کلیدی:** افغانستان، آمریکا، طالبان، مذاکرات بین‌الافغانی، برون‌مرزی صداوسیما.

---

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

۱. دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه آزاد اسلامی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.  
zahramahmoodi61@gmail.com



## ۱. مقدمه

استراتژی طالبان نشان داده است که این گروه با پیشبرد همزمان گسترش نفوذ و افزایش تهدیدات در قالب عملیات‌های نظامی، خواستار نمایش قدرت خود به دولت افغانستان و نیروهای خارجی به‌خصوص آمریکا بوده است. طالبان همواره درصدد بوده است که نشان دهد که ترسیم آینده افغانستان بدون در نظر گرفتن این گروه، نتیجه‌ای جز جنگ و ناامنی در پی نخواهد داشت. هدف آمریکا و ناتو از اشغال افغانستان ایجاد امنیت و نابودی القاعده و طالبان اعلام شده بود، اما وضعیت جنگ در افغانستان به نفع طالبان پیش برده شد. به‌همین علت، در زمان ریاست‌جمهوری باراک اوباما، مذاکراتی در سال ۲۰۱۰ میان آمریکا و نمایندگان آنچه طالبان میانه‌رو<sup>۱</sup> خوانده می‌شد، انجام گرفت که نتیجه مدنظر طرفین حاصل نگردید (Rasouli, 2020: 43-44) با روی کارآمدن دونالد ترامپ، او برخلاف ادعای قبلی‌اش که جنگ با طالبان را به‌عنوان موضوعی مسلم تا شکست این گروه مطرح کرده بود، از مذاکره با طالبان سخن گفت و زلمی خلیل‌زاد را به‌عنوان نماینده آمریکا در امور صلح تعیین کرد که خود نوعی اعتراف به شکست آمریکا در افغانستان بود. طالبان در جریان یازده دور گفتگوهای صلح با آمریکا، از موضع ضعف عمل نکرد و برخلاف طرف مقابل، برای ادامه روند مذاکره عجله‌ای نداشته و قدم به قدم پیش می‌رفت. طالبان در کنار مذاکرات با آمریکا، اقدام به برگزاری مذاکرات دو جانبه با کشورهای منطقه از جمله ایران و چین نمود و در دو نشست بین‌افغانی در مسکو نیز شرکت کردند تا از این طریق مشروعیت و وزن دیپلماتیک خود را در مقابل آمریکا افزایش دهند. در نهایت، پس از ماه‌ها مذاکره و گفتگو میان نمایندگان طالبان و آمریکا در خصوص مذاکرات صلح افغانستان، بالاخره طرفین در ۲۹ فوریه ۲۰۲۰ م (۱۰ اسفند ۱۳۹۸) توافق‌نامه صلحی را امضاء کردند (محمودی، ۱۳۹۸).

طالبان در آستانه امضای توافق‌نامه با آمریکا، به‌لحاظ نظامی از طریق عملیات‌های متعدد بر دامنه حوزه‌های تحت کنترل و نفوذ خود در کشور افزود، در حوزه سیاسی نیز با توجه به تمایل دولت ترامپ برای دستیابی به توافق، کسب مشروعیت از جانب کشورهای منطقه (به‌دلیل برگزاری نشست‌های مختلف طالبان با کشورهای منطقه با هدف رفع نگرانی این کشورها از جانب طالبان در ازای دریافت اعتبار از طرف آنها)، اختلاف میان اشرف غنی و عبدالله عبدالله در ارتباط با نتایج انتخابات و عدم‌وجود صدای واحد میان بازیگران داخلی افغانستان و ... از موضع قدرت در



جلسه امضای توافق‌نامه شرکت کرد. البته مذاکرات آمریکا با طالبان در روندی انجام گرفت که دولت کابل و سایر بازیگران، نه تنها در این روند دخالت داده نشدند؛ بلکه مفاد این توافقات نیز تاکنون مخفی و پر از ابهام باقی مانده است. بدون شک، در وضعیتی که دولت افغانستان و بازیگران داخلی در روند مذاکرات دخالت داده نشدند و روند انتخابات و دولت برآمده از آن به نحوی مدیریت شده است که یک دولت ضعیف‌تر از دولت وحدت ملی در افغانستان شکل بگیرد، باید به سیاست‌های آمریکا با دیده تردید نگریست و تناقض‌های رفتاری آن را احصاء کرد.

یکی از اهداف اِعمالی مهم آمریکا در منطقه، گسترش گروه‌های رادیکال همسو یا گروه‌هایی است که بتوانند منافع آن را در منطقه تأمین کنند، و به همین دلیل نیز با طالبان مذاکره کرد. طالبان نیز چنانچه به هر نحوی، قدرت را در کابل به دست گیرد، علی‌رغم مواضع رسمی خود، برای کسب مشروعیت بین‌المللی و جلب کمک‌های اقتصادی به‌نوعی به آمریکایی‌ها وابسته خواهد شد و اجباراً باید سیاستی را در پیش گیرد که بتواند کمک‌های اقتصادی واشنگتن را کسب کند. بنابراین می‌توان گفت، امروزه مجموعه‌ای از علل و عوامل درونی و بیرونی در افغانستان موجب شده است تا طالبان از یک جریان زوال‌یافته به نیرویی قدرتمند تبدیل شود؛ به‌طوری که با گذشت نزدیک به دو دهه از سقوط طالبان، این گروه شبه‌نظامی، با رموز بازی‌ها و مناسبات سیاسی-دیپلماتیک آشنا شده است که یکی از آنها «مذاکرات صلح» است. مذاکراتی که به‌عنوان یکی از تحولات بنیادین در افغانستان محسوب می‌شود و بر آینده این کشور تأثیر زیادی خواهد گذاشت.

بر اساس این مقدمه، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چشم‌انداز جایگاه طالبان در عرصه حکمرانی آینده افغانستان چیست؟ فرضیه اصلی این است که قدرت طالبان در افغانستان و به‌خصوص نفوذ و مشروعیت این گروه پس از امضای توافق صلح با آمریکا و فضای حاکم بر مذاکرات بین‌افغانی با توجه به ضعف دولت افزایش یافته است. روش انجام پژوهش، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

## ۲. پیشینه پژوهش

رفیع و بختیاری جامی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های صلح در افغانستان» بر این عقیده‌اند که دخالت‌های فرمانطقه‌ای در کنار دخالت قدرت‌های همسایه در افغانستان، به‌همراه وجود تنوع قومی در این کشور به‌عنوان موانع عمده صلح در افغانستان محسوب می‌شوند. درک اشتباه نیروهای بیگانه از تحولات پیچیده قومی، مذهبی و ساختار ناهمگون جامعه و حکومت، اتحاد و یکپارچگی



داخلی را متزلزل و شکاف‌ها را در جامعه و ساختار قدرت را تشدید می‌کند. سالنگی (۱۳۹۹)، کارشناس افغانستانی در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی آینده‌نگر به مذاکرات بین‌افغانی»، سه فرضیه را در ارتباط با آینده مذاکرات بین‌افغانی مطرح می‌کند: بر اساس فرضیه نخست، روال مذاکرات بین‌افغانی نشان می‌دهد طالبان در موضع فرادست قرار داشته است. مطابق با فرضیه دوم دولت ایالات متحده همچنان در کنار دولت افغانستان کمافی سابق قرار خواهد داشت و براساس فرضیه سوم دولت ایالات متحده دو طرف را وادار خواهد ساخت که به توافقی پنجاه پنجاه تن در دهند. کیتی گیل‌سینان<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با عنوان «آمریکا خواهان صلح در افغانستان است»<sup>۲</sup> برای این باور است که آمریکا از همان دور اول مذاکرات با طالبان در اکتبر ۲۰۱۸م، تا آخرین دور مذاکرات در فوریه سال ۲۰۲۰م، بر ضرورت تأمین اهداف زیر تأکید داشت: برقراری آتش‌بس میان دولت افغانستان و طالبان، پایان جنگ در افغانستان (البته صرفاً در چارچوب سیاست اعلامی، مسئله پایان جنگ را مطرح می‌کند)، آغاز مذاکرات بین‌افغانی طالبان با دولت افغانستان، تضمین طالبان در خصوص قطع رابطه با القاعده و مبارزه با داعش، تضمین طالبان در خصوص اینکه از خاک افغانستان حمله یا تهدیدی علیه منافع آمریکا و متحدانش صورت نمی‌پذیرد. لیندسی میزلند<sup>۳</sup> در مقاله‌ای با عنوان «توافق آمریکا و طالبان؛ آنچه باید بدانیم»<sup>۴</sup> بر این عقیده است که آغاز مذاکرات صلح بین طالبان و آمریکا در سال ۲۰۱۸م، و نادیده گرفتن مطالبات اولیه مبنی بر لزوم شرکت دولت افغانستان در این روند، موجب نارضایتی کشورهای منطقه شد. میزلند معتقد است که تغییر سیاست آمریکا درخصوص به حاشیه رفتن دولت کابل در مذاکرات صلح میان ایالات متحده و طالبان، موجب مشروعیت بخشیدن به طالبان و سلب مشروعیت از دولت کابل شد که زمینه تقویت نقش و فعالیت پاکستان را نیز فراهم کرد.

با توجه به پیشینه بیان شده، نوآوری مقاله حاضر پرداختن به مسئله جایگاه طالبان در عرصه حکمرانی آینده افغانستان با عنایت به توافق‌نامه صلح آمریکا و طالبان و برگزاری مذاکرات بین‌افغانی است.

1. Kathy Gilsinan
2. The U.S. Wanted Peace in Afghanistan
3. Lindsay Maizland
4. U.S.-Taliban Peace Deal: What to Know



### ۳. چارچوب نظری

ابن‌خلدون، ظهور و سقوط تمدن‌های بشری را بر پایه مفهوم عصبيت تحليل می‌کند و آن را عامل اصلی بسیج قوا و تشکیل دولت‌ها در جامعه قبیله‌ای می‌داند. بر اساس نظریه عصبيت، تشکیل دولت فقط بر اساس پیوندهای خونی و خویشاوندی امکان‌پذیر است. کسانی می‌توانند بر صاحبان عصبيت حکومت نمایند که از نسب آنها باشند (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵). بنابراین، در جامعه قبیله‌ای اگر افراد یا گروه‌های خارج از تبار قبیله به حکومت برسند، از سوی جامعه قبیله‌ای مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. جایگاه پشتون‌ها و به‌دنبال آن طالبان در افغانستان ناشی از همبستگی و برخورداری از روحیه قبیله‌ای غیرمنعطف است. هسته‌های رهبری و اولیه تشکیل دهنده طالبان را افغان‌های پشتون تشکیل می‌دادند و طالبان خود را وارث قدرت پشتون‌ها می‌دانند (امامی، ۱۳۷۸: ۹۰). در ساختار فکری جامعه قبیله‌ای پشتون و طالبان، عصبيت‌های قومی و قبیله‌ای نقش کلیدی را ایفا می‌کنند. پشتون‌ها بر این باورند که افغانستان سرزمین متعلق به افغان‌ها است و دیگر اقوام در آن هیچ حقی ندارند؛ لذا باید حکومت و تمامی مقدرات کشور در دست پشتون‌ها باشد (نظری، ۱۳۹۸: ۲۳۸). طالبان همانند اسلاف خود که مردمی صحرائشین و چادرنشین بودند، در دهه ۷۰ شمسی (دهه نود میلادی) از عصبيت بادیه‌نشینی استفاده کرده و بدون در نظر گرفتن دیگر اقوام افغانستان، اقدام به تأسیس حکومت کردند (سعادت، ۱۳۸۵: ۱۹۷).

یکی از ویژگی‌های تفکر قبیله‌ای، فقدان برقراری ارتباط فراقومی و فراقبیله‌ای است. عملکرد نامطلوب طالبان در قبال ملت افغانستان از قبیل کوچاندن قبایل برای از بین رفتن یکپارچگی مناطق محل سکونت ایشان، قتل‌عام، فروختن زنان شوهردار، دختران جوان و حتی اطفال معصوم به تاجران عرب و پاکستان و ... همگی شامل اقوام غیرپشتون از قبیل هزاره، تاجیک، ازبک، ترکمن و مردم بامیان می‌شد (قراگوزلو، ۱۳۸۰، ۴۱-۴۳). طالبان پس از تسخیر قدرت در زمان تشکیل امارت اسلامی، در عمل نشان دادند که نه تنها دغدغه دینی نداشتند، بلکه یک جنبش متعصب قومی بودند که سعی کردند سایر اقوام را از دایره قدرت خارج نموده و سلطه تاریخی قوم پشتون را بار دیگر بر مردم افغانستان تحمیل نمایند. با توجه به جایگاه پشتون‌ها در جامعه افغانستان و میزان قدرت طالبان، این گروه توانست ضمن برخورداری از حمایت پاکستان، مجدداً در عرصه قدرت افغانستان ظهور یابد و حتی پای مذاکرات مستقیم با آمریکا بنشیند. پس از دستیابی طالبان به توافقنامه صلح با آمریکا و تقویت مواضع این گروه در افغانستان، طالبان پشتون در چارچوب



نظریه عصبيت و ایده تشکیل دولت پشتون‌تبار، سودای تسلط بر سایر اقوام را بیش از هر زمانی قابل دستیابی می‌داند.

#### ۴. توافق‌نامه صلح آمریکا و طالبان

پس از ماه‌ها مذاکره و گفتگو میان نمایندگان طالبان و آمریکا در خصوص مذاکرات صلح افغانستان و برگزاری یازده دور از مذاکرات رسمی، بالاخره در ۲۹ فوریه ۲۰۲۰م (۱۰ اسفند ۱۳۹۸) سندی با عنوان «موافقتنامه رسیدن به صلح در افغانستان» میان آمریکا و امارت اسلامی امضا شد که البته بلافاصله پس از ذکر نام امارت اسلامی، آمریکا تأکید کرده است «امارت اسلامی» را به‌عنوان دولت به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه «گروه طالبان» را به رسمیت می‌شناسد (Congressional Research Service, 2020: 4). براساس مفاد توافق‌نامه، قرار شد که مذاکرات بین‌افغانی، ده روز پس از امضای این توافق‌نامه برگزار شود. همچنین، برقراری آتش‌بس دائمی نیز از دیگر مواد توافق‌نامه مذکور بود که به دلیل آنچه طالبان، عدم مشروعیت دولت افغانستان به‌عنوان یک طرف مذاکره می‌خواند، پیگیری نشد. طالبان همواره ادعا می‌کند که کلیه دولت‌هایی که در کابل پس از حمله آمریکا به افغانستان و حضور نیروهای خارجی در این کشور روی کار آمده‌اند، غیرقانونی هستند، زیرا این دولت‌ها و نیز قانون اساسی افغانستان در زمان اشغال کشور توسط خارجی‌ها ایجاد شده و از نظر طالبان قابل پذیرش نیست (Maizland, 2020). امضای توافق صلح میان آمریکا و طالبان لزوماً به‌معنای پایان خشونت و ناامنی در افغانستان نخواهد بود؛ چراکه درخصوص مهم‌ترین معضل افغانستان، یعنی اختلافات سیاسی داخلی و نبود اجماع ملی راهکاری عملی ارائه نداده است، بلکه اولویت را بر تأمین منافع ملی آمریکا و طالبان قرار داده است.

#### ۵. متغیرهای تأثیرگذار بر اجرای توافق‌نامه صلح آمریکا و طالبان

متغیرهای تأثیرگذار بر اجرای توافق‌نامه صلح میان آمریکا و طالبان به سه دسته متغیرهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تقسیم است:

##### ۵-۱. متغیرهای داخلی

عوامل داخلی به سه بخش تقسیم می‌شود: طالبان، دولت افغانستان و احزاب و سایر گروه‌های سیاسی.

##### ۵-۱-۱. طالبان

برگزاری مذاکرات طالبان با سایر افغان‌ها با هدف دستیابی به آتش‌بس و صلح در شرایطی از شهریور ۱۳۹۹ (سپتامبر ۲۰۲۰) پیگیری شده است که طالبان در زمان کنونی میز مذاکره در دوحه





را ترک کرده و روند حملات نظامی خود را ادامه داده‌اند. این مسئله مؤید این نکته است که طالبان در بهترین شرایط، علیه نیروهای خارجی حمله نکردند، اما حملات علیه نیروهای دولتی افغان را ادامه دادند که البته نتیجه‌ای جز تداوم اختلافات و درگیری‌ها نداشته است. عدم حضور دولت افغانستان در روند مذاکرات صلح آمریکا و طالبان، عملاً یکی از موانع اصلی صلح در افغانستان در زمان پس از امضای توافق‌نامه است. درضمن، یکی از مهم‌ترین تعهدات طالبان در این توافق‌نامه، توقف عملیات نظامی علیه نیروهای خارجی از جانب این گروه است. در حالی که رهبران طالبان با این چالش مواجه هستند که بتوانند در ادامه، همه زیرمجموعه‌های طالبان را زیر چتر خود حفظ کنند و سیطره‌شان را تثبیت کنند. برخی گروه‌ها در درون طالبان همواره مخالف مذاکره با آمریکا و دولت کابل هستند. اختلافات داخلی میان گروه‌های طالبان در مورد صلح با آمریکا موجب بروز شکاف در این گروه‌ها شده و می‌تواند مانع عملیاتی شدن توافقات شود، به‌ویژه که حامیان این دسته از طالبان نیز متعدد هستند و گاه منافع متضاد دارند.

## ۵-۲. دولت افغانستان

دولت افغانستان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین بازیگران داخلی افغانستان همواره بر این امر تأکید کرده است که جنگ راهکار ایجاد صلح و امنیت در افغانستان نیست و به همین علت هم در دوره حامد کرزی و هم در دوره اشرف غنی بر مذاکره با طالبان تأکید و امتیازاتی نیز به طالبان اعطاء کردند که آزادی زندانیان طالب به بهانه‌های مختلف از جمله این امتیازات بوده است. دولت اشرف غنی که از نحوه به سرانجام رسیدن توافق صلح آمریکا و طالبان و محتوای آن چندان دل خوشی از دولت ترامپ نداشت، با روی کار آمدن دولت بایدن امیدوار بود بتواند با توجه به رویکرد دموکرات-ها درخصوص موضوعات حقوق بشری، بر عدم پایداری طالبان درخصوص کاهش خشونت و انجام مذاکرات معنادار با دولت کابل تأکید و وزن دولت را تقویت کند. اما طرح جدید دولت بایدن که در قالب تشکیل "دولت انتقالی صلح افغانستان" مطرح شده است، معنایی جز پایان عمر دولت غنی نخواهد داشت (Quinn, 2021).

## ۵-۳. احزاب و سایر گروه‌های سیاسی

احزاب و سایر گروه‌های سیاسی افغانستان با نوع حکومت‌داری و قوم‌گرایی متعصبانه اشرف غنی مشکل دارند. در طول دوره پنج‌ساله حکومت وحدت ملی، نه تنها ناامنی‌ها از جنوب به شمال



افغانستان گسترش یافت، بلکه گروهک تروریستی داعش نیز بر مشکلات امنیتی افغانستان افزود و عملاً بحران در افغانستان فراگیر شده است. احزاب به‌ویژه جبهه متحد شمال سابق یعنی تاجیک‌ها، ازبک‌ها و شیعیان هزاره ادامه این وضعیت را به نفع خود نمی‌دانند و از این رو با اصل مذاکره با طالبان مسئله‌ای ندارند به‌شرطی که احزاب مذکور در روند جزییات مذاکرات و توافقات احتمالی قرار بگیرند.

## ۵-۲. متغیرهای منطقه‌ای

هر یک از بازیگران منطقه‌ای نگاه خاص خود را به توافق امریکا و طالبان دارند. پاکستان همواره می‌خواهد طالبان را به‌عنوان گروه شبه‌نظامی مخالف دولت کابل در ساختار قدرت افغانستان سهیم و به نوعی عمق استراتژی خود را در مقابل تهدیدهای احتمالی هند حفظ کند (پهلوانی، ۱۳۹۱: ۷۲۲). از سوی دیگر اگر گروهی که سال‌ها تحت حمایت اسلام‌آباد بوده، در کابل بر سر قدرت باشد، دست کم کمتر به خط مرزی دیوراند دامن می‌زند و به مرور زمان این خط مرزی به‌رسمیت شناخته می‌شود. چین، روسیه، هند و ایران خواهان صلح و ثبات در افغانستان هستند. چین در پی رفع نگرانی انتقال احتمالی ناامنی از افغانستان به منطقه سین‌کیانگ و روسیه نیز نگران سرایت بی‌ثباتی و ناامنی از افغانستان به منطقه موسوم به خارج نزدیک خود است. برای پکن و مسکو آنچه مهم است، رفع خطر سرریز شدن ناامنی و افراط‌گرایی به مناطق مذکور است، حال چندان مهم نیست که کدام بازیگر (طالبان یا دولت کابل) بتواند در افغانستان در تأمین این هدف ایفای نقش کند. هدف هند نیز تضعیف جریان رادیکال مذهبی تحت حمایت پاکستان در افغانستان است (Chaudhuri, 2020: 7). اما ایران که همواره حامی وجود دولت فراگیر، صلح و امنیت در افغانستان می‌باشد (سجادی، ۱۳۷۷: ۲۶۳)، ضمن مخالفت با تمامیت‌طلبی طالبان، بیشتر بر این مسئله تأکید دارد که روند صلح باید تحت مدیریت افغان‌ها و در قالب حفظ و ارتقای جایگاه دولت قانونی افغانستان باشد. به‌شکلی که همه گروه‌ها برحسب وزن و جایگاه‌شان در قدرت سهیم شوند. درضمن، عدم‌استفاده از خاک افغانستان برای حمله به کشورهای همسایه نیز از دیگر نکات مدنظر بازیگران منطقه‌ای درخصوص توافقنامه صلح است.

## ۵-۳. متغیرهای بین‌المللی

آمریکا در دوره دونالد ترامپ تلاش کرد خود را از جنگ پرهزینه و بی‌فایده فرسایشی با طالبان برهاند (شفیعی، ۱۳۹۵: ۱۱۰) و حتی حاضر شد برای حفظ پایگاه‌های دائمی خود، دستاوردهای



چندین ساله از جمله دولت جدید افغانستان را قربانی معامله با گروه طالبان کند. علیرغم اینکه دولت جو بایدن نیز اعلام کرده است درصدد بازبینی توافقنامه صلح با طالبان است، اما به نظر نمی‌رسد تغییراتی تأثیرگذار در توافقنامه ایجاد شود چرا که افزایش نیروهای آمریکایی در افغانستان و یا افزایش فشار بر طالبان مشکلی را حل نخواهد کرد. آمریکا نشان داده است که به دنبال صلح واقعی در افغانستان نیست. اگر ناامنی در افغانستان به گونه‌ای گسترش پیدا کند که چین، روسیه، آسیای میانه و ایران درگیر شوند به سود ایالات متحده آمریکا که در این منطقه حضور ندارد، خواهد بود. چون به موازات رشد ناامنی، شرایط برای افول رقبای واشنگتن شکل خواهد گرفت. پس بدیهی است که آمریکا برنامه‌هایی برای تقویت داعش در خاک افغانستان داشته باشد (شفیعی، ۱۳۹۷). ناتو نیز به عنوان یک نیروی بین‌المللی ضمن استقبال از امضای توافق نامه صلح، خروج نیروهایش از افغانستان را باعث آسیب زدن به روند مذاکرات صلح می‌داند (Statement by the North Atlantic Council on Afghanistan, 2020).

## ۶- برگزاری مذاکرات بین‌الافغانی

هنگام امضای توافق‌نامه آمریکا و طالبان در فوریه ۲۰۲۰م، چندین بار قرار شد که مذاکرات صلح بین‌الافغانی برگزار شود، اما هر بار طالبان و دولت کابل، طرف مقابل را به ایجاد مانع در روند برگزاری این مذاکرات متهم می‌کردند. شرط آزادی ۵ هزار زندانی طالب به‌خصوص موضوع آزادی آخرین گروه ۴۰۰ نفری از جنگجویان خطرناک طالبان و نیز روند تشکیل شورای عالی مصالحه ملی به عنوان مهم ترین موانع پیش‌روی آغاز مذاکرات مرتفع شدند (ملازهی، ۱۳۹۹). به این ترتیب، مذاکرات صلح بین‌الافغانی در ۲۲ شهریور ۱۳۹۹ (۱۲ سپتامبر ۲۰۲۰م) میان طالبان و نمایندگان دولت افغانستان به شکل رسمی در دوحه کلید خورد. وجود اختلاف میان اشرف غنی و عبدالله عبدالله به دلیل نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان در سال ۱۳۹۸ (۲۰۱۹م) باعث شد طالبان با موضع قوی‌تری در مقابل دولت قرار بگیرد (Hakimi, 2020)، اما پس از امضای توافق‌نامه سیاسی میان غنی و عبدالله در اردیبهشت ۱۳۹۸ (آوریل ۲۰۱۹م) و ایجاد شورای عالی مصالحه به ریاست عبدالله عبدالله، در ظاهر از شکاف در تیم دولت مقداری کاسته شد. نمایندگان طالبان و دولت کابل در مذاکرات صلح بین‌الافغانی به شکل رسمی اعلام نکردند که مشخصاً در پی تأمین چه اهدافی هستند، اما به نظر، موضوع آتش‌بس و تشکیل دولت (ماهیت دولت) مهمترین مسائل مدنظر باشند. لزوم حفظ قانون اساسی و دستاوردهای ناشی از آن مانند برگزاری انتخابات، و جاهت



نظام جمهوری اسلامی، آزادی بیان و مسئله حقوق زنان نیز از دیگر اهداف تیم مذاکره کننده دولت است. برقراری آتش‌بس فوری و دائمی درحالی از مهم‌ترین دغدغه‌های مدنظر دولت بود که طالبان حتی در زمان برگزاری مذاکرات صلح نیز به عملیات خود در افغانستان ادامه می‌داد و از آن به‌عنوان اهرم فشار در مذاکرات استفاده می‌کرد. نمایندگان طالبان صحبت از برقراری حاکمیت شریعت اسلامی و تأسیس نظام اسلامی همه‌شمول در افغانستان نموده‌اند. هر چند طالبان چارچوب نظام اسلامی مدنظر خود را معرفی نکرده است، اما به نظر می‌رسد اصرار طالبان بر دست نشاندن خواندن دولت افغانستان و تأکید این گروه بر تغییر (یا اصلاح) قانون اساسی با هدف تشکیل دولت موقت یا انتقالی در کشور صورت پذیرفته باشد. مذاکرات مذکور حکایت از این واقعیت دارد که هر یک از طرفین به دنبال نفی دیگری و اثبات خود می‌باشد.

با نزدیک شدن به زمان خروج نیروهای امریکایی از افغانستان طبق توافق دوحه، و عدم دستیابی به نتیجه خاص در مذاکرات صلح بین الافغانی، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا در اواخر اسفند ۱۳۹۹ (مارس ۲۰۲۱)، طی نامه ای تحکم آمیز به اشرف غنی، از جزییات طرح جدید دولت بایدن درخصوص روند صلح پرده برداشت. بر اساس این طرح جدید، بایستی "دولت انتقالی صلح" در افغانستان تشکیل شود که در رأس آن، یک شورای فقهی وجود خواهد داشت. دولت انتقالی صلح بایستی قانون اساسی جدید کشور را تدوین نماید (Quinn, 2021). همچنین قرار است، کنفرانس بین المللی در ماه آوریل (اردیبهشت) سال جاری در ترکیه به عنوان کنفرانس بُن دوم برگزار شود تا چارچوب توافقات صلح افغانستان با مشارکت سازمان ملل متحد نهایی شود. درمقابل، تیم اشرف غنی موضوع برگزاری انتخابات زودرس را مطرح کرده است، اما بسیار بعید است با توجه به میزان وابستگی حکومت کابل به واشنگتن، و نیز عزم امریکا و توافق روسیه و چین با کاخ سفید در زمینه "دولت انتقالی صلح"، غنی بتواند از این موضوع به نتیجه خاصی برسد.

## ۷. چشم‌انداز جایگاه طالبان در عرصه حکمرانی آینده افغانستان

چشم‌انداز جایگاه طالبان در عرصه حکمرانی آینده افغانستان را می‌توان در قالب دو سناریوی کلی تبیین و تحلیل نمود: ۱- حفظ نظام سیاسی موجود از طریق مشارکت طالبان در حکومت. ۲- تغییر نظام سیاسی موجود؛ که خود این سناریو به سه آینده محتمل تقسیم می‌شود: تشکیل دولت موقت، تشکیل دولت موقت بی‌طرف، تشکیل امارت اسلامی.



## ۷-۱. سناریوی اول: حفظ نظام سیاسی موجود (از طریق مشارکت طالبان در حکومت)

بر اساس سناریوی اول، طالبان از خواسته اصلی خود یعنی احیای (باصطلاح) امارت اسلامی کوتاه خواهد آمد و با کنار گذاشتن اولویت اول خود، اولویت دوم را که مشارکت در قدرت است، می‌پذیرد. ایالات متحده همچنان در کنار دولت افغانستان کمافی سابق قرار خواهد داشت. بر این اساس، مذاکرات بین‌افغانی همانند مذاکرات قبلی میان طالبان و آمریکا، دچار کش‌وقوس‌های زیادی خواهد بود. تا اینکه طالبان وادار شوند با گرفتن امتیازاتی، در داخل دولت افغانستان جذب شوند. مطابق با این سناریو، مرحله دوم جنگ و صلح افغانستان که مشخصاً میان دولت افغانستان و طالبان مستقیماً انجام می‌شود، شاید سال‌ها طول بکشد. اما آنچه برای آمریکا مهم است عدم‌درگیری مستقیم در این قضیه است. در چارچوب سناریوی اول، آمریکا، هم طالبان و هم دولت کابل را وادار خواهد ساخت که به توافقی پنجاه پنجاه تن در دهند. دیگر گروه‌ها و قومیت‌ها نیز نمایندگانی در دولت خواهند داشت، هر چند که سمت‌های کلیدی و قدرت اصلی در دولت دست پشتون‌ها خواهد بود، ساختار قانون اساسی فعلی در قالب نظام جمهوری اسلامی حفظ خواهد شد. آمریکا در برابر طالبان به وجود یک حکومت مرکزی نیاز دارد؛ با اینکه فرقی نمی‌کند این حکومت چه ترکیبی داشته باشد، اما آمریکایی‌ها از ریاست اشرف غنی به‌عنوان رئیس جمهوری نمی‌گذرند؛ چون وجود حکومت در مقابل طالبان؛ گزینه‌ای برای افزایش فشار آمریکا است و وجود شخص اشرف غنی همین نقش را در مقابل بازیگران داخلی دارد (سالنگی، ۱۳۹۹: ۹).

برخی پژوهشگران برجسته مانند جان آلن از اندیشکده بروکینگز بر این باور هستند که توافق صلح امضا شده میان آمریکا و طالبان، باعث شد که واشنگتن فشار مضاعفی را بر دولت کابل وارد کند. به‌نظر آلن، کاملاً مشخص است که دولت کابل توانایی و قدرت لازم را جهت مقابله با طالبان ندارد، بنابراین آمریکا نباید صرفاً تضمین عدم‌حمله به نیروهای آمریکایی را از طالبان می‌گرفت، بلکه باید به نشانه پشتیبانی از دولت کابل و قرار دادن آن در وضعیت هم‌سان قدرت در مقایسه با طالبان، پیگیر عدم‌حمله طالبان به نیروهای دولتی افغان نیز بود (Allen, 2020). سوزان اسچمیدل<sup>۱</sup> نیز معتقد است دولت افغانستان و جامعه مدنی ضمن نگرانی از محتوای توافق صلح آمریکا و طالبان، معتقدند برقراری آتش‌بس باید توسط آمریکا به طالبان دیکته می‌شد، چرا که شکست هرگونه مذاکره میان دولت و طالبان در چنین شرایطی بسیار محتمل به نظر می‌رسد



(Schmeidl, 2020). به نظر او، سناریوهای آینده افغانستان هیچکدام دلگرم‌کننده به نظر نمی‌رسند و همگی دارای عناصری مانند خشونت، رنج و افزایش شمار پناهندگان در نتیجه شرایط موجود هستند.

مهم‌ترین استدلال سناریوی حفظ نظام سیاسی موجود (مشارکت طالبان در حکومت) این است که با گذشت تقریباً دو دهه از جنگ در افغانستان، بخشی از طالبان هم آماده هستند با قبول امتیازاتی که به لحاظ ساختاری برای این گروه در داخل دولت مسجل شود، دست از جنگ بردارند (چه اینکه این آمادگی حتی مدت‌ها ابراز شده بود) و هم دولت و مردم افغانستان دیگر بیشتر از این تحمل جنگ را ندارند. جامعه هم‌سو با دولت افغانستان حاضر است با طالبان کنار آمده و با این گروه هم‌نشین شود. چنانچه آزادسازی بخشی از زندانیان طالبان که پرونده‌های تروریستی داشتند، بخشی از آمادگی در جانب دولت و جامعه افغانستان را برای پذیرش طالبان نشان داد. لذا در خصوص سرنوشت دولت حاضر باید گفت دولت موجود همچنان حفظ خواهد شد. نه ایالات متحده و نه نیروهای داخلی در دولت افغانستان به انحلال دولت موجود و ایجاد حکومت موقت راضی نیستند. هر چند طالبان در مواضع خود از انحلال دولت موجود و ایجاد یک دولت موقت سخن می‌گویند، اما با توجه به سناریوی مذکور، حفظ دولت موجود به عنوان پیش‌فرض اساسی انجام شدن و پیشرفت مذاکرات بین‌الافغانی دانسته می‌شود (سالنگی، ۱۳۹۹: ۱۰). دولت افغانستان و تیم آن، طرفدار عملیاتی شدن این سناریو هستند. اگر حامیان طالبان این قدرت را داشته باشند تا این گروه را مجاب به تقسیم قدرت کند، جای امیدواری برای اجرایی شدن سناریوی اول وجود دارد، در غیر این صورت، این سناریو اجرایی نخواهد شد (مصباح‌زاده، ۱۳۹۹: ۳).

## ۷-۲. سناریوی دوم: تغییر نظام سیاسی موجود و سه آینده محتمل

طبق سناریوی دوم، طالبان از موضوع مشارکت در قدرت استقبال نخواهند کرد، زیرا درصدد تغییر نظام سیاسی موجود است. با توجه به ایدئولوژی طالبان و قدرت این گروه، قانون اساسی افغانستان طبق خواسته‌های طالبان و غرب تغییر خواهد کرد. براین اساس، در مذاکرات بین‌الافغانی اگر تیم مذاکره‌کننده از جانب افغانستان، درباره ادغام طالبان در دولت فعلی بحث کند، مذاکرات بلافاصله از جانب این گروه قطع خواهد شد (مصباح‌زاده، ۱۳۹۹: ۳). در قالب سناریوی دوم، آمریکا از تغییر نظام سیاسی موجود افغانستان حمایت می‌کند. برخی کارشناسان معتقدند که اساساً آنچه تحت عنوان مذاکرات صلح مطرح و پیگیری شده است، در واقع وجود خارجی نداشته است، بلکه استراتژی



آمریکایی‌ها در قالب تغییر نظام سیاسی در افغانستان پیگیری شده است. در واقع، پدیده‌ای به نام جمهوری اسلامی افغانستان به زیان آمریکا است. لذا در خصوص تغییر رژیم در افغانستان، اجماعی آمریکایی زیر پرچم مذاکرات صلح شکل گرفته است؛ حال ماهیت این رژیم چیست، جای تأمل دارد. در واقع طالبان و آمریکا هر دو به دنبال تغییر نظام سیاسی هستند. اگر طالبان در نظام آینده افغانستان نقش اول را داشته باشد مسئله بر عکس شده و طالبان باید به بقیه اجازه ورود به ساختارهای دولتی را بدهد. اگر طالبان در رأس قدرت باشد، چهره‌های کمونیست و غربگرا را بر نمی‌تابد و هر تصمیمی را بر اساس شریعت اسلام اجرایی خواهد کرد. طالبان از گذشته تا به امروز تاکید خود را بر روی شریعت داشته است. توافق بین طالبان و آمریکا نشان داد که آمریکا حاکمیت طالبان را پذیرفته است. طالبان هم به آمریکا این اطمینان را داده است که منافع واشنگتن را در افغانستان به خطر نمی‌اندازد و اجازه نمی‌دهد هیچ گروه تروریستی علیه آمریکا در افغانستان اقدام کند، هر چند که طالبان بر طبل خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان می‌کوبد؛ ولی این امکان وجود دارد که در آینده منافع طالبان ایجاب کند که به آمریکا اجازه دهد تا در افغانستان پایگاه داشته باشد. لذا آمریکا و طالبان منافع یکدیگر را به رسمیت شناخته و با هم به توافق رسیده‌اند (موسوی، ۱۳۹۹).

همان‌گونه که گفته شد، سناریوی تغییر نظام سیاسی موجود، خود به سه آینده محتمل تقسیم می‌گردد: تشکیل دولت موقت، تشکیل دولت موقت بی‌طرف (مصباح‌زاده، ۱۳۹۹: ۴) و تشکیل امارت اسلامی.

## ۷-۲-۱. تشکیل دولت موقت (تضمین حاکمیت طالبان)

ایجاد دولت موقت از سناریوهای با اهمیت در تغییر نظام سیاسی موجود افغانستان است. دولت موقت به معنای پایان دولت اشرف غنی است. غنی و حامیان او به شدت مخالف دولت موقت بوده و آن را بازگشت به عقب می‌دانند. برخی کارشناسان معتقدند نیروهای سیاسی موجود در افغانستان مانند نیروهای سیاسی موجود در کنفرانس بُن قوی و با اعتبار نیستند و یکی از پیامدهای اشغال افغانستان نابودی کامل اعتبار نیروهای سیاسی افغانستان بود. حکمتیار، آشکارا اعلام کرده است که با طالبان در تماس است، شاخه‌های مختلف جمعیت اسلامی نیز تماس‌هایی با طالبان داشته‌اند و احزاب شیعه هم احتمالاً با این گروه تماس داشته‌اند. این طبقه سیاسی از افغانستان برای تأمین منافع خود خواهان تغییر نظام هستند، چرا که این طیف هیچ سهم مؤثری از قدرت کنونی ندارند. دولت فعلی افغانستان به رهبری غنی دولتی قوی نیست؛ زیرا با توجه به حذف رقبا و بازیگران



مدعی در عرصه قدرت افغانستان و نیز تعداد آراء کسب کرده در انتخابات، مشروعیت سیاسی و قدرت مردمی چندانی ندارد. ایجاد دولت موقت، مهم‌ترین گزینه به‌نظر می‌رسد و اگر دولت موقت ایجاد شود، این امر بدین معنا است که حاکمیت طالبان تا انتها تضمین شده است، زیرا در دولت موقت، طالبان قد علم خواهد کرد و قدرت اصلی را در دست خواهد گرفت. در این دولت، طالبان گرداننده خواهد بود و بقیه نیروهای سیاسی نیز اجازه می‌یابند در کنار طالبان حضور داشته باشند (همان).

در واقع، اگر طالبان موفق شوند حاکمیت خود را تثبیت کنند، همان دیدگاه قدیمی که پشتون‌ها هیچ‌گاه اجازه نمی‌دهند سایر اقوام حاکم افغانستان باشند، غالب خواهد شد و بالطبع طالب یا همان پشتون با دیدگاه‌های انحصاری که دارد می‌تواند حکومت افغانستان را به دست بگیرد. طالبان معتقدند اگر بتوانند حضور نیروهای غربی را در خاک افغانستان تضعیف کنند، قطعاً میزان تصاحب سرزمین‌شان افزایش پیدا خواهد کرد و می‌توانند برخی شهرها و ولایات را در کنترل خود بگیرند و به این ترتیب موضع بالاتری در درگیری‌های داخلی افغانستان داشته باشند. بدون شک، با تشکیل دولت موقت (تضمین حاکمیت طالبان)، وضعیت برای گروه‌های جهادی که حاکمیت طالبان را نپذیرند دشوار و تهدیدزا خواهد بود. وقتی از گروه‌های جهادی در مقابله با طالبان صحبت می‌شود منظور همان نیروهای تاجیک، ازبک و هزاره هستند که برای مقابله با سیاست‌های حکومت اشرف غنی در ذیل ائتلاف جبهه نجات ملی یا شورای ائتلاف گرد هم آمدند. طالبان در صورت پیروزی تلاش خواهد کرد تا بخشی از جهادی‌های به اصطلاح معتدل از دید خود را جذب و با فرماندهان یا رهبرانی که با آنان زاویه دارد (مانند ژنرال دوستم، محقق، اسماعیل خان و استاد عطاء)، برخورد کرده و آنها را به حاشیه براند. گروه‌های جهادی به دلیل خلع سلاح و وجود اختلافات با هدف تضعیف آنها توسط دولت کابل، توان اتحاد مقابل طالبان را ندارند.

در صورت تحقق گزینه تشکیل دولت موقت، احتمال به خطر افتادن منافع شیعیان (از جمله به رسمیت نشناختن آنها در قانون اساسی افغانستان) وجود دارد. این احتمال که طبق توافقات آمریکا و طالبان، قانون اساسی افغانستان، تغییر کند، وجود دارد. افزایش ناامنی‌ها و کشتار شیعیان در این سناریو نیز محتمل است. به همین دلیل نباید تشکیل حکومت موقت را به معنای پایان ناامنی‌ها و آغاز صلح تلقی کرد. در یک وضعیت برابر بین دولت افغانستان و طالبان، احتمال آسیب دیدن شیعیان، بیش از هر قوم و مذهبی خواهد بود. اگر تاجیک‌ها و ازبک‌ها بتوانند افراد مدنظر خود را در حکومت موقت جای دهند و از طریق آن‌ها، منافع خود را هم در دولت موقت و هم در دولت





آینده و روند سیاسی پس از حکومت موقت پیگیری کنند، خواهند توانست از احتمال تهدید منافعشان تا حدودی بکاهند، اما چنانچه نتوانند به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در دولت موقت و برنامه‌های مدنظر آن، تأثیر بگذارند، ممکن است که منافعشان نادیده گرفته شود. در صورت وقوع چنین سناریویی، این فرصت برای گروه‌های جهادی پدید می‌آید تا با فعال شدن در دولت موقت، در دولت آینده نیز نقش و سهم داشته باشند؛ به‌ویژه در وضعیت فعلی که نه در دولت سهم و نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و نه در مذاکرات با طالبان مشارکت داده شده‌اند.

## ۷-۲-۲. تشکیل دولت موقت بی‌طرف

دولت موقت بی‌طرف، یکی از سناریوهای محتمل است که در آن طالبان و دولت فعلی افغانستان حضور ندارند. تعدادی از چهره‌های مطرح و مورد قبول که اکثریت آن را تایید می‌کنند وارد عرصه سیاسی افغانستان می‌شوند، از بین آنان یک چهره اثرگذار را انتخاب کرده و برنامه‌ها و طرح‌ها را حول محور آن شکل می‌دهند (مصباح‌زاده، ۱۳۹۹: ۴). احتمال دارد که دولت فعلی که از اجلاس بُن‌اول به‌وجود آمده پایان یابد و آمریکایی‌ها بخواهند به‌سمت تشکیل یک دولت موقت که همه طرف‌ها در آن سهم داشته باشند، بروند. طبق گزینه دوم، احتمالاً دولت موقت ۱۸ ماهه‌ای بر سرکار خواهد آمد که طالبان در آن شریک قدرت است. در این چارچوب، ساختار سیاسی و اداری که از «اجلاس بن» استخراج شده بود، تغییر می‌یابد و افغانستان با حرکت به سمت سیستم فدرالی، به چهار ایالت پشتون‌نشین، ازبک‌نشین، تاجیک‌نشین و هزاره‌نشین تقسیم می‌شود. در هر یک از این ایالت‌ها، دولت و مجلسی محلی تشکیل می‌شود و نظام سیاسی افغانستان، به نظام پارلمانی تغییر می‌یابد و دولت مرکزی، دولتی خواهد بود که هر کدام از این ایالت‌ها سهمی در آن داشته باشند. به دیگر سخن، احتمال دارد پس از توافق مذاکره‌کنندگان دولت و طالبان، آمریکایی‌ها بدون اینکه اجازه تجزیه افغانستان را بدهند، با طرح فدرالی شدن افغانستان موافقت کنند. چنانچه لطیف‌الله پدرام (رهبر حزب کنگره ملی افغانستان با قومیت تاجیک) در سال‌های اخیر بر طرح فدرالی شدن افغانستان همواره تأکید داشته و مدعی است که اگر طالبان بار دیگر به قدرت برسند، تاجیک، ازبک و هزاره جایی در افغانستان نخواهند داشت. لذا هیچ راهی جز این نیست که سایر اقوام هم دنبال طرح فدرالی شدن بروند تا هر کدام از آنها به نسبت وزن‌شان در ولایات و مناطق قومی خودشان، حکومت‌های محلی تشکیل دهند و به نوعی در حکومت مرکزی هم شریک باشند (باقری، ۱۳۹۹). در این صورت، بخش اصلی قدرت، دست پشتون‌ها خواهد افتاد؛ اما با اصلاح قانون اساسی جایگاه مشخصی برای تاجیک‌ها، ازبک‌ها و هزاره‌های شیعه‌مذهب تعریف خواهند کرد. ممکن است حامد



کرزی به‌عنوان رئیس دولت موقت بی‌طرف مطرح شود که این چهره مورد قبول آمریکا و دیگر بازیگران داخلی و خارجی است. به‌طور حتم، اشرف غنی مخالف این نظر است و اگر بر مخالفت خود اصرار ورزد، باید عمر دولت سیاسی خود را تمام شده بداند. طالبان هم نمی‌پذیرند، مگر اینکه در آن نقش برجسته و هدایت‌گر داشته باشند (مصباح‌زاده، ۱۳۹۹: ۴).

### ۷-۳. تشکیل امارت اسلامی

در گزینه سوم، طالبان در بلندمدت، امارات اسلامی مدنظر خود را تأسیس خواهد کرد. طالبان به‌عنوان بازیگر قدرتمند در افغانستان، طی سال‌های گذشته متوجه شد که نمی‌تواند صرفاً از طریق نظامی به اهداف خود در کشور دست یابد. به‌خصوص اینکه پس از مرگ ملا عمر تشتت آراء میان گروه‌های مختلف در درون طالبان رخ داد. لذا طالبان که همواره سودای تشکیل امارت اسلامی در افغانستان را در سر داشت، متوجه شد که اگر مذاکرات طبق پیشنهادهای موجود پیش برود، می‌توانند حداقل در ولایات شرقی و جنوبی کشور، حکومت خود را منتهی در شکلی متفاوت با حکومت طالبان دهه ۱۹۹۰م (دهه ۷۰ ش) برقرار نماید. اما باید در نظر داشت که طالبان به چیزی کمتر از امارت اسلامی رضایت نمی‌دهند و تمام حکومت را می‌خواهند. اینکه طالبان در حکومت مشارکت کنند و چند وزارتخانه و چند استان بگیرند، در راهبرد این گروه نیست، در غیر این صورت خیلی زودتر این کار را انجام می‌دادند. آنها حکومت را تمام و کمال می‌خواهند. شکل حکومت هم باید امارت اسلامی باشد.

برخی کارشناسان معتقدند در مذاکرات صورت گرفته با طالبان پیش از امضای توافق صلح میان این گروه و آمریکا، (مانند مسکو، دوحه و اسلام‌آباد)، موضوع مشارکت مطرح شد، اما طالبان فقط به امارت فکر می‌کند. در حال حاضر هم شاخه سیاسی طالبان به رهبری ملا برادر و شاخه نظامی به رهبری هیبت‌الله، یکی از طریق مذاکره و دیگری ادامه عملیات نظامی همچنان در فکر احیای امارت هستند. در مذاکرات بین‌افغانی نیز رقابت بر سر این خواهد بود که طالبان می‌خواهد امارت را احیاء کند و دیگر قدرت‌ها می‌خواهند یک حکومت التقاطی بین طالب و دیگران به وجود بیاورند. اگر به تجربه سال‌های گذشته افغانستان توجه شود، این کشور از نظام سلطنتی به نظام جمهوری داوود خان، سپس به نظام دموکراتیک و از نظام دموکراتیک به مجاهدین، از مجاهدین به طالبان و از طالبان به جمهوری اسلامی یا تلفیقی از نظام دموکراتیک اسلامی، منتقل شد. اکنون می‌گویند جمهوری اسلامی برای افغانستان آخر خط است و باید نظام دیگری بیاید و یک قدرت متمرکز به وجود بیاید. در ضمن، مسئله دیگری که درباره آن بحث می‌کنند، مشروعیت نظام پس



از این مرحله است. اکنون آمریکایی‌ها به دنبال یک نوع مشروعیت بین‌المللی برای حکومت بعدی افغانستان هستند. اینکه مطرح می‌گردد کشورهای حامی صلح افغانستان دارند در این زمینه فعالیت می‌کنند، یکی از مراحل خطرناک کار است، چون این کشورها حامی صلح نیستند، بلکه به وجود آورنده مشروعیت نظام پس از جمهوری اسلامی افغانستان هستند. هر نظام سیاسی یا بر پایه مشروعیت سنتی یا مشروعیت قانونی یا مشروعیت دینی است (موسوی، ۱۳۹۹).

برخی صاحب‌نظران افغانستانی در خصوص این موضوع که آیا آمریکا نظام امارتی طالبان را خواهد پذیرفت، بر این باورند که اگر ملاک قضاوت، موضع‌گیری بعد از توافق ایالات متحده و جوسازی جهانی توسط این کشور را در خصوص قضیه مزبور باشد، مشخص است که مردم آن کشور و حتی جامعه جهانی به هیچ وجه حاضر به قبول برگشت دوباره امارت اسلامی در افغانستان نخواهند بود. مع الوصف شاید تصور شود که در گذشته این آمریکا بود که به تمام خواسته‌های طالبان لبیک گفته است؛ اما با آغاز و ادامه مذاکرات بین‌الافغانی، توپ در میدان دولت افغانستان می‌افتد و این دولت است که با صلاحیتی که در اختیار دارد، هر چه را خواست می‌پذیرد و برعکس. اما مسئله اساسی این است که اگر فرض کنیم ایالات متحده چیزی را از دولت افغانستان بخواهد، آیا این دولت توان مقاومت در برابر خواست آمریکا را دارد؟ چیزی که گذشته نشان می‌دهد، پاسخ منفی است (سالنگی، ۱۳۹۹: ۸).

سوبه‌اش کاپیلا<sup>۱</sup>، از مؤسسه مطالعاتی «گروه تحلیل جنوب آسیا» معتقد است طالبان، توانمندی و اقتدار لازم برای ارائه تضمین به آمریکا در خصوص اینکه القاعده و سایر گروه‌های افراطی از مناطق تحت کنترل طالبان، عملیاتی را علیه منافع واشنگتن انجام ندهند ندارد. در ضمن، به دلیل عمق و جنس رابطه طالبان با پاکستان، اسلام‌آباد اجازه نخواهد داد که روند صلح در افغانستان به سمتی برود که منافع پاکستان تهدید شود که این موضوع به خودی خود می‌تواند صلح و امنیت افغانستان را تهدید کند. همچنین، به دلیل وجود منافع راهبردی میان چین و پاکستان، بعید است که پکن با رویکرد واشنگتن در قبال هرگونه محدود کردن نقش پاکستان در آینده افغانستان همراه شود. به همین دلیل، از نظر کاپیلا، روند صلحی که آمریکا با طالبان پیش گرفته است ماندگار نخواهد بود و طالبان در چارچوب تعهدات عمل نخواهند کرد (Kapila, 2020). در ضمن، طرح «امارت اسلامی» برای نظام سیاسی آینده پس‌اصلاح از سوی طالبان، بیش از آنکه در چارچوب فقه



سیاسی اهل سنت بررسی شود، از سوی نخبگان سیاسی غیرپشتون به‌عنوان یک فرم سیاسی برای پشتونیزه کردن افغانستان تلقی شده و با واکنش روبرو خواهد شد. از سوی دیگر تجربه زندگی زیر سایه «امارت اسلامی» برای بسیاری از مردم افغانستان، مخصوصاً شهروندان غیرپشتون و اکنون تصور آن برای نسل جوان افغانستان، تجربه و تصویری از سرکوب و سختگیری بوده و در یک فرایند شفاف انتخاباتی نیز بسیار بعید است که به‌عنوان مدل نظام سیاسی پساصلح در افغانستان مورد پذیرش قرار گیرد.

با وقوع سناریوی تشکیل امارت اسلامی، وضعیت شیعیان افغانستان به‌لحاظ سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی دچار چالش‌های اساسی خواهد شد. به‌ویژه که شیعیان تا امروز در سرنوشت سیاسی افغانستان مناسب عمل نکرده‌اند. اگر طالبان، امارت اسلامی را برقرار کند، شیعیانی که در قدرت بوده و بازیگر قدرت سیاسی محسوب می‌شوند، دو راه پیش‌رو دارند: یا حذف شوند و یا از طالب امتیاز بگیرند. طالبان هم ممکن است از تعدادی از شیعیان در ساختار قدرت امارت اسلامی استفاده کند، اما این مسئله وضعیت شیعیان را بهبود نخواهد بخشید و عملاً شیعیان مانند سرسپرده‌های طالب می‌شوند. طالبان قطعاً در مقابل اندیشه‌های «ولایت فقیه» و «فقه شیعه» اقدام خواهد کرد؛ چرا که از طرف پاکستان و عربستان سعودی حمایت می‌شود. برخی از شیعیان افغانستان معتقدند که اگر در چنین شرایطی بخواهند برای نجات و بقای شیعه کاری انجام دهند، باید قید حضور در کنار دولت آمریکایی و طالبان را بزنند. اگر روزی شیعیان مانند دوره قبل در کنار طالبان بنشینند و با آن بیعت کنند، بار دیگر ذلت و خواری شیعه رقم خواهد خورد. بنابراین، شیعیان باید از «قدرت سیاسی» اجتناب کرده و وارد «سیاست قدرت» شوند؛ به این معنا که سیاست قدرت به عوامل مؤثر قدرت و نه لزوماً مشارکت و حضور در قدرت سیاسی نظر دارد. برای مثال یکی از عوامل مؤثر در سیاست قدرت، قدرت اتحاد و همبستگی میان شیعیان، دوری از پراکندگی سیاسی، تقویت وحدت شیعیان، دنبال کردن اندیشه واحد و عواملی نظیر این است. در مجموع، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، شاید در ابتدا سناریوی اول عملیاتی شود، اما در نهایت، این سناریوی دوم است که عملیاتی خواهد شد؛ به‌خصوص گزینه تشکیل دولت موقت.

## ۸. نتیجه‌گیری

برای چشم‌انداز جایگاه طالبان در عرصه حکمرانی آینده افغانستان، می‌توان دو سناریوی کلی در نظر گرفت: (۱) حفظ نظام سیاسی موجود (به‌همراه مشارکت طالبان در حکومت) (۲) تغییر نظام



سیاسی موجود. سناریوی دوم، خود به سه آینده محتمل تقسیم می‌شود: گزینه اول: تشکیل دولت موقت، گزینه دوم: تشکیل دولت موقت بی‌طرف و گزینه سوم: تشکیل امارت اسلامی. در خوش بینانه‌ترین حالت، سناریوی اول در قالب حفظ نظام سیاسی موجود (به‌همراه مشارکت طالبان در حکومت) اجرایی خواهد شد. اما در نهایت، این سناریوی دوم (تغییر نظام سیاسی موجود) است که عملیاتی خواهد شد؛ به‌خصوص در قالب گزینه تشکیل دولت موقت. ایالات متحده آمریکا تلاش می‌کند تا گفتگوهای صلح بین‌افغانی حتی اگر با فرسایش هم شده است، در قالب یک توافق‌نامه به نتیجه برسد. حفظ وجهه در سیاست خارجی کشورهای ابرقدرت، یک اصل پذیرفته شده است. آمریکا بر آن است که با فراهم شدن یک توافق‌نامه صلح توسط تیم‌های مذاکره‌کننده، زمینه خروج آبرومندانه از افغانستان را فراهم کند. آمریکا برای حفظ منافع و پرستیژ سیاست خارجی خود بارها تصریح کرده است که حفظ ارزش‌های مدنی و نظام سیاسی افغانستان ربطی به آمریکا ندارد و یک مسئله داخلی و مربوط به مردم افغانستان است. اگر آمریکا به این رویکرد خود پافشاری کند، بر دولت افغانستان نیز فشار وارد خواهد کرد که نباید با تأکید و ایستادگی زیاد بر ارزش‌های مدنی و حقوق بشری موجود، باعث توقف روند گفتگوهای صلح با هیأت مذاکره‌کننده طالبان در قطر شود. علی‌رغم روی کار آمدن دولت بایدن و طرح بازبینی توافق صلح آمریکا و طالبان در دولت او، بعید است در استراتژی این کشور در قبال افغانستان تحولات جدی (حداقل در کوتاه مدت) ایجاد شود؛ چنانچه زلمای خلیل‌زاد به‌عنوان فرستاده ویژه آمریکا در سمت خود در دولت بایدن نیز ابقاء گردید و طرح دولت انتقالی صلح از جانب کاخ سفید ارائه شد. تمدید شش ماهه ادامه حضور نیروهای خارجی که قرار بود طبق توافق‌نامه آمریکا و طالبان، قبل از ماه می ۲۰۲۱ (خرداد) از افغانستان خارج شوند، از دیگر نتایج ارائه طرح جدید دولت بایدن خواهد بود.

مسئله است که خواست طالبان صرفاً سهم‌گیری در حکومت و قدرت سیاسی افغانستان نیست و طالبان برای تشکیل امارت اسلامی یا ساختار جدید سیاسی به مدیریت خود در افغانستان می‌جنگد. به نظر می‌رسد که شرایط و مقتضیات زمان، ذهن و ضمیر طالبان را عوض نکرده و آنچه که تغییر یافته، شیوه‌های سیاسی و تبلیغاتی طالبان است که اندکی مهارت دیپلماسی را فراگرفته و خود را با شرایط موجود همسو کرده است. طرح «امارت اسلامی» از سوی نخبگان سیاسی غیرپشتون به‌عنوان طرحی برای پشتونیزه کردن افغانستان تلقی خواهد شد (کامل، ۱۳۹۹: ۹). از سوی دیگر، تجربه تلخ حکومت «امارت اسلامی» طالبان برای بسیاری از مردم افغانستان، مخصوصاً شهروندان غیرپشتون و اکنون تصور آن برای نسل جوان افغانستان، تصویری از سرکوب



و سختگیری بوده و در یک فرایند شفاف نیز بسیار بعید است که به‌عنوان مدل نظام سیاسی پساصلح در افغانستان مورد پذیرش قرار گیرد. در این چارچوب، گسترش اختلافات و ناامنی‌ها با ادامه وضع موجود در افغانستان وجه قالب را خواهند داشت که البته این موضوع با توجه به ضرورت مهار چین، روسیه و ایران توسط آمریکا، تحت مدیریت واشنگتن پیش برده خواهد شد.

## ۹. پیشنهادهای رسانه‌ای

- رسانه‌های دیداری، شنیداری و مجازی برون‌مرزی صداوسیما، این موضوع را هرچه بیشتر مطرح کنند که آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم و طالبان، اما در راستای تأمین اهداف راهبردی خود از جمله حضور در منطقه به افغانستان حمله کرد. در ادامه، آمریکا در راستای پیشبرد منافع خود، با گروه طالبان، بدون حضور دولت قانونی افغانستان، توافق‌نامه صلح امضا کرد. اکنون نیز دولت بایدن با شتابزدگی، طرح دولت انتقالی صلح افغانستان را مطرح کرده است که موجب ناخشنودی دولت غنی شده است. از دید آمریکا، افغانستان نباید ثبات و صلح واقعی را تجربه کند تا همواره بهانه‌ای برای ادامه حضور نیروهای مذکور وجود داشته باشد. این موضوع می‌تواند از زبان کارشناسان، به‌ویژه در رادیوهای پشتو و دری، تحلیل گردد.

- در توافقنامه آمریکا و طالبان ذکر شده است که تمامی نیروهای آمریکایی و بین‌المللی حاضر در خاک افغانستان باید از این کشور خارج شده و پایگاه‌های آن‌ها ظرف چهارده ماه تخلیه شود. اما دولت بایدن درصدد تمدید ۶ ماهه حضور نیروها و حتی افزایش تعداد نیروهای آمریکایی در افغانستان است. شبکه‌های برون‌مرزی تبیین کنند که حضور نیروهای خارجی در افغانستان غیرضروری و از دلایل اصلی جنگ و ناامنی در آن کشور است و جمهوری اسلامی ایران نیز خروج این نیروها را لازمه دستیابی به صلح و امنیت واقعی در افغانستان می‌داند.

- رویکرد ایران، حمایت کلی از روند مذاکرات صلح و هر اقدامی که موجب ایجاد امنیت و صلح واقعی و ملموس در افغانستان است، می‌باشد که بایستی در رسانه‌ها هرچه بیشتر نیز انعکاس یابد؛ رسانه‌های برون‌مرزی تأکید کنند که ایران همواره سیاست حمایت از دولت مرکزی کابل و از آن مهم‌تر، حمایت از مکانیسم‌های دموکراتیک و قانونی از جمله انتخابات و قانون اساسی را اتخاذ کرده است. همچنین این رسانه‌ها باید به مذاکراتی که موجب قربانی شدن دستاوردهای ۱۹ ساله اخیر در افغانستان شود، واکنش نشان دهند. آنچه ایران در روند صلح افغانستان می‌خواهد،



تشکیل یک دولت ائتلافی است که طالبان در درون آن مهار شده باشد. به دیگر سخن، مشارکت همه گروه‌ها و اقوام بدون برتری‌طلبی یک‌جانبه طالبان، مدنظر تهران است.

- رسانه‌های برون‌مرزی در برنامه‌های میزگردی یادآور شوند که صلح در افغانستان یک فرایند چندجانبه است، چون عوامل و بازیگران متعدد و گاه با منافع متضاد در آن دخالت دارند. بنابراین روند صلح زمانی به سرانجام مشخص می‌رسد که همه بازیگران مؤثر به نحوی در مذاکرات صلح حضور یابند و همه جوانب در قضایای صلح سنجیده شود. عدم‌وجود یک مدل حکومتی که بتواند حافظ حقوق و آزادی‌های اساسی همه افغان‌ها و تضمین‌کننده حضور و مشارکت مؤثر همه اقشار، از جمله زنان، در عرصه‌های عمومی و اجتماعی باشد، ممکن است به سرعت افغانستان را دچار آشوب و هرج‌ومرج کند؛ وضعیتی که می‌تواند تأثیرات زیان‌باری بر امنیت منطقه نیز داشته باشد.

### منابع و مأخذ

- امامی، حسام‌الدین (۱۳۷۸)، **افغانستان و ظهور طالبان**، تهران: شاب.
- باقری، اسماعیل (۱۳۹۸)، «مذاکرات صلح امریکا و طالبان»، سخنرانی در نشست تخصصی مسائل افغانستان، **موسسه مطالعاتی اندیشه‌سازان نور**.
- پهلوانی، مهرداد (۱۳۹۱)، «رویکرد بازیگران مؤثر در افغانستان؛ چالشی در برابر مذاکرات صلح با طالبان»، **فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست خارجی**، سال بیست و ششم، شماره ۳، صص ۷۱۱-۷۴۱.
- سالنگی، عبدالشکور (۲۲ شهریور ۱۳۹۹)، «نگاهی آینده‌نگر به مذاکرات بین‌افغانی»، **موسسه مطالعات راهبردی شرق**، سال هشتم، قابل دسترسی در:
- <http://www.iess.ir/fa/analysis/2350/>
- شفیعی، نوذر (۱۳۹۷)، «همکاری ایران و طالبان برای دفع داعش است؟!»، **دیپلماسی ایرانی**، قابل دسترسی در:
- <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1980899>
- شفیعی، نوذر (۱۳۹۵)، «تبیین عوامل مؤثر بر اتخاذ استراتژی دولت ترامپ نسبت به افغانستان»، **فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره اول، شماره بیست و چهارم، صص ۱۰۹-۱۳۲.
- رفیع، حسین و بختیاری‌جامی، محسن (۱۳۹۳)، «چالش‌های صلح در افغانستان»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲۰، شماره ۸۸، صص ۵۸-۳۳.
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۷۷)، «طالبان؛ ایران و پاکستان. مطالعه سیاست خارجی ایران، پاکستان و عربستان درباره افغانستان»، **فصلنامه علمی- پژوهشی علوم سیاسی**، سال اول، شماره دوم، صص ۲۴۷-۲۶۸.
- سعادت، عوضعلی (۱۳۸۵)، «افغانستان؛ گذر از گفتمان قومیت به گفتمان ملیت»، **فصلنامه علمی پژوهشی جامعه فردا**، سال اول، شماره ۳، زمستان، صص ۲۰۴-۱۸۴.
- قراگوزلو، محمد (۱۳۸۰)، «افغانستان پایان همایش بنیادگران»، **اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۱۷۳-۱۷۴.



کامل، عبدالرحیم (۵ مهر ۱۳۹۹)، «دورنمای گفتگوهای صلح در دوحه»، **موسسه مطالعات راهبردی شرق**، سال هشتم، شماره ۳۲۹، صص ۷-۹.

محمودی، زهرا (۱۳۹۸)، «تحلیل توافق‌نامه صلح آمریکا و طالبان و امکان‌سنجی اجرای آن»، **اندیشکده راهبردی تبیین**، قابل دسترسی در

<http://tabyincenter.ir/36137>

مصباح‌زاده، سیدمحمدباقر (۱۳۹۹)، «سناریوهای فراروی مذاکرات بین‌افغانی»، **موسسه مطالعات راهبردی شرق**، قابل دسترسی در:

<http://www.iess.ir/fa/analysis/2075/>

**مقدمه ابن خلدون** (۱۳۷۵) مترجم: محمد پروین گنابادی، تهران: شرکت علمی و فرهنگی.

ملازهی، پیرمحمد (۱۳۹۹)، «بیم و امیدهای مذاکرات بین‌افغانی»، **شورای راهبردی روابط خارجی**، قابل دسترسی در: <https://www.scfr.ir/fa/300/30101/127063>

موسوی، سیدرسول (۱۳۹۸)، «مذاکرات صلح آمریکا و طالبان»، سخنرانی در نشست تخصصی مسائل افغانستان، **موسسه مطالعاتی اندیشه‌سازان نور**.

نظری، فرزاد (۱۳۹۸)، "بررسی تطبیقی مبانی سیاسی طالبان با داعش براساس نظریه تحلیل گفتمان"، **فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی**، سال دهم، شماره فوق‌العاده، صص ۲۲۷-۲۵۰.

- Afghanistan: Background and U.S Policy: In Brief (November 10,2020), **Congressional Research Service**, Available at: <https://fas.org/sgp/crs/row/R45122.pdf>

-Allen, John (March 5, 2020), "The US-Taliban peace deal: A road to nowhere", **Brookings Institution**, Available at: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2020/03/05/the-us-taliban-peace-deal-a-road-to-nowhere/>

- Chaudhuri, Rudra (June 2020), "Dealing With the Taliban: India's Strategy in Afghanistan After U.S. Withdrawal", **Carnegie Endowment for International Peace**, Available at: [https://carnegieendowment.org/files/Chaudhuri\\_Shende\\_-\\_Afghanistan.pdf](https://carnegieendowment.org/files/Chaudhuri_Shende_-_Afghanistan.pdf)

-Gilsinan, Kathy (February 29, 2020), "The U.S. Once Wanted Peace in Afghanistan," **The Atlantic**, Available at: <https://www.theatlantic.com/politics/archive/2020/02/united-states-taliban-afghanistan-peace-deal/607234/>

- Hakimi, Hameed (Nov 2020), "Intra-Afghan peace talks: outlook and implications", **Chathamhouse**, Available at: <https://www.chathamhouse.org>

-Kapila, Subhash (March 9, 2020), "Afghanistan: US-Taliban Peace Deal Perceptually Unsustainable", Available at: <https://www.eurasiareview.com/09032020-afghanistan-us-taliban-peace-deal-perceptually-unsustainable-analysis>

-Maizland, Lindsay (2020b), "The Taliban in Afghanistan", Available at: <https://www.cfr.org/backgrounder/taliban-afghanistan>





- Quinn, Colm (March 8, 2021), "Blinken Threatens May 1 Afghan Troop Withdrawal", **Foreign Policy**, Available at: <https://foreignpolicy.com/2021/03/08/afghanistan-letter-blinken-ghani/>

- Rasouli, Mohammad (2020), "The U.S. Approach to Peacebuilding in Afghanistan: A foreignpolicyComparative Analysis of George W. Bush, Barack Obama, and Donald Trump Administration Policies in Afghanistan", **City University of New York**, Available at: <https://academicworks.cuny.edu/cgi/viewcontent.cgi?>

-Schmeidl, Susanne (2020), "Afghanistan- what's next?", Available at: <https://www.lowyinstitute.org/the-interpreter/afghanistan-what-s-nex>.

- Statement by the North Atlantic Council on Afghanistan (29 Feb. 2020), Available at: [https://www.nato.int/cps/en/natohq/news\\_173977.htm](https://www.nato.int/cps/en/natohq/news_173977.htm)



## ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی در ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: منطقه خلیج فارس)\*

مسعود نیک‌روش<sup>۱</sup>، علیرضا پویا<sup>۲</sup>

### چکیده

مواجهه با افکار عمومی کشورهای حوزه خلیج فارس، برای جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه از یک‌سو روابط فرهنگی گسترده‌ای میان ملت‌های این منطقه برقرار است و از سوی دیگر رسانه‌های بیگانه و معاند در راستای ایران‌هراسی، تصویری سیاه از ایران را به افکار عمومی در این منطقه عرضه کرده‌اند. بر همین اساس و مبتنی بر جایگاه محوری معاونت برون‌مرزی صداوسیما در عرصه دیپلماسی رسانه‌ای، این پرسش مطرح است که ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی برای تقویت جایگاه ایران نزد افکار عمومی منطقه خلیج فارس چیست؟ در پژوهش حاضر در چارچوب نظری دیپلماسی رسانه‌ای، تلاش شده است تا با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ نفر از صاحب‌نظران رسانه‌ای، سیاسی و فرهنگی حوزه خلیج فارس، ظرفیت‌های رسانه ملی در ارتقاء سطح دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در این منطقه مطالعه شود. تعداد مصاحبه‌شوندگان بر اساس شیوه نمونه‌گیری هدفمند و اشباع نظری داده‌ها مشخص شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز براساس شیوه داده‌بنیاد بوده است. یافته‌ها حاکی از آن است که برون‌مرزی صداوسیما، این ظرفیت را دارد که با اقداماتی از قبیل تشکیل و تأسیس مجامع رسانه‌ای مشترک، تقویت تولید محتوا بر اساس ذائقه مخاطبان منطقه خلیج فارس، ارائه آموزش‌های رسانه‌ای و همچنین ارتباط مؤثر با ایرانیان مقیم کشورهای حاشیه خلیج فارس، در جهت ارتقاء دیپلماسی رسانه‌ای و تأمین منافع ملی کشور گام‌های بیشتری بردارد.

**واژه‌های کلیدی:** دیپلماسی رسانه‌ای، برون‌مرزی رسانه ملی، خلیج فارس، افکار عمومی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۶

\* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه‌ای با عنوان ظرفیت‌های رسانه ملی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس است که توسط نویسنده اول نگاشته شده و با راهنمایی نویسنده دوم در سال ۱۳۹۸ در دانشگاه صداوسیما دفاع شده است.

۱. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران (نویسنده مسئول).  
nikraveshtmasoud5@gmail.com

pooya@irib.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.



## ۱. مقدمه

امروزه افکار عمومی در پرتو فناوری‌های جدید ارتباطی، به جایگاهی ویژه و متفاوت در نظام بین‌الملل دست یافته و توان هدایت آن، به یکی از مؤلفه‌های قدرت در حوزه دیپلماسی تبدیل شده است. از همین رو دولت‌ها سعی دارند تا با بهره‌گیری از ابزارهای نوین رسانه‌ای، بخشی از ظرفیت دستگاه سیاست خارجی خود را به‌سوی دیپلماسی رسانه‌ای معطوف ساخته و بدین وسیله در جهت تأمین منافع ملی کشور خود اقدام کنند. به عبارتی اولین گام در جهت تحصیل منافع ملی در سطح بین‌المللی، آماده‌سازی ذهنی دولت‌ها و ملت‌های هدف برای پذیرش اراده کشور اقدام کننده است که پیش‌گام در این امر، دستگاه سیاست خارجی هر کشور است. سکان‌داران دیپلماسی، می‌توانند در این مسیر از اهرم‌های گوناگونی بهره‌مند شوند؛ اما در عصر کنونی که «عصر ارتباطات» لقب گرفته، این رسانه‌ها هستند که جایگاه ویژه‌ای در اثرگذاری بر افکار عمومی یافته‌اند. بنابراین بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ها در دستور کار بسیاری از دولت‌ها در سطح دنیا قرار گرفته است. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز از ابتدای شکل‌گیری تاکنون، همواره در تلاش بوده است تا علاوه بر پیشبرد اهداف خود در حوزه روابط خارجی، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلابی مردم ایران را به دیگر کشورها معرفی کرده و آن را به گفتمانی عمومی در سطح جهان و منطقه تبدیل کند. در این حوزه، به‌کار بستن دیپلماسی رسانه‌ای و استفاده از رسانه‌ها و مزایای آن‌ها در ترویج و ارائه صحیح مواضع انقلاب اسلامی، از اثرگذاری بسزایی برخوردار بوده و مواجهه مستقیم با افکار عمومی ملت‌های منطقه را به‌دنبال خواهد داشت. در همین راستا برون‌مرزی صداوسیما مهم‌ترین و اصلی‌ترین ارکان رسانه‌ای حاکم در کشور است که با توجه به رسالت دیپلماسی رسانه‌ای در اثرگذاری بر افکار عمومی به‌وسیله ابزارهای نوین ارتباطی، از پتانسیل ویژه‌ای در خصوص گسترش و ترویج نگرش انقلاب اسلامی برخوردار است. برون‌مرزی رسانه ملی، با توجه به نفوذ و اثرگذاری شدید رسانه‌ها در عصر کنونی، می‌تواند به‌عنوان یک مکمل، در کنار فعالیت‌های راهبران دستگاه سیاست خارجی نقش‌آفرینی کند.

از همین‌رو در پژوهش پیش رو تلاش می‌شود تا ضمن پرداختن به جایگاه برون‌مرزی رسانه ملی در عرصه دیپلماسی رسانه‌ای، بر خلیج فارس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق راهبردی جهان که از اهمیت چشمگیری برای کشور برخوردار است، متمرکز شده و ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی و نوع اثرگذاری آن بر افکار عمومی این منطقه مورد مطالعه قرار گیرد. اهمیت اثرگذاری بر مخاطبان و افکار عمومی ساکن در منطقه خلیج فارس، در وهله نخست به‌دلیل قرابت‌های فرهنگی



گسترده میان ملت‌های این منطقه است. اما موضوع دیگری که بر ضرورت مواجهه با افکار عمومی ملت‌های ساکن در حاشیه خلیج فارس می‌افزاید، ایران‌هراسی رسانه‌های بیگانه و معاند علیه ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران است. بدیهی است که در چنین شرایطی، امکان تعامل و همکاری با مردم و کشورهای حاشیه خلیج فارس تضعیف یا سلب شده و فرصت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بالقوه، مجال به فعلیت رسیدن نمی‌یابند. لذا ضروری است تا با استفاده از کارکردهای رسانه در جهت پیشبرد اهداف کشور و استحصال منافع ملی اقدام کرده و موجب همگرایی هرچه بیشتر میان ملت‌های این منطقه با ایران شد. در همین راستا سؤال اصلی این پژوهش این است که برون‌مرزی رسانه ملی برای اثرگذاری بر افکار عمومی کشورهای حاشیه خلیج فارس از چه امکانات و ظرفیت‌هایی برخوردار است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

عاملی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود از تغییرات دیپلماسی به تناسب پیشرفت فناوری‌های ارتباطی سخن به میان آورده‌اند. خسروی و همکاران (۱۳۹۴) می‌گویند نظریه‌پردازان رسانه بر این باورند که اولاً تأثیرگذاری رسانه‌ها شرایطی دارد که اگر آن شرایط از جمله داشتن مخاطبان همیشگی و تداوم پیام‌ها وجود نداشته باشد، فرآیند تأثیرگذاری نیز موفقیت‌آمیز نخواهد بود و ثانیاً طبق این نظریات، تأثیرگذاری رسانه‌ها در بلندمدت صورت می‌پذیرد. میرحسینی و محمدی‌دوستدار (۱۳۹۳) آورده‌اند که با توجه به تحولات سریع و پیچیدگی روزافزون و سازوکارهای ارتباطات بین‌المللی در زمینه‌های مختلف که منحصر به مرزهای جغرافیایی کشورها نیست و نیز با توجه به پدیدار شدن مفاهیم جدیدی از دیپلماسی مانند دیپلماسی رسانه‌ای و دیپلماسی فرهنگی، برای تنظیم مناسبات بین‌المللی در حیطه علم و فناوری نیز مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها، سازوکارها و عوامل مورد نیاز است که در مجموع از آن می‌توان به «دیپلماسی علمی» تعبیر کرد. تأکید این دسته از آثار بر ظهور رسانه‌های نوین و تحولاتی است که موجب شده افکار عمومی جهان، جایگاهی نو در تعاملات بین‌المللی پیدا کرده و به‌عنوان یکی از کنش‌گران حوزه سیاست نقش‌آفرینی کنند. ساداتی (۱۳۹۳) بیان کرده است که رسانه ملی و به‌طور خاص، شبکه‌های برون‌مرزی می‌توانند متغیری مهم و اساسی در اثرگذاری دیپلماسی رسانه‌ای کشور و معرفی هویت ملی و درواقع، تصویر بین‌المللی جمهوری اسلامی برای ملت‌های منطقه به‌شمار آیند. این مقاله با بررسی نقش تلویزیون



در دیپلماسی و ارائه نظریه‌های مرتبط، نقش رسانه ملی را در دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای مورد واکاوی قرار می‌دهد.

واکاوی کتاب‌ها و مقالات علمی به ثبت رسیده در خصوص موضوع پژوهش بیان‌گر آن است که هر سه عنصر اصلی پژوهش که عبارتند از: رسانه ملی، سیاست خارجی و خلیج فارس به تفکیک و به صورت مستقل مورد توجه و دقت نظر پژوهشگران و مؤلفان حوزه‌های مختلف قرار گرفته است اما هر چند تحقیقات انجام شده، مسائل مهمی را مطرح کرده‌اند، اما نتوانسته‌اند چشم‌انداز کامل و گسترده‌ای را در خصوص نقش‌آفرینی برون مرزی رسانه ملی در عرصه بین‌الملل با تأکید بر منطقه پر اهمیت خلیج فارس نشان دهند. به عبارت دیگر برآیند مطالعات اجمالی درباره پیشینه پژوهش، بیان‌گر آن است که در حوزه مورد بحث یعنی ظرفیت‌های برون مرزی رسانه ملی برای پیشبرد اهداف دستگاه سیاست خارجی ایران در منطقه خلیج فارس، مطالعه و پژوهش جدی صورت نگرفته است. البته همان‌طور که ذکر شد، این سخن بدان معنا نیست که به هر یک از عناصر مذکور مستقلاً پرداخته نشده بلکه مقصود آن است که این بحث هیچ‌گاه به صورت مرکب و تلفیقی مورد نظر محققان و پژوهشگران قرار نگرفته است. از همین رو نوآوری این مقاله، پیوند رسانه ملی و عرصه دیپلماسی به‌ویژه در حوزه راهبردی خلیج فارس است.

### ۳. چارچوب نظری

#### ۳-۱. دیپلماسی و سیاست خارجی

سیاست خارجی، در حوزه نظری، انعکاس دهنده اهداف و سیاست‌های دولت‌ها و واحدهای سیاسی در صحنه روابط بین‌الملل (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۵) و در حوزه عمل نیز نوعی هنر، فن و علم شناخت امکانات و بهره‌برداری درست از آن‌ها برای رسیدن به اهداف کشور در ارتباط با محیط خارجی است (حمیدی‌نیا، ۱۳۸۱: ۵۳۳). در مجموع، سیاست خارجی را می‌توان اتخاذ روش‌ها و نوعی از عملکردها قلمداد کرد که در صحنه بین‌المللی با حداکثر استفاده از مؤلفه‌های قدرت ملی بتواند یک دیپلماسی مناسب را برقرار و حداکثر منافع ملی را به همراه داشته باشد (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۷). بر این اساس، دیپلماسی، مهمترین ابزار و راه نیل به منافع ملی و اهداف سیاست خارجی کشورها محسوب می‌شود. در حقیقت وظایف دیپلماسی دربرگیرنده مدیریت روابط خارجی در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، مالی، اقتصادی و فرهنگی، برای تأمین منافع ملی و اهداف کشور در

عرصه خارجی است (Barston, 2006: 87). به‌طور کلی، دیپلماسی بر اساس جامعه هدف و مجریان آن، در دو حوزه مختلف قابل بررسی است:

نخست، دیپلماسی سنتی یا دیپلماسی رسمی است که بر روابط دولت‌ها با دولت‌ها متمرکز است. با توسعه روابط بین‌الملل و افزایش تعاملات و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، زمینه‌های جدیدی برای رفع مسالمت‌آمیز مناقشات و منازعات میان دولت‌ها و ملت‌ها پدیدار و دیپلماسی به‌عنوان راه‌حلی منطقی، جایگزین توسل به زور شد (بلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۰۳۲). در همین راستا مجموعه تمهیدات اندیشیده شده برای جلوگیری از جنگ و یا اعمال قدرت بر سایر بازیگران تا زمان تأسیس «ملت-دولت‌ها» را می‌توان عصر دیپلماسی سنتی نام نهاد. در این دوره آموزه‌های متفاوت و بسیاری در ذیل دیپلماسی قابل ذکر بود که از سیاست تا جنگ را شامل می‌شود (هالستی، ۱۳۸۳: ۴۶). می‌توان گفت برای قرن‌ها، دیدگاه دولت‌محور در تعریف سنتی از دیپلماسی متبلور بود و مهمترین ویژگی‌های آن، حاکمیت ساختارها، فرهنگ سلسله‌مراتبی، سیری بودن، عدم شفافیت، انحصارطلبی، فقدان پاسخ‌گویی و محافظت از اطلاعات بود که اغلب در محیط‌های بسته و دور از نظر افکار عمومی انجام می‌شد (وحیدی، ۱۳۸۹: ۱۶). این نوع از دیپلماسی با تغییرات حوزه روابط بین‌الملل و گسترده شدن ارتباطات جهانی و امکان دسترسی به اطلاعات در حجم انبوه، دیگر قادر نیست به‌تنهایی منافع ملی کشورها و خیر بشریت را تأمین کند. بنابراین اقبال روزافزون دولت‌ها به راهبردهای دیپلماسی عمومی، به‌معنای پذیرش این واقعیت در روابط بین‌الملل است که دیگر مانند سابق، دولت‌ها صرفاً از طریق دیپلماسی پشت درب‌های بسته قادر نخواهند بود منافع ملی خود را برآورده سازند (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶: ۹-۴).

قسم دوم دیپلماسی که محصول تحولات بین‌المللی و تشخص یافتن متغیری به نام افکار عمومی است، دیپلماسی عمومی نامیده می‌شود. در اواسط قرن ۲۰ با تحولاتی که در حیطه اطلاعات و ارتباطات به لحاظ فناوری و محتوایی رخ داد، نقش ارائه اطلاعات در اداره امور بین‌المللی افزایش یافت و با پررنگ شدن نقش بازیگران غیردولتی و مردم در عرصه بین‌الملل، دیپلماسی از حالت تماماً سنتی خارج شد (خسروی و همکاران، ۱۳۹۴). به‌عبارت دیگر افکار عمومی در پرتو فناوری‌های جدید ارتباطی به‌جایگاهی ویژه و متفاوت در نظام بین‌الملل دست یافت و باعث شد تا توان کنترل و هدایت آن به یکی از مؤلفه‌های قدرت در حوزه دیپلماسی تبدیل شود. از همین‌رو دولت‌ها سعی کردند تا با بهره‌گیری از ابزارهای نوین از جمله رسانه‌های نوظهور، بخشی از ظرفیت دستگاه سیاست خارجی خود را به سمت دیپلماسی عمومی معطوف سازند تا بدین وسیله





در جهت تأمین منافع ملی کشور خود گام بردارند. بنابراین در تعریف دیپلماسی عمومی باید گفت «دیپلماسی عمومی به مثابه ابزاری است که با مؤلفه کلیدی افکار عمومی ارتباط برقرار نموده و منافع یک کشور را از طریق همراه نمودن آن‌ها با خود تأمین می‌سازد» (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶: ۴). مرکز مورو<sup>۱</sup> نیز در وبسایت خود، دیپلماسی عمومی را چنین شرح داده است: «دیپلماسی عمومی به تأثیر نگرش‌های عمومی در شکل‌دهی و اجرای سیاست‌های خارجی پرداخته و شامل ابعادی از روابط بین‌الملل می‌شود که ورای دیپلماسی سنتی قرار می‌گیرند؛ کاشت و پرورش افکار عمومی در کشورهای دیگر توسط حکومت‌ها، تعامل گروه‌ها و صاحبان منافع در یک کشور با کشور دیگر، گزارش امور خارجی و تأثیر آن بر سیاست، ایجاد پیوند و ارتباط میان افرادی که سروکارشان با ارتباطات است؛ همچون دیپلمات‌ها و خبرنگاران خارجی و فرآیند ارتباطات بین فرهنگی». وزارت امور خارجه بریتانیا نیز که در امر دیپلماسی عمومی، جزء کشورهای موفق و سرآمد به‌شمار می‌آید دیپلماسی عمومی را چنین تعریف کرده است: «دیپلماسی عمومی ابزاری است که ما از طریق همکاری با توده‌های مردم در خارج از کشور برای دستیابی به اولویت‌های بین‌المللی راهبردی خویش از آن بهره می‌جوییم» (Fisher, 2009: 252). علاوه بر این موارد، تعاریف گسترده و وسیع دیگری نیز در خصوص دیپلماسی عمومی مطرح شده است که وجه مشترک همگی آن‌ها «تعامل با شهروندان خارجی به قصد اعمال نفوذ بر افکار آن‌ها به جای ارتباطات سنتی، مذاکره و نمایندگی بین حکومت‌ها است» (Melissen, 2005: 5). به عبارت دیگر تفاوت عمده این قسم از دیپلماسی که آن را از دیپلماسی رسمی متمایز کرده، در نوع مخاطبان دستگاه سیاست خارجی است. مخاطب این نوع از دیپلماسی بر خلاف دیپلماسی سنتی، دولت‌ها و مقامات رسمی کشورها نیستند بلکه گستره افکار عمومی در سطح جهان یا جامعه هدف را شامل می‌شود.

اهمیت دیپلماسی عمومی و شناخت کارکردهای آن و همچنین لزوم به‌کارگیری آن‌ها در جهت تأمین منافع ملی کشورها، از مهم‌ترین مباحثی است که همواره مورد نظر پژوهشگران حوزه روابط بین‌الملل قرار گرفته است. در تبیین کارکردهای دیپلماسی عمومی می‌توان گفت اساساً میان وضعیتی که کشورها تمایل دارند افکار عمومی، آن‌ها را آن‌گونه ببینند و آنچه واقعاً هستند، یک شکاف وجود دارد؛ به بیانی دیگر کارکرد اصلی دیپلماسی عمومی، پر کردن این شکاف است.





متولیان دستگاه سیاست خارجی، همواره تلاش می‌کنند تا چهره یک کشور در منظر افکار عمومی، جذاب جلوه کند. این خود در شرایط کنونی به یکی از مؤلفه‌های قدرت برای کشورها تبدیل شده است. بنابراین واضح است که دیپلماسی عمومی اساساً در پی به‌دست‌آوردن اعتماد افکار عمومی است و دیگر کارکردهای آن حول این محور کلیدی معنا می‌یابند. برای فهم اهمیت این ویژگی، کافی است به این نکته عنایت داشت که گاه می‌توان ملتی را چنان از طریق فعالیت‌های دیپلماسی عمومی مجذوب خود ساخت که ضدّ نظام حاکم و دولت خودشان برانگیخته شوند (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶: ۲۵).

درباره گونه‌ها و زیرمجموعه‌های دیپلماسی عمومی، تقسیم‌بندی‌های متنوع و فراوانی از سوی متخصصان و پژوهشگران حوزه روابط بین‌الملل ارائه شده است. اما با توجه به آن که همگی آن‌ها بر مبنای مختصات و مرزهای کلی دیپلماسی عمومی تدوین شده‌اند، در مجموع برآیند یکسانی خواهند داشت. برخی از این تقسیم‌بندی‌ها بر اساس کنش‌گران دیپلماسی عمومی و برخی دیگر بر حسب سایر متغیرها نظیر ابزارهای اعمال دیپلماسی عمومی دسته‌بندی شده‌اند. بر همین اساس دیپلماسی عمومی را می‌توان به فراخور معیار دسته‌بندی آن، به گونه‌های مختلفی همچون دیپلماسی فرهنگی، رسانه‌ای، دیپلماسی مذهبی، دیپلماسی ورزشی، دیپلماسی تاریخی و دیپلماسی اقتصادی یا تجاری تقسیم‌بندی کرد (همان: ۸۶-۸۵). اما وجه مشترک همه اقسام دیپلماسی عمومی را می‌توان در دو عنصر تأثیرپذیری از گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و به تبع آن، ارتقاء جایگاه یک کشور نزد افکار عمومی خلاصه کرد. در ادامه، اجمالاً و به اختصار، به دیپلماسی رسانه‌ای پرداخته خواهد شد.

### ۲-۳. دیپلماسی رسانه‌ای

دیپلماسی رسانه‌ای به‌عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فعالیت‌های دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی پدیدار شده است و بخش قابل توجهی از دیپلماسی عمومی کشورها را به خود اختصاص داده است. اکنون فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات، گستره دیپلماسی و سیاست خارجی را به تحریریه روزنامه‌ها، شبکه‌های اینترنتی، تلویزیون‌ها و رادیوهای جهانی گشاده‌اند. این همان عاملی است که در عصر جامعه اطلاعاتی، فضای روابط متعامل دیپلمات‌ها و رسانه‌ها را الزامی ساخته است؛ فضایی که در آن، پیشبرد سیاست خارجی و دیپلماسی بیش از پیش به میزان تأثیرگذاری تاکتیک‌های خبری و رسانه‌ای وابسته شده است (خرازی‌آذر، ۱۳۹۴). لذا در جهان حاضر، رسانه



به عنوان یک متغیر اساسی در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی به حساب می آید و عدم لحاظ آن در مناسبات سیاسی و بین المللی، بی شک سیاست خارجی را با شکست مواجه خواهد کرد. از همین رو برخی معتقدند دیپلماسی رسانه ای را باید در صدر همه انواع دیگر از دیپلماسی عمومی قرار داد. در همین خصوص پورحسن (۱۳۷۹: ۱۶۳) معتقد است: «از آن جا که قدرت یا ضعف فرهنگ ها بیشتر از آنچه موقوف به قدرت و ضعف ارزش های سازنده آن باشد، تابع نیروی وسایل ارتباطی اشاعه دهنده آن هاست؛ بنابراین، فرهنگ های واجد نظام ارزش های بسیار گسترده و والا ممکن است در تماس با فرهنگ های دیگر که وسایل ارتباط و اشاعه نیرومندی در اختیار دارند، مضمحل شوند».

### ۳-۲-۱. تعریف

برای دیپلماسی رسانه ای تعاریف مختلفی از صاحب نظران این حوزه بیان شده است. ایو، در تعریف خود، رسانه ها را ابزاری برای بیان و ترویج سیاست خارجی توصیف می کند (Ebo, 1996: 44). تیلور نیز با اشاره به جایگاه محوری تلویزیون، دیپلماسی رسانه ای را هنر ایجاد ارتباط میان کشورها، حل و فصل اختلاف ها در صحنه روابط بین الملل و اقناع جوامع دیگر از طریق رسانه ها تعریف می کند (Taylor, 1997: 83). به طور کلی «استفاده از ظرفیت های رسانه در به کارگیری منابع بالقوه قدرت نرم و تبدیل آن ها به قدرت نرم بالفعل» تعریفی جامع است که دیپلماسی رسانه ای را از زاویه دیپلماسی عمومی توصیف می نماید (شیخ الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶: ۱۱۵).

### ۳-۲-۲. کارکردها

دیپلماسی رسانه ای از کارکردهای مختلفی برخوردار است که همگی آن ها در نهایت به دنبال گشودن مسیری برای تأمین منافع ملی یک کشور خواهند بود. این نوع از دیپلماسی به وسیله ابزارهایی چون تلویزیون، رادیو، خبرگزاری ها، مطبوعات، سایت های خبری و موارد مشابه در تلاش است تا نقش ابزار تبلیغات سیاسی دولت ها را بازی کند. در حقیقت رسانه ها با دفاع از سیاست خارجی و با ارزش گذاری و ارزش سازی، القای پیام و برجسته سازی، اقدام به مشروعیت بخشی به سیاست های حکومتی و رساندن پیام های دست اندرکاران دیپلماسی کشورها به افکار عمومی جهانی کرده و نقش توجیه گر افکار عمومی را در عرصه سیاست خارجی ایفا می نمایند. در این نقش، آنها

به‌عنوان اشاعه‌دهنده فرهنگ، عقاید، آراء، و تبلیغ کننده ایدئولوژی و ایده‌های سیاست خارجی کشورها عمل می‌کنند (بزرگمهری و نعمتی، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

بنابر آنچه ذکر شد می‌توان درباره لزوم اختصاص جایگاهی ویژه به دیپلماسی رسانه‌ای در دیپلماسی عمومی کشورها و اهمیت آن، چنین نتیجه‌گیری کرد که رسانه‌های بین‌المللی یک کشور، مهمترین ابزار دیپلماسی آن کشور هستند. به‌طوری که بدون ابزار رسانه‌ای و ارتباطی کارا و قوی برای اقناع و جهت‌دهی افکار عمومی و توجیه تصمیم‌های اتخاذشده در حوزه سیاست خارجی در سطوح جهانی، هیچ کشوری نمی‌تواند در صحنه بین‌المللی، منافع و اهداف ملی خود را به‌طور مؤثر و نتیجه‌بخش دنبال کند، سیاست خارجی خود را پیش ببرد، و جایگاهش را در سلسله‌مراتب قدرت در نظام بین‌المللی ارتقا دهد. بنابراین، هر کشوری چنانچه بخواهد سیاست‌های خارجی با اهداف ملی خود را در محیط روابط بین‌الملل به‌صورت واقع‌گرایانه پیگیری نماید، به ناچار باید پیش‌تر، زمینه‌ها و مقدمات روانی و فکری برای اجرای این سیاست‌ها را فراهم کند. لذا هدف اصلی در دیپلماسی رسانه‌ای، تأثیر بر افکار عمومی جهانی از طریق هدایت و دستکاری تصویرهای ذهنی آن‌ها به‌واسطه رسانه‌های گروهی است. به‌عبارت دیگر کشوری که دیپلماسی رسانه‌ای را اعمال می‌کند تلاش دارد تصویر مثبت و مطلوبی را از اهداف ملی خود در افکار عمومی پدید آورد (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶: ۱۲۳).

#### ۴. ضرورت فعالیت رسانه ملی در منطقه خلیج فارس

همان‌طور که بیان شد، دیپلماسی عمومی به‌مثابه ابزاری است که ورای دیپلماسی سنتی قرار می‌گیرد و با مؤلفه کلیدی افکار عمومی ارتباط برقرار نموده و منافع یک کشور را از طریق همراه نمودن آن‌ها با خود، تأمین می‌سازد. در چنین شرایطی بر حاکمان و تصمیم‌گیران نظام جمهوری اسلامی نیز فرض است تا برای استحصال منافع ملی در مناسبات بین‌المللی، با شناختی دقیق از جایگاه فعلی افکار عمومی در جهان، درصدد اقناع و همسوسازی آن با اهداف نظام برآمده و ظرفیت‌های موجود در این حوزه را به درستی بشناسند. در واقع در شرایط کنونی که ارتباط با افکار عمومی ملت‌ها یک ضرورت انکارناپذیر است، باید از کارکردهای دیپلماسی عمومی همچون ترویج و صدور ارزش‌ها و هنجارهای ملی یک کشور و ایجاد تصویر مثبت و مدیریت وجهه کشورها در خارج از کشور، بهره‌مند شد. در همین راستا صداوسیما به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین ارکان رسانه‌ای حاکم در کشور، از پتانسیل ویژه‌ای در جهت گسترش و ترویج نگرش انقلاب اسلامی



برخوردار بوده و با توجه به نفوذ و اثرگذاری شدید رسانه‌ها در عصر کنونی، به‌طور خاص قابلیت نقش‌آفرینی در حوزه دیپلماسی عمومی و اقناع افکار عمومی در خارج از مرزها را دارد. بهره‌مندی از این ظرفیت، نیازمند بررسی و شناخت جایگاه صداوسیما و نیز رسالتی است که این سازمان بر دوش دارد تا بدین وسیله نوع عملکرد آن در مواجهه با اهداف خارجی نظام تبیین شود. بر همین اساس در ماده ۹ «اساسنامه سازمان صداوسیما»<sup>۱</sup> هدف اصلی این سازمان، به‌عنوان یک دانشگاه عمومی، نشر فرهنگ اسلامی و شتاب بخشیدن به حرکت تکاملی انقلاب اسلامی در سراسر جهان معرفی شده است. «قانون خط‌مشی کلی و اصول و برنامه‌های سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران»<sup>۲</sup> نیز که به‌طور مشخص، وظایف سازمان صداوسیما را اعلام کرده، در ماده ۲۳ خود، رسالت رسانه ملی در حوزه برون‌مرزی را این‌گونه تشریح می‌کند: «کوشش در جهت گسترش فرهنگ غنی اسلام و انقلاب اسلامی در منطقه و جهان از طریق تولید برنامه‌های مفید و عرضه آن در سطح جهانی». علاوه بر موارد فوق در انتهای ماده ۵۶ این قانون نیز این‌گونه آمده است: «سازمان به منظور نشر دعوت رهایی‌بخش اسلام و زمینه‌سازی برای آزادی همه مستضعفان جهان از سلطه مستکبران باید با معرفی اسلام به‌مثابه تنها مکتب اصیل انقلابی و رهایی‌بخش در جهت ایجاد وحدت فرهنگی و صدور انقلاب اسلامی به مسلمانان و مردم جهان بکوشد و متقابلاً مردم ایران را با فرهنگ و مبارزات آنان آشنا سازد».

بنابراین روشن است که نقشه راه برون‌مرزی سازمان صداوسیما برای فعالیت در خارج از مرزهای کشور، از قبل طراحی و تدوین شده و از این منظر خلأ قانونی به چشم نمی‌خورد. لذا بر اساس مفاد ذکر شده از قوانین فوق، همچون الزام به «کوشش در جهت گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی در منطقه» و همچنین با عنایت به اقتضائات و شرایط حاکم بر منطقه خلیج فارس، تشدید ایران‌هراسی، تشدید مداخلات قدرت‌های بیگانه در منطقه، لزوم احیای بیداری اسلامی در منطقه و مقابله با تروریسم تکفیری ضروری است تا برون‌مرزی رسانه ملی به‌صورت فعالانه در این منطقه حضور یافته و تمام تلاش خود را برای تولید محتوا و اثرگذاری بر افکار عمومی همسایگان ایران

۱. اساسنامه سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۲/۷/۲۷ مجلس شورای اسلامی، ماده ۹.

۲. قانون خط‌مشی کلی و اصول و برنامه‌های سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۱/۴/۱۷ مجلس شورای اسلامی، ماده ۲۳.

در منطقه خلیج فارس به کار بگیرد. در ادامه جهات اهمیت منطقه خلیج فارس و به تبع آن ضرورت حضور و فعالیت رسانه ملی در این منطقه بیان می‌شود.

خلیج فارس به‌عنوان یکی از مرزهای آبی ایران در طول تمام سده‌ها از مناطق راهبردی به‌شمار می‌رفته و می‌رود. جایگاه این منطقه را در تحولات مختلف تاریخ ایران، می‌توان به روشنی مشاهده کرد. به‌گونه‌ای که در دوره‌های گوناگون، ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران، متأثر از ویژگی‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن بوده است. خلیج فارس به‌عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک واقع در یکی از مهم‌ترین مسیرهای دریایی، نه تنها در آسیا بلکه در سراسر دنیا از تأثیرگذاری و ویژگی‌های خاصی برخوردار است. این موقعیت ممتاز سبب شده تا از هنگامه آغاز رقابت‌های استعماری و توسعه‌طلبانه، این منطقه مورد توجه دولت‌های سلطه‌گر قرار بگیرد (هوشی‌سادات، ۱۳۹۶: ۲۶۲). آنچه اهمیت خلیج فارس را دوچندان کرده، نفت و گاز به‌عنوان ماده انرژی‌زا و ذخایر فراوان آن است. پس از جنگ جهانی اول، به‌ویژه شروع جنگ دوم جهانی، برای مدت بیش از هشتاد سال، نام خلیج فارس با نفت مترادف شده است. منابع فراوان، سهولت استخراج، هزینه ناچیز تولید، مازاد ظرفیت تولید، کیفیت بالا، سهولت حمل‌ونقل و بالاخره امکان کشف ذخایر جدید نفتی در مقایسه با سایر مناطق نفت‌خیز جهان، از ویژگی‌های نفت منطقه خلیج فارس است. ویژگی بارز انرژی منطقه خلیج فارس باعث شده که این منطقه در نظرگاه کشورهای غربی از جایگاه والایی برخوردار شود. همچنین بُعد نظامی و امنیتی خلیج فارس نیز از جایگاه ویژه‌ای در مناسبات خارجی ایران برخوردار است.

خلیج فارس از جمله مناطقی به‌شمار می‌رود که نقش بسزایی در اتخاذ تصمیمات و مقابله با تهدیدات نظامی دارد. بنابراین خلیج فارس در ابعاد گوناگون، همواره اولویت نخست را در اتخاذ تصمیمات و اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته و دارد و در سطح بین‌المللی نیز از جمله مناطقی است که به‌علت موقعیت ویژه جغرافیایی و دارا بودن منابع فراوان نفتی و دریایی و برجستگی‌های استراتژیکی و ژئوپلیتیکی، اهمیت خاصی داشته است (عزتی، ۱۳۹۴: ۳۱). این منطقه که کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، عمان، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین را در بر می‌گیرد، شامل ملت‌هایی است که از جهات گوناگون با یکدیگر دارای اشتراکات فرهنگی هستند که این روند، جایگاه راهبردی حوزه خلیج فارس را برای کشورهای این منطقه به‌ویژه ایران نشان می‌دهد. نقاط مشترک و همگرایی بین کشورهای منطقه همچون اشتراکات فرهنگی، تاریخی، مذهبی، نزدیکی جغرافیایی، پیوندهای خونی و قومی و منافع اقتصادی، بسیار





بیشتر و پررنگ‌تر از نقاط اختلاف و واگرایی میان آن‌ها است و این اشتراکات زمینه‌های همکاری را هموارتر خواهد کرد (افضلی و همکاران، ۱۳۹۳). به‌طور کلی هشت کشور حوزه خلیج فارس دارای اشتراکاتی هستند که شرایط را برای همگرایی آن‌ها پدید آورده است. این اشتراکات عبارتند از (فتوحی، ۱۳۸۹):

**نفت:** نفت موتور محرکه صنایع و اقتصاد جهان امروز محسوب می‌شود. کشورهای حوزه خلیج فارس با برداشت ۶۰ درصد از ذخایر نفتی کل جهان بزرگترین ذخایر نفتی را به خود اختصاص داده‌اند (آقازاده، ۱۳۶۹: ۵۶). نفت پایه کلی روابط اقتصادی در خلیج فارس و نیز کلیه روابط اقتصادی کشورهای خلیج فارس در جهان است.

**اسلام:** امروز هر هشت کشور حوزه خلیج فارس صرف‌نظر از گرایش‌های مذهبی، دارای دین اسلام بوده و فرهنگ اسلامی، جزء لاینفک زندگی آن‌ها است؛ مضافاً آنکه کانون عبادی جهان اسلام یعنی مکه و مدینه و کانون سیاسی جهان اسلام یعنی ایران در همین حوزه قرار گرفته‌اند. **منافع مشترک:** کشورهای حوزه خلیج فارس از منافع مشترکی برخوردار هستند که این امر خود بر لزوم تقویت همکاری‌های مشترک در این منطقه تأکید دارد. احساس خطر در مقابل چالش‌های جهانی شدن، حفظ خلیج فارس از آلودگی‌های زیست‌محیطی و نفتی، وابستگی اقتصادی کشورهای این منطقه به یکدیگر، امنیت خلیج فارس به‌عنوان شاهراه تجاری، وجود جزایر متعدد و راهبردی، میادین نفت و گاز مشترک و اشتراکات دینی و میراث غنی فرهنگ اسلامی از جمله مواردی است که در همگرایی کشورها و ملت‌های این منطقه نقش بسزایی دارند.

**شبکه ارتباطی همگرا:** شبکه‌های ارتباطی و فضای حمل‌ونقل کشورهای ساحلی به‌سمت آب‌های خلیج فارس جهت‌یابی شده است. محورها، ظرفیت‌ها، نوع شبکه‌ها، گره‌گاه‌ها و نقاط اتصال نظام دریایی و خشکی، همه با خلیج فارس تناسب یافته‌اند و از طریق این منطقه و تنگه هرمز به نظام جهانی پیوند می‌خورند (میررضوی و احمدی، ۱۳۸۳: ۲۸).

در حال حاضر تقابل‌های ایدئولوژیک میان دولت جمهوری اسلامی ایران و برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز از دیگر جهات اهمیت این منطقه شده است (افضلی و همکاران، ۱۳۹۳). پر واضح است که در چنین شرایطی که رسانه‌های غرب تلاش می‌کنند تا با برجسته کردن نقاط افتراق، موجبات اختلاف و درگیری در این منطقه حساس را فراهم آورند و مانع از شکل‌گیری یک قطب قدرتمند اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شوند، حضور مثبت و سازنده رسانه ملی و مواجهه

با افکار عمومی ملت‌ها و توجیه آن‌ها در مورد مواضع جمهوری اسلامی و نیز آگاه کردن ایشان از توطئه دشمن، امری ضروری و لازم است.

## ۵. روش پژوهش

در این مقاله با استفاده از دو ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با صاحب‌نظران، اطلاعات اولیه و مورد نیاز جمع‌آوری شد. به بیان دیگر در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای به منابع پژوهشی موجود دسترسی پیدا کرده و پس از آن با استفاده از مصاحبه نیمه ساخت‌یافته، اطلاعات، تکمیل شده است. روش مصاحبه نیمه ساخت‌یافته، از جمله روش‌های تحقیق کیفی محسوب شده و شیوه‌ای مستقیم برای به دست آوردن اطلاعات است که به صورت نفره‌نفر انجام می‌شود. در این روش، پی بردن به کیفیت و عمق مسئله، مورد نظر است، نه کمیت یا نظم، ترتیب و قابلیت مقایسه آن. لذا دست پژوهشگر باز است تا درباره هر نکته مورد نظر خود، با سؤالات پی‌درپی، آن‌قدر کنجکاوی کرده و عمق آن را دنبال نماید که به نظرش لازم می‌رسد. همچنین ترتیب سؤال‌ها یا نکات را به نظر خویش تغییر می‌دهد و از هر شخص مطلع، سؤالات متفاوتی را جویا می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۴). نهایتاً پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق روش داده‌بنیاد، ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی نظام اسلامی در منطقه خلیج فارس تشریح شد. روش گراند تئوری<sup>۱</sup> یا داده‌بنیاد، بیان‌گر آن است که هر تئوری که بر اساس این روش تدوین می‌شود، بر «زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی» بنیان نهاده شده است. در تعریف نظریه داده‌بنیاد گفته شده است: «نظریه داده‌بنیاد عبارت است از فرآیند ساخت یک نظریه مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرائی مجموعه داده‌های گردآوری شده به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند» (منصوریان، ۱۳۸۶: ۵). پاول نیز روش داده‌بنیاد را روشی تعریف کرده که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را طی یک فرآیند منظم، به جای استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند (Powell, 1999: 67). نیومن نیز معتقد است نظریه داده-بنیاد مجموعه‌ای از شیوه‌ها برای توسعه دادن نظریه استقرائی در مورد یک پدیده است



(Neuman, 1997: 234). راهبرد نظریه داده‌بنیاد، از نوعی رویکرد استقرایی بهره می‌گیرد؛ یعنی روند شکل‌گیری نظریه در این استراتژی حرکت از جزء به کل است. این روش یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرا درباره پدیده مورد نظر ایجاد کند (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶).

در این تحقیق، روش نمونه‌گیری، غیراحتمالی از نوع هدفمند یا قضاوتی است. این روش نمونه‌گیری، با توجه به موضوع مورد بررسی مبتنی بر فهم نظری و مطالعه پیشین محقق از جمعیت مورد مطالعه است. از همین رو با ۱۲ نفر از صاحب‌نظران رسانه‌ای و همچنین دیپلمات‌هایی که در مورد مسائل خلیج فارس از اطلاعات و اشراف کافی برخوردار بودند، مصاحبه نیمه ساخت‌یافته انجام گرفت. تعداد افراد بر حسب اشباع نظری داده‌ها بدست آمده است. در انتها و پس از انجام مصاحبه با افراد ذی‌صلاحیت، سعی شد تا بر اساس روش گردند تئوری، کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی صورت گرفته و پس از آن تجزیه و تحلیل پایانی انجام گردد.

## ۶. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

مضامین به دست‌آمده از نتایج این مصاحبه‌ها که به تبیین جایگاه و توان برون‌مرزی رسانه ملی در اقتناع افکار عمومی (مردم مسلمان) منطقه خلیج فارس و همچنین ضرورت‌های لازم در این حوزه می‌پردازد، ذیل دو مقوله اصلی زیر و جداولی که در ادامه می‌آید، دسته‌بندی شده است:

۱. راهکارها و الزامات رسانه‌ای برای فعالیت در منطقه خلیج فارس

۲. ظرفیت‌های سخت‌افزاری و محتوایی برای فعالیت در منطقه خلیج فارس

جدول شماره ۱- مضامین مستخرج برای «راهکارها و الزامات رسانه‌ای برای فعالیت در منطقه خلیج فارس»

| مضامین<br>مضامین پایه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            | مضامین<br>سازمان‌یافته | مضامین<br>فراگیر                                           |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------|------------------------------------------------------------|
| استفاده از تکنیک برجسته‌سازی در مورد اشتراکات ایران و خلیج فارس<br>تعامل دوسویه با سازمان‌های رسانه‌ای همچون اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی<br>تعامل بیشتر با دستگاه دیپلماسی رسمی کشور<br>شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر نیازهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای منطقه خلیج فارس<br>مخاطب‌شناسی و آشنایی کافی با ذائقه مخاطبان پیش از تولید محتوا | بایدها و الزامات       | راهکارها و الزامات رسانه‌ای برای فعالیت در منطقه خلیج فارس |





|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              |                               |  |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------|--|
| <p>تعریف اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت و در نظر گرفتن بازه زمانی برای تحقق آن‌ها بهره‌گیری از تکنیک جایگزینی و اعلام بی‌طرفانه مواضع جمهوری اسلامی با استفاده از رسانه‌های همسو</p> <p>تولید آثار مشترک از طریق همکاری با سایر رسانه‌ها در منطقه خلیج فارس تلاش برای تأسیس کنوانسیون‌ها و مجامع جدید رسانه‌ای در سطح کشورهای منطقه خلیج فارس</p> <p>برقراری ارتباط مؤثر و ایجاد پیوند با ایرانیان مقیم کشورهای خلیج فارس استفاده از قالب‌ها و آثاری همچون فیلم، سریال، آثار هنری و مستندهای اثرگذار برای اثرگذاری بر حافظه بلندمدت مخاطب</p> <p>استفاده هر چه بیشتر از صاحب‌نظران و پژوهشگران مناطق خلیج فارس به‌عنوان کارشناس در برنامه‌های شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون‌مرزی صداوسیما</p> |                               |  |
| <p>پرهیز از «پرداخت مستقیم» بر موضوعات مکتبی</p> <p>پرهیز از یکجانبه‌گرایی در بحث‌های اساسی و پرچالش این منطقه</p> <p>اجتناب از دامن زدن به نقاط افتراق و موضوعات تفرقه برانگیز</p> <p>اجتناب از ساخت برنامه واحد و غیرهدفمند برای تمامی ساکنین منطقه خلیج فارس</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          | <p>نبایدها و موارد اجتناب</p> |  |

جدول شماره ۲- مضامین مستخرج برای «ظرفیت‌های سخت‌افزاری و محتوایی برای فعالیت در منطقه خلیج فارس»

| مضامین پایه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    | مضامین سازمان‌یافته         | مضامین فراگیر                              |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------|--------------------------------------------|
| <p>توانایی پوشش خبری و ماهواره‌ای در حوزه برون‌مرزی (شبکه‌های عربی‌زبان همچون العالم)</p> <p>استفاده از ظرفیت‌های مراکز استان‌های ساحلی (پایگاه برای فعالیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی)</p> <p>کارشناسان و برنامه‌سازان مجرب</p> <p>امکان تولید و فروش آثار رسانه‌ای موجود</p> <p>برخورداري از محیط‌های بزرگ و تخصصی آکادمیک و آموزشی همچون دانشگاه صداوسیما برای پرورش نیروهای رسانه‌ای توانمند</p> <p>فضای مجازی و فناوری‌های نوین رسانه‌ای</p> | <p>ظرفیت‌های سخت‌افزاری</p> | <p>ظرفیت‌های سخت‌افزاری و محتوایی برای</p> |
| <p>بهره‌مندی از تاریخ و تمدن غنی ایران برای فعالیت در حوزه فیلم و سریال</p> <p>بهره‌گیری از کارکرد سرگرمی برای جذب مخاطب</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |                             | <p>فعالیت در منطقه خلیج فارس</p>           |



|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |                              |  |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------|--|
| <p>برنامه‌سازی بر اساس مزیت‌های نسبی موجود و مشترک از جمله در مذهب، زبان، مجاورت، تغذیه و پوشش و ...<br/>تولید محتوا بر اساس قرابت‌های دینی و فرهنگی<br/>روابط تجاری و بازرگانی مشترک و گردشگری<br/>حمایت فکری و فرهنگی از ملت‌های مستضعف و جنبش‌های آزادی‌بخش و ارائه آموزش‌های مختلف رسانه‌ای به آن‌ها<br/>همکاری برای تأسیس رسانه‌های مستقل ملی و منطقه‌ای<br/>بازنشر و استفاده از اظهارات اتباع ناراضی کشورهای منطقه خلیج فارس<br/>پوشش رسانه‌ای اقدامات سازمان‌هایی همچون مرکز دیپلماسی عمومی وزارت خارجه و انجمن‌های دوستی با سایر کشورها</p> | <p>ظرفیت‌های<br/>محتوایی</p> |  |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------|--|

## ۷. نتیجه‌گیری

بنابر آنچه ذکر شد می‌توان درباره لزوم اختصاص جایگاهی ویژه به دیپلماسی رسانه‌ای کشورها، چنین نتیجه‌گیری کرد که رسانه‌های بین‌المللی یک کشور، مهم‌ترین ابزار دیپلماسی آن کشور هستند. بدون ابزار رسانه‌ای و ارتباطی کارا و قوی برای اقناع و جهت‌دهی افکار عمومی و توجیه تصمیم‌های اتخاذ شده در حوزه سیاست خارجی در سطوح جهانی، هیچ کشوری نمی‌تواند در صحنه بین‌المللی، منافع و اهداف ملی خود را به‌طور مؤثر دنبال کند، سیاست خارجی خود را پیش ببرد و جایگاهش را در سلسله‌مراتب قدرت در نظام بین‌المللی ارتقا دهد. بنابراین، هر کشوری چنانچه بخواهد سیاست‌های خارجی با اهداف ملی‌اش را در محیط روابط بین‌الملل به‌صورت واقع‌گرایانه پیگیری نماید، به‌ناچار باید پیش‌تر، زمینه‌ها و مقدمات روانی و فکری برای اجرای این سیاست‌ها را فراهم کند.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس بود که در مجموع و به‌طور خلاصه می‌توان گفت برون‌مرزی رسانه ملی در عرصه سخت‌افزاری و محتوایی برای فعالیت در منطقه خلیج فارس از ظرفیت‌های مناسبی برخوردار است که در صورت استفاده مناسب از آن‌ها می‌توان بخشی از اهداف ایران در بعد خارجی در این منطقه راهبردی را تحقق بخشید. در حوزه ساختاری، رسانه‌های شنیداری، دیداری و مجازی عربی‌زبان برون‌مرزی صداوسیما، ظرفیت‌های مراکز استان‌های ساحلی، همکاری با اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، قابلیت فروش آثار فاخر رسانه‌ای، بهره‌مندی هر چه بیشتر از کارشناسان باتجربه، شبکه‌های اجتماعی و مجازی فعال در این حوزه، تجهیزات و امکانات گسترده ارسال سیگنال‌های تلویزیونی به خارج از مرزهای کشور، از این دست



ظرفیت‌های سخت‌افزاری هستند. یکی از مهمترین کارکردهای برون‌مرزی صداوسیما، ایجاد فضا و گسترش میدان عمل برای دستگاه دیپلماسی در جهت تأمین منافع ملی و پذیرش موضع ایران در منطقه است. به بیان دیگر، یکی از مهمترین دلایل راهبردی برای ضرورت حضور برون‌مرزی رسانه ملی در منطقه خلیج فارس، خارج شدن چالش‌های سیاسی از محدوده ایران و خنثی‌سازی اقدامات خصمانه رسانه‌های غربی در این منطقه حساس است. لذا رسانه ملی این ظرفیت را داراست که با استفاده از تکنیک‌های رسانه‌ای و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری که در اختیار دارد، به افکار عمومی کشورهای هدف در این منطقه جهت دهد. به عبارت دقیق‌تر، رسانه ملی با استفاده از مجموعه کارشناسان متخصص خود، این قابلیت را دارا است تا اطلاعات خام را بر اساس دستورالعمل‌هایی که کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه بیان کردند، پردازش کرده و پس از جای‌گذاری در قالبی اثرگذار و متناسب با اهداف جمهوری اسلامی، آن‌ها را در معرض نگاه مخاطبان برون‌مرزی خود در خلیج فارس قرار دهند. استفاده از این ظرفیت، منجر به پیوند خوردن نگاه و اعتماد مخاطبین در این منطقه راهبردی و نفوذ موضع ایران و پیام انقلاب اسلامی در خلیج فارس خواهد شد.

## ۸. پیشنهادهای رسانه‌ای

۱. تدوین دستورالعمل‌های جدید در کشور برای عرصه خارجی دیپلماسی عمومی با محوریت برون‌مرزی رسانه ملی.
۲. تشکیل مجامع رسانه‌ای مشترک در منطقه خلیج فارس برای همگرایی بیشتر رسانه‌های این منطقه و تولید آثار مشترک.
۳. تشکیل کمیته‌ای مشترک برای سیاست‌گذاری رسانه‌ای در حوزه خلیج فارس با مشارکت همه نهادهای ذیربط و با محوریت برون‌مرزی رسانه ملی.
۴. تقویت کانال آی فیلم عربی و استفاده بیشتر از ظرفیت‌های تولیدات نمایشی به‌ویژه فیلم و سریال برای مقابله با ایران‌هراسی در حوزه عربی خلیج فارس.
۵. تبیین مستمر طرح صلح ایران برای حوزه خلیج فارس با عنوان طرح هرمز.



## منابع و مأخذ

- آقازاده، غلامرضا (۱۳۶۹)، **نفت و خلیج فارس**، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، تهران: مرکز مطالعات خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- افضلی، رسول، احمدی، سیدعباس، واثق، محمود و جهانیان، منوچهر (۱۳۹۳)، «دیپلماسی گردشگری و تأثیر آن بر همکاری و همگرایی میان کشورهای منطقه خلیج فارس»، **فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران**، سال دوازدهم، شماره ۴۳.
- بزرگمهری، مجید و نعمتی، فاطمه (۱۳۹۰)، «تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای بر سیاست خارجی؛ تبیین راهکارها»، **نشریه علوم سیاسی**، دوره ۷، شماره ۱۷، ص ۱۵۸-۱۳۹.
- بلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، **جهانی شدن سیاست؛ روابط بین‌الملل در عصر نوین؛ موضوعات بین‌المللی جهانی شدن در آینده (جلد دوم)**، ترجمه ابالقاسم راه‌چمنی، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- پورحسن، ناصر (۱۳۷۹)، «فن‌آوری ارتباطی؛ حاکمیت دولت‌ها و تبادل فرهنگ‌ها»، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال دوم، شماره ۶.
- حمیدی‌نیا، حسین (۱۳۸۱)، **ایالات متحده آمریکا**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- خرازی‌آذر، زهرا (۱۳۹۴)، «درک مفهوم دیپلماسی رسانه‌ای؛ رسانه‌ها به مثابه بازیگران نوین دیپلماتیک»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، دوره ۱۱، شماره ۳۲، ص ۱۱۷-۱۳۵.
- خسروی، افسانه و رزمجو، علی‌اکبر و شبکلائی‌عنایتی، علی (۱۳۹۴)، «دیپلماسی عمومی جدید؛ بستر ساز قدرت دیپلماسی رسانه‌ای»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی** دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۲۲، ص ۱۴۸-۱۲۵.
- دانایی‌فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶)، «استراتژی‌های پژوهش کیفی؛ تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، **مجله اندیشه مدیریت**، سال اول، شماره دوم، صص ۹۷-۶۹.
- دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۰)، **کندوکاوها و پنداشته‌ها؛ مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی**، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ساداتی، سیدنصرالله (۱۳۹۳)، «نقش شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی در دیپلماسی رسانه‌ای با تأکید بر شبکه‌های العالم و پرس‌تی‌وی»، **مجله پژوهش‌های ارتباطی**، سال ۲۱، شماره ۳، ص ۱۲۰-۹۹.
- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و نوری، حامد (۱۳۹۶)، **دیپلماسی عمومی (جلد اول)**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- عاملی، سیدحامد و خرازی‌آذر، رها و مظفری، افسانه (۱۳۹۶)، «نقش تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، **مجله راهبرد اجتماعی فرهنگی**، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۱۷۶-۱۵۳.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۴)، **جغرافیای سیاسی جهان اسلام**، تهران: انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- فتوحی، صمد (۱۳۸۹)، **جهانی شدن و همگرایی منطقه‌ای کشورهای حوزه خلیج فارس**، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی‌دانان جهان اسلام، زاهدان.

ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی در ارتقای دیپلماسی عمومی... ۲۴۵

محمدی، منوچهر (۱۳۸۴). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ اصول و مسایل**. تهران: انتشارات دادگستر.  
منصوریان، یزدان (۱۳۸۶). **گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد**، ویژه‌نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

میرحسینی، عبدالحمید و محمدی‌دوستدار، حسین (۱۳۹۳). «دیپلماسی عمومی به مثابه قدرت نرم»، **مطالعات قدرت نرم**، سال چهارم، شماره ۱۱، صص ۱۴۷-۱۲۷.

میررضوی، فیروزه و احمدی‌لغورکی، بهزاد (۱۳۸۳). **راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج فارس**، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۸۹). **دیپلماسی در جهان در حال تحول؛ سازوکار و کارکردهای نوین**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

هالستی، کالوی یاکو (۱۳۸۳). **مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل**، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

هوشی‌سادات، محمد (۱۳۹۶). **تاریخ سیاسی - اجتماعی خاورمیانه از عصر قدیم تا پسا عصر جدید**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

Barston, R,P (2006), **Modern Diplomacy and International Relations**, London: Pearson Education LKO.

Ebo, E (1996), **Media Diplomacy and Foreign Policy: Toward a Theoretical Frameworks**, In: A. Malek (ed), **News Media And Foreign Relations**, New York: Routledge.

Fisher, Ali (2009), **Four Seasons in One Day. In: Routledge Handbook of Public Diplomacy**, Ed. N. Snow and Ph. M. Taylor. New York: Routledge. 251-261.

Melissen, Jan (2005), **the New Public Diplomacy: Soft Power in International Relation**, New York Palgrave Mac Millan.

Neuman, Lawrence (1977), **social research methods: qualitative and quantitative Approaches**, 3d. ed. Boston, Allyn and Bacon.

Powell, Ronald (1999), **recent trends in research: a methodological essay**, Library and Information Science Research.

Taylor, P.M (1997), **Global Communication. International Affairs and the Media since 1945**, New York: Routledge.



## جایگاه افغانستان در طرح چینی ابتکار کمربند-راه (با تأکید بر راهکارهای رسانه‌ای)

نوروز هاشم‌زهی<sup>۱</sup>، محمد آتش‌دست<sup>۲</sup>

### چکیده

افغانستان، همسایه چین است و با جایگیری در قلب آسیا، برای بازیگران جهانی از جمله چین مهم است. افغانستان به همراه پاکستان در طرح ابتکار-راه مشارکت دارد. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که اهداف چین از عبور طرح ابتکار کمربند-راه از مسیر افغانستان چیست؟ این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از رویکردهای نظری موازنه‌سازی، نظریه رژیم‌های بین‌المللی و نظریه وابستگی متقابل به تبیین اهداف و اقدامات قدرت‌های جهانی و به‌ویژه چین در صحنه سیاسی افغانستان پرداخته و نقش رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما در بازتاب این موضوع را مدنظر قرار داده است. بر اساس نتایج، بهبود اوضاع اقتصادی منطقه ناآرام سین‌کیانگ در شمال غرب چین، تثبیت جایگاه اقتصادی و تجاری چین در آسیای مرکزی، توسعه نفوذ اقتصادی چین در افغانستان و پاکستان و احیای جایگاه سنتی چین در مسیر راه ابریشم در چارچوب یک کریدور وسیع زمینی و دریایی با غرب آسیا و اروپا از جمله انگیزه‌ها و دلایل شکل‌گیری طرح چین محسوب می‌شود. همچنین چین به دلیل رقابت با قدرت‌های بزرگ، خواهان به حداقل رساندن نقش آنها در افغانستان و رسیدن به توازن قدرت با آنهاست؛ بنابراین درصدد جلب اعتماد افغانستان برآمده و خواستار عبور این طرح از افغانستان است.

**واژه‌های کلیدی:** افغانستان، چین، طرح ابتکار کمربند-راه، رسانه برون‌مرزی.

---

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی و ارتباطات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
no\_hashemzahi@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.  
mohammadatashdast@gmail.com



## ۱. مقدمه

فروپاشی شوروی، استقلال کشورهای آسیای مرکزی و پایان رقابت‌های دوران جنگ سرد موجب شد که کشورهای واقع در مسیر تاریخی و نیز قدرت‌های فرامنطقه‌ای درصدد برآیند تا با احیای جاده ابریشم، شرایط جدیدی را در عرصه‌های مختلف تجربه نمایند. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به طرح‌های سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و نیز برنامه کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل اروپا، قفقاز و آسیای مرکزی (تراسیکا)<sup>۱</sup> با مشارکت کشورهای منطقه آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و اتحادیه اروپا اشاره نمود. طرح ابتکار کمربند - راه چین که شامل سه مسیر زمینی (مرکزی)، دریایی (جنوبی) و شمالی است، از جمله مهم‌ترین طرح‌های اقتصادی و تجاری است که به موازات رشد اقتصادی بی‌سابقه چین در اقتصاد جهانی مطرح شده است و با تبلیغات رسانه‌ای و سرمایه‌گذاری گسترده چینی‌ها از سال ۲۰۱۳ میلادی تاکنون پیگیری شده است.

چین در مسیر اجرایی شدن این طرح با چالش‌هایی روبرو است. انعقاد توافق‌نامه‌های گمرکی و ترجیحی، اختلافات ارضی و مرزی افغانستان با پاکستان در خط مرزی دیورند و هند و پاکستان در منطقه کشمیر، چالش‌های امنیتی ناشی از تروریسم و افراط‌گرایی، وجود طرح‌های رقیب مانند فدراسیون روسیه (اتحادیه اقتصادی اوراسیا)، ایالات متحده آمریکا (طرح راه ابریشم جدید و آسیای مرکزی بزرگ)، ترکیه (طرح راه ابریشم) و اتحادیه اروپا (ابتکار عمل باد ابریشم)، چین‌هراسی در آسیای مرکزی و نظارت ضعیف و فساد اقتصادی از جمله چالش‌های مهم به‌شمار می‌رود. کشورها و مناطق مختلفی تحت تأثیر طرح ابتکار کمربند - راه چین قرار دارند که یکی از این کشورها افغانستان است (کالجی، ۱۳۹۷).

افغانستان در طول تاریخ گذرگاه تهاجم جنگ‌جویان بسیاری برای لشکرکشی به هند بوده است. این کشور به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و قرار گرفتن در قلب آسیا، در مسیر اصلی عبور کاروان‌های تجاری جاده ابریشم قرار داشته است. بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که حضور آمریکا در این کشور گسترش یافت، با افزایش قدرت چین و رقابت سنتی روسیه و آمریکا این کشور به عرصه‌ای برای رقابت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شد که هرکدام خواهان مهار و کنترل طرف مقابل هستند. چین برای نفوذ در افغانستان باید رضایت این کشور را به‌دست آورده تا بتواند جایگزین مناسبی برای این کشورها باشد. به‌نظر جان مرشایمر، رسیدن به هژمونی منطقه‌ای





تنها راهی است که چین می‌تواند به‌وسیله آن به‌طور کامل بر تایوان مسلط شود و سایر مشکلات خود نسبت به سین‌کیانگ را حل کند (Mearsheimer & Brzezinski, 2005).

هدف این مقاله بررسی اهداف، دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری طرح ابتکار کمربند - راه چین و تبیین جایگاه افغانستان در این طرح با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران است. پرسش اصلی این است که «جایگاه و منافع افغانستان و چین در طرح ابتکار کمربند - راه چیست؟» پرسش‌های فرعی عبارت‌اند از: «ماهیت، ابعاد و اهداف چین در طرح ابتکار کمربند - راه چیست؟ نحوه تالاقی و هم‌پوشانی و یا تقابل و رقابت سایر طرح‌های رقیب (آمریکا، روسیه و هند) با طرح مورد نظر چینی‌ها چگونه است؟ رسانه‌های برون‌مرزی ایران به‌ویژه در حوزه شبه قاره و شرق آسیا چه رسالتی در این خصوص دارند و چه راهکارهای رسانه‌ای می‌توان ارائه کرد؟» فرضیه اصلی پژوهش این است که «چین برای رسیدن به توازن قدرت با دیگر قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خصوصاً روسیه، هند، آمریکا و به‌منظور جلوگیری از نفوذ این قدرت‌ها و کاهش تأثیرات آنها بر چین در صدد مشارکت دادن افغانستان در این پروژه است». روش اصلی این پژوهش توصیفی - تحلیلی است.

## ۲. پیشینه پژوهش

منابع انگلیسی توجه خاصی به طرح چین نشان داده‌اند. «چه چشم‌اندازی برای راه ابریشم تحت رهبری چین و بانک توسعه زیرساخت‌های آسیایی وجود دارد؟» (Esteban and Otero- Iglesias, 2015)، «راه چینی: راه ابریشم جدید» (Brugier, 2014)، «ابتکار عمل‌های راه ابریشم جدید در آسیای مرکزی» (Fedorenko, 2013)، «چرا واشنگتن نیازمند همگرایی با راه ابریشم جدید حول محور آسیا است؟» (Kuchins and Sanderson, 2013)، «واشنگتن و راه ابریشم جدید: یک بازی بزرگ جدید در آسیا؟» (Najam and Humayun, 2012)، و «راه ابریشم جدید چین به مدیترانه: پل زمینی اوراسیایی و بازگشت به دریا سالار ژنگ هی» (Lin, 2011) از جمله منابع انگلیسی است.

مقاله‌های «مبنای ژئوپلیتیک راه ابریشم آمریکا و چین در آسیای مرکزی» (تیشه‌یار و تویسرکانی، ۱۳۹۶)، «ابتکار کمربند - راه چین و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»



(خداقلی‌پور، ۱۳۹۶)، «ابتکار کمربند - راه: قوام نظریه هارتلند» (یزدانی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۵)، «ابتکار جاده ابریشم جدید چین (اهداف، موانع و چالش‌ها)» (امیراحمدیان و صالحی‌دولت‌آباد، ۱۳۹۵)، «بررسی وجوه مثبت و لزوم پویایی ایران در ابتکار کمربند اقتصادی از منظر مکتب کپنهاگ» (یزدانی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۳)، از جمله نوشتارهای فارسی هستند که به معرفی و تشریح ماهیت و ابعاد طرح چین و نیز سایر طرح‌های رقیب روسی، آمریکایی و اروپایی می‌پردازند.

منابع اروپایی به دلیل قرار گرفتن اروپا در مسیر انتهایی شمالی (بندر ریگا و لیتوانی)، مرکزی (کمربند اقتصادی راه ابریشم) و جنوبی (راه دریایی ابریشم) که زمینه را برای افزایش تجارت زمینی، ریلی و جاده‌ای بین چین و کشورهای اروپایی فراهم می‌کند، به این طرح نگاه نسبتاً مثبتی دارند. منابع آمریکایی عمدتاً در قالب رقابت‌های ژئوپلیتیکی آمریکا و چین و تقابل دو طرح «راه ابریشم جدید» و «آسیای مرکزی بزرگ» مورد نظر آمریکا با طرح چین، نگرش انتقادی‌تری را مطرح می‌کنند.

در این پیشینه‌ها به جایگاه ویژه افغانستان در طرح ابتکار کمربند - راه و راهبردهای رسانه‌ای و نحوه انعکاس خبری تحولات به‌طور خاص پرداخته نشده است. از آن جایی که در پژوهش‌های قبلی صرفاً به مطالعه جاده ابریشم، اهداف چین از این اقدام و اهداف چین در افغانستان بدون ارتباط دادن آن با طرح چین پرداخته شده است؛ این مقاله از منظر سیاسی و اهدافی که چین در رقابت با دیگر بازیگران دارد، با نگاهی به نقش رسانه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران و اهمیتی که می‌تواند در بازتاب آن ایفا کند، نوآوری دارد. درواقع تبیین جایگاه کشور مهم افغانستان در طرح چینی و ارائه پیشنهادی رسانه‌ای برای نحوه پرداختن به این موضوع نوآوری این مقاله تلقی می‌گردد.

### ۳. چارچوب نظری

در این مقاله، الگوی نظری ترکیبی و متشکل از رویکردهای موازنه‌سازی، نظریه رژیم‌های بین‌المللی و نظریه وابستگی متقابل برای تجزیه و تحلیل موضوع به‌کار می‌رود. نظریه رژیم‌های بین‌المللی همکاری دولت‌ها در عرصه بین‌الملل را توضیح می‌دهد و به آن خوش‌بین است. مفهوم رژیم به معنای مجموعه قواعد و رویه‌ها و تصمیم‌گیری و رفتار برای تأمین و حفظ منافع است. این نظریه می‌تواند عکس‌العمل کشورهای کم‌قدرت در این منطقه را توضیح دهد (سازمند و رمضانی، ۱۳۹۸).



موازنه‌سازی به سیستمی اشاره دارد که بازیگران اصلی آن هویت، تمامیت و استقلال خود را از طریق فرایند ایجاد توازن تأمین و حفظ می‌کنند. این نظریه فرض را بر این قرار داده که کشورها بیشتر تمایل دارند رفتارهای مبتنی بر تعادل را جهت جلوگیری از افزایش قدرت دیگری به‌عنوان ابزارهای کنترلی اتخاذ نمایند. موازنه قدرت دارای هدف‌هایی از جمله «جلوگیری از بروز و استقرار یک قدرت برتر و مسلط، حفظ موجودیت عناصر تشکیل دهنده موازنه و خود موازنه، تأمین ثبات و امنیت بین‌المللی، تقویت و تداوم صلح» است (قوام، ۱۳۹۳: ۱۱۱). طبق این نظریه، روابط بین دولت‌ها بر اساس قدرت و منافع ملی استوار می‌باشد و همه‌ی دولت‌ها در تلاش هستند تا حداکثر استفاده را از توازن قوا بدست آورند و منافع ملی خودشان را تأمین کنند. در این راستا به‌طور طبیعی دولت‌ها در یک روند رویارویی و مبارزه قرار می‌گیرند و هر یک برای نیرومند شدن و نیرومند ماندن تلاش بی‌وقفه‌ای را که به‌صورت اتحاد با دیگر دولت‌ها است، به‌دست می‌آورد. به طوری که نتیجه آن اتحاد و ائتلافی است که جلوی تجاوز را گرفته و صلح و ثبات را تأمین کند، در حقیقت بنیان نظریه توازن قوا بر این پایه است که قدرت‌ها تنها به‌وسیله قدرت، قابل کنترل و محدود شدن هستند، به‌طوری که توازن قوا موجب صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود (علی‌بابایی، ۱۳۷۰: ۲۳۶).

از نظر مورتون کاپلان، اصول اساسی موازنه‌سازی قدرت عبارت‌اند از: الف) افزایش توان جنگی کشور به‌منظور مداخله، نه جنگ. ب) بهره‌گیری از جنگ در شرایط اضطراری. ج) ادامه جنگ تا تسلیم دشمن، نه نابودی آن. د) مخالفت جدی با برتری هر یک از اعضا (Kaplan, 2003: 162). دو شرط اساسی تحقق سیستم موازنه از نظر کنت والتز وجود آناشری و دیگری وجود ابزار کنترلی است (Waltz, 1979: 126-127) که باید به صورت جمعی اتخاذ شود. منظور از توازن قوا این فرضیه است که همه روابط بین‌الملل ناشی از منافع ملی است که از طریق کسب قدرت، دولت‌ها همواره به دنبال حفظ آن هستند (سیف‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۰۳). وجود بازیگران متعدد سیاسی، فقدان یک قدرت مرکزی و مشروع، توزیع نابرابر قدرت میان بازیگران صحنه روابط بین‌الملل، رقابت مستمر اما کنترل شده مناقشات میان بازیگران سیاسی حاکم برای کسب ارزش‌ها و منابع کمیاب جهان و تفاهم میان رهبران عمده جهان درباره نفع مشترک ناشی از استمرار مکانیزم‌های توزیع قدرت از شرایط لازم برای موازنه قدرت است (قوام، ۱۳۷۰: ۶۱). چند مؤلفه اساسی از جمله: قطبیت، تعادل، موقعیت استراتژیکی و ادراک رهبران باعث تأثیر در رفتار استراتژیکی کشورها می‌شود (Moritzen, 1997: 85-87). ایجاد دولت‌های حائل، تشکیل اتحادها، ایجاد حوزه‌های



نفوذ، رقابت یا مسابقه‌ی تسلیحاتی، جنگ به‌عنوان آخرین حربه و مداخله از راه‌های اعمال توازن قوا است (waltz, 1997: 103).

بر اساس نظریه وابستگی متقابل ویژگی اساسی نظام بین‌المللی امروزی نه منازعه و نه مبتنی بر منازعه و همکاری و بلکه مبتنی بر تعامل چندگانه و وابستگی متقابل به‌ویژه وابستگی متقابل اقتصادی و فنی و از بین رفتن سلسله مراتب و کنترل است. درواقع مفهوم وابستگی متقابل را می‌توان ذیل نظریات مربوط به همگرایی اعم از کارکردگرایی، نوکارکردگرایی و ارتباطات یافت (سازمند و رمضانی، ۱۳۹۸).

#### ۴. طرح ابتکار کمربند - راه چین

از دو هزار سال پیش که ژان جیانک<sup>۱</sup> امپراتور چین جاده ابریشم را احداث کرد، این جاده برای تجارت کالاهای چینی از غرب به شرق کشیده شد. در قرن حاضر در سال ۲۰۱۳ رئیس‌جمهور چین «شی جین پینگ»<sup>۲</sup> پیشنهاد یک شبکه حمل‌ونقل مرکب از راه‌ها، جاده‌ها، خطوط لوله و شبکه‌های نرم‌افزاری که چین و آسیای مرکزی را به غرب آسیا و اروپا وصل می‌کند، با هدف همکاری‌های اقتصادی مطرح کرد. طرح ابتکار کمربند - راه که در شورای دولتی چین در سال ۲۰۱۵ به آن پرداخته شد با عبور از حدود ۶۵ کشور در سه قاره تقریباً معادل ۲۱ تریلیون دلار گردش مالی دارد (شیدا، ۱۳۹۸) و بالغ بر ۶۲ درصد جمعیت جهان، حدود ۳۹ درصد از مساحت زمین و ۳۰ درصد از تولید ناخالص جهان را شامل می‌شود.

جاده خشکی این طرح از شی آن<sup>۳</sup> در نواحی مرکزی چین آغاز شده و پس از گسترش به سمت غرب از استان گانسو<sup>۴</sup> و دو شهر خورگاس<sup>۵</sup> و ارومچی<sup>۶</sup> گذر استان سین‌کیانگ<sup>۷</sup> می‌گذرد. این جاده سپس به سمت جنوب‌غربی رفته و پس از عبور از آسیای مرکزی، شمال ایران، عراق، سوریه و ترکیه را پشت سر می‌گذارد. سپس از استان بسفر در استانبول گذشته، بلغارستان، رومانی، جمهوری

- 
1. Jan jiank
  2. Xi Jinping
  3. Xi'an
  4. Gansu
  5. Khorghas
  6. Urumqi
  7. Xinjiang



چک و آلمان را طی می‌کند، پس از آن به هلند کشیده شده و در نهایت به ونیز<sup>۱</sup> ایتالیا می‌رسد و نیز نقطه پایانی دو مسیر دریایی و زمینی مورد نظر چین خواهد بود (Brugier, 2014: 63).

راه دریایی از گوانجو<sup>۲</sup> در استان فوجیان<sup>۳</sup> چین آغاز، پس از عبور از استان‌های گوانگدونگ<sup>۴</sup>، گانسو و هاینان<sup>۵</sup> به تنگه مالاکا در جنوب می‌رسد. پس از عبور از کوالالامپور به سمت کلکته رفته و از اقیانوس هند به نایروبی در کنیا، پس از آن از شاخ افریقا گذشته و به دریای سرخ می‌رود. نقطه پایانی آن شهر ونیز ایتالیا خواهد بود (جمشیدی و خاتمی، ۱۳۹۷: ۹). در می ۲۰۱۴ میلادی اولین فاز از پایانه مشترک ساخته شده توسط چین و قزاقستان از بندر لیان یونگانگ<sup>۶</sup> در شرق استان جیانگسوی<sup>۷</sup> چین عملیاتی شد. این پایانه با سرمایه ۶۴ میلیون یوانی چین و به‌عنوان بخشی از طرح ابتکار کمربند - راه عملیاتی شد و در اکتبر ۲۰۱۴ تقریباً ۲۱ کشور آسیایی تمایل پیوستن به بانک زیرساخت آسیایی (به‌عنوان بانک سرمایه‌گذار و حامی ملی در این پروژه) را به‌عنوان اعضای مؤسس اعلام کرده و تفاهم‌نامه مشترکی را برای تاسیس این بانک ایجاد نمودند که این تعداد در ژانویه ۲۰۱۵ و با پیوستن برخی دیگر از کشورها به ۵۶ کشور ارتقا یافت. در ۲۸ مارس ۲۰۱۵ کمیسیون اصلاح و توسعه ملی چین، وزارت امور خارجه و وزارت بازرگانی این کشور مشترکاً طرح ابتکار کمربند- راه را با عنوان چشم‌انداز مشترک کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱ که شامل اصول، چارچوب و اولویت‌های همکاری می‌باشد، منتشر کردند (شیدا و کای، ۱۳۹۸: ۱۳).

#### ۴-۱. هدف چین از مشارکت افغانستان در طرح ابتکار کمربند- راه و جایگاه افغانستان در آن

در سال‌های اخیر افغانستان و منطقه از سوی بازیگران در معرض روندهای جدید فرامنطقه‌گرایی قرار گرفته است. آمریکا با دو طرح «طرح آسیای مرکزی بزرگ» و «راه ابریشم جدید» در جهت

- 
1. Venice
  2. Guangzhou
  3. Fujian
  4. Guangdong
  5. Hainan
  6. Lianyungang
  7. Jiangsu



شمالی- جنوبی، چین با «طرح ابتکار کمربند - راه» و روسیه با طرح «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» درصدد هدایت همگرایی منطقه‌ای در راستای اهداف و منافع مورد نظر خود برآمده‌اند. به‌نظر می‌رسد با توجه به اجرای طرح‌های اقتصادی در حوزه‌های انرژی و ترانزیتی در سمت شمال (روسیه)، شرق (چین) و غرب (ایران و دریای خزر) از طرف کشورهای آسیای مرکزی، گسترش طرح‌های اقتصادی با افغانستان، هند و پاکستان (مسیر جنوبی) به‌صورت جدی در دستور کار کشورهای این منطقه قرار گرفته است. احداث خط لوله گاز تاپی (ترکمنستان- افغانستان- پاکستان- هند)، خط انتقال برق کاسا ۱۰۰۰ (قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان، پاکستان)، راه آهن افغانستان- ازبکستان (حیرتان- مزار شریف) و ترکمنستان- افغانستان (تورغندی- هرات) از جمله طرح‌های مهم اقتصادی هستند که برآیند اجرای آن‌ها افزایش پیوستگی ژئواکونومیکی آسیای مرکزی با افغانستان، پاکستان و هند (آسیای جنوبی) خواهد بود. در چنین شرایط و فضای است که افغانستان به‌عنوان یکی از همسایگان مهم، مورد توجه مقامات چینی قرار گرفته است. چین در سال ۲۰۱۴ میزبان گفت‌وگوهای مستقیم مقامات افغان و نمایندگان طالبان بوده و پاکستان را نیز به اتخاذ سیاستی نرم‌تر در قبال افغانستان ترغیب کرده است (Clarke, 2016).

در نقطه مقابل، افغانستان درصدد بهره‌گیری از ظرفیت‌های طرح چین برای احیای جایگاه تاریخی خود است. پیوستن به این طرح می‌تواند بخشی از مشکلات افغانستان که جاده و شبکه راه آهن و خطوط هوایی مناسب ندارد و فاقد دسترسی به دریا است، را رفع کند. افغانستان در حال اجرای برنامه توسعه ملی ۱۰ ساله (از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴) است، در این راستا تلفیق برنامه توسعه ملی افغانستان با طرح چین می‌تواند بخش مهمی از این برنامه را تحقق بخشد. دولت افغانستان آرزو داشت از مسیرهایی غیر از پاکستان به این شبکه بپیوندد. اشرف غنی، در سفر سال ۲۰۱۴ به چین خواستار ارتباط مستقیم تجاری میان افغانستان و چین از طریق دهلیز «واخان» شده بود که در صورت عملیاتی شدن، منطقه «سین‌کیانگ» چین از طریق واخان بدخشان به افغانستان وصل می‌شد. اما چینی‌ها متمایل به همکاری افغانستان در دهلیز اقتصادی چین-پاکستان هستند. توافق افغانستان برای پیوستن به دهلیز اقتصادی چین-پاکستان در اجلاس سه‌جانبه پکن با شرکت وانگ‌یی، وزیر خارجه چین، صلاح‌الدین ربانی، وزیر خارجه افغانستان و خواجه محمد آصف، وزیر خارجه پاکستان در دسامبر ۲۰۱۷ اعلام شد. دهلیز اقتصادی چین-پاکستان که با هزینه ۵۷ میلیارد دلار، راه چین را به سوی دریای هند می‌گشاید، با پیوستن افغانستان به این طرح، شاخه‌ای از این دهلیز اقتصادی از طریق افغانستان به سوی آسیای میانه هم کشیده خواهد شد. چالش اصلی برای



پیوستن افغانستان به این دهلیز اقتصادی، روابط نه چندان گرم بین کابل و اسلام‌آباد و ناامنی در افغانستان است. افغانستان مرز بین دو کشور را به رسمیت نمی‌شناسد و پاکستان را متهم به حمایت از گروه طالبان می‌کند (شیدا، ۱۳۹۸: ۲۳).

هند همسو با آمریکا از منتقدان اصلی طرح چین است و آن را زمینه‌ساز هژمونی چین می‌داند و هشدار داده که اجرای این طرح از شفافیت کافی برخوردار نیست و کشورهای دارای اقتصادی ضعیف را به اقتصاد چین وابسته می‌کند. هند خود در حال بهره‌برداری از مسیر دریای هند به بندر چابهار، افغانستان و آسیای میانه است. افغانستان از یک سو از طرح بندر چابهار با محوریت هند حمایت می‌کند تا پاکستان را دور بزند و از سوی دیگر، متکی به کمک‌های سایر متحدان غربی خود است. در چنین وضعیتی، افغانستان در راستای توازن‌بخشی و تنوع‌بخشی به سیاست خارجی درصدد بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی و ترانزیتی طرح چین به‌ویژه در زمینه شبکه خطوط ریلی است و به‌طرحی می‌پیوندد که می‌تواند به هژمونی چین بینجامد (شفاهی، ۲۰۱۹).

یکی از همسایگانی که جهت تأمین امنیت افغانستان تلاش‌هایی را انجام داده، چین است. چین به این نتیجه رسیده است که پیش‌شرط امنیت در افغانستان و به‌دست گرفتن ابتکار عمل در رقابت با سایر بازیگران، ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت توسعه در این کشور است، که در صورت اجرای آن امنیت افغانستان و به تبع آن امنیت در مرزهای خود را افزایش داده و علاوه بر آن رضایت مقامات افغانستان را به‌دست می‌آورد تا به هدف اصلی که همان یک‌تازی در صحنه سیاسی است دست یابد (شیدا، ۱۳۹۸). مقامات چینی معتقدند با گذشت سال‌ها از همکاری این دو کشور، همکاری‌ها و روابط طرفین گسترده‌تر خواهد شد. با آغاز حکومت وحدت ملی در سال ۲۰۱۴ اشرف غنی، کشور چین را به‌عنوان یک دوست خوب انتخاب و با «شی جین‌پینگ» ملاقات نمود و در این نشست، هر دو کشور توافقات همکاری‌های اقتصادی و راهبردی خویش را اعلان و در یک بیانیه مشترک، به بازسازی کمربند اقتصادی جاده ابریشم اشاره نمودند و خاطرنشان کردند که بازسازی کمربند اقتصادی جاده ابریشم نه‌تنها به سود هر دو کشور است، بلکه کشورهای منطقه را نیز به هم متصل می‌کند و باعث پیشرفت کشورهای منطقه می‌شود. از نظر دولت چین، اشتراک دولت افغانستان در این پروژه برای اتصال جنوب، غرب و مرکز آسیا بسیار مهم است (شیدا و کای، ۱۳۹۸: ۲۳). چین آماده است تا کمک‌های خود به بازسازی افغانستان را از طریق شریک نمودن این کشور در طرح ابتکار کمربند-راه افزایش دهد (alizada & bismellah, 2018: 36). چین با عبور طرح ابتکار کمربند - راه از افغانستان درصدد کاهش حضور و نقش بازیگران عمده



جهانی است که دارای پیشینه تاریخی پررنگی در افغانستان بوده و با توجه به نداشتن پیشینه حضور در آن کشور به توازن قدرت با آنها در صحنه سیاسی افغانستان پرداخته تا به اهدافی که در رابطه با هر کدام از آنها دارد برسد.

## ۵. رقابت کشورهای مختلف با چین در افغانستان

### ۵-۱. پیشینه تاریخی نفوذ هند در افغانستان

روابط دیرینه هند با افغانستان موجب شده این کشور همواره در رقابت با پاکستان توجه بیشتری به افغانستان داشته باشد (تمنا، ۱۳۸۷: ۲۴). آمریکا به جهت اجتناب‌ناپذیر بودن رقابت راهبردی با چین الزام همکاری با هند را به خوبی دریافت و به جهت عدم وجود سابقه تاریخی منازعه، فقدان رقابت منطقه‌ای و جهانی، ضرورت‌های اقتصادی و تفاهم ارزشی، حرکت به سمت هند در جهت ایجاد روابط نزدیک‌تر را مطلوب یافت (دهشیار، ۱۳۸۲: ۳۳۹). هند تلاش نمود با سرمایه‌گذاری، حمایت و توسعه بندر چابهار ایران و دسترسی مناسب‌تر به افغانستان از طریق ایران و همچنین انجام کمک‌های اقتصادی، نفوذ سیاسی و افزایش ارتباطات با کشورهای آسیای میانه که راهی به دریا ندارند، اثرات طرح توسعه بندر «گوادر» در ایالت بلوچستان پاکستان توسط چین را به حداقل برساند و این اقدام هند به‌نوعی جنگ پنهان بین دهلی‌نو و پکن است. هند با نفوذ در افغانستان و ایجاد کنسولگری، نفوذ سیاسی خود را افزایش داده و ساختمان پارلمان افغانستان را بنا کرده و «نارندار مودی» نخست‌وزیر هند در سفر به کابل در مراسم افتتاح ساختمان جدید پارلمان افغانستان شرکت کرد. علاوه بر این هند با در اختیار قرار دادن بالگردهای نظامی قصد دارد توان نیروهای ارتش افغانستان را در مبارزه با تروریسم در منطقه افزایش دهد (امیراحمدیان و صالحی‌دولت‌آباد، ۱۳۹۵).

چین گام‌های مؤثرتری را نسبت به رقیب آسیایی‌اش، هند، برداشته و آمادگی بیشتری برای فراهم‌سازی زمینه توسعه اقتصادی گسترده‌تر در سطح جهان دارد. در زمینه رقابت‌های نظامی و سیاسی هم این دو کشور در سی سال گذشته تنش‌های زیادی داشته‌اند و این تنش‌ها گاهی تأثیرات سوء و گاهی نیک در افغانستان داشته است. این که این رقابت‌ها چقدر به سود افغانستان است، امری است که استلزام داشتن یک سیاست معینی را می‌طلبد. پس هم‌چنان ایجاد تعادل و موازنه میان این دو کشور از سوی دولت‌مردان افغانستان است که از آنها به‌مثابه قدرت‌های بزرگ اقتصادی منطقه در زمینه‌ی بازسازی و امنیت کشور استفاده و این موازنه قدرت را به‌خوبی مدیریت





کنند. در غیر این صورت، تنش‌های ویرانگر این دو همسایه باعث ایجاد ناامنی و تضعیف حاکمیت ملی و هم‌چنان استفاده‌جویی‌های منفی از منابع طبیعی افغانستان می‌شود و تأثیر سوء و جبران‌ناپذیری را بر اقتصاد افغانستان خواهد گذاشت (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۳۳).

چین، تروریسم و افراط‌گرایی اسلامی را تهدید بزرگی برای امنیت خود می‌داند، ولی تاکنون گامی عملی برای زدودن بستر فعالیت این گروه‌ها برنداشته است. در صورتی که چین برای گسترش بازار تجارت جهانی و به‌دست آوردن فرصت‌های خوب اقتصادی - تجاری نیاز مبرم به امنیت دارد و این امر تنها زمانی ممکن است که پاکستان را متقاعد سازد تا در مبارزه با تروریسم در منطقه تلاش به خرج دهد که خود باعث آماده‌سازی زمینه‌های سرمایه‌گذاری در افغانستان برای چین می‌شود.

با توجه به دیدگاه پکن - اسلام‌آباد و تضاد سیاست‌های اسلام‌آباد با دهلی‌نو، این دیدگاه‌های متفاوت دو طرف در بعد داخلی افغانستان ممکن است اختلاف میان دهلی‌نو - پکن را بیشتر کند. پاکستان و چین در رقابت جدی با هند به سر می‌برند. با وجود انعطاف‌پذیری که از سوی هند در موضوع افغانستان نسبت به چین تجربه شده است، اما چین از پاکستان در چالش‌آفرینی سر راه هند استفاده می‌کند و آتش رقابت منفی این دو کشور را شعله‌ورتر می‌کند تا بتواند هند را بیشتر درگیر مسایل سیاسی - امنیتی سازد. از طرفی هند به طرح جاده ابریشم چین بدبین است و طرح مائوسام<sup>۱</sup> را که طرح چین را به چالش می‌کشد ارائه داده است. این طرح از منظر هندی‌ها یادآور عظمت هند و نقش اقیانوس هند در تجارت است و محدوده شرق آفریقا، سریلانکا، جنوب ایران و جنوب شرق آسیا را شامل می‌شود (امیراحمدیان و صالحی‌دولت‌آباد، ۱۳۹۵). با توجه به اینکه ابتکار کمربند - راه چین، پاکستان را شامل می‌شود، نگرانی هند از این امر چند برابر شده و دهلی‌نو به‌دنبال همکاری با طرح جاده ابریشم آمریکا که نقطه مقابل طرح چین است می‌باشد. هر چند چین سعی در جلب همکاری هند در اجرای این طرح دارد، اما هم به‌دلیل هم‌سویی با سیاست‌های آمریکا و هم از دست ندادن ابتکار عمل در مقابل چین، احتمال همکاری هند با چین در این پروژه اندک است (Zimmerman, 2015: 19).

## ۵-۲. روابط تاریخی روسیه و افغانستان و رقابت روسیه با چین در این کشور

هدف جدی روسیه در افغانستان جلوگیری از گسترش بی‌ثباتی، تروریسم و مواد مخدر به کشورهای آسیای مرکزی و خاک روسیه است. بسیاری از گروه‌های تروریستی در این دسته از کشورها نه تنها کمک‌های مالی از گروه‌های افغانی دریافت می‌کنند بلکه هدایت فکری آنان نیز بر عهده نیروهای افراطی در افغانستان است. در این میان استراتژی چین، خرید انرژی و کانی‌های معادن مفید در آسیای میانه، ایران، افغانستان و همچنین سرمایه‌گذاری‌های کلان در این کشورها است. روشن است روس‌ها به تنهایی توان رقابت با سرمایه چین را ندارند، بنابراین جهت جلوگیری از نفوذ چین، تشکیل اتحادیه اوراسیایی را اعلام کردند که هدف از آن اتحاد دوباره جمهوری‌های اتحاد شوروی و کاهش نقش‌آفرینی چین است. روابط روزافزون اقتصادی چین در آسیای میانه و افغانستان نگرانی‌های مسکو را دربر دارد، در حالی که هر سه کشور عضو سازمان همکاری‌های شانگهای هستند (افغانستان عضو ناظر است) و می‌توانند برنامه‌های کلان اقتصادی‌شان را در آن هماهنگ سازند. همچنین آنها در مورد اوضاع منطقه و راه‌های حل مشکلات دیدگاه‌های همسان ندارند. همه آنها معتقدند که تهدید اساسی در افغانستان تروریسم است، اما درباره منبع این تهدید، دیدگاه یکسان ندارند. در حالی که افغانستان و روسیه، طالبان را نیروهای تحت‌الحمایه اسلام‌آباد برای اهداف ژئوپلیتیک آن می‌شناسند، چین باور دارد که اسلام‌آباد می‌تواند در روند صلح نقش مهمی داشته باشد. به نظر چین عدم خروج نیروهای بین‌المللی، مشکلات داخلی، فساد و ضعف نهادهای رسمی در افغانستان سبب شده تا طالبان بهتر سربازگیری کند، باید با طالبان وارد مذاکره شد و آنها را وارد روند سیاسی کرد (امیراحمدیان و صالحی‌دولت‌آباد، ۱۳۹۵: ۳۵-۲۰).

## ۵-۳. حضور آمریکا در افغانستان و تضادهای اساسی با حضور چین

بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر نفوذ آمریکا در افغانستان افزایش چشم‌گیری پیدا کرد. افغانستان پتانسیل با وجود ذخایر عظیم انرژی و آب، فرصتی راهبردی برای بهره‌برداری از پروژه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکا در قرن ۲۱ را دارد (تمنا، ۱۳۸۷: ۱۱۴). چین با افزایش حضور نظامی آمریکا و حضور بلندمدت آن در افغانستان مخالف بود، زیرا معتقد بود بخشی از طرح آمریکا در آسیای مرکزی و افغانستان تهدید چین به لحاظ امنیتی و کنترل برنامه‌های راهبردی چین برای سین کیانگ است. سیاست چین در افغانستان متوجه بیرون راندن آمریکا و پیگیری روند صلح در افغانستان بوده است. آمریکا با ادعای مبارزه با تهدیدهای امنیتی و جلوگیری از بسط افراط‌گرایی به حضور در افغانستان که در عین حال محاصره چین را مدنظر داشت پرداخت. هر چند آمریکا افزایش تعامل چین را در



افغانستان به فال نیک گرفته و معتقد است که علایق راهبردی امریکا اکنون تغییر کرده و مشارکت چین در افغانستان را به نفع خود می‌داند، اما مقامات افغانستان معتقدند رقابت اعلام نشده‌ای بین چین و امریکا وجود دارد. از نظر آنها دو طرف خواهان دست یافتن به منابع طبیعی افغانستان هستند زیرا داشته‌های افغانستان در منطقه کم نظیر است و دوم موضوع نفوذ نظامی امریکا در افغانستان که در تضاد با اهداف چین است مطرح می‌باشد (رفیع، ۱۳۹۲: ۱۹).

تلاش امریکا برای نفوذ در افغانستان و تلاش چین برای جلوگیری از این موضوع به یکی از مهمترین مسائل پکن - واشنگتن تبدیل شده است. این موضوع سبب شده روسیه و چین به تفاهماتی موضوعی دست یابند. به باور برخی تحلیلگران، سازمان همکاری شانگهای با حضور روسیه و چین از ابتدا یک پیمان ضد آمریکایی بوده که سپر دفاعی موشکی را محکوم کرده است. چین نمی‌تواند اجازه دهد که انقلاب‌های رنگی در این منطقه رخ دهد و مانند روسیه وقوع این انقلاب‌ها را نشأت گرفته از خارج می‌داند که بیانگر سیاست آگاهانه برای کنترل چین می‌باشد (تمنا، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

چین از اینکه افغانستان که مجری سیاست‌های ناتو در منطقه باشد، رضایت ندارد و دور ساختن افغانستان از غرب و ناتو یکی از راهبردهای پکن است. در این میان غیبت راهبردی چین در افغانستان در کنار گسترده‌تر شدن نفوذ امریکا در افغانستان به‌عنوان یک تهدید جدی است و باید با راهکارهایی چون توجه به صلح در افغانستان مانع از حضور بیشتر غرب در کشور همسایه شد. به‌علاوه از نگاه چینی‌ها به‌دلیل چهره غیرموجه امریکا و غربی‌ها در افغانستان و چهره مثبت چین، فضا برای نقش سازنده‌تر پکن در افغانستان فراهم است. همچنین با توجه به اینکه قبلاً افغانستان از پکن برای ایفای نقش پررنگ‌تر در این کشور استقبال کرده، روابط میان چین و افغانستان در ده سال گذشته رو به گسترش بوده و علی‌رغم داشتن مرز کوتاه و کوهستانی با افغانستان، پکن در مورد تحولات افغانستان حساس است. در این بین موفقیت چین در میانجی‌گری بین کابل و طالبان می‌تواند نفوذ سیاسی چین را در افغانستان به‌عنوان بازیگر مهم افزایش دهد (شفیعی و صالحی‌دولت‌آباد، ۱۳۹۵: ۲۵-۴). چینی‌ها به‌دنبال دستیابی به منابع و ذخایر زیرزمینی افغانستان هستند، و یکی از اهداف چین از عبور دادن جاده علاوه‌بر واکنش به نقش پررنگ امریکا در افغانستان، دستیابی به منابع طبیعی افغانستان و رقابت پنهان با امریکا است.

هیلاری کلinton وزیر خارجه وقت امریکا قبل از مطرح شدن طرح ابتکار کمربند-راه چین، در سال ۲۰۱۱ یک طرح استراتژیکی و ترانزیتی را مطرح کرد (Clinton, 2011: 6). جاده ابریشم



آمریکا به‌عنوان یک مسیر اصلی بر توسعه حمل‌ونقل تأکید دارد که در مقابل ابتکار کمربند-راه چین قرار می‌گیرد. آمریکا با در نظر گرفتن اهداف و مواضع خود تحرکات چین را زیر نظر گرفته تا آنجایی که در مقابل طرح چین سعی در ایجاد جاده ابریشم خود با تمرکز بر افغانستان دارد. طرح آمریکا از ترکمنستان شروع و با گذر از افغانستان و پاکستان به هند می‌رسد که درصدد است علاوه بر انتقال انرژی از آسیای میانه به هند از طریق افغانستان سایر شبکه‌های حمل‌ونقل را مد نظر قرار دهد. نگاه دیگر این طرح به این نکته بر می‌گردد که اگر افغانستان به‌صورت پایدار در اقتصاد منطقه ادغام شود، علاوه بر جذب بهتر سرمایه‌گذاری‌ها و استفاده از منابع بالقوه‌اش می‌تواند مانع زیاده خواهی‌های چین نه تنها در این کشور بلکه در پاکستان و آسیای میانه شود (امیراحمدیان و صالحی‌دولت‌آباد، ۱۳۹۵: ۳۳). در حال حاضر ارتباطات میان آسیای مرکزی از طریق این طرح در جریان است؛ مثلاً برق ازبکستان و ترکمنستان بخش اعظم انرژی برق افغانستان را تأمین می‌کند و خطوط ریلی بین این کشورها توسط آمریکا ساخته شده است. آمریکا بیش از ۴۰ پروژه زیرساختی در قالب جاده ابریشم خود به‌منظور کاهش کارایی ابتکار کمربند - راه چین در دستور کار دارد. بخشی‌هایی از این طرح‌ها در سال ۲۰۱۵ با حضور سران این کشورها و مقامات آمریکایی افتتاح شد و آمریکا هدف از این طرح‌ها را کمک به کشورهای منطقه جهت بازسازی اقتصادی، توسعه سیاسی و جلوگیری از مداخله سایر بازیگران اعلام کرد (همان).

باراک اوباما رییس‌جمهور اسبق آمریکا بارها بر لزوم هرچه قاطعانه‌تر اجرا شدن این طرح آمریکا تأکید کرده است. در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا نیز جو بایدن، بر لزوم تحکیم زیرساخت‌ها و اقدامات لازم برای پیگیری و توسعه این طرح با هدف کمک به افغانستان، آسیای میانه و جلوگیری از برنامه‌های ضد محیط‌زیست چین که به زعم مقامات آمریکایی طرح ابتکار کمربند - راه چین چیزی جز بار آوردن خسارت‌های زیست محیطی نیست، تأکید داشت. بایدن در این موضع‌گیری ضعف ترامپ در کنترل چین در این منطقه را متذکر شده و جهت حمایت از طرح جاده ابریشم آمریکا خواستار توجه و افزایش سرمایه‌گذاری در این طرح شد. او تأکید کرد در صورت پیروزی در انتخابات، مانع اجرای برنامه‌های غیراستاندارد و غیرقانونی چین و ابتکار کمربند - راه خواهد شد (Aarthi, 2020).



## ۶. نتیجه‌گیری

بر اساس نظریه موازنه در صورتی که چین سیاست به‌دور از تنش را در پیش داشته باشد، آمریکا و سایر قدرت‌ها رفتار چین را مسالمت‌آمیز تصور کرده و درصدد رقابت با آن برنخواهند آمد. در این راستا چین که یکی از قدرت‌های عمده به‌حساب می‌آید با عبور جاده از افغانستان که حضور ابرقدرتی مانند آمریکا را در آن احساس می‌کند، خواستار کاهش منافع آمریکا در افغانستان است. از یک طرف آمریکا برای سلطه بر کشورهای آسیای مرکزی و کاهش سرعت روبه‌رشد چین به افغانستان به‌شدت نیاز دارد و از طرف دیگر چین برای رسیدن به قدرتی برابر با دیگر ابرقدرت‌ها و خصوصاً با آمریکا، خواهان کنترل این کشور و دور کردن واشنگتن از صحنه سیاسی افغانستان است. همچنین نفوذ گسترده هند در افغانستان چین را وادار به این امر می‌کند که به مشارکت دادن افغانستان در ابتکار کمربند-راه با نفوذ هند، مقابله کند، از سوی دیگر روسیه هم برای رقابت با قدرت‌های جهانی و چین خواهان کنترل هر یک از آنها است. با توجه به افزایش قدرت اقتصادی چین نسبت به روسیه، روس‌ها در پی جلوگیری از افزایش قدرت چین در افغانستان و به تبع آن خواهان قدرت بیشتر در آسیا و رقابت جدی با چین در آینده هستند. چین برای خنثی کردن قدرت رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و رسیدن به توازن قدرت با این بازیگران خواهان کنترل نفوذ آنها بر مناطق پیرامونی خصوصاً افغانستان است.

اینکه چین چگونه برخلاف ارزش‌های ایدئولوژیک خود ابتکار کمربند-راه را ارائه داده و پشتیبانی می‌کند در پرتو نظریه وابستگی متقابل قابل تحلیل است. چین به‌ظاهر معتقد است، مدل تازه روابط بین‌الملل باید بر مبنای احترام متقابل، برابری، عدالت، همکاری و منفعت دوجانبه باشد. طرح چین کشورهای واقع در مسیر تاریخی راه ابریشم را در خود گنجانده است و از این حیث تا حد بسیار زیادی در راستای اهداف و منافع کشورهای منطقه به‌ویژه ایران و افغانستان و تقویت نقش ترانزیتی آنها در سطح منطقه است.

در این مقاله با نگاه به افغانستان، به عرصه رقابت پنهان چین-آمریکا، چین-روسیه و چین-هند که هر کدام اهداف خاصی را دنبال می‌کنند پرداخته شد. چین در باطن رقیب قدرت‌های عمده جهانی است. بنابراین هند همسایه این کشور و متحد آمریکا با چراغ سبز آمریکا به نقش‌آفرینی بیشتر در کشور همسایه چین یعنی افغانستان پرداخته است. روسیه رقیب دیگر چین در افغانستان، بازیگری فعال در این کشور است. آمریکا اکنون خواهان مهار چین و ممانعت از رسیدن این کشور به جایگاه ابرقدرتی است. حضور طولانی‌مدت آمریکا در افغانستان، به چالشی اساسی در سیاست



خارجی چین تبدیل شده است. بنابراین دخالت چین در افغانستان در قالب ابتکار کمربند - راه مؤلفه‌ای مهم در بازی ژئوپلیتیکی جدید خواهد بود. گرچه ظاهراً بین هر چهار قدرت نوعی همکاری در جهت مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم وجود دارد اما این همکاری با هدف گرفتن نقش پیش‌دستی در موازنه با دیگر قدرت‌ها است. تلفیق راهبردهای این بازیگران بدین معناست که دولت افغانستان تحت تأثیر نفوذ قدرت‌های بزرگ جهت حفظ تعادل و موازنه قرار خواهد گرفت، قدرت‌هایی که تلاش دارند نفوذ خود در حوزه امنیت و حمایت از شرکای خود را به حداکثر برسانند (شراکت چین - روسیه و شراکت آمریکا - هند). وجود رقابت میان این قدرت‌ها بیانگر آن است که تضعیف هر کدام از آنها به معنای تقویت کنش‌گر دیگر است. چین و روسیه مخالف حضور آمریکا و هند در افغانستان هستند؛ بنابراین چین و روسیه با همکاری مصلحتی سعی در به دست آوردن توازن قدرت میان آمریکا و هند را دارند. از آن‌جا که افغانستان توان لازم برای مهار هیچ‌کدام از آنها را ندارد، با اتخاذ سیاست صحیح می‌تواند در عین همکاری با هر کدام از آنها منافع و مصالحش را با هوشیاری تأمین کند. آمریکا و سایر قدرت‌های جهانی که از قدرت‌گیری پکن نگران هستند، سعی در ادامه و گسترش حضور خود در مناطق حیاتی مثل افغانستان را دارند.

ایران و افغانستان، عنصر مرکزی در ابتکار کمربند - راه چین محسوب می‌شوند. انعقاد برنامه همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، افزایش روابط تجاری ایران و چین در مقابل غرب، از جمله در حوزه انرژی، موقعیت ویژه جغرافیایی ایران به لحاظ جابه‌جایی کالا و عبور خطوط لوله‌های نفت و گاز و زمان کوتاه مسیر به سوی اروپا و خلیج فارس از طریق خاک ایران در اقتصاد جهانی، مزیتی اساسی است. طرح کریدور شمال - جنوب یک فرصت بی‌نظیر اقتصادی و تجاری برای ایران است؛ از طرفی، برای تقویت و حمل کالای ترانزیتی در اسرع زمان با هزینه کمتر و ایمنی بیشتر، احداث خط آهن چابهار - سرخس ضروری به نظر می‌رسد. همچنین قرار گرفتن بندر چابهار در مسیر کریدورهای ترانزیتی شمال - جنوب و در نتیجه برقراری ارتباط ترانزیتی کشورهای روسیه، اروپای شرقی، مرکزی، شمالی، آسیای مرکزی و قفقاز از یک سو و آسیای جنوب شرقی، خاور دور، اقیانوسیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس از سوی دیگر، به عنوان یک مزیت برجسته برای ایران قلمداد می‌شود. به دلیل کوتاهی مسیر در کریدور شمال - جنوب و تجهیز امکانات و زیرساخت‌ها و فراهم آوردن امکانات و تسهیلات گسترده در بخش‌های مختلف حمل‌ونقل، مسیر ایران از جذابیت‌های فراوانی برای ترانزیت کالا برخوردار است.

## ۷. راهکارهای رسانه‌ای

طرح چین در مقایسه با طرح‌های قدرت‌های دیگر تا حدودی تأمین‌کننده منافع ایران و افغانستان و پاکستان است، اما تاکنون چارچوب حقوقی مشخصی در مورد طرح، بین ایران و چین مورد توافق قرار نگرفته است و جایگاه ایران در مقایسه با پاکستان در طرح چین، روشن نیست. برخلاف پاکستان که طرح‌های مختلف راه ابریشم به صورت شفاف بر روی نقشه ترسیم و ردیف اعتباری مشخصی نیز برای هر یک از طرح‌ها پیش‌بینی شده است، جایگاه ایران و افغانستان در ابتکار کمربند-راه چین در حد کلیات باقی مانده است. پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های مربوط به طرح کمربند-راه چین در رسانه‌های برون مرزی، ابعاد این موضوع تبیین و تشریح شود.

گزارش‌های خبری، تولیدی و میزگرد کارشناسی با حضور کارشناسان چینی، پاکستانی، افغانستانی و ایرانی برای معرفی و تشریح ظرفیت‌ها تهیه شود. از جمله ایده‌های جذاب، برنامه‌سازی است که در بخش رادیو چینی، دری و پشتو می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. تبیین ظرفیت‌های همکاری متقابل ایران، افغانستان و کشورهای منطقه در زمینه طرح چین به‌ویژه در زمینه کریدورهای ارتباطی زمینی و ریلی و اتصال منطقه آسیای مرکزی به ترکیه و اروپا و نیز خلیج فارس و دریای عمان از برنامه‌هایی است که می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

در برنامه‌سازی‌های رسانه‌ای و مذاکرات با طرف چینی، عبور از کلیات و ترسیم نقشه مشخص از جایگاه ایران و افغانستان در مسیرهای زمینی و دریایی و نیز اعتبار تخصیص یافته برای هر یک از طرح‌ها مطالبه شود. براساس اسناد منتشرشده تنها یکی از کریدورهای ترسیم شده از شمال ایران عبور خواهد کرد که این کریدور هم دارای مسیرهای جایگزین (رقیب) از مسیر دریای خزر است؛ لذا پیشنهاد می‌شود نقش ایران در کریدورهای مختلف برجسته و رسانه‌ای شود.

با توجه به انعقاد برنامه همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، باید بر روی موضوع عدم ذکر نام ایران در اسناد رسمی، پرداخت رسانه‌ای مناسبی صورت گیرد تا زمینه برای گنجاندن نام ایران در اسناد رسمی طرح چین فراهم شود. همچنین بر جایگاه سنتی ایران به عنوان بخش اصلی راه تاریخی ابریشم و این نکته که طرح چین بدون در نظر گرفتن جایگاه تاریخی و سنتی و موقعیت کنونی ژئوپلیتیکی و ترانزیتی ایران که پل ارتباطی شرق و غرب است، نمی‌تواند به موفقیت قابل انتظار و مطلوبی دست یابد و لزوم مشارکت ایران در احداث و راه‌اندازی و تداوم طرح چین، تأکید شود.

در رادیوهای چینی، دری و پشتو تأکید ویژه‌ای بر همکاری‌های مشترک با چین برای توسعه شبکه ریلی افغانستان و ایران و پاکستان صورت گیرد و استفاده از قابلیت‌های رسانه‌ای ایران برای





کاهش اختلاف پاکستان و افغانستان و اولویت همسویی با طرح چین برای مقابله با طرح‌های آمریکا، هند و روسیه هر چه بیشتر بیان شود.

در روند تهیه گزارش‌های خبری، برنامه‌های مستند و میزگردی در رابطه با طرح چین مناسب است از ادبیات و اشعار مربوط به تاریخ ماورالنهر، نقش تاریخی، فرهنگی و اجتماعی راه ابریشم در تبادل فرهنگ و اندیشه مورد استفاده قرار گیرد. در این راستا بر جایگاه راه ابریشم در کنار حوزه فرهنگی نوروز به عنوان بخشی از میراث مشترک و ناملموس مورد حمایت یونسکو و نقش آن در ایجاد همگرایی ملت‌های منطقه و بر نقش سازنده ایران در تأمین امنیت مسیر طرح چین از طریق مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی تأکید شود و کوشش شود این امر به عنوان یکی از دلایل مهمی که نمی‌توان ایران را از طرح‌های اقتصادی و ترانزیتی منطقه کنار گذاشت، به مخاطبین هدف منتقل شود.

طرح راه ابریشم آمریکا شامل ایران نمی‌شود، به آثار منفی حذف ایران از مناسبات منطقه‌ای در رسانه‌های برون مرزی به‌ویژه شبکه انگلیسی زبان پرستی‌وی و رادیوهای چینی و روسی توجه شود. در این راستا بر این موضوع تأکید شود که هم افزایی واحدهای مستقل سیاسی منطقه با یکدیگر نتایج مفیدی برای هر یک از این بازیگران به دنبال خواهد داشت. نشان داده شود که مداخله آمریکای استعمارگر در معادلات منطقه، در بلندمدت موجب ضرر کشورهای این مناطق می‌شود و با توجه به موقعیت سیاسی جغرافیایی چین و مزیت همسایه بودن آن با کشورهای منطقه طرح چین با موفقیت همراه خواهد بود.

شکل‌گیری مکانیسم سه جانبه ایران- افغانستان- هند برای توسعه بندر چابهار از اهمیت اقتصادی و استراتژیکی بالایی برخوردار است. با توجه به روابط هند و چین و هند و پاکستان، در جهت‌گیری رسانه‌ای در رادیوهای هندی، چینی، دری و پشتو به این موضوع توجه شود و از القای تقابل مکانیسم سه جانبه ایران- افغانستان- هند با توسعه بندر گوادر پاکستان یا طرح چین جلوگیری شود.

تهیه یک مستند رادیویی و تلویزیونی با موضوع «نقش و جایگاه گذشته و کنونی ایران در راه تاریخی ابریشم» به‌ویژه در شبکه پرستی‌وی از جمله ضرورت‌های رسانه‌ای است. در این خصوص اهمیت دارد مستندها و سایر آثار موجود مربوط به جاده ابریشم و نقش ایران در آن از طریق زبان‌گردانی در شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی برون مرزی استفاده شود. تهیه گزارش‌های خبری و برنامه‌های گفتگو محور با حضور کارشناسان چینی در رابطه با «نقش ایران در طرح چین» از





جمله ضرورت‌های رسانه‌ای است که علاوه بر پخش در پرس‌تی‌وی و رادیو چینی، در کانال‌های اردو، رادیو دری و پشتو، رادیو هندی و رادیو روسی نیز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.

تهیه گزارش‌های خبری و تولیدی از وضعیت و ظرفیت مناطق آزاد و بنادر ایران در دریای خزر و عمان (با تأکید بر بندر چابهار) و خلیج فارس و نقش آن در طرح چین، در دستور کار کلیه شبکه‌های برون مرزی به‌ویژه بخش چینی و پرس‌تی‌وی قرار گیرد.

رسانه‌ای کردن دیپلماسی فرهنگی و تعاملات و ارتباطات نخبگان و مراکز علمی، دانشگاهی و مطالعاتی ایران با کشورهای منطقه در احیای راه ابریشم مفید است. در این صورت می‌توان انتظار اصلاح ذهنیت‌ها، برداشت‌ها و کلیشه‌های نادرست و شناخت و آگاهی واقع‌بینانه از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کشورمان را در سطح «دیپلماسی رسمی» در ابتکار کمربند-راه چین داشت.

## منابع و مأخذ

- امیراحمدیان، بهرام و صالحی‌دولت‌آباد، روح‌الله (۱۳۹۵)، «ابتکار جاده ابریشم جدید چین (اهداف، منافع و چالش‌ها)»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۳۶-۴۲.
- تمنا، محمد (۱۳۸۷)، **بررسی استراتژی ایالات متحده آمریکا و افغانستان**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- توسلی‌رکن‌آبادی، مجید و شاد، محمد (۱۳۹۳)، «درآمدی بر تحول پارادایمی معرفت و تکوین انگاره پلورالیسم»، **فلسفه علم**، دوره ۴، شماره ۱، صص ۸۵-۵۳.
- تیشه‌یار، ماندانا، تویسرکانی، مجتبی (۱۳۹۶)، «مبنای ژئوپلیتیک راه ابریشم آمریکا و چین در آسیای مرکزی»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۹۹، صص ۲۵-۱.
- جمشیدی، محمد، خاتمی، حسام (۱۳۹۹)، «نقش ابتکار طرح یک کمربند یک راه در نظم نوین اقتصادی چین»، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۵۰، شماره ۱، صص ۲۰-۱.
- خداقلی‌پور، علیرضا (۱۳۹۶)، «ابتکار کمربند - راه چین و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال سی و یکم، شماره ۱، صص ۴۹-۱۷.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۲)، **سیاست خارجی آمریکا در آسیا**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- رفیع، حسین (۱۳۹۲)، «استراتژی آمریکا در تقابل با نفوذ اقتصادی سیاسی و امنیتی چین در آسیای مرکزی»، **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۱۹، شماره ۸۳، صص ۱۰۶-۸۱.
- سازمند، بهاره و رضائی، احمد (۱۳۹۸)، «منطقه‌گرایی اقتصادی در شرق آسیا: آسه آن + ۳ یا آسه آن+۶؟»، **فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک**، شماره ۱ (پیاپی ۵۳)، صص ۲۰۶-۱۸۰.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۲)، **نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل**، تهران: نشر سفیر.



شفاهی، مرتضی (۲۰۱۹)، «بررسی جایگاه افغانستان در طرح یک کمربند، یک جاده و تأثیر آن بر اقتصاد افغانستان»، **انستیتو مطالعات استراتژیک افغانستان**، قابل دسترسی در:

[https://aiss.af/persian/aiss/news\\_details/opinions/5d61295516140](https://aiss.af/persian/aiss/news_details/opinions/5d61295516140)

شفیعی، نوذر، و صالحی‌دولت‌آباد، روح‌الله (۱۳۹۵)، «تبیین دیپلماسی جدید همسایگی چین نسبت به افغانستان»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲۲، شماره ۹۴، صص ۱۰۲-۷۲.

شیدا، وانگ و کای، پیتر (۱۳۹۸)، **مجموعه مقالات چین، چشم‌انداز اقتصادی کمربندجاده ابریشم**، (ترجمه و ویراستاری زیر نظر ابوالفضل غیاثوند)، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، تهران: کتاب راهبرد.

علی‌بابایی، مجتبی (۱۳۷۰)، **موازنه قوا در روابط بین‌الملل**، تهران: نشر همراه.

فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۸)، **مثلت آسیایی چین هند و پاکستان**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۰)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، تهران: نشر سمت.

قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳)، **روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها**، تهران: نشر سمت.

کوزه‌گرکالجی، ولی (۱۳۹۷)، **نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی راه ابریشم چین**، (ابتکار یک کمربند- یک راه)، با تأکید بر چشم‌انداز و رویکردهای رسانه‌ای برون‌مرزی، واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون‌مرزی صداوسیما.

کوزه‌گرکالجی، ولی (۱۳۹۴)، **ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی؛ تعامل و تقابل با سیاست خارجی آمریکا**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

یزدانی، عنایت‌الله و شاه‌محمدی، پریسا (۱۳۹۳)، «بررسی وجوه مثبت و لزوم پویایی ایران در ابتکار کمربند اقتصادی از منظر مکتب کهنه‌ها»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲۰، شماره ۸۸، صص ۱۶۶-۱۴۱.

یزدانی، عنایت‌الله و شاه‌محمدی، پریسا (۱۳۹۵)، «ابتکار کمربند- راه: قوام نظریه هارتلند»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲۲، شماره ۹۶، صص ۱۸۸-۱۶۳.

#### منابع انگلیسی

- Brzezinski, Z & JJ, Mearsheimer (2005), "clash of the Titans", **Foreign Policy**, No. 146.

- Brugier, Camille (2014), "**China's Way: the New Silk Road**", European Union Institute for Security Studies, Available at: [https://www.files.ethz.ch/isn/182346/Brief\\_14\\_New\\_Silk\\_Road.pdf](https://www.files.ethz.ch/isn/182346/Brief_14_New_Silk_Road.pdf)

- Christina, Lin (2011), "China's New Silk Road to the Mediterranean: The Eurasian Land Bridge and Return of Admiral Zheng He", **ISPSW Strategy Series** 165, Berlin: ISPSW,

- Clinton, Hillary (2011), "Progress Noted, but Questions Remain over New Silk Road Initiative", **U.S. Department of State**, available at: [www.state.gov/secretary](http://www.state.gov/secretary).

- Clarke, Michael (2016), "One Belt, One Road and China's emerging Afghanistan dilemma", **Australian Journal of International Affairs** Issue, Vol. 70, No.5, pp. 563-579.



- Esteban, Mario and Otero-Iglesias, Miguel (2015), "What are the Prospects for the New Chinese-Led Silk Road and Asian Infrastructure Investment Bank?", Real Instituto Elcano, available at: <https://b2n.ir/u99459>

- Fedorenko, Vladimir (2013), "**The New Silk Road Initiatives In Central Asia**, Institute

Washington DC, at: [www.rethinkinstitute.org/wp-content](http://www.rethinkinstitute.org/wp-content)

- Jervis, Robert (1976), **Perception and Misperception in International Politics**, Princeton, NJ: Princeton University Press.

- Kaplan A.Morton (2003), **System and procces in international politics**, public: morality.

- Kuchins, Andrew and Sanderson, Tom, (2013), "Northern Distribution Network (NDN)", **Center for Strategic and International Studies** (CSIS), Available at: <http://csis.org/program/northern-distribution-network-ndn>

- Mersheimer, Johnt and Zbigniew Brezeznski (2005), "Clash of Titans", **Foreign Policy**.

Najam Rafique & Fahad Humayun (2012), "Washington and the New Silk Road: A New

Great Game in Asia", **Strategic Studies**, Vol. 31/32, winter 2011 & spring 2012, pp.1-18

- Mouritzen ,Hand (1997), "Kenneth Waitz: A critical Rationlist between International politics and doregn policy", iver b. Neumann and ole Weaver, (eds) **The Future of Interational Relation: Maters in making** , New York: NY: Rouhedge.

- Safi, alizad, Mariama, bismellah, (2018), "Integrating Afghanistan into the Belt and Road Initiative Review", Analysis and Prospects, **Friderich Ebert Stiftury**.

Swaminathan, Aarthi (2020), Biden is relentless on one China issue, finance: The New Silk Road, Available at: [https:// yahoo.com/news/biden-china-climate-change-new-silk- road-143657484.html](https://yahoo.com/news/biden-china-climate-change-new-silk- road-143657484.html).

- Waltz, K.N (1979), **Theory of International Politics**, New York: Random House.

-Zimmerman, Thomas (2015), "**The New Silk Roads: China, the U.S., and the Future of Central Asia**". Center on Inernational Cooperation, New York University, Available at: [www.business-standard.com](http://www.business-standard.com).





| فرم ارزیابی مقاله |                                                                                                       |         |        |               |
|-------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------|--------|---------------|
| ردیف              | معیار                                                                                                 | توضیحات | امتیاز | حداکثر امتیاز |
| ۱                 | تناسب عنوان با محتوای مقاله و رویکردهای نشریه                                                         |         |        | ۵             |
| ۲                 | نحوه طرح مسئله و ارتباط آن با موضوع                                                                   |         |        | ۱۰            |
| ۳                 | نحوه سازماندهی مقاله و ارتباط منطقی میان بخش‌ها                                                       |         |        | ۱۰            |
| ۴                 | روش مندی                                                                                              |         |        | ۱۰            |
| ۵                 | تحلیل راهبردی مسئله و تجزیه و تحلیل داده‌ها                                                           |         |        | ۱۰            |
| ۶                 | تبیین شاخص‌های رویکردی و رفتاری بازیگران                                                              |         |        | ۱۵            |
| ۷                 | تبیین سناریوهای محتمل درباره موضوع و نتیجه‌گیری                                                       |         |        | ۱۰            |
| ۸                 | دستیابی به یافته‌های کاربردی برای دستگاه‌های دیپلماسی عمومی کشور به ویژه رسانه‌های برون مرزی صداوسیما |         |        | ۱۰            |
| ۹                 | رعایت قواعد علمی نگارش                                                                                |         |        | ۱۰            |
| ۱۰                | اعتبار منابع و مأخذ                                                                                   |         |        | ۱۰            |
|                   | جمع امتیازها                                                                                          |         |        | ۱۰۰           |

## **Afghanistan's Position in the Chinese Belt-Road Initiative (With an Emphasis on Media Solutions)**

**Nowruz Hashemzahi<sup>1</sup>, Mohammad Atashdast<sup>2</sup>**

### **Abstract**

Afghanistan as China's neighbor, located in the heart of Asia which is important to global actors, including China. Afghanistan along with Pakistan are participating in the initiative. The main question of the present article is what are China's goals in passing the Belt-Road Initiative through Afghanistan? Using descriptive-analytical method and theoretical approaches of balancing, theory of international regimes and also theory of interdependence, this article seeks to explain the goals and actions of world powers, especially China in the political arena of Afghanistan and has considered the role of IRIB World Service media in covering this issue has been considered. According to the results, improving the economic situation in the restive Xinjiang region of northwest China, stabilizing China's economic and trade position in Central Asia, expanding China's economic influence in Afghanistan and Pakistan, and reviving China's traditional Silk Road position within a vast land and sea corridor with West Asia and Europe have been the motives and reasons for the formation of the China plan. Also because of competition with the great powers, China wants to minimize their role in Afghanistan and achieve a balance of power with them. Therefore, it seeks to gain the trust of Afghanistan and wants this project to pass through Afghanistan.

**Keywords:** Afghanistan, China, Belt-Road Initiative, IRIB World Service.

---

1. Assistant Professor, Department of Social Sciences and Communication, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

2. MA in Regional Studies, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.



**RIB's World Service Capacities in Promoting the Media  
Diplomacy of the Islamic Republic of Iran  
(Case study: Persian Gulf Region)**

**Masoud Nikraves<sup>1</sup>, Alireza Pouya<sup>2</sup>**

**Abstract**

Facing with the public opinions of Persian Gulf Countries is very important for Islamic Republic of Iran; since, on the one hand, there are extensive cultural relations between the nations of this region, and on the other hand, foreign and hostile media in the direction of Iranophobia have presented a black image of Iran to the public opinion in this region. Based on the pivotal position of IRIB World Service in the field of media diplomacy, this question is arised that what are the capacities of national media to improve the public opinions of the Persian Gulf region about Iran's position. Therefore, in this research, we try to study the capacities of national media to promote the level of media diplomacy of Islamic Republic of Iran in this region by using a semi-structured interview with twelve media, political and cultural experts of the Persian Gulf. The number of interviewees is based on targeted sampling method and theoretical data saturation. The findings indicate that the IRIB World Service has the capacity to take measures such as forming joint media assemblies, strengthening content production based on the tastes of the Persian Gulf audience, providing media training and effective communication with Iranians living in the Persian Gulf countries to take more steps to promote media diplomacy and ensure the national interests of the country.

**Keywords: Media Diplomacy, IRIB World Service, the Persian Gulf, Public Opinions.**

---

1. MA in Social Communication Sciences, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran.

2. Assistant Professor, IRIB University, Tehran, Iran.

## **Perspectives and Scenarios of the Taliban's Position in Future Afghanistan's Governance (with Emphasis on Media Approaches)**

**Zahra Mahmoodi<sup>1</sup>**

### **Abstract**

With the fall of the Taliban government in 2001, the group's presence in Afghanistan diminished, but over time, the Taliban strengthened their position and emerged as the strongest opposition player in the country, seeking to play an effective role in Afghanistan's future. The main question of the article is, what is the perspective of the Taliban's position in the future governance of Afghanistan? Accordingly, the main purpose of this article is to provide a perspective and analysis of scenarios related to the position of the Taliban in the future governance of Afghanistan. The theoretical framework of the article is Ibn Khaldun's theory of Asabiyyah. The research method is descriptive-analytical. The main hypothesis is that the Taliban's power in Afghanistan and in particular its influence and legitimacy, has increased since the signing of the peace agreement with the U.S as well as the atmosphere in the intera-Afghan talks. The findings show that the Taliban's position in Afghanistan's future cannot be ignored, and this group's interests must be considered in determining the country's future. It seems that the Taliban will pursue the issue of participation in power in the short term and during the intera-Afghan talks; but in the long run, it intends to seize full power in Afghanistan; the result will be the resistance of other groups and the continuation of insecurity in this country.

**Keywords:** Afghanistan, U.S., Taliban, Intera-Afghan talks, IRIB World Service.

---

1. PhD in International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.





## **Discourse Approaches of American Television Channels in Interview with The Iranian Seventh President**

**Ibrahim Soleimani<sup>1</sup>, MohammadAli Hormozizadeh<sup>2</sup>**

### **Abstract**

Interviews with executives from different countries are one of the strategies of the American media to challenge the policies of those countries in the global and domestic arenas. The present study aims to clarify the layers of hidden meanings in the texts of the interview questions of American television channels with Dr. Hassan Rouhani as President of Iran. The question is what are the discourse approaches of American television channels in this regard? Accordingly, eight full transcripts of interviews posed to President of Iran in the Eleventh and Twelfth Governments by the three channels CNN, NBC, and PBS were formulated and detailed based on discourse analysis of Laclau and Mouffe's. The result shows that the governing ideology of the American media under study, move towards a new articulation of discourse signs by de-articulating the discourse of the Islamic Republic of Iran domestically and internationally. In order to achieve this goal, these networks have used various types of techniques and created dualistic and hostile dualities. Efforts to legitimize the Zionist regime; Inducing a rift between officials and the people in Iran's internal affairs; Iran's support for Bashar al-Assad; The induction of the US superpower and Iran's need to build better relations with the United States and Iran's nuclear activities were identified as central implications of the main topics covered in the interviews.

**Keywords: American TV Channels, Discourse Analysis, Discourse Articulation, The Seventh President of Iran.**

---

1. MA in Social Communications, IRIB University, Tehran, Iran.

2. Faculty Member of IRIB University, Tehran, Iran.

## **The Military High-Ranking Officials Individual Criminal Responsibility in Cyber Aggressions and ICC Exercise of Jurisdiction over It (Proposing Media Approaches)**

Maryam Ostovar<sup>1</sup>, Mohammad Parszadeh<sup>2</sup>

### **Abstract**

All of the world's criminal justice systems have recognized the content of the criminal responsibility of individuals for the violation of the rules that accomplish with punishment. So, the individual criminal responsibility, both in civil law and in international law, is one of the total principles of law. The present article seeks to answer this question with a descriptive-analytical method: who is individually responsible for the cyber aggression? Findings of research represent that a computer network attack (CNA) can hardly be considered as an aggression crime in the category of existing aggressions of Article 8bis ICC Statute. But it seems that it can be examined as an aggression crime and the evident violation of United Nation Charter in ICC due to its nature, intensity and the range. According to the leadership clause contained in Article 8 bis (1) Statute: "persons who located at different levels of the military hierarchy, effectively accomplish these attacks, are " cyber warriors" and they would not be criminally responsible under Article 8bis but their superior is responsible if he has the requisite leadership clause. So, individual criminal responsibility only arises with regard to "a person in a position effectively to exercise control over or to direct the political or military action of a state".

**Keywords:** Cyber-Aggression, Individual Criminal Responsibility, Jurisdiction of ICC, IRIB World Service.

---

1. MA in International Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

2. Assistant Professor of International Law, Kazeroon Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

## **Security-Military Threats of the Coronavirus and Ways to Deal with: A Civil Defense and Media based Approach**

**Qiomars YazdanPanah<sup>1</sup>, Gholam Reza Ghadi<sup>2</sup>, Roghayeh Abbasi<sup>3</sup>**

### **Abstract:**

Examples of security and military threats to various countries include widespread pandemics that quickly make it difficult for governments to contain and manage crises. Accordingly, the focus of this study is on the prevalence of pandemic corona and the importance of the devastating effects of this disease on global health and security and the role of mass media. Even if the corona virus is not created with the goal of starting a full-fledged biological warfare, it can become a tool for use in biological warfare due to its high rate of spread and high mortality. Accordingly, the present study seeks to answer the basic questions that what are the main strategies to deal with emerging and unimaginable threats such as Corona, especially in the context of passive defense systems? Also, what is the role of the media in this regard? "Biological warfare", "security" and "media power" are the theoretical concepts used in this research. The research method is descriptive-analytical and its purpose is to explain the role of passive defense and media in corona crisis management. The results of the study emphasize that dealing with security threats arising from unexpected events is a serious issue and countries should consider it as a comprehensive biological attack and deal with it properly. In this regard, a set of measures in the context of timely crisis management and passive defense can be useful. The media also play an important role in providing the necessary training in the field of public care, observing different levels of health, and explaining the wide-ranging risks of corona virus to public opinion.

**Keywords: Corona Virus, Covid 19, Biological Warfare, Passive Defense, Mass Media, IRIB World Service.**

---

1. Associate Professor of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

2 . PhD Student in Communication, Islamic Azad University, Roodehen Branch, Tehran, Iran.

3. Master Student of Geography and Rural Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

## **Content Requirements of the Iranian Media Diplomacy in Russian-Speaking Regions**

**MohammadAmir Haghshenasi<sup>1</sup>, Kamal Akbari<sup>2</sup>**

### **Abstract**

Given the fact that, today, media are considered a very effective element in creating and strengthening convergence among nations, the current study seeks to identify the content requirements of the Iranian media diplomacy in Russian-speaking regions. For this reason, the present study has formulated the data obtained from 19 experts in the field of media and Russian-speaking regions through semi-structured interviews and content analysis techniques. The topics are explained under the three categories of the developments of the international system, the governing policies in the Central Eurasian region and the relations between the Russian Federation and the Islamic Republic of Iran. Based on the results, content production in Russian can be pursued in the audio, visual and virtual media abroad, while emphasis should be made on the topics such as culture-identity-religion commonality, Takfir (accusing another Muslim of apostasy), Western-American sanctions, Iran's special geopolitics, prevention of the promotion of regional and trans-regional extremists and pan ideologies, neutralizing regional and international common rivals and enemies' measures, as well as convergence on economic fields, etc. Furthermore, the development of overseas Russian Radio and the establishment of Russian Television abroad are recommended to strengthen the Iranian media diplomacy in the Russian-speaking regions.

**Keywords:** Media Diplomacy, Islamic Republic of Iran, Russian-Speaking Regions, Public Opinion, IRIB World Service.

---

1. MA in Social Communication Sciences, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran.

2. Assistant Professor, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Tehran, Iran.

## **Strategies for Promoting Public Diplomacy of the Islamic Republic of Iran for IRIB World Service**

**Ahmad Aminfar<sup>1</sup>**

### **Abstract**

The radio and television networks of IRIB World Service are among the most important sources and tools of public diplomacy and media in Iran in the regional and global arenas, which is one of the goals of promoting public diplomacy and soft power of the Islamic Republic of Iran. The purpose of this article is to present strategies for promoting public diplomacy of the Islamic Republic of Iran for IRIB World Service in order to have a more effective media presence in regional and global political and non-political processes as well as promoting Iran's soft power. Using the Delphi method, this research has been done in three stages. The opinions of 31 media experts and strategic planning model has been used. Based on this, the most important strengths, weaknesses, opportunities and threats for IRIB World Service and strategies have been written. The results of this study showed that competitive strategies are the most appropriate strategies for IRIB World Service radio and television networks in order to promote public diplomacy in the Islamic Republic of Iran. The most important strategy of this research is "creating a thought-provoking group of perception management and forming a team of special knowledgeable and experienced news editors in radio and television networks of IRIB World Service."

**Keywords:** Strategy, Public and Media Diplomacy, Soft Power, IRIB World Service.

---

1. PhD in Media Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

## **Supportive Diplomacy of the Islamic Republic of Iran towards the Republic of Azerbaijan from 1991 to 2020**

**Dariusz Safranezad<sup>1</sup>**



Vol. 5, No. 6

### **Abstract**

Historical, cultural and religious commonalities of the Republic of Azerbaijan with Iran have made this northern neighbor always at the center of Iran's supportive diplomacy. Accordingly, this article seeks to explain Iran's assistance to the Republic of Azerbaijan and answer these two main questions: What is the scope of the Islamic Republic of Iran's assistance to the Republic of Azerbaijan after the independence of this country in 1991 until 2020? What are the reasons for the efforts of the government and the media of the Republic of Azerbaijan to hide or reduce the level of Iranian aid to the Republic of Azerbaijan? To answer the research questions, the theoretical framework of supportive diplomacy and descriptive-analytical method have been used. The findings show that Iran has assisted Baku in at least 21 different national, bilateral, regional and international areas, as well as in the economic, cultural, political, defense, energy, development and other fields. Direct military assistance to the Nagorno-Karabakh conflict and the provision of energy resources required by the Nakhichevan Autonomous Republic are examples of such support. But despite Iran's assistance, the Azerbaijani authorities have tried to portray Iran as a security threat to public opinion inside and outside the Republic of Azerbaijan by creating fabricated narratives and concealing the assistance of the Islamic Republic of Iran.

**Keywords:** Supportive Diplomacy, Islamic Republic of Iran, Republic of Azerbaijan, Karabakh, Caucasus.

---

1. PhD in National Security Studies, Higher National Defense University, Tehran, Iran.

## **Resistance and Referendum; Criteria for Solving the Palestinian Issue based on the Views of the Iran Supreme Leader**

**(By Proposing Media Approaches)**

**Behnam Khosravi<sup>1</sup>, Shohreh Pirani<sup>2</sup>**

### **Abstract**

The issue of Palestine is one of the most important issues in the Islamic world. The present article seeks to answer the question: "What are the criteria for solving the Palestinian issue and ending the occupation of the Zionist regime from the perspective of the Supreme Leader of the Islamic Republic of Iran?" The article tests the hypothesis that "resistance and jihad, along with following up on holding a referendum, from Iran's point of view are solutions to the Palestinian issue and also complement to each other." Using note-taking tool to collect data from the speeches of the Supreme Leader and in-depth interviews with 15 experts in the field of Palestinian issues, the research method was descriptive-analytical. The findings of the article indicate that the Islamic Republic of Iran has emphasized the implementation of two strategies to solve the Palestinian issue: "Resistance and referendum". In addition to the military solution, Iran has also presented a juridical-political plan. The proposal to hold a referendum in Palestine to determine the juridical-political nature of the ruling government is a democratic plan of Iran proposed by the Supreme Leader and registered with the United Nations. In the intellectual system of the Leader of the Islamic Revolution, holding a referendum is due to resistance and he believes that the solution to the Palestinian crisis is jihad, which will eventually lead to the establishment of an independent Palestinian state.

**Keywords:** Palestine, Views of the Supreme Leader, Resistance, Referendum Plan, IRIB World Service

---

1. PhD student of Political Studies of Islamic Revolution, Shahed University, Tehran , Iran.

2. Associate Professor of Political Studies of Islamic Revolution, Shahed University, Tehran , Iran.

**Decline of the United States, Causes and Factors:  
Presenting a Dynamic Multilateral Interaction Pattern  
(By Proposing Media Approaches)**

**Hadi Khosroshahin<sup>1</sup>**

**Abstract**

The escalation of political tensions in the United States in the early decade of the 21st century, and events such as the rise of Trump in 2016 and the deadly attack on Capitol Hill, January 6, 2021, have raised the issue that what are the political and social roots of street politics and the radicalization of elite and mass groups in American society? Accordingly, in this article seeks to answer the main question using descriptive-analytical method, what are the main and focal sources of the decline of the United States and how can they be explained? This question is discussed through the theoretical framework of the model of dynamic multilateral interaction to determine the process of decline in the United States in an interaction between the decline of norms and patterns of behavior, the decline of political institutions, the monetization of politics, economic components and social strife. In fact, these components reinforce and complement each other in this interaction, and from the dynamic interaction between them, the decline of the United States emerges. In such a context, the possibility of reorganizing the agendas and functions of the political system becomes difficult.

**Keywords:** Decline of America, Dynamic Multilateral Interaction Pattern, Polarization, IRIB World Service Media Approaches.

---

1. PhD candidate in political science, University of Tehran, Tehran, Iran.



**Members of Editorial Board (in alphabetical order)**

- **Dr. Mohammad Hossein Ramezani GhavamAbadi** Associate Professor at Shahid Beheshti University (International Law)
- **Dr. Taher RoshandelArbatani** Full Professor at Faculty of management ,Tehran University (Media Managment)
- **Dr. Ardeshir Zabolizadeh** Associate Professor at IRIB University (Communication)
- **Dr. Ahmad ZabetiJahromi** Full Professor at the Radio and Television Faculty, IRIB University (Dramatic Arts)
- **Dr. Seyyed Mohamamd Marandi** Full Professor at Tehran University (North American Studies and English Literature)
- **Dr. Reza Mousazadeh** Full Professor, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs (International Law)
- **Dr. Davood NematiAnaraki** Associate Professor at IRIB University (Communication)

**Scientific Advisors (in alphabetical order)**

- **Dr. Amir Mohammad Haji Yousefi** Associate Professor at Shahid Beheshti University (International Relations)
- **Dr. Tavakol HabibZadeh** Associate Professor at Imam Sadiq (A.S) University (International Law)
- **Dr. Hassan Khojasteh Bagherzadeh** Associate Professor at IRIB University (Strategic and Radio Management)
- **Dr. Ali Rajab ZadehTahmasebi** Associate Professor at IRIB University (Art Research and TV Programs)
- **Dr. Mojtaba Razavi Toosi** Associate Professor at IRIB University (Islamic Education and Advertising)
- **Dr. Sivash Salavatian** Assistant Professor at IRIB University (Media Management)
- **Dr. Hakem Ghasemi** Associate Professor at Imam Khomeini (R.A) International University, Qazvin (Political Science)

**In The Name of Allah**



ISSN: ۲۸۷۰-۲۵۳۸

**Scientific Publication of  
International Media Research Letters**

Volum 5, Number 6, Autumn and Winter 2021

License Holder: **IRIB World Service**  
Managing Director: **Dr. Peyman Jebelli**  
Deputy of Managing Director: **Dr. Ahmad Kazemi**  
Editor-in-Chief: **Dr. MohammadGholi Minavand**  
Executive Manager: **Mahmoud Torabi Aghdam**  
Persian Editor: **Behnam Khosravi**  
English Editor: **Dr. Rahmat Hajimineh**  
Coordination of Distribution: **Soheila Nemati**  
Publisher: **IRIB World Service Applied Researches Center**  
Litography, Print & Binding: **Ghashghayi**

Editorial Office  
**IRIB World Service Applied Researches Center, Fifth Floor, IRIB  
Office Building, in front of the Bilal Mosque, Vali Asr Ave,  
Tehran, Iran. P.C. 1999713113  
Tel: 22167153  
Websites: <http://imrl.arc.irib.ir> and <http://arc.irib.ir>**